

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
موضوع: ...
تاریخ: ...

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران



Handwritten text in Persian script, likely a document or report, with some words underlined in red.



صورت مذاکرات شورای انقلاب

تیر ۱۳۵۸

سپهر

جلسه یکشنبه 1358/4/3

[حاضران: دکتر بهشتی، میناچی، مهندس جلالی، دکتر صدر، مهندس سحابی، شیبانی، خامنه‌ای، مهندس بازرگان، قطب‌زاده، هاشمی، مسعودی.]

[موضوع: لایحه دادگاه‌های فوق‌العاده ضدانقلاب]¹

بهشتی: [در لایحه] دادگاه‌های فوق‌العاده ضدانقلاب، قرار بود بند مربوط به کارخانه‌ها را برداریم.

شیبانی: مراجعه شد، قرار شد مجازات تعیین شود یا ماده برداشته شود.

میناچی: در قزوین تمام حقوق و مزایا را گرفته‌اند و مدیر کارخانه را حبس کرده‌اند که شش میلیون بدهید.

مهندس بازرگان: محیط وزارت کار از زمان مصدق هیچ‌وقت علیه کارگر کاری نمی‌کرد. کارگران درخواست بی‌معنی دارند.

قانون تشکیل دادگاه‌های فوق‌العاده تصویب شد.

بهشتی: ماده واحده (موسوی آمد)، ارسال شکایت کتبی در مورد کسانی که از مأمورین نظامی و ... از جرایم کبیره پس از انقضای مهلت، دیگر شکایتی پذیرفته نخواهد شد.

[موضوع: زمین:]

میناچی: یک لایحه گذرانید، لایحه، زمین معمولی صفر شد. زمین اوقاف که قیمت آن کم‌تر است (مهندس بازرگان رفت، مهدوی آمد).

بهشتی: چیزی که ملک نیست، وقف نیست. موات بالاصاله ملک نیست، آنها که دایر بوده (بنی صدر آمد).

خامنه‌ای: زمین را از چنگ افرادی که تصرف کرده‌اند، گرفته‌اید.

1. بر اساس این قانون، جرایم ضدانقلاب در دادگاه فوق‌العاده رسیدگی شده و محاکمات در اسرع وقت صورت می‌گیرد (کیهان، 1358/4/3، ص 2).

میناچی: تمام زمین‌های وقفی دایر بوده.

بهشتی: ایشان علف چَرا را اضافه کرده‌اند، ولی ملک نمی‌شود.

مهدوی: یا این زمین‌ها سابقه دایر بودن دارد، فرض که مقداری حریم باشد، حاکم می‌تواند تسع بگیرد اجاره.

بهشتی: فقط [به] جنبه اقتصادی نباید توجه شود. زمین مرتع، ملک نمی‌شود.

[موضوع: شوراهای شهر و روستا:]

جلالی: دکتر سحابی لایحه را تبدیل به اختیارات استان‌ها تبدیل کرده‌اند [تا] استان‌ها بعد از دولت مرکزی، خودشان عمل کنند. مسائلی که در شوراهای مطرح شده ده، بخش، حداکثر 15 نفر از هر بخش، یک نماینده به شهر، در استان، یک مجلس استان با انتخابات همه مردم تشکیل شود.

شیبانی: بد نیست.

قطب‌زاده: یک سلسله نماینده شهرهای مرکزی، نمایندگان شهرهای مرکزی عملاً می‌شوند نماینده استان. طرح ما این است که از همه جا بیاید.

جلالی: درست مثل انتخابات مجلس شورا منطقه‌بندی می‌شود.

خامنه‌ای: دو اشکال دارد: یک، شورای استان از شورای شهرها منقطع می‌شود و شورای شهرها (میناچی رفت) ممکن است از یک شهر، هم در شورای شهر و هم استان باشد دوم، چرا شورای شهر از استان جدا شود [؟] شهرها مصالح خاصی داشته باشند...

موسوی: اشکال دیگر هم دارد، جدا کردن درست نیست.

بهشتی: شوراهای دو گونه است، یکی مجلس شورای ملی، یکی مجلس استان. بعد شهرهای کوچک‌تر از شهرستان تا روستا.

مهندس سحابی: روال اولی [که] از شورای ده بیاید استان، ایده آل [است]، ولی تا حالا نشده؛ در هیچ جا نشده؛ اشکال عملی دارد. روستایی ها خیلی به مسائل وارد نیستند و عملاً شهری ها جلو می افتند و نتیجه مثل قبلی می شود. این طرح پیشنهاد شده برای مدت محدود باشد تا بشود از پایین اجرا کنند، بیایند بالا.

شیبانی: مطالب گفته شده تکرار نشود.

بهشتی: گفته شد مرکز استان از خودش انتخاب شود، بعد شهرستان و شهر؛ کامل ترش قرار شد در [...]

خامنه ای: منحرف نشده. شورای محلی در سطح وسیع عملی نبود. حالا اصل طرح مطرح است.

قطب زاده: از شهرستان شروع شود.

جلالی: نظر دکتر [این است که] اختیارات بیشتر به استان ها داده شود. آموزش و پرورش، در دانشگاه ها، با نظارت شورای استان، اختیار و آزادی عمل در اجرا دارند (دکتر صدر رفت).

بهشتی: شورای استان از نمایندگان مختلف شهرستان تشکیل می شود.

هاشمی: این شکل احتمالاً هماهنگی عملی بین استان و شهرها نیست.

بهشتی: هم استان و هم شهر با رأی مستقیم انتخاب شود.

رد شد. لایحه قبلی اجرا شود.

جلالی: آموزش عالی را اضافه کنیم.

بهشتی: آموزش عالی در استان بیاید.

آموزش عالی و راه سازی استان، جزو وظایف شورای استان شد.

جلالی: روی مصرف مالیات مستقیم هم نظارت کند.

قطب زاده: [در] هیچ استانی، مالیات مستقیم کفاف اداره آنها را نمی دهد.

بهشتی: شورای هر محل ضمن رعایت ... وصول مالیات مستقیم به جز مالیات های مربوط به درآمد ملی و مصرف

آن تصویب شد به اتفاق آراء.

تبصره: مادام که شوراهای شهرستان تشکیل نشده، شورای استان از نمایندگان شهر تشکیل می‌شود.

خامنه‌ای: باید به ادعای سازمان مجاهدین که گفته‌اند جاسوسی نبوده و شکنجه شده، جواب داد.

بنی‌صدر: آقای موسوی اردبیلی در رادیو کاملاً جواب داد.

بهشتی: ماده 17 اضافه کردم. در شرایط فعلی، اجرای این لایحه قانونی از شورای شهر شروع می‌شود و شورای استان از نمایندگان منتخب شهر تشکیل می‌شود.¹

1. شورای انقلاب در تیرماه 58، قانون شوراهای محلی را تصویب کرد. بر طبق این قانون، شهردار هر محل به وسیله شورای آن محل انتخاب می‌شود (کیهان، 1358/4/7، ص 4/7). همچنین فرمانداران و استانداران در حدود اختیارات و وظایف شورای شهرستان یا استان به اجرای تصمیمات این شوراها ملزم خواهند بود و انتخاب شوراها نیز صرفنظر از ویژگی‌های مذهبی، نژادی و زبانی صورت می‌گیرد. روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی، مصوبه شورای انقلاب در زمینه شوراها را "گامی دیگر در جهت تحقق حکومت مستضعفین" خواند (جمهوری اسلامی، 1358/4/7، ص 3).

شوراها را می‌توان ایده طالقانی برای تحقق حاکمیت مردم در ایران پس از انقلاب دانست. با این وجود، در زمان حیات وی این ایده اجرایی نشد. چند روز پیش از وفات طالقانی، هاشمی‌رفسنجانی از اعضای ارشد شورای انقلاب خواستار تسریع در اجرایی شدن قانون شوراها شده بود تا از این طریق، زمینه مشارکت بیشتر مردم منطقه کردستان در امور داخلی خویش فراهم شود (جمهوری اسلامی، 1358/6/15، ص 4). شخص طالقانی در آخرین خطابه خود در نماز جمعه، شورا را از اساسی‌ترین مسائل اسلامی دانست و گفت: شاید گروه‌هایی باشند که تشخیص دهند اگر شورا تشکیل بشود، ما دیگر چه کاره هستیم؟ شما هیچی! بروید سراغ کارت‌تان. وی افزود: اگر ما به جای پس‌گیری، پیش‌گیری می‌کردیم این مشکلات کم‌تر پیش می‌آمد. وی اظهار داشت: امام دستور می‌دهد یا ما فریاد می‌کشیم، دولت هم تصویب می‌کند، ولی عملی نمی‌شود (کیهان، 1358/6/18، ص 8). پس از درگذشت طالقانی هم انتقادهایی در زمینه عدم اجرای ایده وی مطرح گردید. مهندس بازرگان در مراسم گرامیداشت آیت‌الله طالقانی، در سخنانی کنایه‌آمیز که متوجه شورای انقلاب بود، از بی‌توجهی به ایده شوراها انتقاد کرده و گفت: طالقانی تا دم مرگ نگران بود که مبدا قانون اساسی آن‌طوری که مورد نظر امام خمینی و اوست، تدوین نشود (کیهان، 1358/6/21). یک روز پس از این سخنان، دکتر بهشتی در جلسه مجلس خبرگان قانون اساسی با اعتراض به سخنان بازرگان، پرسید: مقصود مهندس بازرگان از این سخنان چیست؟ لایحه شوراها که در شورای انقلاب به تصویب رسیده، چرا دولت آن را اجرایی نمی‌کند؟ این لایحه توسط شورای انقلاب دومه‌ونیم پیش، در تاریخ سوم تیر 58؛ به تصویب رسیده و به دولت ابلاغ شده بود (کیهان، 1358/6/22، ص 1 و 2). وی چندی بعد نیز با بیان این که چهره‌های خاصی به شایعه‌سازی و ایجاد جنگ روانی دست زده‌اند گفت: متخصصان جنگ روانی استنباطی را به وجود آورده‌اند که گویا ما مخالف شوراها هستیم؛ این در حالی است که ما معتقدیم شوراها می‌تواند عامل موثری در حل مسائل مملکت باشد و از این رو باید قانون شوراها اجرایی شود (جمهوری اسلامی، 1358/7/12، ص 1 و 2).

پس از آن لحن مقامات دولتی تغییر کرد. بازرگان با ابراز خرسندی از سخنان آیت‌الله بهشتی گفت: اگر به عقیده دکتر بهشتی نگرانی در تغییر یافتن اصول اساسی مدنظر طالقانی وجود ندارد، برای مرحوم طالقانی و هیأت دولت نیز آرامش خاطر فراهم خواهد بود

[موضوع: ماجرای سعادتی:]^۱

خامنه‌ای: الان می‌گویند شورای انقلاب خبر دارد سعادت‌ی شکنجه نشده.

بنی‌صدر: شورای انقلاب اعلامیه بدهد.

(کیهان، 1358/6/27، ص 2). روز بعد، وزیر کشور از تمهید مقدمات برای برگزاری انتخابات شوراهای ده، بخش و شهر تا اوایل مهرماه خبر داد. وی البته مدعی شد قانونی که در شورای انقلاب به تصویب رسیده و ابلاغ شده بود، قابل پیاده کردن نیست و ما در گزارشی به شورای انقلاب، خواستار اصلاحاتی ضروری در آن شدیم. وی افزود: یک ایراد قانون مصوب شورا این بود که کار را از تشکیل شورای شهر می‌دید و نه شورای ده یا بخش. وزیر کشور وعده داد اولین دوره شوراها را به نام آیت‌الله طالقانی نامگذاری می‌کنیم (کیهان، 1358/6/28، ص آخر). روزهای ابتدایی مهر، لایحه قانونی شوراهای شهر منتشر شد و فرایند برگزاری انتخابات نیز آغاز گردید (کیهان، 1358/7/4، ص 2). وزیر کشور اعلام کرد انتخابات شوراها در شهرهای بزرگ تهران، اهواز، اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد دو مرحله‌ای است و در آن نخست، شوراهای محلی نمایندگان خود را انتخاب کرده و سپس آنها، نمایندگان شوراهای شهر را برمی‌گزینند (کیهان، 1358/7/5، ص آخر). وی اعلام کرد دامنه اختیارات انجمن‌های شهرستان‌ها در حد جمهوری‌های کوچک خواهد بود (اطلاعات، 1358/7/5، ص 7). سرانجام پس از حرف و حدیث‌های بسیار، بیستم مهرماه ۱۳۵۸، انتخابات شوراها در بسیاری از شهرهای کشور برگزار شد. انتخاباتی که حواشی زیادی داشت و حزب جمهوری اسلامی نسبت به فرایند و نتایج آن اعتراضاتی را ابراز داشت.

1. پس از افشای جاسوسی سعادت‌ی برای شوروی، توسط سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، و ادعای مجاهدین خلق درباره شکنجه سعادت‌ی در زندان، آیت‌الله مهدوی‌کنی، رئیس کمیته‌های انقلاب صراحتاً اعلام کرد محمدرضا سعادت‌ی هرگز شکنجه نشده است (کیهان، 1358/3/30، ص آخر). اما مجاهدین خلق با رد سخنان مهدوی‌کنی، بار دیگر تأکید کرد سعادت‌ی 13 ساعت به صورت مداوم زیر کتک قرار گرفته و شکنجه شده است (کیهان، 1358/4/2، ص 6). آنان همچنین از کمیسیون حقوق بشر، نخست‌وزیر و شورای انقلاب استمداد کردند تا به 21 روز اعتصاب غذای سعادت‌ی توجه داشته باشند (اطلاعات، 1358/4/2، ص 12). علاوه بر این، نهضت آزادی به مجاهدین انقلاب اسلامی درخصوص بازداشت و اتهامات وارد شده به سعادت‌ی اعتراض کرد (اطلاعات، 1358/4/5، ص 12). حزب توده نیز "بازداشت‌های بی‌دلیل" همچون بازداشت سعادت‌ی را محکوم کرده و ابراز داشت: این شیوه‌های ضددموکراتیک تماماً در مورد حزب توده ایران نیز به‌کار رفته و می‌رود (اطلاعات، 1358/4/7، ص 12). خانواده‌های کشته‌شدگان سازمان مجاهدین خلق در بیست و پنجمین روز اعتصاب غذای سعادت‌ی در مقابل دادگستری تحصن نموده و به "بازداشت غیرقانونی، شکنجه و نحوه بازجویی از وی" اعتراض کردند (اطلاعات، 1358/4/7، ص 1 و 2). در حقیقت در روزهای آخر خرداد و اوایل تیر ۱۳۵۸ پس از یک ماه سکوت، ماجرای جاسوسی سعادت‌ی و حواشی آن در فضای سیاسی و مطبوعاتی کشور داغ شد و واکنش فعالان سیاسی را به‌همراه داشت.

خامنه‌ای: نمونه‌ای است که شورا باید انجام دهد. نظرمان را به این مطلب بگوییم، به مقاله [علی اصغر] حاج سیدجوادی جواب بدهیم؛ [چون] رادیو [آن را] خوانده. در [نشریه] جنبش نوشته حق اوست، در [روزنامه] بامداد نوشته ساواکی است، ولی شورا باید از خودش دفاع کند.

بهشتی: مجاهدین خواسته‌اند دولت و شورای انقلاب جواب بدهد.

هاشمی: قضیه جدید برای مجاهدین پیش آمده، انبار هتل‌ها را شکسته‌اند و خرج کرده‌اند. یک کامیون فرش از همدان آورده‌اند، 15 میلیون تومان سهام بی‌نام [که] هر لحظه قابل تبدیل به پول است. روز چهارشنبه به بانک می‌رود، 2400 هزار تومان، رفته‌اند طرف را بازداشت کرده‌اند. آقای سالور، احمد صادق و یک نفر رفته که طرف را آزاد کند، هادوی مخالفت کرده.

شیبانی: اسنادی آورده‌اند که تحویل داده‌ایم.

هاشمی: گاو صندوق را باز کرده‌اند، [در آن] صد میلیون تومان بوده. صورت مجلس [را] که بنیاد می‌نویسد آنها امضاء نمی‌کنند.

موسوی: نامه‌ای در داخل خودمان نوشته شود. به ما مأموریت داده شد، گزارش شفاهی داده شد، کتبی داده نشد. گزارش کتبی بدهید به آقای طالقانی. بنده (موسوی) [و] مهندس سحابی بنویسیم، بیاوریم اینجا [تا] شورا به اتکاء گزارش کتبی، جواب بنویسد.

بنی صدر: معطل نباید کرد. باید آنچه پیش آمده تذکر داد. این آقای به دستور سازمان تماس داشته.

بهشتی: نامه‌ای که برای دریافت گزارش نوشته شده بود، خواندند.

خامنه‌ای: این مطلب لازم نیست با طول و تفصیل باشد.

بهشتی: هادوی گفته 12 میلیون تومان اسناد خزانه بوده که 5 میلیون تومان آن وصول شده. اسنادی که آورده‌اند، 240 هزار تومان است. ولی می‌خواهیم با آنها کنار بیاییم که آنها محل‌های ما را تخلیه کنند. آقایان اگر می‌خواهند افشاگری کنند، فکرها معلوم شود، وگرنه...

خامنه‌ای: با استفاده به حسن نیت مهندس سحابی بگوئیم خیلی بی‌هوش می‌خواهد که شیوه‌های عمل آنها را بفهمیم. از اول روش کار آنها طوری بوده [مثل] مطرح کردن آقای طالقانی، تهمت بستن به شورای انقلاب، ادعای مسئله سعادت [به این که] چون می‌خواستند اسراری افشا کند او را گرفته‌اند. حوادث بعدی تأیید می‌کند، از جمله کاری که آقای هاشمی گفت. موضع ما در قبال گروه‌ها روشن شود. در مورد فدائیان، مجاهدین و سایر گروه‌های نظامی [و] سیاسی تکلیف را روشن کنیم. نباید مقابل خودمان قرار بدهیم.

سحابی: در مورد سازمان مجاهدین چند بار مطرح شده، نظرم را گفته‌ام. در مقام حزب خاص هر جور می‌شود با آن مقابله کرد، قلمی، اسلحه و غیره. در مقام رهبری مملکت و اداره کشور از موضع اولی نباید اقدام کرد. از لحاظ ایدئولوژی [و] روابط سیاسی، من هم با شما شک دارم. در مقام مسئولیت کشوری باید دید آیا [اگر] این سازمان له شود، خوب است یا نه [؟] اسلحه در دست فدایی‌ها هست، در دست افراد ناباب کمیته هست. آیا مصلحت است هر امکانی [را] که ممکن است طوری با آن مقابله کند، از دست بدهیم [؟] از نظر آینده کشور، صلاح نیست. این سازمان له شود [؟] باید مهار کرد. خود بنده با زور ناچیز و عقل ناقص خود تا حدی می‌توانم آنها را آرام کنم. ما یک بخش از [...]

بهشتی: همه از این دید نظر می‌دهند.

جلالی: اگر بشود قبل از این که هسته مرکزی سازمان را کاری کرد، جو ناآگاه را چه کنیم [؟] آنها را جدا کنیم که اعتماد این قشر وسیع از آنها رد شود.

خامنه‌ای: من خدا را شاهد می‌گیرم، از موضع کسی که مسئولیت کل کشور را احساس می‌کند، حرف می‌زنم. من وجود این وجود [موجود را] خطرناک می‌دانم. [آنها] دفاع از ما در مقابل فدایی‌ها نمی‌کنند و آنها در عرض فدایی‌ها هستند. سوم، در مقابل این همه خطر به این گروه پرشور نیاز نداریم. چرا [به گروهی پرشور نیاز داریم]، ولی این گروه اینها نیستند. گروه مجاهدین از درون خورده شده و [این] به دلیل مواضع بد آنهاست. گروه مسلحی که حق و آبرویی برای خودش قائل است و بخواهد در تمام مسائل دخالت کند و ما به حرف آنها توجه کنیم، بزرگ‌ترین خطر است.

بنی‌صدر: اگر آنها استالینیسیم را پیروی می‌کنند، دیگر لزومی ندارد از آنها دفاع کنیم. باید گفت [موضع آنها] اسلام نیست. هر روز یک کلک [به کار می‌بندند]، جاسوسی، دزدی، بردن مال مستضعف، دروغ بستن، این خودش خطر است.

قطب‌زاده: مارکسیست استالینست.

بنی صدر: نسل حاضر وسیله تمیز دارد. مجاهدین نه دسته شده‌اند. آقای طالقانی می‌گویند مجاهدین یعنی اینها. در حالی که میثمی و دیگران [هم] هستند. اخلاق منافق و ایدئولوژی آن از همه خطرناک‌تر است.

شیبانی: به زبان خودشان جواب بدهید. به آنها بگویید اگر اهل کار هستید، بیاید یک جا را معین کنید [و] کار کنید. قطب‌زاده: کاظم رجوی^۱ را شریفی گفت کثیف‌ترین فرد است.

بهشتی: جواب ندادن ما که به خاطر رعایت این نکته شما بود، با اعلامیه در روزنامه. جمعه گذشته [با] مسعود رجوی پنج ساعت صحبت کردیم. سرانجام گفتم به شما توصیه می‌کنم در مقابل مجاهدین انقلاب اسلامی برای تبرئه خود بگویید. روز شنبه نامه آقایان منتشر شد، موضع ما همین است که به نظرتان رسیده. [رجوی] گفت شورا به ما می‌گوید لب فرو بندید، گفتم از خودتان دفاع کنید. نامه‌ای به شورا نوشته‌اند و جواب خواسته‌اند. در پاسخ آقای مهدوی به شورا اخطار کرده‌اند.

سحابی: بگویید و همه طرف را توجه کند، [هم] تماس [مجاهدین خلق] با روس‌ها، [و هم] کار غلط مجاهدین انقلاب اسلامی [که] مدارک قضایی را که رسیدگی نشده منتشر کرده [و] تمام دلایل له و علیه را منتشر نکرده. دو لغتی [را] که ممکن بود به نفع آن باشد، حذف کرده. یک طرفه نباشد، در مقام بالاست.

بهشتی: مگر پرسیده‌اند درباره کار مجاهدین انقلاب اسلامی حرف بزنید [؟]

سحابی: گفته شد به آنها منتشر نشود. ما وظیفه داریم که منتشر نشود. هنوز در دادگاه رسیدگی نشده، پخش شود [؟] عمل سازمان مجاهدین در رابطه با شوروی محکوم [و] عمل مجاهدین انقلاب اسلامی که منتشر شده، محکوم شود.

بنی صدر: آخر آرام نگرفتی. منتشر شده که شکنجه کرده‌اند.

بهشتی: عمل زن سعادت را جواب بدهید، گفتند مسئول کار آنها نیستیم.

خامنه‌ای: دو جرم واقع شده؛ یکی به سرنوشت مملکت ارتباط دارد، یکی پرونده‌ای افشا شده. دو ماه در برابر جرم اول ساکت ماندید. گروه غیرمسئول که رقیب قبلی است، اخطار به ما کرد، بعد منتشر کرد. من نسبت به شما

1. کاظم رجوی (69-1313) برادر مسعود رجوی، اولین نماینده دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو.

(مهندس سحابی) یک صدم سوء نظر ندارم. بچه‌های سازمان [مجاهدین] انقلاب اسلامی بچه‌های خوبی هستند، همانند محمد حنیف، احمد رضایی و غیره. جرم بزرگی را در گرو افشاء [...] موسوی: هر دو گفته شود.

هاشمی: مجاهدین در این فاصله کار شروع کرده بودند [تا] زمینه آینده اتهام را از بین ببرند. در تمام محافل منتشر کرده بودند، سازمان سیا آبروی ما را ببرد. نواری از عرفات در قم آوردند که سازمان سیا چنین نقشه [ای] برای ما دارد. مس مس شورا سبب شده زمینه برعکس شود. اقدام [سازمان مجاهدین] انقلاب اسلامی دیر و خوب بوده. خودشان گفته‌اند شورا حق دارد ما را تقبیح کند.

قطب‌زاده: مسئله اساسی است. اگر قرار است تمام اصول گفته شود، تمام بازی‌ها گفته شود. تنها تماس با شوروی مطرح نیست. ما هم شده‌ایم نماینده سیا. در آخر با یک جمله گفته شد [شود] انتشار این مسائل توسط آن افراد چون زمینه قضایی داشته، درست نبوده.

سحابی: [ماجرای] سازمان سیا هنوز برای ما روشن نشده. کشف رابطه سعادت با شوروی‌ها معلوم نشده. بهشتی: گروه‌های مراقبت گذاشته‌اند دور جاهای حساس. [طبق] گزارش، اولین بار گروه مراقبت دور سفارت گفته. خامنه‌ای: در داخل سفارت امریکا دارند.

قطب‌زاده: اگر سازمان دولتی ما از روس‌ها اطلاعات کسب کند، حُسن سازمان اطلاعات است.

سحابی: در گزارش بازجوی دوم که نوشته شده، خوانده شود، یکی دزدی می‌کند، ولی در جرم سیاسی [در خصوص] هدف و انگیزه آنها باید قضاوت شود (قطب‌زاده رفت).

بهشتی: برای آن که حیثیت شورا و آقایان حفظ شود و حق از بین نرود، در اطلاعیه شورا می‌گوییم شورا به سه نفر مأموریت داد.

سحابی: تا کجا جلو باید برویم [؟ سعادت] چندین روز است اعتصاب کرده، مردن او وبال گردن می‌شود.

موسوی: محاکمه او چرا شروع نمی‌شود [؟]

هاشمی: قضیه به‌نام سازمان تمام شده.

بهشتی: آقای مسعود رجوی روز جمعه گفت غیر از مرحله اول با او کاری نکرده‌اند.

لایحه ملی کردن کارخانجات مطرح شد.

مهندس سحابی: بند ب اصلاح شود، بدین نحو...

بهشتی: لیست داده‌اند 20 تا 25 تا و 30 تا آنها را نوشته‌اند مصادره شده.

بنی صدر: پیشنهاد، بیمه هم ملی شود.

تصویب شد.

فقط آقای مهدوی گفت ضوابط شرعی در آن رعایت شود.

بهشتی: چیزی اینجا تصویب شده [که] به دولت لازم نیست ابلاغ کند.

بنی صدر: طرح آمده تصویب نشده، [اما] دولت اعلام کرد.

خامنه‌ای: ابتکار تبلیغات دست ما نیست.

سحابی: این جور چیزها با مقدمه‌چینی اجرایی اعلام شود. پول‌ها را نقل و انتقال می‌کنند.

بهشتی: به نظر شما مصلحت [است] این را منتشر کنیم، بدون این که با دولت مطرح کرده باشیم [؟]

[موضوع: تصویب قانون اساسی آینده:]

بنی صدر: شورا یکی دو جلسه برای تبلیغات به کار ببرد. این وضع قابل ادامه نیست. قانون اساسی منتشر می‌شود،

هر روز روزنامه‌ها پر از مخالفت است.

موسوی: وزارت ارشاد میزگردی می‌خواستند بگذارند راجع به قانون اساسی؛ با من صحبت کردند، گفتند بنی صدر

و سحابی بیایند؛ گفتند آماده‌ایم. [اما] با مخالفت آقای قطب‌زاده رو به رو شده. باید چنین چیزی انجام شود. با من

مخالف نیست.

بنی صدر: به تأکید به احمد آقا گفت (آقا) سخنرانی های بنی صدر در رادیو تلویزیون باشد. [قرار بود سخنرانی] راجع به شریعتی را پخش کنند؛ [پخش] نشد.

مهندس سجایی: وزارت خارجه 60-50 نفر بودند، خیلی قانع شدند. باید راه افتاد.

بنی صدر: رادیو تلویزیون هست.

موسوی: کار را شورای انقلاب بکند، افراد ثابت نباشد، از همین امشب یا فردا شب.

شیبانی: امامی برای گرداندن صحنه بسیار خوب است.

بنی صدر: اول مطلبی که سه نفر فرستاده، باهنر گفتند یک صفحه در [روزنامه] آیندگان است، راجع به کارهای ایشان (قطب زاده).

مهدوی: بنده هم عقیده ام بر این است که قطب زاده باید کنترل شود.

خامنه ای: ایراد به ایشان [این است که] تلویزیون بی محتوی است.

بنی صدر: در آیندگان نوشته است سرزده وارد اتاق قطب زاده شدم؛ صحنه ای دیدم که نتوانستم تحمل کنم.

جلالی: سندی بوده که از هلی کوپتر استفاده شده و مقداری پول مصرف شده به حساب قطبی گذاشته شده، فارسی ها در سند اصلی نبوده.

بنی صدر: مسئله ای در روزنامه منتشر می شود [که] نه شورا [و] نه دولت رسیدگی می کند.

موسوی: از طرف خودمان به رادیو تلویزیون گفته شود به مدت ده شب برای تبیین قانون اساسی می آیند آنجا. میزگردان آقای زید باشد، حسام الدین امامی، این کار مستقیم وظیفه ما است.

شیبانی: افراد لازم نیست حتماً همه از شورا باشند.

بنی صدر: طرف مخالف، مرتب علیه آن تبلیغ می کند.

بهشتی: در روزنامه، موافق و مخالف حرف می زند.

جلالی: در رادیو، دفاع از قانون اساسی هست.

بهشتی: هر شب نباشد، دو شب یک بار [باشد].

شیبانی: دکتر حاج سیدجوادی باشد.

موسوی: مخالف باشد یا نه [؟]

مهدوی: ضعیف نباشد.

خامنه‌ای: منوچهر هزارخانی^۱ باشد.

جلالی: باقر پرهام^۲ باشد.

بهشتی: زنده پخش نشود.

تصویب شد.

بهشتی: از طرف شورا، شما (موسوی) ابلاغ کنید، دو شب یک بار. میزگردان حسام‌الدین امامی باشد.

[موضوع: روابط شورای انقلاب و دولت موقت:]

بهشتی: وقتی شورا اکثریت دارد. پیشنهاد راجع به بیمه شد، قرار شد ملی شود. از نظر روزنامه‌نگاری و شورا مهم است اعلام شود. ولی چیزی که هنوز به دولت نگفته‌ایم، از طریق روزنامه باخبر می‌شود. دولت در ملی کردن بانک‌ها اعلام کرده. قبل از روشن شدن کار، ما مصلحت مملکت ندیدیم. اگر بر سر این لایحه تصویب شد [و] خواستیم تجدیدنظر بکنیم، آیا ما هم خطا مرتکب نشده‌ایم [؟]

خامنه‌ای: اگر چنانچه به نحوه ارائه خبر توجه شود، فرق می‌کند. شورا بانک‌ها را ملی خواهد کرد، عین خبر نوشته شود، اگر این‌طور باشد.

موسوی: همین حرف.

1. منوچهر هزارخانی (متولد 1313) نویسنده و منتقد ادبی.

2. باقر پرهام (متولد 1314) مترجم و پژوهشگر جامعه‌شناسی و فلسفه.

بهشتی: انتقاد به کار بازرگان این بود [که] مملکت در حالت عادی نیست. [در رابطه با] لایحه ملی کردن صنایع، چندین نفر در ارتباط من گفتند کارمان را تعطیل کنیم. نظر من این است تا مسائل قطعی نشود، اعلام نکنیم.

بنی صدر: یک دولت ضعیف، یک شورای مثل امام زمان غایب.

مهدوی: نواب خاصی ندارد.

بنی صدر: چنین فضای خالی، دست مخالفین را باز می‌کند. مقدار زیادی [از] کارهای دولت، [تحت] فشار شورا است. یک وقت از دست حاج سیدجوادی، یک دفعه از دست رجوی، خود دولت از وسط، و شورا بی‌اعتبار شده. خواستید نقص شورا را برطرف کنید، رأی به افراد دارید، فقط یک نفر مرتب می‌آید. تبلیغات ندارید. تصمیمات شما را نان و آب‌دار، خود دولت منتشر می‌کند. مسئله رهبری قوی لازم است. این شورا قادر به راه بردن نیست.

خامنه‌ای: نکته، درست است حرف بنی صدر.

بهشتی: حضور شورا در این است. اگر دولت، دولت رغبت است، به جای برادر در جهاد سازندگی، پدر ما را درآورده. آقای خمینی گفتند عملاً [دولت متعلق به] نهضت آزادی است. احساسات گروهکی ناجور وجود دارد. در مقابل، آقای خمینی حساسیت دارد. به نام بازرگان حساب باز کردند.

مهندس سجابی: چه کسی آن را طرح کرد [؟]

بهشتی: در روزنامه مطرح کردیم و بودجه خواستیم.

مهندس سجابی: مسئله مشخص نیست، من گردن مهندس بازرگان گذاشتم.

بنی صدر: موارد یکی دو تا نیست.

بهشتی: اگر شورا می‌خواهد حضور داشته باشد و دولت صمیمی با انقلاب است، حضور واقعی اش این است [که] دولت خوب بیاورد روی کار.

بنی صدر: بر فرض بیاید روی کار، چه کسی رهبری می‌کند [؟] آقایان [به] تلویزیون می‌روند و به حساب خودش [خودشان] می‌گذارد [می‌گذارند].

بهشتی: چه قدر کار روی آن انجام شده.

بنی صدر: شیبانی آخر وقت اطلاعیه مطبوعاتی منتشر کند [و اعلام کند که] شورا این کارها را انجام داد.



جلسه سه‌شنبه 1358/4/5

[حاضران: موسوی [اردبیلی]، شیبانی، سحابی، بهشتی، خامنه‌ای، میناچی، جلالی.]

لایحه تسریع در رسیدگی به اتهامات ضدانقلابی پرسنل ارتش و... (هاشمی، مسعودی، بنی‌صدر، باهنر آمدند).
شورای مؤسس بنیاد [مستضعفان] تصویب کرد آقای جلالی به‌جای آقای قطب‌زاده [باشد].

[موضوع: لایحه زمین:]

بهشتی: لایحه زمین مطرح شد، قانون لغو مالکیت اراضی موات.

موسوی: در کتاب‌های فقهی، [در مورد] زمین اصلی [که] روی آن کار نشده، یک وقت (مهدوی آمد) مالک داشته، حالا هم دارد، ولی فعلاً بایر است، جز قسم اخیر، تصرف آن اشکال ندارد.

خامنه‌ای: [اگر اول] مدعی مالکیت داشته باشد، دوم اثر عمران قبلی وجود داشته باشد، در این مورد فتوا نمی‌دهند؛ سابق فتوا می‌دادند. آقای بهشتی نظرشان این است ادله را نگاه کنیم و گردن بگیریم. من مراجعه کردم، به نظر اشکالی ندارد.

بهشتی: قبلاً نظرم این بود، ولی مال ده سال قبل است. باید رسیدگی کنیم.

موسوی: به فرض [که] خمینی چیزی نگوید، دیگران معلوم نیست حرف نزنند. اگر کلمه بایر را به موات تبدیل کنیم درست می‌شود.

[موضوع: ملی شدن بیمه‌ها:]¹

1. ملی شدن شرکت‌های بیمه از مصوبات مهم شورای انقلاب در روزهای ابتدایی تیرماه 58 بود و از سوی طیف‌های مختلف مورد استقبال قرار گرفت؛ چنان که روزنامه جمهوری اسلامی، آن را گامی دیگر در جهت تحقق اقتصاد توحیدی خوانده و خواستار تداوم اینگونه اقدامات انقلابی از سوی شورای انقلاب شد (جمهوری اسلامی، 1358/4/4، ص 1 و 2). این روزنامه ملی کردن شرکت‌های بیمه را معادل خارج شدن آنها از تملک و اختیار سرمایه‌داران قلمداد کرد (جمهوری اسلامی، 1358/4/6، ص 8). مدیرعامل بیمه مرکزی

بهشتی: قانون ملی شدن بیمه‌ها.

ماده یک: قانون ملی شدن.

دو: پروانه بیمه‌های خارجی، لغو [می‌شود].

سه: (قطب‌زاده آمد).

ماده شش: مدیران عامل مبحث تعویض.

ماده هفت: تابع مقررات استخدامی خود و از نظر حقوق، تابع دولت.

ماده هشت: پس انداز وام مسکن، مشمول قانون ملی شدن بانک‌ها [می‌شود]. این ماده را باید از تصویب این قانون استثناء کرد.

[موضوع: وضعیت دادگاه‌ها:]

بهشتی: گزارش دادگاه‌ها. امیرحسینی، آذری، بیژنی و موسوی، عده‌ای قاضی شرع و قضات بودند. طبق ترتیب 15 روز قبل، 10 شعبه بازپرسی که یک قاضی دادگستری در آن است و یکی دو جوان بازجو و بازپرس، 700 پرونده خواسته‌اند، رسیدگی مقدماتی شده؛ حس می‌کنند حدود 2000 پرونده دیگر، 2200 پرونده هست. عده‌ای غیابی، تا دو هفته، سه هفته دیگر به پرونده‌ها رسیدگی شده و بقیه روی غلتک دادرسی می‌افتد. سازمان فعلی آنجا، آذری دادستان، در جلسه 17 روز قبل گفته شد آذری دادستان و شش یا هفت نفر قاضی و از میان آنها، دادستان آینده آنها بیژنی را انتخاب کرده‌اند، موسوی انتخاب نشد. روز دوشنبه بعد از آن، آشتیانی، انواری و عده‌ای از علمای تهران به دنبال درخواست ورامینی و مبشری، آقای هادوی نمی‌رود. آقای مبشری، امیرحسینی را ابلاغ می‌دهد که قائم‌مقام آذری باشد. آقای امیرحسینی را آنجا نمی‌پذیرفت. به آقای آذری تلفن کردم [که] چرا فردای آن روز آقای موسوی را آوردی [؟] از ایشان خواستم (آقای آذری) مسئولیت تام را قبول کند. آقای ورامینی گفتند آقای امیرحسینی را برای کمک به کار دادگاه معین کردیم. دیروز با آقای بنی‌صدر رفتیم هم آقایان بودند، چند قاضی دیگر آمده،

اطمینان داد که اجرایی شدن مصوبه مزبور، برخلاف ملی شدن بانک‌ها، هیچگونه ضرری برای دولت به همراه نداشته باشد (انقلاب اسلامی، 1358/4/5، ص 1 و 12).

شده‌اند ده نفر (بازپرس) [و] قضات سیزده نفر. در موقع رسیدگی پرسیدند تکلیف ما چیست. بیژنی معاون قضایی، موسوی معاون اداری، دیگری چه، دو سه بار توجه نکردم. دفعه سوم و چهارم آنها شروع کردند. آقای امیرحسینی، آقای مکرری را آورده بود قاضی کند که روی آن حساسیت بود. معلوم شد دو کدخدایی است. آقای امیرحسینی و مکرری را خواستم، گفتم روی شما دو تا حساسیت است. در نتیجه قرار شد با سرعت کارشان را انجام دهند. میرمهدی وکیل است، قرار شد شعبه یازده باشد. صورتی دادند. [در خصوص] جریان حماد شیبانی^۱، آقای نبوی آمده، جزو صورت ما نبوده، متهم است تمایلات چپ دارد. پرونده حماد را بیژنی که معاون اداری است، رسیدگی [به آن را] به نبوی می‌دهد که دو برگ بیش‌تر ندارد [و] قرار آزادی صادر می‌کند. پریروز موقع آزادی، پاسدارها صدا می‌کنند که حماد را به تیر می‌زنیم و آذری، بیژنی و نبوی را اعدام می‌کنیم، ضد انقلاب هستند. او را با قرار کفیل 200 هزار تومان آزاد می‌کند. در جمع، استنباط من این است نگرانی بچه‌ها هست، بهترین (کتیرائی آمد) کار قضات دادگستری.

بنی صدر: گرچه موافقم بیژنی [و] نبوی درست کار کردند، ولی در اصل موافق نیستم. موسوی چه می‌کند [؟] نبوی گفت آقای عبدالعلی بازرگان آمده و دو نفر را که می‌خواستند ابوالعباس^۲ خارج کند تکذیب کرد و گفت دولت خواسته.

بهشتی: عبدالعلی را خواسته‌اند، خودش با خط خودش نوشته.

شیبانی: -

بهشتی: آقای هادوی، پدر حماد نامه نوشته است به دکتر یزدی، یزدی به هادوی نوشته ایشان را آزاد کنید 58/2/28 و نتیجه را اطلاع دهید. رابطه با عبدالعلی بازرگان. در نامه‌اش حماد می‌گوید با آورد در بخش رسیدگی شود (1) اهمیت موضوع مهمان عراقی، (2) اشیاء و لوازم نظامی و غیرنظامی موجود. این دو مهمان در چند دیدار کوتاه با من، مجموعاً بسیار کم‌تر از یک ساعت، از طریق مبارزان گُرد عراقی به‌عنوان فرار از عراق به ما معرفی شده‌اند. در دیدار با عبدالعلی بازرگان با ایشان در میان گذاشتم... ایشان ضمن این که حساسیت شرایط و موقعیت تحکیم امور داخلی را ذکر کردند، من گفتم سالم رسیدن آنها به مقصد لازم است. مهر خروجی زمان سابق در بسته‌هایی است

1. حماد شیبانی از اعضای چریک‌های فدایی خلق که همراه با سعادت‌تی دستگیر شده بود.

2. منظور، حماد شیبانی است.

که آورده‌ام. در دیدار یا گفتار تلفنی با عبدالعلی به همان شکل اول گفتند از کانال رسمی ممکن نیست، برای آنها بلیت خریدم و به فرودگاه بردم، به آنها گفتم از طریق سوریه ...

خامنه‌ای: محمد منتظری گفته است که کاغذ از دولت داشت؛ بخش دوم، وسایل آورده شده از سوریه به دنبال پیروزی خلق ... به ستادهای عملیاتی دشمن رساندم؛ بعد از گذشت چند هفته در انقلاب برای تغییرات بعضی شئون، بعضی وسایل که قبل از انقلاب قرار بود به ایران بیاید، به ایران حمل کردم؛ در فرودگاه از وسایل بازرسی می‌شد، کلیه اجناس را به انبار گمرک سپردم تا در فرصت مناسب به اخذ آنها اقدام کنم؛ چند روز قرار بود تهران نباشم یا از طریق کلمه امام فرودگاه یا نخست‌وزیری اقدام کنم؛ یکی از رفقا گفت اجناس فرودگاه کشف شده؛ از سوی دولت به ما اطلاع دادند؛ با عبدالعلی تماس گرفتم، بعداً مهندس احمدی، در بیان اطلاع آقای یزدی باید محرز باشد.

بنی صدر: چگونه می‌گویند پرونده نبوده [؟]

خامنه‌ای: بازپرس که پرونده در دست او بوده، دستگیر شود.

بهشتی: گزارش از ستاد فرماندهی پاسداران انقلاب 58/1/16، اظهارات نخست‌وزیری از طرف عبدالعلی: (1) [...] (2) پنج چمدان اسلحه، (3) از چریک‌های فدایی خلق، (5) اسناد وارد شده در نخست‌وزیری است، (6) عباس با شماره 656565 رفیق فاطمه تماس گرفته شد که او را تأیید کرده‌اند.

بنی صدر: چرا در اختیار بازپرس نیست [؟]

قطب‌زاده: حالا اینها رخنه کرده‌اند، نصف پرونده را برده‌اند.

بهشتی: اوراق دادگاه نیست، مال سپاه پاسداران است.

هاشمی: بنی صدر [و] یک نفر دیگر از طرف شورا رسماً اعزام شوند، از نخست‌وزیری مسئله را در بیاورند [که] فرد چه کسی است. پنج چمدان اسلحه پیدا شود، صورت جلسه شود، اسناد تکمیل شود، آنچه در پرونده است و درآمد معلوم شود. اگر قاضی مقصر شناخته شد، دستور بازداشت و محاکمه او [را] بدهند. کار خام نشود.

قطب‌زاده: تمام حرف‌های عبدالعلی در محکومیت طرف است.

بهشتی: طرف عبدالعلی چیزی نیست.

قطب‌زاده: به نفع عبدالعلی است.

بنی صدر: عبدالعلی (بازپرس گفته) آن دو نفر با موافقت ما خارج شده‌اند.

موسوی: تصمیم به پی‌جویی بگیرید.

هاشمی: آقای مهدوی خوب است.

مهدوی: من نمی‌رسم.

بهشتی: برخورد من با امیرحسینی، ایشان برخوردش با مسئله منطقی نیست.

بنی صدر: بازجوها صبح‌ها نامرئی هستند، شب‌ها مرئی می‌شوند. نقی می‌آید، دیگران می‌آیند. باید معلوم شود چه کسانی هستند.

هاشمی: آدم کلک نیست، دریچه اطمینان نیست.

بهشتی: مدیریت ندارد.

لایحه زمین مطرح است.

کتیرائی: ممکن است صندوق پس‌انداز مسکن را لایحه ملی کردن بانک بگیرد.

[موضوع: ادامه بحث ملی کردن بیمه‌ها:]

بهشتی: لایحه بیمه.

بنی صدر: ملی می‌شود در اینجا یعنی چه [؟] سهام خودش را نگه می‌دارد [؟]

مهدوی: بیمه با سبک نامشروع حفظ شود [؟]

بهشتی: ضمن قبول بیاید با رعایت آنچه مالکیت مشروع و مشروط می‌کند. تنها سرمایه اصلی آنها برگردانده می‌شود.

بنی صدر: سهام کسانی که به طور مشروع به دست آورده‌اند.

بهشتی: آقایان فتوا می دهند بیمه مشروع است.

مسعودی: پول.

[موضوع: ادامه بررسی لایحه زمین:]

قانون لغو مالکیت. زمین موات، ملک کسی نیست.

مهدوی: کسانی که بدون مجوز شرعی زمین‌ها را فروخته‌اند، پول آن را پس بدهند. طبق آن شرایط فروخته.

موسوی: راجع به تبصره، اگر کسانی زمین مفصل دارند، تفکیک و تقسیم نشود.

کتیرائی: چند نکته هست. موات بایر بود که مفصل تر است. یک قطعه زمین حداکثر سیصد متر بود، یک زمین کوچک و تعیین زمین‌های کوچک در هر منطقه، چون در تهران سیصد متر خوب است، ولی [شاید در] اردبیل، کم باشد.

هاشمی: بدترین جا همیشه اردبیل است.

کتیرائی: از این تاریخ به بعد منتقل کنند، زمین را نمی شود منتقل کرد. بگذارید منتقل کنند، قیمت پایین می آید.

بنی صدر: برای روزنامه ما زمین می دهید یا نه [؟]

کتیرائی: موات و بایر بودن. تعریف موات را روشن می گوئیم، خودمان بدانیم موات و بایر که به هم تبدیل می کنیم چیست [؟]

بهشتی: زمین‌هایی که اکنون عامر نیستند، دو نوع است: یکی هیچ وقت عامر نبوده، موات بالاصاله. یکی سابقه عمران دارد. موات بالاصاله را نمی شود معامله کرد. موات بالعرض که بعد از عمران افتاده، فقها اتفاق ندارند از مالکیت او خارج می شود. آقایان مراجع فعلی گفته‌اند اشکال دارد، نه مالکیت، نه عدم مالکیت. آقای خوئی^۱ نظرشان روشن است، روی زمین که کسی با احیاء مالک شده خارج شد از مالکیت، خارج. اگر زمین احیاء کرده، خریداری کرده، ارث، انتقال از دیگری، می گویند به ملک می ماند. آقای خمینی گفتند موات بالاصاله، در مورد دیگر گفتند

1. آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی (1371-1278) مرجع تقلید شیعیان در نجف.

عمل نشده. گفتیم عمل شده، رسیدگی کنیم، مسئولیت فقهی را در نظر بگیرد. آقای موسوی می‌گویند من مدارک دارم، اگر نظر من این شد.

موسوی: فتوا وسیله (دکتر صدر، دکتر احمدزاده آمدند).

بهشتی: زمینی که نگه داشته، بفروشد، اگر ارث نباشد و نخریده باشد، اشکال ندارد.

کتیرائی: حتی قبل آن هم آباد بوده.

بهشتی: رها کرده، قصد احیاء ندارد.

کتیرائی: نفهمیدم نتیجه چه شد. موات بالاصاله معطل چه می‌شود [؟]

بهشتی: خریداری را نمی‌شود گرفت و مال خودش است.

کتیرائی: زمین را خریده.

بهشتی: خوئی گفته احوط. خمینی گفته بکنید.

بنی صدر: خوب است در انقلاب اتفاق آراء لازم نبود.

بهشتی: گلپایگانی و دیگران اعلامیه می‌دهند.

کتیرائی: اگر زمین آباد بوده، خراب شده، دیگران خریده و ساخته‌اند، نمی‌گیریم. غیر آن موات است. برای شریعتمداری گفتم اگر زمین کسی دارد، پول داره و نتوانست بسازد، هر وقت زمین خواست به او می‌دهیم. اگر آباد نیست، باید مالک ثابت کند آبادی داشته است.

مهدوی: سند مالکیت، کاشف از آبادی نیست.

موسوی: موات عارضی آن است که...

بهشتی: در آئین‌نامه بنویسید هر زمینی که محرز نباشد عمران قبلی موات است.

کتیرائی: تبصره آقای میناچی نوشته اراضی غیردایر موقوفات تمام از مشمول این قانون مستثنی است و عمران آن طبق لایحه مصوب 1358 است.

مهندس سحابی: اراضی موقوفه، اگر آن لایحه قبلی اجرا شود، خیلی سوء استفاده‌ها جلوگیری می‌شود. اراضی وقفی ارزان‌تر بوده؛ اگر مستثنی شود خوب است، چون دست دولت است (هاشمی رفت).

شیبانی: اداره این زمین‌ها به عهده اوقاف باشد.

بنی صدر: اوقاف، زمین شهری ندارد.

خامنه‌ای: مقصود لایحه این است که بورس بازی نباشد. این کار با این لایحه تأمین است. اوقاف را نباید تهی دست کرد.

باهنز: اراضی موات می‌توانسته موقوفه بشود. از اول شامل نمی‌شده.

خامنه‌ای: فرض نکردیم موات بالاصاله است، موات بالعرض است، آباد بود، وقف کرد، نمی‌توانید ثابت کنید.

مهدوی: وقف‌ها بعضی سابقه مالکیت دارد، بعضی حریم است.

موسوی: تغییری باید آورد، مناقص صدور ذیل نباشد، وقف از آن خارج است درست نیست.

بهشتی: زمین‌های وقفی که به اجاره داده شده یا می‌شود، از آنجا که در تصرف دولت است، مستثنی است. مواد یدکی، باتری و غیره که مردم وارد نمی‌کنند، دولت وارد کند.

احمدزاده: وسایل آنقدر زیاد است [که] امکان وارد کردن ندارد، آهن، لاستیک، برنج بی‌بی‌سی و غیره، خیلی‌ها اقدام شده، دکتر صدر اجازه داده.

دکتر صدر: وضع لاستیک با 15 روز قبل فرق کرده، قیمت پایین آمده.

مهندس سحابی: ایران ناسیونال ممکن است لنگ شود.

احمدزاده: در انبار هست شرکت توزیع فولادی که فراری است، توزیع نکرده.

بهشتی: غیوران تا بیاید شرکت ایجاد شود حاضر است باتری را بگیرد.

دکتر صدر: با دو دسته مواجه هستیم. تولیدکننده می‌گوید نه تنها مصرف ایران [که مصرف] روسیه [را] هم می‌دهم. واردکننده می‌گوید نمی‌توانند. هردو دروغ می‌گویند. یک عده مؤمن می‌آیند که حل کنند، ولی نمی‌توانند. من آقایان (دکتر سحابی آمد) دو دسته را جلویم می‌نشاندم. یکی از اشکالات، کیفیت مصنوع داخلی است.

بهشتی: وسایل یدکی کارخانجات، مواد اولیه اگر نرسد ضربه به انقلاب می‌زند. دست واسطه در کشورهای دیگر با پول دولت اقدام کند، ولو ضرر کند. لایحه اگر لازم است بیاید. سیصد میلیون ضرر باشد، اشکال ندارد.

دکتر صدر: بنده، احمدزاده و عالی‌نسب بنشینیم (دکتر صدر، احمدزاده رفتند).

مهدوی: در مورد لایحه زمین، کسانی که قبلاً خریده‌اند از مالک باید پولشان را پس بگیرند.

بهشتی: لایحه زمین موات یک قطعه زمین کوچک به جای 300 متر.

تصویب شد، با 9 رأی تصویب شد.

[موضوع: تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی:]

بهشتی: پولی مال انجمن شهر تبریز بوده است. لایحه انتخاب شد رأی ... قبل از طرح‌های انقلاب، دیگران هم روی قانون اساسی مطالعه کرده‌اند.

دکتر سبحانی: نظراتی دارم. برگزاری فراندوم لازم نیست ذکر شود به منظور بررسی نظریات راجع به قانون اساسی.

بهشتی: به منظور اظهارنظرهایی که درباره متن قانون اساسی که قبلاً تنظیم و در مراحل مختلف بررسی شده، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تهران تشکیل می‌شود.

ماده 2: عمده اعضاء 75 نفر است، با رأی مستقیم مردم توسط وزارت کشور.

دکتر سبحانی: (مسعودی رفت) عمده طرز تقسیم‌بندی است، یا در ماده سه ذکر نشود. یک چیز کلی باشد [که]

اختلاف شدید نشود. اصولاً گفته شود حداقل نمایندگان استان‌ها دو نفر، به تناسب هر یک میلیون نفر اضافه، یکی

اضافه شود. حداقل استان‌ها دو نفر، تهران هفت نفر، و تبریز و خراسان پنج نفر.

بهشتی: اشکال این است استان [با جمعیت] 400 هزار نفر، دو نماینده [دارد]، یکی که 1/300 [میلیون نفر جمعیت

دارد هم] دو نفر [نماینده دارد].

دکتر سبحانی: اثر خارجی که استان 400 هزار نفری است، یک واحد استانی حداقل دو نفر داشته باشد.

موسوی: استان‌هایی که یک نفر باشد، پنج استان است. آذربایجان با خراسان هر کدام هفت نفر.

دکتر سبحابی: یک نفر زندگی دارد. تهران هفت، خراسان چهار، آذربایجان غربی چهار ...

قطب‌زاده: تنها دلیل یک نفر زشت است، معیار اگر انسان‌ها باشد خوب است. تعداد نمایندگان زیادتر، استان بایر که عملاً جزو ندارد، تعداد آنها هفت تا اضافه کنیم، جای هفت آدم وارد را بگیریم.

بهشتی: تهرانی که قدرت انتخاب بیش‌تر دارد، کم‌تر می‌شود.

سحابی: اضافه کردن استان‌هایی که جمعیت نامعین است، ضابطه دیگر هم بود، مساحت استان‌ها، جمعیت متوسط تعداد در کیلومتر آنها که از متوسط پایین است، هر 500 هزار نفر پایین یکی به نسبت خاک زیاد. بلوچستان و فارس که سکنه کم است، به علت عدم عمران خالی از سکنه شده. حق زیادی به تهران بدهیم، سکنه آنجاها هستند. سرزمین بلوچستان 500 هزار نفر روی قاعده یک نفر می‌رسد.

خامنه‌ای: استدلال شما درست.

جلالی: اساس که مطرح شد، جمعیت کم، پراکندگی زیاد، انتخاب یک نفر، مدخلیت مشخص در شناخت فرد کم می‌شود. اگر تراکم باشند، جمعیت بیش‌تر به تعداد کم‌تر رأی بدهند [با] شناخت بیش‌تر.

خامنه‌ای: همین حرف است. اگر منطقه را دو بخش می‌کردید، نظر تأمین بود. کل استان رأی ناشناخته است.

دکتر سبحابی: چون یک مورد پیش می‌آید باید رعایت شود، [به] نظایر توجه شود. بحث راجع به سیستان و بلوچستان بود، یک نفر در آنجا می‌شود.

بهشتی: کردستان و بلوچستان دو نفر است.

جلالی: سمنان حدود چهار صد هزار جمعیت دارد، وسعت آن زیاد است، پراکندگی زیاد است (قطب‌زاده رفت).

بهشتی: عده اعضای [مجلس] با اقلیت‌های مذهبی 75 نفر است که وزارت کشور بنا بر تعداد جمعیت و ضوابط جغرافیایی تعیین می‌کند.

خامنه‌ای: در مورد سن رأی‌دهنده، 18 سال باید باشد و 16 ساله در این مورد درست نیست.

بهشتی: ملاک این که 18 سال سن بهتر بوده در بیست سال قبل [لحاظ شده بوده]. شانزده ساله فعلی از شانزده ساله قبلی رشدشان بالاتر رفته است.

موسوی: شانزده ساله می آید رأی می دهد، جلو آن را می گیرید، نمی شود.

شیبانی: هجده سال بهتر است.

تصویب شد شانزده سال رأی بدهند.

تصویب شد سی سال سن [انتخاب شوندگان] باشد.

بهشتی: روی دو مسئله صحبت شد. اکثریت یا همه آقایان معمم باشند. عده زیادی مخالف بودند. مجلس باید از گروه‌های مختلف باشد.

مهدوی: در حزب علما راه ندادید.

بهشتی: [حضور] قشرهای مختلف [در مجلس از آن جهت بهتر است که] در جلسه‌ای که بنی صدر و یک کارگر و کس دیگر صحبت می کرد، برای من محسوس بود [که] کارگر، مطالب و روحیات خاص او را بهتر مطرح می کرد. قانون اساسی برای ملت است. حضور مردم لازم است.

دکتر سبحانی: این استدلال دلیل نمی شود. گفته شد مجلس خبرگان است، ملاک داشته باشد. نظریاتشان را تاکنون حدود 600 تا داده‌اند. عده‌ای اینها را انتخاب کنند. [اگر] معلومات عمومی که امروز هست، نداشته باشد چگونه قضاوت کند [؟] خود بنده نظر نداشتم [انتخاب شونده، حائز مدرک] لیسانس باشد؛ [معتقد بودم] حداقل دیپلم باشد. ولی در وزارت کشور گفتند اگر موافقت با لیسانس دارند، چه بهتر، وگرنه حداقل معلومات باشد.

موسوی: شرط تیترو مضر است، خبرویت خوب است، شهری باشد، دهاتی نباشد.

خامنه‌ای: آنجا ملاک نادرست است. کارگر را درست نمی دانم. چیز دیگری است بر اساس ضوابطی (کتیرائی، دکتر سبحانی رفتند).

ماده 4: به کلی برداشته شد. وکلا، وزرا ... از تاریخ 15 خرداد 42 تا 22 بهمن 57 حق رأی ندارند، ارتشی‌ها حق انتخاب شدن ندارند برداشته شد... افسران شاغل در حوزه، بعد از شهرداری افسران شاغل در نیروهای انتظامی، در ارتش، ژاندارمری و شهربانی به اتفاق آراء تصویب شد.

6) بقیه‌اش تصویب شد.

انجمن نظارت و غیره شورا به مجلس تبدیل شود.

تشکیل مجلس بررسی قانون اساسی مدت رسیدگی یک ماه باشد.

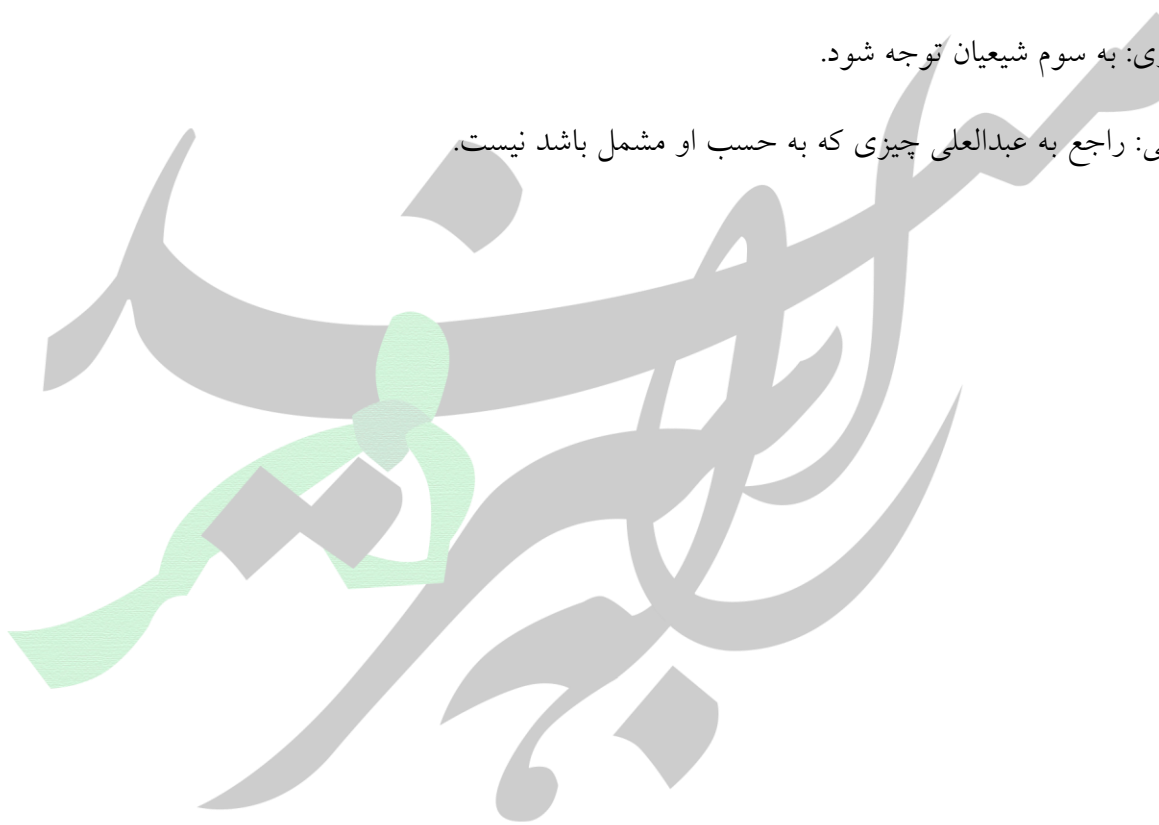
بنی صدر: موسولینی^۱ مجلسی تشکیل داد و گفت در عرض یک ماه [کار را تمام کند].

بهشتی: تصویب شد، یک ماه مدت رسیدگی با اکثریت دو سوم تصویب شد که به اصلها رأی دهند.

خامنه‌ای: نامه شورا برای روز پاسداران.

مهدوی: به سوم شیعیان توجه شود.

بهشتی: راجع به عبدالعلی چیزی که به حسب او مشمل باشد نیست.



1. بنیتو موسولینی (1883-1945) رهبر فاشیست‌ها و نخست‌وزیر ایتالیا در فاصله 43-1922.

جلسه پنجشنبه 1358/4/7

[حاضران: مهندس سحابی، شیبانی، هاشمی [رفسنجانی]، بهشتی، موسوی [اردبیلی].

در کمیسیون لوایح، لایحه استثناء از مضمون ماده 116 بانک‌های ملی شده تصویب شد. ضریب جدول پایه حقوق ماهانه اعضای رسمی تصویب شد (بنی صدر 8/20 آمد).
در قانون شوراها هم سن انتخاب‌کننده 16 سال شد.

[موضوع: پرونده حماد شیبانی:]

بنی صدر گزارش پرونده حماد شیبانی (ابوالعباس) را قرائت کرد: (1) بازپرس مدارک را نخوانده، (2) بازپرس دادسرای تهران خواسته زودتر رسیدگی شود، (3) متهم اقرار دارد اسلحه و ... دو عراقی را وارد کرده است، اگر عادی بوده نباید توقیف شود، وگرنه رسیدگی فوری لازم بود... بازپرس می‌دانسته پنج جامه‌دان اسلحه و غیره وارد کرده. چون در پرونده نبود که عبدالعلی گفته باشد او را آزاد کنند، مراجعه نکردیم.

موسوی: وسایل کجاست [؟]

بنی صدر: علی‌الظاهر در فرودگاه است. آیا ارزش دارد چندین هفت تیر را ببینیم [؟]

هاشمی: گفتند در نخست‌وزیری است.

موسوی: به بازپرس تذکر داده شود [که] چرا پرونده را این‌طور رسیدگی کرده [؟] اگر پرونده و این تعقیب، احتمال داده می‌شود بی‌جا وارد شده و آزاد شده، مجدداً بخواهند و جواب در سطح روزنامه‌ها داده شود.

بهشتی: راجع به مجاهدین چه کردید (این تمام شود، بعد آن یکی).

هاشمی: از بازپرس خواسته شود چرا این کار را کردید.

باهنر: اشکال متوجه بازپرس است.

بنی صدر: اگر قابل تعقیب نبوده که نباید دنبال می‌کرد.

هاشمی: در صلاحیت دولت نبوده، دادگاه انقلاب است.

بهشتی: جزو جرایم ذکر شده نیست. مبانی روشن شود.

موسوی: می‌گویند این دو نفر که فرار داده، در [ماجرای] سندج دست داشته‌اند.

جلالی: راجع به رها کردن فرمانی‌ها چه کردید [؟]

بهشتی: از بازپرس باید پرسید اگر خود را صالح نمی‌دانستی، رها می‌کردی.

هاشمی: قطعاً باید برویم رسیدگی کنیم.

بنی صدر: اگر گفت دکتر یزدی نوشته آزاد کنید، دولت انقلاب، معاون امور انقلاب می‌نویسد آزاد کنید جرم نمی‌داند.

هاشمی: فعلاً او را برگردانیم. این کار در مورد عسگری زاده انجام شد.

موسوی: دو سه مسئله کوچک است.

بهشتی: [در مورد مجلس بررسی قانون اساسی]، تا 500 هزار نفر یکی اضافه، 500 هزار یک نفر، تعداد 73 نماینده شد. کار پاسداران چون اشکالاتی پیدا کرد، اقدام کردم. آقای دانش که رفت، غرضی، دانش و صباغیان با آنها صحبت شد، در جلسه مشترک هر دو گروه تشکیل شد، مفصل صحبت شد، در تهران معاون و فرمانده تهران باشند که اصطکاک داشت (مهندس بازرگان آمد). منصوری یک ضعف‌ها و یک قوت‌هایی دارد؛ در بعضی موارد پختگی ندارد، فعلاً جلو برود. [در مورد] جذب افراد جدید قرار شد یک نفر از طرف شورا بصورت بازرس پیگیر انتخاب شود، غیر از آقای هاشمی، که اگر اختلاف پیش آمد، ریش سفیدی کند.

موسوی: راجع به مجاهدین گزارشی نوشتم. مطالبی که به آنها گفتم و آنها گفتند، مثل این است که موضوع دارد از بین می‌رود. اصل موضوع تعقیب شود. [یک] آدم اعتصاب غذا کرده.

سحابی: باید برود زیر نظر دکتر باشد.

بهشتی: به هر حال اعلامیه شورا لازم است.

مهندس بازرگان: صنایع نوع الف را حذف کرده‌اند که گفته‌اند در عین حال ملی است (دکتر صدر آمد 9/45).

بهشتی: گزارش وضع دادگاه‌ها را برای مهندس بازرگان دارند [دادند].

بنی صدر: یک وقت از پایین به بالاست، یک وقت از بالا به پایین است. صحیح این است که دادستان آنها را معین کند. یک مورد آن را دیدیم. لازم است نظارت جدی در آنجا بشود.

بهشتی: کسی را پیدا کنید. آقای امیرحسینی به درد این کار نمی‌خورد (آقای مهدوی آمد 9/55).

[موضوع: قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران/ ملی کردن صنایع:]

دکتر صدر: قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، این چیزی است که قبلاً تهیه شده، در بعضی جاها اشکال پیش آمده، دسته‌ای از صاحبان صنایع (دکتر احمدزاده آمد 10/02).

بهشتی: روی یک چیز مجهول بحث کنیم.

دکتر صدر: دو شق وجود دارد.

بهشتی: ماده آخر بند چهار، "حمایت می‌کنیم" لازم است اضافه شود و تعیین قیمت فرآورده‌های صنعتی این موسسات و دستمزد و سود بر طبق آئین‌نامه‌ای خواهد بود که بعداً دولت معین می‌کند، وگرنه انقلاب ضد استثمار نبوده، دست دولت باز می‌ماند و در مدت یک ماه یا دو ماه.

دکتر صدر: عملاً این سیستم وجود دارد. از نظر دستمزد، وزارت کار در اردیبهشت، حداقل دستمزد را باید معین کند. از نظر قیمت، مرکز بررسی قیمت‌ها این وظیفه را داشته و سود را معین می‌کند.

دکتر باهنر: قید شود بهتر است.

مهندس بازرگان: نظارت خیلی دخالت می‌کند، دست و پای آنها بسته می‌شود. برای بخش خصوصی تا حدی آزادی باشد. در ماده دو، وارد شود دستمزد و طرز نظارت هر قیمت تمام شده را معین می‌کند. اگر آزادی و ابتکار نباشد، دست و دلشان نمی‌رود به کار، یا همه صنایع ملی [شود].

مهدوی: امکان ندارد.

مهندس بازرگان: وگرنه نمی‌شود.

دکتر صدر: مسئله اصلی این است که در یک قسمت تصمیم گرفته شود، آنچه مورد بحث است ... دولت قادر نیست تمام صنایع را اداره کند. ملی کردن فوق العاده مشکل است. هر شرکت دولتی فلج است. از نظر اصل قضیه که باید ملی شود، تعدادی آدم‌ها هستند که باید سهام آنها ملی شود، چون سوءاستفاده کرده‌اند. قرار شد این افراد به نام مشخص شوند. اگر این کار بشود، بقیه کار خود را انجام می‌دهند. فرم جدید بند ب این کار نشده.

مهندس بازرگان: اسامی در آئین‌نامه بیاید.

مهندس سبحانی: بند ب اصرار این است قید ملی شدن صنایع راحت شود، چون سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. برای رها کردن آنها حرف این است محیط صنایع پاکسازی شود، بقیه بورژوازی ملی.

دکتر صدر: آنها خودشان راضی هستند.

مهندس سبحانی: بند ب تبدیل شود به صاحبان صنایع.

دکتر صدر: دلیل این که گفته می‌شود صاحبان صنایع، این است که خود صنعت ملی نشود. عده‌ای از این صاحبان صنایع دفاع می‌کنند. بگذاریم از آقای خیامی دفاع کنند، نه از اصل فقهی؛ آن وقت مشکل‌تر است.

مهندس بازرگان: بحث روی بند ب است، دسته‌ای از صاحبان صنایع از طریق ... از کلیه امکانات از بازار انحصاری بهره‌برداری نموده‌اند. سهام این گونه اشخاص حقیقی و نزدیکان درجه اول آنها ملی شده و به تملک دولت درمی‌آید.

بنی صدر: خدماتی چیست [؟]

مهندس سبحانی: خدمات کامپیوتر، مهندسی مشاور.

مهندس بازرگان: آن قسمت از صنایع بزرگ که صاحبان آنها [...]، دولت مدیریت آنها را [...]

دکتر صدر: اداره امانی.

بهشتی: نگه می‌داریم تا بیایند.

مهندس بازرگان: پس از رسیدگی و ارزیابی لازم، مسلم اینها بدهکارند و عملاً مال دولت می‌شود، اگر خواهر و برادر بود و خدشه‌ای نداشت.

دکتر صدر: -

موسوی: دو سه مسئله است. واقعیت همان است که می‌گویید حق ندارند. جوّی که باید توجه به آن بشود، انقلابی‌ها، کارگراها، اگر اینها را در نظر نگیریم، ممکن است اسباب زحمت بشوند. خوب است تغییری باشد، هم واقعیت را برساند، هم محذور نداشته باشد. من اگر بشنوم افرادی هستند سرمایه‌دار، دولت به خاطر خدمت به آنها یا مردم بار آنها را می‌کشند تا او بیاید، دیگران را عصبانی می‌کند. [باید] کلمات را طوری عوض کرد و نزدیکان معین شود، [که] اشکال شرعی نداشته باشد.

دکتر صدر: عقب چه می‌گردیم [؟] از نظر من بزرگ‌ترین کار، قانون راه انداختن صنایع است. عملاً کاری که می‌شود و تقاضای من است، یکی از مصادیق مالکیت مشروع و مشروط [را] نشان دهد. شورا اعلام می‌کند این افراد بانک، مشروع و مشروط نیستند. نتیجه این می‌شود، بعداً از این کلاهبرداری‌ها نمی‌شود. رسیدگی در وضع رضایی، کم‌تر از یک سال عملی نیست. [وضعیت] زامیاد، خاور و غیره آنقدر پیچیده است که اصل قضیه لوٹ می‌شود. اگر تسلیم شویم، به کار خود ادامه می‌دهند. دلسردی هست و ما ملعبه شده‌ایم. مالکیت مشروع و مشروط روشن می‌شود که رضایی از آنها نیست.

موسوی: چه کنیم [؟]

دکتر صدر: صاحبان صنایع چندگانه روشن شوند که مالکیت مشروع و مشروط ندارند؛ غالب اینها دررفته‌اند. هاشمی: کار شورا است [که] مصداق معین کند.

جلالی: قسمت زیادی گفته شد. برخوردار را می‌توان کاری کرد؛ بدهی کم دارد، در جریان انقلاب میلیون‌ها تومان بدون حساب برده است. از پتانسیل مردم استفاده شود، وگرنه با نداشتن صراحت از بین می‌رود. آئین‌نامه معین شود و اعلام گردد.

بنی صدر: متن در دست ما نواقص زیاد دارد. صنایعی که ما داریم، مدرن، مسلماً سرمایه‌دار 10 تا 30 درصد هستند، سرمایه‌گذاری نکرده‌اند. اموال عمومی نمی‌شده [که] به آقایان داده شود. وظیفه دولت بوده که پول نفت را بدهد، صاحب صنعت شوند. آنها به اندازه‌ای که سرمایه گذاشته‌اند، حق داشته‌اند. انتقال اموال عمومی به جیب آقایان صلاح نیست. بعضی ممکن است فرار نکرده باشند. سهام درجه اول با شرع نمی‌خواند، چه‌طور نمی‌خواند [؟] بین زن و بچه تقسیم کرده‌اند. پس شرع اجازه هرگونه حقه‌بازی می‌دهد. دولت به تنهایی نمی‌تواند اداره کند صنایع

[را]، طوری که حقوق مردم رعایت شود. ترتیب منطقی اداره کدام است [؟] باید تصریح شود. به اندازه حق عمومی که در اختیار آنها بوده، دولت در آنها شریک است.

بهشتی: فکر می‌کنم دولت رسیدگی می‌کند. اگر در میان سهام‌داران کسی باشد که همه یا قسمتی از سهام خود را از راه مشروع به دست آورده، حق او را به او می‌پردازد، ملی کردن مفروغ عنه.

جلالی: شریک شدن دولت خطرناک است، وثیقه‌ها از بین می‌رود.

مهندس سبحانی: نقطه‌ای که اصرار است، شورش‌های کارگری [است]. کارخانجات در معرض تهدید است. صنایع باید نجات پیدا کند. [با] دولتی [کردن]، هدف جلوگیری از تورم است. عمل دولت باید از خواست‌های اصلی باشد، مالکیت نیست. صالی و علی رضایی پایه رژیم بوده و سرمایه از خودش نگذاشته. صد میلیون سرمایه شخصی و پنج میلیارد تومان سود او است، سرمایه‌دار شده، مال خودش نیست. دولت که نمی‌خواهد حق را از بین ببرد. این حق هم از او باید گرفت. دو وکیل آمده‌اند اینجا، رسماً رفته‌اند علیه اسپهبدی شکایت کرده‌اند، ایروانی این‌طور؛ همین‌طور همه جا را بسیج کرده‌اند. خود دولت همیشه تحت فشار است. اگر اعلام شود این کارخانه‌ها ملی شد، سایر صنایع ملی نشود، این بزرگ‌ها را بیرون کنیم. ملی کردن غیر از مصادره است، غرامت داده می‌شود.

احمدزاده: همه مطالب گفته شد. بندی که از طرف شورا تهیه شده، همه مطالب در آن است. من بیش از همه تحت فشار هستم. از آنجا که برخی مدیران موفق به استفاده فلان شده...

بهشتی: این مطلب خوب است.

هاشمی: دو سه حرف زده شد. قبلاً با آقای موسوی [و] بعضی دیگر، برای حزب طرحی تهیه کردیم با مستندات فقهی، پنج یا شش صفحه بیشتر نیست. خیلی چیزها در لایحه نیامده، لااقل یک جلسه ببینند، با کارخانه‌دارها صحبت شد.

موسوی: من این را نگاه کردم، اصلش در این هست، شرکت کارگر در آن، در اداره مدیریت. آن را خواندم، چیزهایی دارد.

بنی‌صدر: گفتند مسئله کارگر باشد برای بعد.

مهندس بازرگان: ایراد دکتر بهشتی، قرار بود کمیسیون فرمول مشخصی بیاورد. گله از دکتر صدر است. حق بود این فرمایشات در کمیسیون گفته می‌شد. مطالب درست است. اشکال این است، نظریات مختلف که صدرصد وارد است، می‌خواهیم در این لایحه بیاید. دو ماه پیش ضرورت لایحه معلوم بود. نه سرمایه‌گذاری، نه مدیریت، و نه جنس آوردن برای آنها ممکن است. آتش شله قلمکار می‌شود. چند راه: یک [اینکه] معادن صنایع بند ب را تبدیل کنیم، اسم کسی نیاید. پیشنهاد من این است مسئله بگذارد سوءتعبیرها رد شود. مسئله دوم همان است که دکتر احمدزاده خواند. در بند ه گزارش است موضوع دستور با قانون باشد که دولت پیشنهاد کند و شورا تصویب کند. کسانی که مشمول بند ب می‌شوند، اسامی و ترتیب تملک اموال آنها طبق آئین‌نامه مصوب شورا خواهد بود. [در خصوص] مسائل [مورد نظر] مهندس سبحانی، چه سهم به کارگر و ... ساده نیست برای خودش جدا این که اینجا آمده، صاحب حق باشد، آن که در آموزش و پرورش است حق نداشته باشد. در سه مرحله تفکیک شود، لایحه ما با اصلاح اشخاص که مشمول بند ب هستند و اموال آنها ملی شود، بر طبق صورتی که تصویب می‌شود از طرف شورا. موضوع سود و مشارکت کارکنان ذکر نشود، بعداً رسیدگی شود. یکی از بیچارگی‌های [مملکت، دستمزد کارگر است. بعد از سال 20، توده‌ای‌ها، مظفر فیروز، شاه‌دولت مرحوم دکتر مصدق، بعد [از] این دوران، به دلایلی باد در پوست کارگران کرده‌اند [و] یکی از عوامل از بین برنده کشاورزی و صنعت شده‌اند. شرکت در سود حرف بد نبود. فرمول دستمزد مشخص شود، [بر اساس] حداقل احتیاج، بعد مقداری هم به تناسب تولید.

بهشتی: اگر آنچه آقای احمدزاده گفتند متنی کاری ندارم. کلمه ملی کردن صنایع در دست و دهن افتاده. بنویسیم مشخص کردن مالکیت صنعتی و به راه انداختن صنایع این گروه، این گروه ملی. اگر کسی حق شرعی دارد، غرامت می‌دهیم. آقایان علما و مراجع با این حرف کم‌تر ایراد می‌کنند. جهت اصلی این باشد. تصمیم موقت است، آن وقت گروه چهارم در حال تزلزل است. اگر نگوییم موقت است، با این مشکل حرکت‌های ضداسلامی و ضد وضع لازم را متوقف نمی‌کند. جداً روی گروه چهارم تصمیم بگیریم. با ضرب‌الاجل روی مالکیت صنعتی نظر بدهیم. نوشته سریعاً تکثیر شود، چیزی که همه روی آن توافق باشد.

بنی صدر: پیشنهاد این است کمیسیون بشود ما دو نفر. قرار بود کمیسیون از شورا و دولت، لایحه را رسیدگی کند.

بهشتی: هاشمی یا موسوی هم باشید.

مهندس سحابی: عقب می‌افتد.

بهشتی: وقتی که اینجا صرف می‌شود، کاری عملی نمی‌کند.

موسوی: از فردا که جمعه است باشد، شنبه باشد. جلسات سر ساعت. قبلاً مطالعات داشته باشد. یکشنبه آن طرف‌تر نرود [چون] ضربه می‌زند.

بهشتی: اگر می‌شود یکشنبه، حداکثر سه‌شنبه، لایحه که می‌آید همه اعضای کمیسیون حرف بزنند.

مهندس سحابی: مقداری این کارها شده. پیشنهاد اولیه همان افراد بودند که [در] کمیسیون اقتصادی حرف‌ها زده شد، عالی‌نسب و بنده و دکتر میرآخور، [بحث] کمی توسعه داده شد، بعد به صورت گزارش، بعد لایحه دولت، بخشی از پیشنهاد ما است. لایحه آخری با توجه به همه اینهاست، کمیسیون مشترک بوده.
بهشتی: ثمر شخصی نداشته.

جلالی: دولت بسیار اقدامات انقلابی می‌کند، ضرر می‌کند، استفاده نمی‌کند، قاطع و صریح اعلام نمی‌شود با مشخص شدن مصادیق.

مهندس سحابی: صورت تهیه شده.

موسوی: جلسه و کمیسیون اشکال دارد. همه ما علاقه‌مند هستیم [که] نقطه ابهام نباشد [برای] آنها که در جلسه می‌نشینند. اگر یک نفر در جریان نباشد [مناسب نیست]. اگر صلاح است، همین در اینجا مطرح شود. مشکلات اگر پیش می‌آید بروند حل کنند.

مهندس بازرگان: پیشنهاد من به صورت عبارت، بند ب: آن قسمت از صنایع بزرگ که صاحبان آن ... و بعضاً فرار کرده‌اند، دولت مدیریت آنها را تا ضمن راه‌اندازی ادامه تولید و حفظ حقوق کارکنان بر طبق آئین‌نامه مصوب شورا، اسامی آنها اعلام می‌شود.

موسوی: ماده آخر، مسائل کارگری.

بهشتی: باید آن را برداشت.

بنی صدر: [به] سه مسئله توجه نشده. [اول] مارک‌ها و انحصارات که از عوامل گرانی است. دوم بی‌ثباتی در کارخانجات. اینها هیچ‌وقت سرمایه‌گذاری نمی‌کردند. جدول هست، تا لحظه انقلاب سرمایه‌گذار خودش متجاوز از ده درصد، حداکثر بیست درصد، سرمایه نگذاشته. اگر بگویی حمایت، می‌گوید اعتبار بده. تصمیم جدی گرفته شود. اعتبار به این شرط که دولت سهم باشد.

مهندس سبحانی: بانک مضاربه می‌شود.

بنی صدر: طرحی باشد، [برای] کسی که سرمایه دارد [و] کار می‌کند، راه باز باشد.

مهندس سبحانی: هرچه عقب بیافتد، بلبشویی زیادتر می‌شود. مدتی است، دو ماه است به وزارت کار فشار می‌آید [تا] حداقل حقوق معلوم شود. خود صنایع روی سوءنیت، بعضی روی ناچاری. در شهر صنعتی البرز 600 تومان ثابت اضافه کرده‌اند و یک فرمول دیگر بین 60 تا 80 درصد به حقوق همه کارگران اضافه شده. [وضعیت] صاحبان صنایع روی ترس جان روزبه‌روز خراب‌تر می‌شود. از کمیسیون غیر از این در نمی‌آید. تو [بنی صدر] با اقتصاد توحیدی، تمام صنایع را به هم ریخته‌ای.

موسوی: بند بند خوانده شود.

مهدوی: اکثر کارخانه‌ها از اموال عمومی استفاده کرده [اند]. آیا امکان دارد اداره امور تمام کارخانه‌ها را به دست بگیرد و مدیر خوب باشد [؟]

بهشتی: سوال مهم از نظر فقهی [که باید] دستگاهی صریح جواب بدهد. سرمایه قابل ملاحظه عموماً متکی به وام‌های بهره‌دار بانکی است. از نظر شرعی پول، ملک او نیست. قسمت معظم این سرمایه‌ها، ملک دولت است. آنچه می‌شود گفت، دولت واقعاً کلیه اینها را می‌تواند مشخص کند، 85 تا 90 درصد است، چه کمیت عددی، چه واحدها. اگر چنین پاسخی بدهد خیلی راحت از این دید با دست باز عمل می‌شود. از دید مصلحت اقتصادی ملک دولت نوع مدیریت دست افراد باشد یا دیگری، خیلی راحت روی این لایحه.

مهندس بازرگان: رسیدگی به وام گرفتن می‌شود کرد. رفتن در این وادی، عمیق و طولانی است و تعمیم پیدا می‌کند خانه ملکی بنده را هم می‌گیرد. این اصل که باشد، کسانی که با سرمایه ربوی این کار را کرده‌اند، تمام صنایع ما را می‌خواباند و هیچ کس حاضر نیست کار کند. کدام تاجر، کدام صاحب خانه است که صد درصد با پول خودش خانه ساخته باشد [؟] این انقلاب و جمهوری اسلامی آمده [تا] گذشته را تصفیه کند یا آینده را بسازد [؟]

بهشتی: پس چه کنیم که از ابتکار اشخاص استفاده شود و انگیزه همه باشد و اگر هم باید مرحله آن را تعیین کنیم. موسوی: به این زودی عملی نیست. وقت می‌گیرد... فعلاً نسخه پیشنهادی آقای مهندس سحابی را بخوانیم و رأی بدهیم.

بنی صدر: درباره مارک‌های تجارتي و انحصارات فکر می‌کنید [؟]

دکتر صدر: ما چنین کرده‌ایم. مشغولیم تا انحصارات را از بین ببریم.

بهشتی: مهندس عباس توسلی به جای مهندس ناهید، عضو شورای عالی بنیاد مستضعفین [باشد]. تصویب شد.

بهشتی: آقای مهندس ناهید، ناظر بازرسی و صادق همدانی در نقش بازرسی [باشند].

تصویب شد.

بهشتی: متن آقای مهندس سحابی خوانده می‌شود از ماده یک. در هر زمینه (به جای هر مورد).

احمدزاده: تهیه و تولید فلز.

بهشتی: تولید فلزاتی که در صنعت مصرف عمده دارند، مانند فولاد و مس و آلومینیوم، شامل مرحله نورد گرم.

تصویب شد.

بنی صدر: اسلام و فقه جهان علمی است. باید طرحی بر اساسی بریزیم و برای آن مراحل تهیه کنیم، [و] به تدریج اجرا کنیم.

بهشتی: بحث همین است. الف 2) پتروشیمی حذف شود. اولاً مشکل کارخانه پتروشیمی که ژاپنی‌ها دست‌درکار آن هستند و بازاریابی هم به عهده آنهاست، ثانیاً برای منظور صادر کردن حرف ندارد و برای داخل احتیاج به طرح مطالعه شده دارد در مورد اتومبیل سازی.

احمدزاده: چهار دسته: 1) سواری، مینی‌بوس و اتوبوس، 2) لوازم یدکی می‌سازد، 3) کامیون سازی، 4) شرکت‌هایی که موتور اتومبیل می‌سازند.

مهندس سبحایی: [با] کارخانه‌هایی که خرده سهام دارند چه کنیم [؟] مثل ایران ناسیونال با 16 هزار نفر.

بنی صدر: می‌توان ملی کرد و دولت سهام کوچک را در اختیار آنها نگاه دارد، 49 درصد.

بهشتی: در کل این لایحه باید چنین گفت که سهام‌داران جزء حقوق‌شان رعایت می‌شود.

بنی صدر: ملی کردن به این است که حداقل 51 درصد از دولت باشد.

بهشتی: تبصره به ماده یک افزوده شود که سهام کارگران و جزء محفوظ است.

بنی صدر: داروسازی، رادیو و تلویزیون‌سازی هم اضافه شود. چون در داروسازی مربوط به بهداشت و سلامت عمومی است.

سحابی: کارخانه‌های کوچک دارویی هست که با این ترتیب می‌خواهند. در مورد تلویزیون دو تا است، تلویزیون پارس شبیا (برخوردار) است که شامل بند ب خواهد شد.

بنی صدر: در شیراز کارخانه الکترونیک افتاده و یک مهندس ابتکار تازه‌ای داشت. بقیه‌اش واردات بود و مونتاژ است. 21 کارخانه مونتاژ رادیو داریم. آیا مصلحت مملکت است؟

دکتر صدر: اگر مقصود، واردات است، اشکالی وجود ندارد و ما هر سال می‌توانیم جلو آن را بگیریم و حتی بین سال ...

بهشتی: باید دارو و رادیو را اضافه کرد. چون هدف، یکی راه انداختن است و دیگر، انقلابی بودن.

موسوی: اشکال این که کارگاه‌های کوچک است و می‌خواهد و بی‌کاری ایجاد می‌کند.

بهشتی: قبلاً فکر مدیران [را] بکنید و بعد لایحه را اعلان کنید.

احمدزاده: در ماشین‌سازی‌ها اغلب مدیران را تعیین کرده‌ایم. رادیو، تلویزیون اغلب مونتاژ و بعضی تولید [هستند]، باید صنایع الکترونیک را اضافه کنیم.

جلالی: در مورد صنایع تلویزیون اگر به دست افراد باشد، اعمال نفوذ در نصب دکل [صورت می‌گیرد].

بهشتی: اگر صنایع الکترونیک اضافه کردن، مشکل را حل می‌کنند، اضافه کنیم.

جلالی: می‌توان ادغام کرد، چون معمولاً مونتاژ است.

در بند الف ساخت و مونتاژ کشتی، هواپیما، اتومبیل تصویب شد.

بهشتی: بحث مجدد درباره این که [تعداد اعضای مجلس بررسی قانون اساسی] 73 نفر یا 75 نفر باشند. با توجه به [اینکه] محاسبات جدول ابتدای آئین‌نامه انتخابات هم 73 نفر شد.

ماده ب: صنایع بزرگی که سهام‌داران آن از طریق روابط غیرقانونی با رژیم گذشته و استفاده نامشروع از امکانات عمومی، مثل اعتبارات، گمرک، تعیین قیمت، بازار انحصاری و غیره بهره‌برداری نموده و از طریق غارت مصرف‌کنندگان و تضييع حقوق عمومی به ثروت‌های کلان دست یافته‌اند و بعضاً از کشور متواری می‌باشند، دولت طبق لایحه ... مدیریت آنها را در اختیار گرفته یا می‌گیرد. سهام این‌گونه اشخاص به تملک دولت در می‌آید. هرگونه رسیدگی مالی، فنی و حقوقی نسبت به این‌گونه اشخاص در اختیار دولت خواهد بود.

تبصره: بهای سهامی که طبق فرمان امام به بنیاد مستضعفین تعلق دارد، توسط دولت به این بنیاد پرداخت می‌گردد. بعد از ظهر. ج) کارخانجات.

تبصره: سهامی که طبق فرمان امام به بنیاد مستضعفان واگذار گردید، پس از ارزیابی و تأدیه دیون دولت از طرف دولت به این بنیاد پرداخت می‌گردد. کارخانجاتی و بقیه بدهی آنها.

مهندس سبحانی: بعضی کارخانجات مثل بلموند، تلویزیون از تولید به مصرف که قبل از تهیه به مردم فروخته، 60 میلیون تومان پول گرفته، سفته‌ها را برده، گذاشته بانک، پولش را گرفته، افزایش سرمایه داده از 26 میلیون تومان به 70 میلیون تومان و گسترش صنایع و سهم خود را داده، آن هم چک کشیده و برداشته. مقداری به مردم بدهکارند و بقیه بدهی ایشان به عنوان طلب دولت و مردم.

دکتر صدر: جای کلمه ملی می‌شود [بگذارید] در اختیار دولت قرار می‌گیرد.

بنی صدر: چرا به دولت برگردد [؟]

دکتر صدر: می‌خواهم مثل کارخانجات دولتی نشود.

احمدزاده: [با] کلمه ملی، این صنعت که ملی شد، دولت مالک آن می‌شود. بنویسیم متعلق به دولت است، چون کارخانجات دیگری موجود است. د) کارخانجات و موسسات تولیدی که متعلق به بخش خصوصی [است] وضع مالی و اقتصادی خصوصی خوبی دارند.

بنی صدر: اینجا ایراد کردم حمایت می‌کنی از کارخانه‌دار. قرار خواهد گرفت به جای قرار خواهند گرفت.

دکتر صدر: اشکال دیگر، افرادی که دو کارخانه دارند، پول را از یک کارخانه به دیگری منتقل و آن را ورشکسته می‌کنند، وضع مساعدی دارند تمام شود.

هاشمی: برای احتراز از آن ایراد، هر واحد صنعتی بگویید بهتر است.

جلالی: بند د وضعیت خوب باشد با موارد بند ب ممکن است منطبق باشد.

موسوی: بنویسید و مشمول بند ب ماده یک نباشند.

تبصره: بدهی‌ها و ...

سحابی: ماده دو باشد، کارگران 25 درصد شریک شوند. دولت قبل کارخانجات را به قیمت بورس می‌خواست بفروشد، نه قیمت اسمی. البته دولت ضرر می‌کند.

هاشمی: دو سه اشکال دارد. تعداد معین مشمول آن می‌شود. فکری برای سایر کارخانجات بشود. کارخانه‌ها یکنواخت نیستند و تعداد کم و سود زیاد را چه می‌کنید [؟] یک هفته تأخیر [لازم است تا] جوانب قضیه شناخته شود. نکته دیگر عالی‌نسب داشت [و آن اینکه] همیشه مقداری از سود برای توسعه کارخانه کنار گذاشته شود.

سحابی: این لایحه سیاست مالکیت صنعتی است. خیلی صنایع باید حذف شود.

بنی صدر: در همه دنیا فوت و فن مال امریکایی‌هاست؛ مطالعه کرده‌اند، سهامی که تصمیم با آن است، اقل 12 درصد، اکثر 40 درصد، سهام معمولی حداکثر سود چهار درصد. اگر آنجا که شرکت می‌دهند سرمایه مال ملک خصوصی است، در اینجا سرمایه مال کل جامعه است. بهتر است اینها را بر اساس ضوابط فقهی، سرمایه مال عموم ملت و کارکنان حاکم بر امور آن شود. دولت گنده نشود به صورت صاحب کل ثروت. مالکیت خصوصی اگر 25 درصد دادی، در مدیریت شریک نیست.

مهندس سحابی: کلاه بود.

بنی صدر: کلاه دوم، سهام پرداخت نشده بود. بگوییم 49 درصد و همان ترتیب را در آن بپذیریم و کارگر و کارکن را سهام بکنیم.

صدر: این را می توان به عنوان تصویب شده قبول کنیم. در چند روز منتشر می کنیم. آیا آن اسامی با آن باشد یا نه [؟]

موسوی: به جای شما [بودم] اسامی را منتشر می کردم. فرض می کردم بلافاصله باید دست اندرکار بشوم.

احمدزاده: ماده دو داشت، اصلاً نخواندید. موارد شمول و طرز اجرا [ی] این قانون بر طبق آئین نامه ای که ظرف یک هفته به تصویب هیأت وزیران برسد و از طرف وزارتخانه های صنایع و معادن، بازرگانی و سازمان برنامه تنظیم شده باشد، انجام خواهد گرفت. مطلب دیگر در بند ب نوشتیم صنایع و معادنی [که] روابط غیرقانونی داشتند، مشکلی دارد.



جلسه یکشنبه 1358/4/10

[حاضران: بهشتی، احمدزاده، مسعودی، سجابی، شیبانی، موسوی [اردبیلی]، جلالی (باهر آمد).

[موضوع: کمیسیون اقتصادی:]

جلالی: [برای] کارگران و کشاورزان برنامه‌ای که درست شده یک‌بعدی است. دولت حرفی نمی‌زند. آنها مشکلات فراوان دارند. لازم است وزرا همکاری کنند. ستادی در نخست‌وزیری باشد که وزارتخانه‌ها نماینده داشته باشند تا مسائل را روشن کند.

مهندس سجابی: مهندس توسلی می‌گفت این لایحه از جهاتی دست ما را بسته است. عمران و آبادی چگونه است [؟]

احمدزاده: اسامی را معین کنید (خامنه‌ای آمد).

مهندس سجابی: این مطالب منتشر شده و سوء اثر دارد.

بهشتی: کمیسیون اقتصادی کار خود را جدی کند. افراد زیادی مراجعه کرده‌اند، آنها را سامان دهد. در آینده چه کار می‌کنیم برای اقتصاد [؟] مبنای ما بر نرخ عادلانه است. بیاییم پایه را تصویب کنیم و گروه صالح برای رسیدگی، نرخ همه چیز مشخص شود. بر اساس عرضه و تقاضا مردود است. [نرخ‌ها] بر حسب کارگر، اجاره‌بها، نرخ کالای اولیه مشخص شود. میدان مسابقه برای بهبود کیفیت [فراهم شود]. تمام دوز و کلک‌ها به هم بخورد. دستمزدها معین شود.

شیبانی: من معتقدم برای حداقل احتیاج، کوپن بدهید.

مهندس سجابی: کم شدن حقوق درست نیست. اضافه کردن هم سبب می‌شود جنس گران شود. خدمات رفاهی را دولت انجام دهد (هاشمی آمد).

بهشتی: بحران اقتصادی همه چیز را می‌شکند. منتظر نباید بود. نباید این کار را برای مجلس گذاشت. کمیسیون اقتصادی معین شود، برایش بودجه در نظر بگیرد. اگر دولت طرح‌هایی دارد بدهد. آنجا هم کارهای چشمگیر نمی‌شود.

مهندس سجابی: در مورد سیاست کلی، تا معلوم نشود، طرح‌ها را نمی‌تواند بدهد.

بهشتی: خط کلی مشخص شود (قطب‌زاده آمد).

مهندس سحابی: [بهای] مواد اولیه 150 درصد اضافه شده. تازه مدت زیادی وقت می‌خواهد.

موسوی: شما (مهندس سحابی) افرادی را در نظر بگیرید. پیشنهاد می‌کنم چون مهندس مقدار زیادی وارد است، ایشان بروند دنبال اشخاص و معرفی کنند برای این کمیسیون.
قطب‌زاده: چه کمیسیونی [؟] برای بررسی طرح‌های اقتصادی.

بهشتی: صورت را بدهید.

قطب‌زاده: همان فرمان آقا در فرانسه بود. طرح‌هایی دادند، بعضی طرح‌های دولت مال آنهاست. یکی دو طرح جالب است، می‌خواهند به شورا بدهند.

بهشتی: شورا قطعاً در مسائل اقتصادی تخصص ندارد، بیش‌تر روی اعتماد به آنهاست. اگر صورت اسامی دارید بدهید.

کمیسیون اقتصادی: دکتر میرآخور، عالی‌نسب، مهندس سحابی.

قطب‌زاده: دفعه بعد اسامی گروه‌ها را می‌دهم.

بهشتی: با اعضای کمیسیون بدهید.

احمدزاده: [در] کمیسیونی که در مرحله اول تشکیل شده، در ابتدای امر بوده‌ام. کمیسیون اصلی دارد، از هر رشته متخصص یک نفر و هر یک، یک کمیسیون فرعی دارد. طرح می‌آید در کمیسیون اصلی، بعد به کمیسیون طرح‌های انقلاب داده می‌شود.

مهندس سحابی: خیلی کلی است. من دارم.

بهشتی: ممکن است نیروهای دیگری لازم باشد به آنها اضافه شود، وگرنه ممکن است تئوری‌هایی گفته شود که عملی نباشد. چه بسا کار اینها در مرحله تکاملی پخته‌تر شود.

موسوی: راجع به اجرا صحبت شود.

جلالی: از دولت سوال شود آیا لازم است مخفی باشد یا این که مردم بدانند تا نیروهای دیگر خود را بشناسانند. ابهامی که برای مردم است، اداره طرح‌ها خیلی طرح‌ها دارد، دولت ممکن است عمل نکند. اگر صلاح بدانید، کمیسیون‌ها نتایج کارش در اختیار مردم باشد، هرچند عمل نشود. کمیسیون اقتصادی، هسته اصلی باشد، هفته‌ای یک بار طرح‌ها را به مردم بدهد، از رادیو. طرح دکتر بهادری برای آموزش عالی. یکی نظام ارزش‌ها، یکی دستاوردهای سیستم آموزشی.

بهشتی: مقداری می‌شود گفت. مقداری نمی‌شود گفت.

مهندس سبحانی: دو نفر را جدا کردیم، با آنها کار کردیم. من همه را می‌شناسم. بعد از مسئولیت وزارت احمدزاده مشغول کار دیگری شد. افراد بالاتر لازم دارد.

بهشتی: عده‌ای در کارهای اجرایی دولت کار می‌کنند، [در] سازمان برنامه، وزارت بازرگانی. استاندار و ... به مشکلات اجرایی وارد هستند.

مهندس سبحانی گروه‌ها را تحویل بگیرند.

موسوی: راجع به اشخاص و افراد و کار بررسی کنند و گزارش بدهند.

هاشمی: آنها که برای ما کار نمی‌کنند.

قطب‌زاده: آنها ترجیح می‌دهند برای شورا کار بکنند.

مهندس سبحانی: برای دولت تهیه کنند، به ما می‌دهند.

بهشتی: چیزهایی می‌آورند [که] خیلی ذهنی است. این نیروها را هر کسی ممکن است کسانی را بشناسد که در جنبه اجرایی عمل کند.

[موضوع: جهاد سازندگی:]

قطب‌زاده: در طرح مطالعه می‌شود. یکی خود دانشگاه، 540 هزار [نفر] پشت کنکور، که دانشگاه بیش از 40 هزار [نفر] نمی‌پذیرد. ممکن است 200 هزار نفر از آنها را به کارهای حرفه‌ای انداخت. در دانشکده صنعتی کلاس‌ها را گذاشته برای آماده کردن [و] فرستادن به روستا. این نوع طرح از طریق دولت معلوم نیست چقدر عمل شود.

بهشتی: طرح جهاد سازندگی که حزب [جمهوری اسلامی] معین کرد و یک قسمت آن را در قروه انجام می‌دهد، به علت اطمینانی که هست، آنها کار زیادی کرده‌اند. جهاد سازندگی هنوز حرف است، ولی اینها کار کرده‌اند. آقای سلیمی نامه نوشته برای مهندس بازرگان که برای ساختمان‌های آموزشی کاری نشده.

مهندس سبحانی: شهرداری گفته فقط مدرسه و پارک در جنوب شهر بسازند.

بهشتی: دولت دست از تقید بردارد و گروه‌هایی معرفی شود برای ساختن مدرسه.

قطب‌زاده: در ناحیه سیزده، یک مدرسه [با متراژ] 70 متر مربع برای 930 دانش‌آموز [وجود دارد].

بهشتی: برای ساختمان، اعتبار لازم در اختیار گروه بگذارند.

موسوی: کارهای مربوط به شورا، بنیاد مستضعفین، سپاه، دادگاه انقلاب، چیزهایی که مربوط به ما نیست، ولی فکر می‌شود با ماست، کمیته‌ها و امداد، نامه‌های مختلف در عرض دو سه روز داریم. مسئله زندان است. الان آذری تلفن کرد، مانده. شهشانی اعلام کرده افراد را نمی‌گیرند.

هاشمی: چرا وارد مطلب دیگر شدید [؟]

موسوی: ما به کارهای خودمان نمی‌رسیم.

شیبانی: بودجه در اختیار دولت است، بدهند [به] آموزش و پرورش [تا] بسازد.

خامنه‌ای: بر اساس تقسیم کار، طرح به دولت باید داد. پیشنهاد می‌کنم آقای باهنر کمیسیونی با چند نفر تشکیل دهند، طرح بدهند. از دستگاه دولتی هم باید استفاده کرد و مخلوط کرد با گروه ایتاری. اعلان کنیم دیپلمه‌های بیکار همکاری کنند در ساختمان مدارس. 500 واحد مدرسه لازم است، دستگاه معطل نشود. از نیروی جوان هم استفاده شود. از پول‌هایی که دیگران بدهند هم استفاده شود.

بهشتی: موضوع جهاد با سازندگی مدتها وقت گرفت. دولت می‌گوید نیروهای انقلابی زیر نظر دولت کار کنند. بچه‌ها می‌گویند مصرف‌کننده، طراح نیروی انقلابی باشد، آن نیروها در اختیار این نیروها باشد. سیاست دولت غلط است.

قطب‌زاده: این نیروهای انقلابی، اگر باید کاری شود، باید به آنها اطمینان بشود.

موسوی: مواردی داریم مثبت، ولی مواردی هست که تحت کنترل نبوده؛ مثلاً کمیته‌ها، امداد نامه‌ای آمده خانه طرف را گرفته‌اند. پاسدار رفته خرمشهر، گزارش آمده.

خامنه‌ای: آقای موسوی نقایص کار ملی را می‌دانند. نقایص کارهای دولتی را چه کنیم [؟]

هاشمی: دولت زیر بار این که بودجه هنگفت بدهد، نمی‌رود (بنی‌صدر آمد).

مهندس سبحانی: اندکی تماس داشته‌ام. یکی بلوچستان جهاد و سازندگی، انقلابی‌ترین آنها که بی‌ریا می‌روند. [در مورد] کار دولت، استنباط آقایان [را] من هم داشتم، ولی کلنجار رفتیم. می‌خواهند کار بشود، ولی مشکلاتی دارند. افراد چون مسئول ما نیستند، بودجه کلان را چگونه جوابگو خواهند بود [؟] از نظر وظایف دولتی خود را مسئول می‌دانند. حالا فهمیده‌اند کادر اداری همکار نیست. مهندس طاهری قرار شده برای سرپرستی راه هر استان، مدیر کل جدید [از] افراد انقلابی معرفی شود و او کار کند، آماده است تمام اختیارات را بدهد. مهندس نجفی حرفی زد، [این که] فرد می‌رود در محیط اداری [و] بیگانه از کلک‌ها [ست]، وارد نیست، و تمام اداره آنها علیه او اقدام می‌کنند. رؤسای ادارات را عوض کنیم، نمی‌شود. گیر، تشکیلات اداری است. نه می‌شود سوزاند، نه می‌شود نگه داشت.

قطب‌زاده: راه حل در تلویزیون کردیم، یک عده افراد.

بهشتی: کارشکنی‌های آن افراد که در دولت هستند.

تصویب شد [که] آقای باهنر با آقای سلیمی مذاکره کنند [که] چه مبلغ برای ساختن مدارس احتیاج دارند [تا] دولت در اختیار آنها بگذارد.

[موضوع: لایحه حفاظت و توسعه صنایع ایران:]

اسامی افرادی که اموال آنها باید ملی شود، خوانده شد.

بنی صدر: چرا خاصه خرجی بشود [؟] احتیاج به انتشار ندارد. تزلزل ایجاد نمی‌کند. بند ب موضوع مشخص است. جلالی: هدف راه انداختن صنایع بوده. اگر لایحه منتشر شود، هدف عملی نمی‌شود. بگذارید ده روز بعد منتشر کند که اسامی درآید.

هاشمی: اسم افرادی مثل حاج‌طرخانی و امثال آنها آورده شود معیار ندارد، خیلی‌ها را می‌ترساند. برخوردار که اسم برده شود، کارخانه سیمان به‌طور مشابه، آنها هم می‌گویند وضع ما را هم می‌گیرد. چیزی ندهید همه را بترساند معیار می‌دهید.

بنی صدر: بعد از وقوع است.

احمدزاده: اسامی که الان نوشته شده، وضع روشن است. احتیاج به تحقیق ندارد. یک عده که مثل علی رضایی است، محمود خیامی، یاسینی، اگر یک عده مثل اینها را اسم ببریم، اثر مطلوب دارد و یک هفته فرصت دارد. قطب‌زاده: درست همین نظر است. اول [اسامی] افرادی که شک نیست، منتشر شود.

سحابی: [به] چند جهت توجه شود. علی رضایی رسواست. عده دیگر ممکن است داخل خودمانی‌ها حرف در بیاورد. برخوردار یا ایروانی اقداماتی می‌کنند و سبب زحمت می‌شود.

خامنه‌ای: در این مورد جرأت نمی‌کنند حرف بزنند.

باهنر: اولاً چون اعلام شده خیلی سریع با طمطراق اعلام شود. منتظر بعضی افراد باشیم محدود نیست. سریع اعلام شود و هفت هشت نمونه قطعی.

خامنه‌ای: به‌عنوان نمونه صحیح نیست افراد نترسند.

قطب‌زاده: مثلاً اینها.

بهشتی: لیست محدود که نداریم. لیست باز به شرط توضیح مصادیق مسلم. بعد هم بحث شود، هر صاحب صنعت می‌تواند وضع خودش را روشن کند و از سایرین بخواهیم که دیگران به خود ناراحتی راه ندهند و به کار ادامه دهند. به صرف تهمت و سوء ظن سراغ کسی نمی‌رود. انقلاب خاصه خرجی نکند.

موسوی: کاری نکنیم سروصدا دربیاید.

مهندس سحابی: جعفر اخوان^۱ مدیر حبیب اخوان، [در] انتقال سهام بانک صادرات نقش داشت. عبدالمجید اخوان کاشانی^۲ (مهدوی آمد)، حبیب ثابت و خانواده، مراد اریه و خانواده علی رضایی 41، 200 هزار سرمایه، ریال 51، 300 میلیون تومان.

احمدزاده: تمام معادن را، محمود رضایی برادر او است. احمد خیامی و خانواده، محمد و خانواده. رحیم ایروانی فوق العاده فعالیت می کند، [سال های] 36-37 تاجر خرده چرم بوده، سال 39 کفش کتانی [را] درست کرد، امروز پنج میلیارد تومان دارد. کفش ملی می گویند تنها گروهی است که ارز وارد مملکت کرده. پیدایش کفش ملی مرادف با از بین رفتن چندین هزار کفاش [بود]. گروه صنعتی ملی و گروه الوند و گروه آذرین 24 شرکت که 90 درصد سهام متعلق به کفش ملی است که اعظم سهام، مال خانواده ایروانی است.

مهندس سحابی: عبدالعزیز فرمانفرمائی^۳، شریک آمریکایی ها، [از] برنامه ریزان دستگاه بود، از سهامداران شرکت خانه است. خداداد فرمانفرمائی^۴ دو قرن در ایران [از] خانواده های فئودال بودند که تبدیل به فئودال صنعتی شدند. منصور یاسینی، قاسم لاجوردی، اکبر لاجوردیان. قاسم هم سناتور و هم فراری [است]. اکبر گروه صنعتی بهشهر را دارد، اشکال ثروت اندوزی.

احمدزاده: روغن نباتی سوبسید را بین خود پخش می کردند.

بهشتی: بگویند تخفیف می داد. دولت یک میلیارد می داد.

سحابی: برخوردار، پارس توشیبا، بانک توسعه صنعتی، بانک ایران و عرب، روی آن حرف درمی آید. حساب و کتاب او خوب است، اندوختن ثروت کلان.

-
1. جعفر اخوان، فعال صنعت خودرو و مؤسس شرکت بازرگانی جیپ.
 2. صحیح، عبدالحمید اخوان کاشانی است، از بنیانگذاران فروشگاه کوروش با شراکت خیامی.
 3. عبدالعزیز فرمانفرمائی (1299-1392) معمار و از موسسان نظام مهندسی نوین در ایران.
 4. خداداد فرمانفرمائی (94-1307)، رئیس سازمان برنامه و رئیس بانک مرکزی و مدیرعامل شرکت سهامی فرش و لامپ پارس.

بهشتی: صورت این طوری خوب نیست. شرح و تفصیلات باشد. گفته شود مثلاً ابراهیم قرین‌راد، یهودی صهیونیست در اسرائیل سرمایه‌گذاری دارد. در پرونده القانیان بود، هزینه جاسوسی اسرائیل را می‌دهد، الان لانه موساد است، کارخانه ایران را دارد، نمونه کفش ملی است. کارتن‌سازی که عالی‌نسب مقابل آن به وجود آمد و ایستاد. عنایت بهبهانی^۲، صاحب اصلی جنرال، اندوختن ثروت خیلی نبوده، بعد از 15 خرداد یکی از صاحبان صنایع بود که جنبش را کوبید، توهین به خمینی و جنبش [کرد]. تأسیسات مجلس سنا با او بود [که] سه میلیون و سیصد هزار تومان خرج داشت که هشت میلیون گرفت. آدم چاپلوس نوکر در روابط خانوادگی سطح بالا بوده [و] معاون اتاق صنایع شد. علی شکرچیان و خانواده قرقه زیبا ثروتمند بوده‌اند. سال 38 و 39 هر چه می‌خرید، پول نقد می‌داد؛ خیلی کثیف است، فراری است.

بنی‌صدر: به مناسبتی [او را] در دفتر عالیخانی^۳ دیدم. زد و بند آن وقت داشت.

سحابی: فولادی، شرکت پخش لوازم یدکی در این چند سال گذشته داشت، [از] عوامل گرانی، بازار سیاه و پخش باتری [بود].

قطب‌زاده: حسین فولادی سه میلیون زمین نزدیک شهر اشرف دارد، خانه‌سازی دارد. آورد بدهد [تا] نجات بدهیم او را.

سحابی: عبدالمجید اعلم^۴.

باهنر: لاستیک.

احمدزاده: کیان تایر [را] دارد.

سحابی: [اعلم] همبازی شاه بود، شرکت مقاطعه‌کاری تسا را داشت، مدتی وضع او بد بود، تا [سال] 41 به بعد شرکت آنقدر بزرگ شد. پروژه‌هایش مخفی است و به او می‌دادند. سالیانه دو میلیارد تومان باید کار بکند. سال 50

1. ابراهیم قرین‌راد، رئیس شرکت سهامی کارتن ایران و شرکت برنت.

2. عنایت بهبهانی، نماینده مجلس شورای ملی و از مؤسسان شرکت صنعتی جنرال.

3. علینقی عالیخانی (98-1307)، وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس دانشگاه تهران در دوره پهلوی دوم. از سهامداران نورد اصفهان و آجر نسوز.

4. عبدالمجید اعلم از پیمانکاران مشهور، به‌خصوص در پروژه‌های بزرگ سدسازی یا لوله‌کشی و سهامدار کارخانه‌های سیمان تهران و قند کرمانشاه.

به بعد وارد صنایع شد، کم‌تر شرکت جدیدی بود که اسم او نباشد. جزو شرکت خانه فراری است. هرندی^۱، صاحب گروه صنفی برک.

بهشتی: کفش ملی، پلاسکو، برک، حتی فروشگاه‌ها مال آنهاست.

سحابی: هرندی شریک غلامرضاست. تمام نقل و انتقالات از 21 بهمن به بعد ملغی است. علاقبند، سلطان پنبه ایران، با برادر طوفانیان شریک است، کارخانه کشت و صنعت شمال به اضافه روغن نباتی [در اختیار اوست]. کارگران، مدیر او را بیرون کرده‌اند. علاقبند خارج است، طوفانیان می‌آمده. 100 هزار به شریعتمدار، به گلپایگانی، و نجفی^۲ داده.

قطب‌زاده: علاقبند فراماسون هست.

موسوی: غیر از فراماسونی و سرمایه‌دار.

بهشتی: انقلاب یا حکومت شرعی، باید گفت گرفته شود.

احمدزاده: وهاب زاده، رستگار^۳، علی حاج طرخانی.

هاشمی: ارج، همه جای ایران.

بهشتی: عده‌ای را مثل ثابت و القانیان نوشته شود [که اینها] کسانی هستند که استرداد اموال عمومی از آنها شده است.

هاشمی: این معیارها درست نیست. ارج همه جا را گرفته.

مهندس سحابی: انحصار نکرده

-
1. حاج مهدی هرندی، فعال صنعت نساجی و موسس کارخانه پوشاک برک و ایران پویلین.
 2. سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی (1369-1276) مرجع تقلید شیعیان در قم.
 3. مرتضی رستگارتهرانی (1378-1289) مالک شرکت کالسیمین و کارخانه سرب انگوران. همچنین نام برادر وی، رضا رستگارتهرانی (1379-1286) نیز در لیست وجود داشت.

هاشمی: مصادره خیلی از اینها باید بشود. ثروتمند زیاد است. در بازار، در زمین. میلیارد در از زمین هستند (دکتر پیمان آمد). با طرح باشد، صنایع رفته رفته ملی شود. یک وقت حالت چپ زدگی و انقلابی نمایی است. بهشتی صحبت می کند اینها همه حرام است، خوب است حالت مصادره، کار ما این نیست.

مهندس سبحانی: ائمه کفر را 25 یا 26 نفر است اعلام شود بگوییم.

موسوی: با شرح گفته شود.

مهندس سبحانی: -

خامنه‌ای: -

بهشتی: بنده معتقدم این لایحه بر مبنای این که باید گرفت، خیلی کارهای دیگر کرد. هرکس سرکرده باشد، از کیفیت پول در آورها. مالی که اکثریت آن از مبنای حلال به دست آمده باشد، نداریم. اکثر سرمایه‌ها از طریق حرام به دست آمده. حکم به استرداد آنها از مبنای ولایتی اشکال ندارد. خیلی میان افراد حرف نیست، یکی عرق خور بوده، زناکار و ... یک عده در این بعدها کم تر است. آقای هاشمی و خود بنده و دیگران می دانیم [که اینها] حداقل با رشوه دادن، کار خود را درست می کرده اند. از نظر بنا کبر نیست مصلحت اقتصاد کشور، لایحه را هر کار بکند، ثروت‌ها و کارخانه‌های بالای 7 یا 8 میلیون تومان، صنایع خرد [را] از حالا برای اداره بخش عظیم صنایع آماده کنید. اگر احساس می کنید این لایحه را امروز بدهید، و گرنه یک ماه دیگر، اسامی سوال انگیز است. صنایع بالای هشت میلیون تومان ملی شود.

خامنه‌ای: در اصل تصویب لایحه با دایره وسیع تر بحث نیست. چند نوع شده، این نوع دوم است. اولاً در لایحه اعلام می شود جنبه انقلابی فراموش نشود؛ عملی باشد که [نشان دهد] انقلاب ادامه دارد. دوم، [در مورد] تکیه شما و هاشمی [بر این نکته] که کارخانه‌ها می خوابد.

بنی صدر: خوابیده است.

خامنه‌ای: در کارخانه‌ها درست است کم تر مدیریت لنگی می آورد، ولی لنگی کار هم هست. کارخانه‌ها از نظر کار خوابیده است، کارگزارانش به کار نمی رفت. اگر این نام‌ها گفته شود، در تعداد مشخص شود، تازه‌ای پیدا می شود، تعدادی که مدیر نداشت آنجا مسئله فرقی نمی کند. اعلام بکنیم تحت ضابطه بند ب. حرف شما وسیع است، آن در مراحل بعدی ممکن است بدین نام‌ها چند تای دیگر اضافه شود.

بهشتی: 40 یا 50 نام می‌گردند، پیدا کند. همه کسانی که مشمول هستند نام آورده شوند. ثانیاً اگر لازم است بگیرند پیدا کند، دیگران را دلسرد نکند.

قطب‌زاده: علت موافقت اعلام سلسله اسامی، لایحه اگر اعلام شود و مصداق معلوم شود، به‌طور عینی همه را متزلزل کرده و استفاده مثبت نشده. [در مورد] اشکالی که می‌گویید، برای یک ماه دیگر به نظر می‌رسد جو انقلابی موجود، اثرات منفی اولیه را گذاشته. ضمناً این کارخانه‌ها مدیران آن مسئله نیست، متزلزل دارند یا نه، همه دارند. تلاش است به هر نحوی شده، تمام پنج میلیارد را مخارج منتقل کرده‌اند و خورده‌اند. تازه می‌رویم آنها نخورند حداقل یک سری اسامی اعلام شود.

سحابی: در مورد اعلام اشخاص سه نکته دارم. [1] اعلام باید قاطع باشد، وگرنه اهمیت نمی‌دهند. (2) ما می‌توانیم اعلام بکنیم القایان سیاسی نبود، در زیر سیستم ساز بود، صنایع کوچک هم باید رشوه می‌داد. (3) ما همیشه یک طرف موضوع را نگاه می‌کنیم. تزلزل و ... درست. [اما] آن طرف اگر جوری انقلابیون خودمان را نشان ندهیم [که] یک حدی اهداف شما را اجرا می‌کنند، علاقه پیدا نمی‌کنند. دولت باید تسلط روی کارخانجات داشته باشد و پاکسازی بکند. اینها قربانی شوند تا دولت بتواند بایستد. باید اعلام کرد.

بنی صدر: عقیده ندارم میسر شود، لیست کامل شود، به‌عکس، طرز فکر آنها پیروی از زور است، بقیه حساب دستشان می‌آید. کسی در ایران از جیب خود نگذاشته و از این به بعد نمی‌آیند. ابن‌خلدون می‌گوید، [در] کشورهای ما تاجر از جیب خودش خرج نمی‌کند، وگرنه دو ماه دیگر اصلاً ما نخواهیم بود. به‌تدریج اسامی منتشر شود. مهندس بازرگان طبعاً با آنها موافق است.

مهدوی: حرفم ممکن است اول مطلوب نباشد. [در] لایحه زمین، توجه به فتاوی‌ای آقایان نکردید. در اینجا نظرات خودمان را منظور می‌کنند. آقای خمینی نظرش می‌خواند معامله ما پول حرام را باطل می‌داند. رژیم حق نداشته اموال عمومی را بدهد آقایان دیگر. یکی رشوه، آنها در این صورت جایز می‌دانستند. مسئله دوم معامله ذمه با پول حرام را فتوا به صحت می‌دهند. غالباً معامله نسیه بوده. ممکن است صدای آقایان دربیاید. مخصوصاً آنها که چهره مذهبی دارند، وجوهات بده هستند، مثل برخوردار که در قم واحد آقای صدوقی را می‌سازد.

بهشتی: الان باید اعلام کرد در فتوای حکومتی نمی‌شود فتاوی‌ای متضاد را دخالت داد.

خامنه‌ای: [به] خاطر آقای مهدوی جنبه شرعی درست شود. مسئله لاضرر شوخی بردار نیست. این قاعده حاکم است، معاملات باطل. فتاوی در رودربایستی که فلان جناح خوشش نیاید، از اصول اسلام نمی‌شود مایه گذاشت. باید مرّ اسلام مایه‌گذاری شود. فتاوی غیر از اصول اسلام است. بحث روشنفکری که مورد تأیید شما و همه است. فتاوی تحت اوضاع و احوال از مسیر اصلی دور شده. حالا که وقت عملی است، فتاوی را کار نداریم. لاضرر مسلم مالکیت خصوصی هست، با حدود و ضوابط دنبال فتاوی نرویم. روی آنچه با شرع می‌خواند توافق کنیم، قانون تصویب شد و اعلام، ایشان مخالفت نمی‌کنند.

بهشتی: ایشان گله‌مند می‌شوند. با ایشان مطرح شود.

هاشمی: همه ادله باید محدود نگردد. اگر مصلحت کشور مورد نظر است، این به آن هدف نمی‌رسد. شاید طرح بهتری بدهیم. عده‌ای را معین کنید، بگویید بعد از آن جلو نمی‌رویم.

بهشتی: باید به صورت انقلابی عمل کرد. مالکیت صنعتی را مطابق موازین اسلام عمل کرد.

مهدوی: مملکت را خراب می‌کنند.

جلالی: این کارها [را] باید دید انقلابی است یا نه.

احمدزاده: خیلی موارد [را] در نظر گرفته‌ام. [برای] خیلی [از] موارد، مدیر گذاشته‌ام.

جلالی: [در مورد جنبه] اسلامی من اظهار نظر نمی‌کنم. اگر تأیید کند اسلامی است، امثال بنده مسئولیت شرعی نداریم. اگر وتو نکردند، آیا معلوم نیست شش ماه دیگر، اعتراض سایر مراجع را توجه می‌کند [؟] یک موضوع است. شش ماه دیگر معلوم نیست دولتی باشد یا نه. یک چیز را انتخاب کنیم. اسلام تجمع ثروت را محدود می‌کند. چهارشنبه نشان بدهیم اعلام کردیم.

دکتر پیمان: نکته راجع به اداره صنایع و اشکالات که بکند می‌شود این قالب را بشکنید. این توهم است. هر قدم نیم‌بند برداشته شود، همه اینها در حال تعطیل و زد و بند [و] خیانت هستند. این جور جریان وضع را یک ساعت نمی‌نشانند. عدم اعتماد به خودمان و ظرفیت انقلابی مردم است. استخوان لای زخم، نمی‌تواند تجدید حیات صنایع بکند و شکست ما قطعی است. باید قاطع عمل کرد و نگران نباشیم. با شور و هیجان کارگران [را] می‌شود نگه داشت. [اگر] تولید پایین آمد، اشکال ندارد. نه از لحاظ اصول اسلام صحیح است و نه از لحاظ اقتصاد مملکت،

مرحله بندی آن، بر اساس سرمایه مرزی کشید، سرمایه‌هایی که تولید خانوادگی دارد، استثمار را می‌شود نفی کرد و حفظ کرد. سرمایه بالا را معین کنیم با ذکر دلایل ضرر استثمار ذکر شود.

بهشتی: دوازدهم ده میلیون به دلار. در گفتگوی اول جریان تا حالا یک نفر دیر و زود می‌کرد. تکلیف ما را معین کنید. لایحه را تغییر شکل بدهید [برای] جلسه سه‌شنبه.

شیبانی: این عده که نام برده شده، اعلام شود.

موسوی: اگر قرار شود لایحه تصویب کنیم بعد برویم عوض کنیم، این لایحه تصویب شده، ذیل آن با اسامی باشد یا نباشد. این لایحه تصویب شده، ذیل آن بحث است.

دکتر پیمان: سرعت عمل حرف دولت است. اگر این مواد باید تغییر کند، تصویب شود.

سحابی: این لایحه معطوف [به] گزارش توجیهی بود. برآورد از نظر شرعی همه صنایع می‌شود (دکتر صدر آمد). تمام صنایع مصادره نمی‌شود. وقتی اعلام شد صنایع ملی، اشخاصی که صنایع آزاد می‌شود در صنعت نمی‌گذارند، [به سراغ] یا کشاورزی یا تجارت یا مصرف [می‌روند].

بهشتی: یا صنایع کوچک.

سحابی: اگر بروند سراغ کشاورزی، سرمایه منتقل بر کشاورزی می‌شود. در بازار و اقتصاد وابسته‌تر می‌شود. مردم کوشش برای تولید داخلی نمی‌کنند. صرف نظر از سرمایه‌دارها، مردم متوسط و عادی اکثر سرمایه‌هایی دارند، سرمایه‌گذاری مردمی مجموع شود. رسیدن به اقتصاد توحیدی یک‌مرته نمی‌شود. طول مدت، از پیش معلوم نمی‌شود. مرحله اول، بخش خصوصی باشد، از همه جهت کنترل شود. اهداف در مرحله اول باشد. از نظر اسلامی خود ما، ملی شدن راه اسلامی نیست، مردمی شدن و اجتماعی شدن اسلامی است.

موسوی: خود لایحه درست. بقیه با شرح حال که حدود معین است بدهند، افرادی که در آن مسائل با آنها شریک هستند، مشترک باشند. هر پولدار خودش را مشمول قانون نداند.

بنی صدر: در مطالب سحابی سن شریک کار اقتصاد امور نظامی نیست و ناگهانی نمی‌شود. ما کشور زیر سلطه هستیم. به تدریج به طرف یک هدف برویم، محتاج سیاست اقتصادی هستیم. شورا هیأتی معین کند، سیاست اقتصادی

را معین کند. لایحه مهندس بازرگان دو بار آمد، سر کلمات حرف داشت. این لایحه دولت است. اگر می‌خواهید اجرا نشود، اثرش بدتر است.

بهشتی: این آقای احمدزاده پا به پای افراد آمده. چوب ایشان تندروری است. دکتر صدر خودش بگوید. قطب‌زاده: این هم مثل او است.

بهشتی: مهندس بازرگان به هر دو تشر زد، اکثریت هیأت دولت با تصمیم شما موافق نیست.

دکتر صدر: بدون این که وارد ماهیت بحث بشویم، چون مهندس نیستند یک جمله بگویم. مهندس به اندازه‌ای دموکراتیک فکر می‌کند [که] اگر شخصاً مخالف باشد، دنبال تصمیم جمع هست.

شیبانی: 25 نفر را معین کنید.

بهشتی: به جای 25 نفر، چند نفر نمونه باشد.

قطب‌زاده: ثابت صحبت شده این لایحه با 25 اسم به‌طور مثال اعلام شود.

رد شد با 25 اسم.

لایحه بدون اسم اعلام شود. در توضیحات اسم افراد معروف برده شود.

مهدوی: لایحه بدون اسم تصویب شود.

دکتر پیمان: در محل چه تغییراتی ایجاد شد، در بانک‌ها، راجع به صنایع همین‌طور است.

بهشتی: اسامی را که لایحه بدون اسم منتشر شود، دولت در توضیحات عده‌ای را به‌عنوان نمونه اعلام کند.

رد شد.

هاشمی: لایحه با مرز مشخص، افراد فراری و ارتباط قطعی با دولت داشتند منتشر شود و جلوی بسته نشود.

باهنر: پیشنهاد هاشمی با توضیح اگر اسم نبرید خشک اگر اسم ببرید با توضیح داده شده شبیه آنها 50 نفر داریم.

دکتر صدر: تعدادی هستند که لااقل همه نظر دارند درباره آنها اقدام شود. هدف این بوده، به دیگران اطمینان داده شده. چرا آنها که مورد قبول است اقدام نمی‌کنیم [؟] راجع به بقیه، دادگاه تصمیم بگیرد.

پیمان: قسمت الف تکمیل شود، بعد الف تکمیل شود ... بند ب با معیار سرمایه.

بهشتی: لایحه تصویب شده. در مورد افراد، دولت هر چه می خواهد، اقدام کند.

خامنه‌ای: به دولت یک هفته وقت بدهیم [تا] حداکثر اسم ممکن را گیر بیاورد.

بهشتی: پیشنهاد من هم این بود [که در] یک مهلت دو سه روزه برود اسامی را مطابق معیار بند ب پیدا کند [و] اعلام کنیم 60 یا 70 نفر.

جلالی: لیست بعضی شده، در جلسه یکی یکی رأی بدهیم.

خامنه‌ای: بحث روی افراد نیست.

احمدزاده: قبلاً گفتم تعدادی اسامی با این قانون عرضه بشود، قطعی نشود، یک هفته در ماده دو فرصت داده شده.

دکتر صدر: این مسئله ما را با روحانیت روبه‌رو می‌کند. تأیید شورا روی افراد لازم است. به این دلیل فلان حاج آقا برود بگوید مصادره اموال شده. آقایان شورا حامی ما باشند، [اگر] اصرار است این اسامی خوانده شود، اگر شورا نمی‌شناسد، دولت هم نمی‌شناسد.

خامنه‌ای: وقتی صحبت می‌شود گوش نمی‌کنید. بحث روی تک تک افراد نیست. لایحه تصویب شده، پنج روز تأخیر شود. به جای 25 اسم، 50 اسم اعلام شود.

بهشتی: لیست قطعی معلوم شد، دوشنبه تا سه‌شنبه، حداکثر پنجشنبه، موارد لیست معلوم شود. [اگر دولت] مایل است لیست را بیاورد، [اگر هم] می‌خواهد، بیاورد. شورا پشتیبانی می‌کند. لایحه با اسامی قطعی شده نه در این دایره 25 نفر.

به شورا، وزیر بازرگانی، صنایع [و] معادن و سازمان برنامه اختیار داده می‌شود لیست را اعلام کنند.

قطب‌زاده: شورای سه نفری وزیر بازرگانی، صنایع [و] معادن [و] سازمان برنامه، به شورای سه نفری اختیار داده شود اسامی را با این لایحه اعلام کند.

مهندس سبحانی: بند د و ج قسمت عمده صنایع ایران، 70 یا 80 درصد سهام دست دولت می‌افتد.

موسوی: با ذیل لایحه با این 25 نفر صورت همین را مشمول دانسته، ببرند تکمیل کنند.

بهشتی: پیشنهاد، لیست نهایی را دولت برای هروقت که تعهد کند سریع و اعلام لایحه همراه با لیست تقریباً قطعی باشد، حدود 60 یا 70 نفر را می‌گیرد.

احمدزاده: گذاشتم به تصویب هیئت وزیران و نمایندگان شورای انقلاب، گفتند وقتی که اسامی را می‌خواهیم اعلام کنیم شورا ببیند. اسامی آماده شده. فرض کنید یک هفته فرصت، این اسامی بدون ایراد است و بدان اضافه نمی‌شود. تهیه اسامی کار دشوار است، به‌خصوص که خیلی‌ها جابه‌جا شده.

بهشتی: تقریباً لیست بند ب چند نفر می‌شود [؟]

احمدزاده: خانوادگی باشد، 60 نفر می‌شود.

بهشتی: تا پنجشنبه لیست 50 یا 60 نفر را بدهید.

قطب‌زاده: لیستی منتشر کنیم، نهایی، قطعی بودن [را] از اطلاعات مردم می‌شود استفاده کرد.

بهشتی: دولت اعلام کند لایحه را. لیست مشمولان بند ب تا روز پنجشنبه به‌طور مشخص اعلام می‌شود.

قطب‌زاده: لایحه تنظیم شده به حداقل مقبولیت رسیده، برای پنجشنبه جنجال بلند می‌شود.

بهشتی: لایحه به همراه لیست بند ب یکجا اعلام شود. ماده آخر موارد به تصویب کمیسیون شورا و سه نفر وزرا برسد.

تصویب شد.

اعلام لایحه بعد از تعیین لیست باشد. تصویب شد (دکتر صدر رفت).

[موضوع: ماجرای سعادتی:]¹

1. در این روزها مجاهدین خلق در یک بیانیه، گفته‌ای را از آیت‌الله طالقانی نقل می‌کند که وی جریان ارتباط سعادتی با دیپلمات روس را اصلاً جاسوسی نمی‌داند. طبق ادعای این بیانیه، طالقانی ابراز داشته بود نمی‌دانم چرا در این مملکت همیشه جاسوس روس می‌گیرند، اما یک بار نشنیده‌ایم که جاسوس امریکایی بگیرند (اطلاعات، 1358/4/10، ص 11). پدر سعادتی هم در مصاحبه‌ای برای تنویر حقایق، خواستار محاکمه علنی فرزندش می‌شود (کیهان، 1358/4/12، ص 1) 12 تیر 58 میتینگ مجاهدین خلق در اعتراض

موسوی: [درباره] مسئله سعادت‌ی قرار شد چیزی بنویسیم... شورا از طریق دادرسی انقلاب در جریان قرار گرفت.

بنی صدر: اول گفته شود شورا سه نفر را مأمور کرد و قرار بوده جاسوس‌بازی را کنار بگذارند و اسلحه را کنار بگذارند. شرایط آنها مشخص شود.

مهدوی: مطالبی را که مجاهدین انقلاب اسلامی گفته‌اند بگویید.

جلالی: در بیانیه نهضت [آزادی] آمده بود که با بزرگ کردن شکنجه می‌خواهند اصل جاسوسی را نادیده بگیرند.

[موضوع: وضع زندان‌ها:]¹

به بازداشت سعادت‌ی، به خشونت کشیده می‌شود. در درگیری مخالفان و موافقان مجاهدین خلق، تیراندازی‌ها و خشونت‌هایی رخ می‌دهد که پیرو آن، دادستان کل انقلاب به همه درباره "برادرکشی" هشدار می‌دهد (کیهان، 1358/4/13، ص آخر). دولت موقت تأکید می‌کند هیچ‌گونه دخالتی در ماجرای بازداشت سعادت‌ی نداشته است (اطلاعات، 1358/4/13، ص 12).

در واکنش به اعتراضات به تشکیل نشدن دادگاه سعادت‌ی، دادستان کل انقلاب، عدم حضور نماینده مجاهدین خلق را دلیل تعویق در برگزاری دادگاه عنوان می‌کند (جمهوری اسلامی، 1358/4/13، ص 1 و 2). اما مجاهدین خلق در پاسخ ادعا می‌کنند نماینده خود را به دادستانی اعزام کردیم و از آنها خواستیم تا مسئولیت دستگیری سعادت‌ی را برعهده گیرند، اما آنها قبول نکردند (کیهان، 1358/4/14، ص 2). مجاهدین خلق همچنین در نامه‌ای به امام خمینی اعلام می‌کند توطئه منظمی علیه مجاهدین خلق در حال اجراست (اطلاعات، 1358/4/16، ص 2). آنان در این نامه سرگشاده، ضد انقلاب را عامل تعرض به مجاهدین خلق معرفی کرده و ابراز می‌دارند: از مدت‌ها پیش آگاه بودیم که برای دور کردن شما از جوانان روشنفکر انقلابی مسلمان چه اقدامات وسیعی در جریان است و می‌دانیم چه افتراهایی علیه ما به سمع شما می‌رسد (اطلاعات، 1358/4/17، ص 9). در این اثنا، آیت‌الله طالقانی در پیامی با تأکید بر ضرورت هوشیاری و آگاهی مردم، از رهبران گروه‌ها درخواست می‌کند برای گروه‌پرستی و خودنمایی، نهضت عظیم و چهره اسلام را خراب نکنند (کیهان، 1358/4/16، ص 3). طالقانی هشدار می‌دهد که دشمنان انقلاب در حال لبخند زدن هستند و همگان را به خون شهدا سوگند می‌دهم که از این موضع‌گیری‌ها دست بردارند (اطلاعات، 1358/4/16، ص 12). اما این بحران کماکان ادامه پیدا می‌کند.

1. در این روزها اعلام می‌شود جلب و تعقیب متهمان تا زمان تعیین تکلیف وضعیت زندان قصر، متوقف گردیده است. دادستانی تهران برای اسکان زندانیان عادی، زندان نداشته و به این ترتیب، پلیس و ژاندارمری، حتی حق دریافت شکوائیه را نیز ندارند (اطلاعات، 1358/4/9، ص 1). بحران زندان‌ها، حتی واکنش امام خمینی را نیز به همراه دارد که خواستار رسیدگی به وضع زندانیان می‌شود (کیهان، 1358/4/11، ص 2).

بهشتی: مسئله زندان. انتقال به اوین ممکن نیست. نوع زندانی‌ها حساس و خطر حمله بالاست. تضمین‌ها به درد نمی‌خورد. کارکنان نمی‌روند.

مهدوی: جا ندارد.

بهشتی: تأمین ندارند. آمیخته کردن آنها با زندانیان عادی اشکال ایجاد کرده. آمده بودند در باغ، دنبال هم کرده بودند و لباس پاسدارها را پوشیده‌اند، لواط می‌کنند، هروئین و غیره برای زندانی سیاسی آینده است. قرار شد به اندازه 2500 نفر دیوار بکشند و مجزا کنند و آن قسمت را آنها بگیرند، ناشی از آن است که پی بهانه می‌گردند.

مهدوی: آقای شهشهرانی بلافاصله عزل شود. برخورد او با کمیته تحقیرآمیز است.

بنی‌صدر: دولت باید مملکت را اداره کند.

خامنه‌ای: آذری می‌گوید قزل‌حصار، اوین و غیره. اصلاً قزل‌حصار برای زندانیان عادی ساخته شده.

مهدوی: رفت و برگشت چهار ساعت.

موسوی: هم با شهشهرانی گفتم، هم با آذری. شهشهرانی گفت راهی نشان بدهید، گفتم ببرید اوین. گفت آنجا 600 تا 700 نفر جا دارد. آذری گفت این چه کاری است [که] شهشهرانی گفته است [؟] گفت ما حرفی نداریم، ولی دو راه میسور نیست.

ناهار خورده شد.

ساعت 2/5 مهندس موسوی آمد (قطب‌زاده برگشت).

جلسه عصر یکشنبه 1358/4/10

[جلسه مشترک شورای انقلاب و کابینه دولت موقت با امام خمینی¹ / حاضران:] میناچی، سامی، پیمان، مهندس سحابی، فروهر، شریعتمداری، بازرگان، یزدی، هاشمی [رفسنجانی]، دکتر سحابی، هادوی، موسوی اردبیلی، بهشتی، مهدوی [کنی]، خامنه‌ای، مسعودی، شبیانی، اردلان، ایزدی، باهنر، جلالی، کتیرائی، شکوهی، تاج، دکتر صدر، قطب‌زاده، معین‌فر، طاهری، شهشهانی، صباغیان، اسلامی، [مهندس] موسوی، ریاحی، مصطفائی.

[موضوع: جلسه

خمینی: گله‌هایی هست [که] باید رفع شود.

بازرگان: [امروز] سرنوشت انقلاب بیش‌تر در خطر است تا شش هفت ماه قبل، و ایجاب می‌کند بیش از قبل وحدت کلمه باشد، در جهت واحد همه حرکت کنند. نه تنها اختلاف، بلکه همراهی و پشتیبانی و کمک باشد. چون خیلی همکاران بنده [و] وزرا حس کردند که در اثر عدم یکپارچگی و وجود مراکز تصمیم‌گیری و مداخله، نه تنها ناراحت می‌شوند، [بلکه] کار پیش نمی‌رود و ترجیح می‌دهند اصلاً کنار باشند. اگر شعار زمان، وحدت کلمه و رهبری واحد بود، حالا محور واحد هم اضافه شده. این محور، اسلام و خدا و در رأس، حضرت‌عالی [امام خمینی] و تمام در یک جهت [باید باشند].

1. چند روز قبل از این جلسه، هیأت دولت به قصد استعفای دسته‌جمعی به قم و نزد امام خمینی می‌رود، اما امام پیشنهاد استعفای دولت را نمی‌پذیرد (اطلاعات، 1358/4/9، ص 2). با این وجود، شایعه استعفای بازرگان در مطبوعات تکذیب می‌شود (کیهان، 1358/4/10، ص 2).

پس از جلسه دهم تیرماه (جلسه فوق) مطبوعات از مذاکرات چهار ساعته، این نتیجه را پوشش می‌دهند که اختیارات دولت در تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافت (کیهان، 1358/4/11، ص 2). روزنامه جمهوری اسلامی، مذاکرات قم را موفقیت‌آمیز توصیف کرد (جمهوری اسلامی، 1358/4/11، ص 1). مهندس بازرگان هم تأکید کرد: راه ما راه اسلام، راه امام و راه شورای انقلاب است (کیهان، 1358/4/11، ص 4). شاید یکی از نتایج مهم این جلسه، خبری باشد که دو روز بعد در جراید منتشر شد و طبق آن، بدون اجازه و نظر دولت، هیچ مقام غیرمسئولی حق بازداشت هیچ کسی را ندارد. همچنین فعالیت کمیته‌ها از این پس زیر نظر دولت بوده و بازداشت متهمین با حکم و دستور دولت خواهد بود (اطلاعات، 1358/4/12، ص 1). پس از جلسه مشترک شورا و دولت با امام، جلسه امام خمینی با مراجع ثلاثه (شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی) برگزار گردید (جمهوری اسلامی، 1358/4/12). اگرچه هیچ اطلاعی از محتویات این جلسه به بیرون درز نکرد. به هر حال، از جلسه آینده شورای انقلاب، بررسی طرح‌هایی برای شکل‌دهی به روابط آینده شورای انقلاب و دولت موقت، و خروج از بن‌بست کنونی با محوریت ترمیم کابینه آغاز شد که نهایتاً به تغییراتی در بدنه دو نهاد منجر گردید.

بهشتی: ایراد اگر به شورا هست، نمونه بدهید.

مهندس بازرگان: فرودگاه برای لیبی^۱، وزارت خارجه^۲.

دکتر سبحانی: انتقاد لازم است (صدر، دکتر احمدزاده آمدند، ساعت شش). در مورد تغییرات لیست انتخابات صحبت کرد.

فروهر در مورد دخالت کمیته‌ها و شوراهای کارگری در وزارت کار و وظایف شورای انقلاب صحبت کرد [و تأکید کرد] قوه قانونگذاری حق هیچ‌گونه دخالت در امور اجرایی نداشته باشد، قوه قضایی، قوه مقننه یک بار اظهار نظر کند. بقیه زیر نظر قوه اجرایی باشد.

دکتر سامی [مطالبی را] راجع به دخالت شورا در امور اجرایی از طریق سپاه، کمیته و رادیو بیان کرد.

هاشمی [مطالبی] در مورد اقداماتی که دولت کرده و شورا حرفی نزنده [گفت].

موسوی: -

1. منظور، جلوگیری دولت از سفر هیأت حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران به لیبی برای شرکت در جشن برجیدن پایگاه‌های آمریکایی بود که قبلاً شرح آن رفت. لازم به ذکر است در همین ایام، اتفاق دیگری در فرودگاه مهرآباد رخ داد و طی آن، محمد منتظری، از اعضای حزب جمهوری اسلامی، دهها مسافر هواپیمای سوری را به گروگان گرفت (اطلاعات، 1358/4/10، ص 2). آیت‌الله منتظری، پدر محمد، با محکوم کردن اقدام وی، گفت: فرزندم محمد در کارهای خود با اینجانب مشورت نمی‌کند (اطلاعات، 1358/4/11، ص 3). روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب، نیز با انتقاد از بی‌قانونی محمد منتظری در فرودگاه، هشدار داد اقدامات خودسرانه‌ای از این قبیل می‌تواند خطراتی جدی برای انقلاب به همراه داشته باشد (جمهوری اسلامی، 1358/4/12، ص 1). حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد عضویت منتظری در حزب به دلیل عدم رعایت انضباط حزبی تعلیق گردیده، ضمن آن که سفر وی به لیبی کاملاً شخصی است و ارتباطی با حزب ندارد (جمهوری اسلامی، 1358/4/16، ص 2). با این وجود، محمد منتظری بر مواضع خود اصرار ورزیده و طی سخنانی ابراز داشت: یزیدی و بازرگان اراده آزاد ندارند و زیر نفوذ سازمان‌های اطلاعاتی امریکا و صهیونیست‌ها هستند (اطلاعات، 1358/4/23، ص 2).

2. اوایل تیرماه 58، وزارت امور خارجه از کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی دعوت کرد تا برای بررسی رابطه ایران با ابرقدرت‌ها و نیز عراق و افغانستان، در جلسه‌ای در این وزارتخانه شرکت کنند (اطلاعات، 1358/4/3، ص 2). اما حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد به نشانه اعتراض در این جلسه شرکت نمی‌کند (جمهوری اسلامی، 1358/4/5، ص 1). این حزب، دلیل این امر را این گونه توجیه کرد که گردهمایی وزارت خارجه، مغایر مصالح جمهوری اسلامی و امت اسلام است؛ چرا که در این نشست از گروه‌هایی دعوت شده که صراحتاً از سیاست وابستگی به ابرقدرت‌ها دفاع می‌کنند و علیه جمهوری اسلامی به دسیسه می‌پردازند (اطلاعات، 1358/4/6، ص 2). کنایه بازرگان به این عدم شرکت حزب در جلسه وزارت خارجه است.

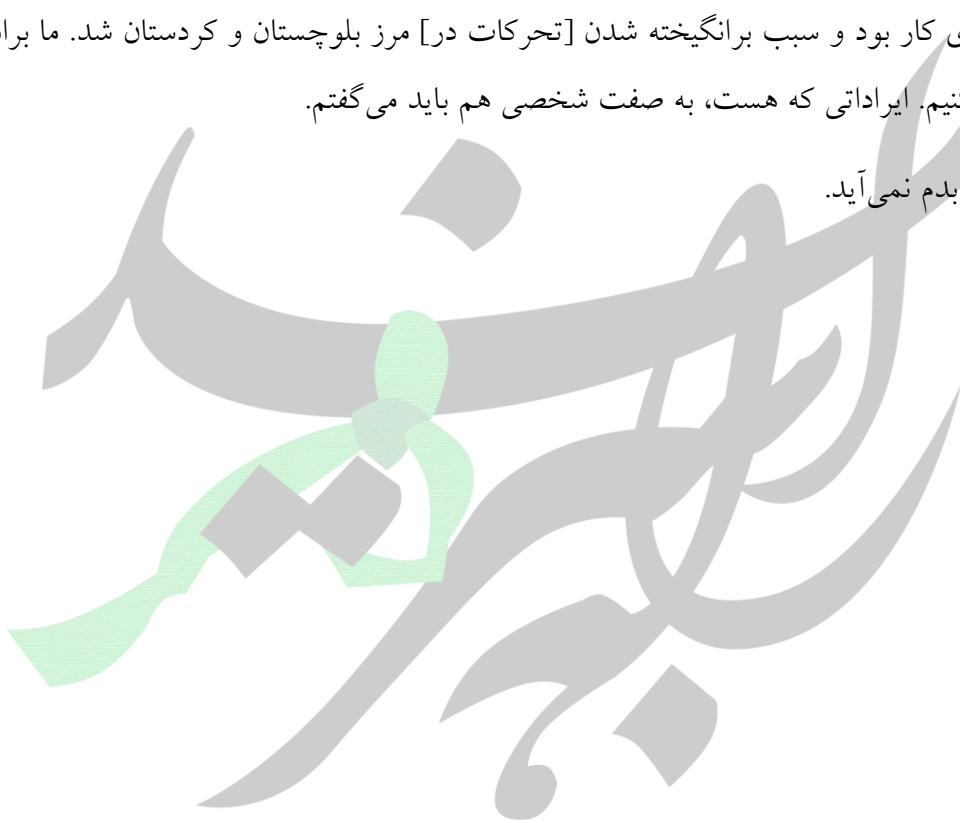
پیمان: مشترک بودن شورا و دولت در تصمیم‌گیری.

تاج: وحدت در مقابل دشمن مشترک [ضروری است]. دولت جایش را با شورا عوض کند و شما اداره مملکت را به عهده بگیرید و ما کمک شما هستیم.

صباغیان: اکثریت شورا اعضای حزب [جمهوری اسلامی] هستند؛ درست نیست. دولت به حرفش کسی گوش نمی‌دهد.

خامنه‌ای: [اعتراض دولت] بهانه‌گیری برای پاس دادن مسئولیت است. دولت از اول که آمد، ضعیف بود و اظهار کرد. خودش نشانه بدی کار بود و سبب برانگیخته شدن [تحركات در] مرز بلوچستان و کردستان شد. ما برادرانی هستیم، مجبوریم کار کنیم. ایراداتی که هست، به صفت شخصی هم باید می‌گفتم.

دکتر یزدی: من از گله بدم نمی‌آید.



جلسه سه‌شنبه 1358/4/12

[حاضران: بهشتی، سحابی، شیبانی، تاج، بازرگان، یزدی، سامی، ایزدی، موسوی [اردبیلی]، پیمان، دکتر سحابی، مسعودی (صدر، صباغیان، هاشمی [رفسنجانی]، باهنر، جلالی آمدند).

[موضوع: ترمیم دولت:]

دکتر بهشتی: پیشنهاد دکتر پیمان در مورد اداره کشور به صورت شورای انقلاب.

مهندس بازرگان: دو نکته کوچک. استعفای ده نفر [از] همکاران که دو هفته قبل مطرح بود، به هیچ وجه فرار از خستگی و [به] قصد کناره‌گیری نبود. [بلکه این کار برای] یکی شدن سه مرجع تصمیم‌گیری [صورت گرفت]. پنج شق قابل تصور است: 1) شورای انقلاب به کلی تعطیل و آن هیأت دولت، 2) شورا باشد، دولت باشد، جلسات با هم، تصمیم‌گیری در یک مجلس [صورت بگیرد]، 3) دولت تبدیل به هفت گروه بشود [و] از آقایان شورای انقلاب، یک نفر در آن باشد، 4) راه‌حل که ده یازده نفر نوشتند، پاسداران، کمیته‌ها و دادگاه‌ها کاملاً زیر نظر دولت باشد، 5) شورا باشد و نقش قانونگذاری و نظارت داشته باشد، دولت باشد، یا این دولت یا دولت دیگری، ولی برای این که تعارض پیش نیاید وابسته‌ها، حزب و کمیته‌ها و پاسداران موید این کار باشند (نه بی‌طرف و مخالف) و به جنگ دشمن برود. قسمتی از اعضای دولت در شورا [و] عده‌ای از شورا در دولت [باشند]. فرض، ده نفر از دولت در شورا باشد، تصمیم اینجا مسلم تکیه‌گاه در دولت دارد و در شورا هم ده نفر از دولت باشند. با توجه به مسائل و مشکلات، مطالبی به نظر آقایان شورا می‌آید، وقتی به افراد ما می‌گویند ممکن است قبول نداشته باشند، ولی ممکن است قبول باشد، ولی عملی نباشد (بنی‌صدر آمد، [صادق] طباطبایی آمد 8/5). شورا باشد، [چرا که] نبودن آن توهم دیکتاتوری ایجاد می‌کند.

موسوی: این یکی را که توضیح دادید، مثل این که مورد قبول است.

بهشتی: با توجه به این که اولویت این است آنچه در دولت مطرح شده و قبول، اینجا مطرح شود، برای این که بحث آگاهانه باشد، از مهندس سحابی و دکتر پیمان می‌خواهیم طرح خودشان را شرح بدهند.

موسوی: این طرح تصویب نشده، بلکه بحث شده.

مهندس سحابی: (قطب‌زاده آمد، 9، ده دقیقه کم، مهدوی آمد) طرح آن است که هفت گروه بشود که یا شورایی اداره شود و مشابه نظریه‌ای است که دولت دارد. آن عده از دولت در شورا باشند که از نظر مکتبی با انقلاب همراه

باشند. [برای] مسائل دیگر دستگاه اداری برایش در این طرح فکری شود. امور هفت گروه: 1) امور اقتصادی و مالی: نه واحد دارد، صنایع معادن ... 2) امور رفاهی، بهداشت و مسکن و ... بنیاد مستضعفین، مسکن و جهاد سازندگی، 3) امور قضایی، دادگستری، دادگاه انقلاب، 4) آموزش و فرهنگ و تبلیغات، 5) امور داخلی، وزارت کشور، شهربانی، پاسداران ... واحدی که نسبت اطلاعات و امنیت کلمه‌ها، 6) سیاست خارجی، 7) دفاع.

بهشتی: گروه‌های پنج، شش، هفت، همان وزارتخانه‌هاست. وزارت کشور.

پیمان: شورا است.

مهندس سبحانی: گروه یک اقتصادی، سازمان‌های تابعه بودجه، صنایع معادن، کشاورزی، بازرگانی، دارایی، کار، بانکها، نفت و پتروشیمی. اگر واحد دیگری می‌خواهید وارد آن شود. این مجموعه در حال حاضر، بوروکراسی میراث رژیم گذشته [است]. شورایی به‌عنوان گروه اقتصادی و مالی مرکب از روسا و وزرای این واحدها. این شورا اداره کننده این واحد است. اعضای شورای انقلاب که وارد این شورا هستند، در بخشی از اجرا دخالت می‌کنند، سیاست اقتصادی و مالی را معین می‌کنند. یک عده که مکتبی هستند در شورا شرکت می‌کنند، به اضافه افراد شورا که در این هیأت هستند. شورای امور رفاهی، بهداشت، مسکن، راه، پست و مخابرات، نیرو، جهادسازندگی، مستضعفین، و بنیاد مسکن، مسئولینی [از آنها] در این شورا شرکت می‌کنند، یک یا دو نفر از شورای انقلاب در اینجا شرکت دارند. اگر لازم شد، مسکن و راه یکی شود، این شورا تصمیم می‌گیرد. تعداد افرادی که در شورا بودند یا از شورا [به] اینجا می‌آیند بررسی می‌شود. شورای امور قضایی، دادگستری، دادگاه انقلاب. همکاری شورا و دولت ساده نیست، بلکه [باید] با مکانیسمی باشد که نتیجه مطلوب بدهد. تمام امور اجرایی زیر یک رهبری بیاید [با] مقداری استقلال داخلی. اگر شورای انقلاب حرفی داشت، نگوید دولت از جامعه و مردم منقطع است، تماس شورا با مردم بیشتر است، دولت دلایلی دارد، ولی نحوه عمل اعلام تصمیم‌هایش ایراداتی ایجاد می‌کند. نقش نخست‌وزیر چیست [؟]

بهشتی: شوراهای هفتگانه بین شورای اقتصادی، به‌علت تعدد وزارتخانه‌ها سه نفر از شورا بیایند آنجا و سه نفر هم از رؤسای آن وارد شورای انقلاب شوند. شورای امور رفاهی یک نفر، شورای قضایی یک نفر، امور آموزش و فرهنگ دو نفر، امور داخلی دو نفر، شورای خارجی و دفاعی یک نفر. جمع این تعداد یازده نفر که 22 نفر می‌شود، یک نفر صدر در نهایت، جمع کل 23 نفر تا 25 نفر.

مهندس بازرگان: به طور کلی گفته شد در طرح ما مؤسساتی که جدای از دولت هستند و احیاناً بنیاد و غیره وارد دولت می‌شوند، پاسداران انقلاب جزو وزارت دفاع یا کشور می‌شود. دادگاه انقلاب از بین می‌رود.

تاج: شورا و دولت یکی شود، کار را یکی انجام دهد.

بهشتی: هفت گروه اجرایی زیر نظر یک گروه تصمیم‌گیری گروه اجرایی، اختیارات تصمیم‌گیری داخلی زیر نظر گروهی که هم تصمیم‌گیری قوه مقننه دارد و هم دولت، شورای 23 نفر تصمیم می‌گیرد.

پیمان: برداشت اشتباه بود. دو مرکز تصمیم نیست. در ابتدا یک شورا است، معیارش انسجام فکری و خصلتی است، بینش مکتبی و قاطعیت انقلابی باشد. هفت گروه شورای اجرایی به اضافه بعضی وزارتخانه‌ها که عضو شورا مسئول آن باشد و بعضی مشاوران که در شورای اجرایی باشند، همه عناصر موجود از بین آنها انتخاب می‌شوند، با تأیید خمینی اینها تقسیم مسئولیت می‌کنند. بعضی به علت آمادگی مسئول وزارتخانه می‌شوند، در شوراهای اقتصادی، رفاهی و غیره که مسئولیت اجرایی ندارند، شرکت نکنند. کل وزرا عضو شورای انقلاب نیستند. در شورای اقتصادی افرادی هستند به صورت وزیر یا کارشناس که جزو شورای انقلاب نیستند. هفت نفر قطعی به اضافه تعداد دیگری که در شوراها وزیر یا مشاور هستند که عضو شورای انقلاب هستند، انتخاب روی انسجام است، وحدت در برنامه‌های مشترک انقلابی، ضرورت احساس مرحله تازه مسلم است، [برای غلبه بر] حالت بی‌تفاوتی در مردم و احساس ضعف دولت مرکزی. برنامه مشخص اعلام شده و به دنبال آن قاطعیت و هر تخلفی با قاطعیت رسیدگی شود و حتی دو نفر اعلام شود. عناصر دولت و شورا وقتی از خارج انتخاب شوند و به امام پیشنهاد شود و با تأیید ایشان عمل شود.

بهشتی: یک مرکز حدود 23 نفر عضو جلسات مرتب یا در شکل مسئول وزارتخانه یا عضو شورای یک مجموع با تماس با مسائل اجرایی هستند. از هفت گروه که هر کدام اختیارات داخلی دارند، در داخل گروه‌ها هر وزارتخانه اداره می‌شود. غیر از جدا بودن مراکز تصمیم‌گیری، دوگونگی نظر رفع شود. شرط اساسی آن انسجام است. کمیسیون سه نفر معین کند و امام تأیید کند.

دکتر ایزدی، دکتر سبحانی: چگونه عمل می‌شود [؟] کدام مطرح می‌شود که روی آن رسیدگی شود [؟]

بهشتی: مادامی که سوالی راجع به روشن شدن موضوع است، به آن جواب می‌دهند. بعد از روشن شدن اول طرح مهندس بازرگان است.

دکتر ایزدی: منظور پیمان [این است که] افرادی در شورا باشند که از نظر فکری و مکتبی هماهنگ باشند. فکری و مکتبی، مکتب اقتصادی است یا مکتب دیگر [؟] تمام افراد اعتقاد دارند انقلاب اسلامی بوده. بعضی برداشتشان از اسلام، سوسیالیسم است و مارکس، بعضی می گویند مکتب اسلام مثل مارکسیسم نیست، رفع تبعیضات مالی و غیره از طریق زکات، خمس و سایر وجوهات عملی است. مکتبی بودن کدام است [؟] اقتصادی یا فکری [؟] بهشتی: سوالات را دکتر پیمان یادداشت کند، حدود یگانگی [را] روشن کنند.

دکتر سبحانی: آقایان که طرح داده‌اند، چگونه اوضاع اجرایی مملکت را مجرد مشخص دادند [؟] هفت گروه مجرد و مستقل، آن قسمت تخصصی خود را بتوانند اداره کنند، گروه داخلی، امور رفاهی، قضایی و ... امور مالی ندارند [؟] بودجه ندارند [؟] چگونه تأمین شود [؟] مسئولیت آنها چگونه پیاده می‌شود و به پایان می‌رسانند [؟]

بهشتی: سوالات گاهی نقد است، گاهی فقط توضیح خواستن است. در آن طرح پاسخ روشن است، در شورای 23 نفره شرکت دارند.

دکتر یزدی: اعضای شورای 23 نفره عملی است، اعلام می‌شود.

بهشتی: بلی.

دکتر یزدی: در شورای عالی افرادی دارید که هیچ مسئولیت اجرایی ندارند و صاحب نظر هستند.

مهندس سبحانی: بله شرکت دارند.

یزدی: هستند کسانی که عضو شورای مرکزی هستند که عملی اجرایی ندارند.

سحابی: هفت گروه مختلف، مجزا نیستند. [از] وزرای گروه اقتصادی، حداقل سه نفر شرکت دارند. از شورا هم در آن شرکت دارند. ارتباط یکی وزارتخانه‌ها که در دولت بود، در شورا است، شورای تصمیم گیری جدا. مفهوم این نیست که کار مالی و حسابداری ندارند، چرا دارند، ولی ممکن است تغییرات داده شود. اعضای شورای انقلاب اعلام می‌شود، باید اعلام شود 13 نفر در شورای عالی کسانی باشند که مسئولیت نداشته باشند، با اعضای دولت که یازده نفر باشند، باید نخست‌وزیر باشد. آیا رئیس شورا با فرد دیگری باشد [؟]

بهشتی: کسانی که در شوراهای گروه‌ها هستند، بعضی وزیر هستند، بعضی کارشناس و مشاور از اعضای شورای مرکزی.

سحابی: شورای امور اقتصادی، مشکل ادارات کارمندان.

قطب‌زاده: مسئولیت دارند [؟]

سحابی: باید مسئولیت اجرایی داشته باشند. ممکن است خارج از شورا و دولت، کارشناس وارد شورای اجرایی شود، ممکن است به صورت کارشناس باشد.

بهشتی: آیا مسئولیت دارند یا نه [؟]

پیمان: می گوید کارشناس، مسئولیت اجرایی ندارد. ایشان قضاوت کردند (دکتر ایزدی).

صدر: بنده با یکی از شورای انقلاب و یک مشاور، اداره‌کننده امور قضایی هستیم.

تاج: ما مدت محدود هستیم. یک حکومت موقت است تا قانون اساسی تصویب شود و دولت سرکار بیاید.

بهشتی: در وضع فعلی چه کار بکنیم [؟]

بنی صدر: طرح برای یکی دو ماه است یا ادامه دارد [؟]

صباغیان: مثل این که مورد توافق همه آقایان نبوده. دو نفر در بعضی شوراها کافی نیست.

هاشمی: فرض بگیرید از شورای انقلاب یک نفر برود آنجا، وزارت دادگستری یک وزیر است، عضو شورا باشد.

بهشتی: از هر واحد حداقل دو نفر عضو شورا هست. بلی، دو تا هفت نفر.

دکتر یزدی: تصویر عملی هیأت دولت هست، شورای انقلاب ترکیب از کلیه وزرا، معاونین و مشاورین.

بهشتی: کلیه وزرا، معاونین و مشاورین، 23 نفر شورای انقلاب، که جای دولت و شورا.

یزدی: وزیری هست که عضو شورای انقلاب نیست.

بهشتی: پیشنهاد هیأت دولت مطرح است.

هاشمی: آقایان روی این پیشنهاد اظهارنظر کلی بکنند، جهات حسن و نقص.

مهندس بازرگان: تفکیک کردن مشکل است. روی طرح جدید صحبت شود. جلسه مشترک تصمیم نهایی نیست.

مذاکره است، یک طرف نیست، دو طرف است.

بهشتی: مسئله مطرح است، مهمانی کی در کجا، در شرایط کنونی تغییراتی که معنای آن این باشد دولت کنار رفته، به کلی جامعه قبول نمی کند و دلایل آن را می خواهد. در این مرحله انقلاب، این تغییر بنیادی، مشکلات تازه ایجاد می کند. با همه انتقادات بر کار دولت گفتیم دولت منتخب مورد تأیید تا این لحظه، این دولت است، مهندس بازرگان و مجموعه دولت. حذف دولت [به] مصلحت انقلاب نیست. شخصاً به نظر می آمد اگر امکان داشته روی عکس فکر شود، یکسره مسئولیت تصمیم گیری با دولت باشد، با اختیار تام مسئولیت به عهده دولت باشد. در شکل شورا کاری به دولت نداشته باشیم. ولی افراد مسئول، چه حزب، چه فرد مستقل، کار داریم و نظرات [خود را] راجع به دولت می گوئیم. انتقاد داریم، ولی دولت با مسئولیت تام این کار را انجام بدهد.

هاشمی: نظر شخص خودتان است.

بهشتی: اگر محذوری نباشد، آقای خمینی باید این طرح را بپذیرند. [در] این مسئله، این اولویت داشت. مگر آن که منعکس شود شورای انقلاب حذف شده که مورد پذیرش است. فرض حذف دولت و شورا مطرح نیست. چه راهی دنبال شود [تا] اصطکاکها نباشد [؟] تفاهمها

مهندس بازرگان: تبلیغ و تقویت.

بهشتی: [تفاهمها] باشد. مینا آنچه پیمان و دیگران مطرح کردند [باشد]. فکرها باید یکی باشد. راه باید چنان باشد که دولت و شورا بتوانند طوری با هم رابطه پیدا کنند تا نزدیکتر با هم فکر کنند. چند نفر از شورا در دولت نباشند [باشند] و چند نفر از دولت در شورا باشند.

قطب زاده: حذف دولت یا شورا فاجعه است. این طور نیست اگر ضرورت هست شورا نباشد و یا دولت نباشد. آیا دو ارگان جلو هم هستیم یا دو نفر که عقیده دارند سنگ را باید برداشت و مستقل از عضویت [؟] اگر شق اول است، شورا به دولت می گوید یا به عکس، درست نیست. اگر قصد حل مسئله است، آن قابل قبول از نظر بحث است.

بهشتی: طرح اول (دولت) مطرح است.

هاشمی: آقایان در نظر گرفته اید چند نفر بیایند [؟]

مهندس بازرگان: به طور مثال، پنج نفر از شورا در دولت و پنج نفر از دولت در شورا.

بنی صدر: مشکل، ناسازگاری بینش و روش دولت با واقعیت اجتماع است. در چهار ماه گذشته در زمینه اقتصادی دید دولت، دید دکتر ایزدی بوده، ولی عملاً خلاف آن کرده. سرمایه‌داری امریکا آن دید دولت را عمل کرده، موفق نشده. وزیر بودجه مقدمه نوشته، دیدش مال من. وزیر دارایی و بانک مخالف آن می‌گوید، دکتر ایزدی این طور فکر می‌کنند. بودجه دولت در عمل، ترکیب سابق است. دو برابر درآمد نفت لازم دارد، برای واردات برنامه ندارد، تغییر سازمانی است. فرض کنید شورا مرا انتخاب کند، ناهماهنگ است، مشکل حل نمی‌شود.

بهشتی: اگر گاهی جمع‌بندی می‌کنم، نظر بنی صدر دوگانگی فکر است.

بنی صدر: [در] طرح اول، ناهماهنگی سازماندهی برنامه آشکارا مشهود است. هماهنگی اقتصادی در دولت نیست. طرح دوم آشفته است، مشکل را حل نمی‌کند، در مقام واقعیت یا ماورای واقعیت. واقعیت ما هستیم. این سازمان‌های اداری، ترکیب مناسب. ده‌ها سال شوراها دولت را اداره کنند. عیب دیگر طرح [این است که] همان دولت و شورا نمی‌تواند ترکیب مناسب با این طرح بدهد. آدم در مملکت هست، ولی بسته به دید. سوم قیود خصلتی باشد، قاطع باشد و... اول حل مسئله بینش است. اسلام، کدام اسلام است [؟] با قم اول حل شود، بعد با دستگاه روحانیت، وگرنه لحظه اول به هم می‌خورد. جای روحانیت و قوه اجرایی می‌خواهد، موضع نظارت، دفاع از وحدت می‌خواهد خارج شود قوه مجریه شود، پنچری دولت عمده بر این قضیه است. راه حل نیست. هیأت دولت تغییر کند، متناسب با روحیه انقلابی جامعه با بودن شورا.

دکتر ایزدی: دولت موقت باشد یا دائم [؟]

بنی صدر: موقت نباشد. پایه و اساس رژیم جدید خود را دائمی احساس کند.

صباغیان: اول مسائلی که خط‌مشی اصلی را روشن می‌کند، معلوم باشد. با توجه به مسائل مملکت، مجلس مؤسسان، فرماندوم، رئیس جمهور و مجلس شورا باید تسریع شود. دوم، انقلاب مطرح است. اگر شورا تغییر کند، دولت تغییر کند، هر دو در جهت جلوگیری از سقوط انقلاب باشد، ضروری است. ما مطلب [این است که] پنج ماه از یک کار اجرایی گذشته. افراد تصمیم‌گیرنده مملکت، چه در شورا، چه در دولت با مشکلات اجرایی، که خیلی کم با آن رو به رو بودند، نزدیک شدند. چه آنها که در خارج بودند، چه آنها که اینجا بودند. حداکثر جلسات یک اداره کوچک، حالا پنج ماه اداره کردن را حس کردیم. بنی صدر می‌گویند اشکال اساسی [در] دیدگاه‌های مختلف است. دیدگاه بنیانی اقتصادی دولت که تا حدی درست است، با شناخت پیدا شده و امکان دیدگاه یکنواخت عملی نیست. اکثر صحبت می‌شود، نه افراد دولت مطرح است، نه شورا. طرح مطرح است. دولت و شورا قابل عوض شدن است.

20 عدد اعضای ثابت دولت و 15 تا شورا جابه‌جا بشود، طرح منطقی پذیرفته شود، افراد انتخاب شوند، 20 نفر اعضای دولت، 15 نفر شورا. 10 وزیر انتخاب شود، هم وزیر، هم در شورا، پنج شخصیت فقط در شورا است، 10 وزیر انتخاب می‌شود فقط در دولت است. 15 نفر شورا و 20 [نفر] وزرا. شورا اکثریت آنها در کار اجرایی هستند و خودبه‌خود مدافع کار وزرا هستند. مشکلات طرح دوم، اگر اساسش برای دورنمای آینده باشد. با یکی دو روز نمی‌شود. فکر خوب است، باید بررسی شود. آنچه عملی نیست مشکل انقلاب را حل نمی‌کند. [در] نظام اداری که یک روز اضافه کار کم می‌شود [و] اعتصاب می‌کنند، [باید] هرچه سریع‌تر مملکت به یک ثبات قانونی برسد.

موسوی: مطالب من گفته شد. مسائل طوری باشد [که] ذهن‌گرایی نباشد. طرح بنی‌صدر تا سه ماه [قابل] پیاده کردن نیست. طرحی که برادران گفتند، مقداری ذهنی است. ممکن است تکمیل شود. اساسی هست، یکی مشکلات اقتصادی است، یکی امنیتی است. در مشکلات امنیت سر جای خود، کمیته‌ها و پاسداران و امثال آن که جداگانه تصمیم می‌گیرند، اگر داخل دولت بیایند بهتر می‌شود. طرح دولت با وجودی که روبنایی است، برای مدت کوتاه‌تر که برنامه اعلام شده، مجلس مؤسسان و غیره.

قطب‌زاده: ضمن تأیید بخشی از حرف‌های آقای موسوی، مشکل طرح دوم ناپختگی آن است. مشکل هر دو طرح [این است که] برنامه ندارد. اقتصادی، سیاسی و داخلی و امنیتی. روی خطوط مشخصی از برنامه‌ها توافق شود. بعد گفت این افراد اداره‌کننده آن هستند. جابه‌جا کردن افراد تازه به اصلی می‌رسد که دولت اعتراضی داشته. دولت می‌گوید کسانی که کار اجرایی دارند، مزاحم هستند و نباید باشد. وزیری که در شورا و هیأت دولت است، با همین مشکلات روبه‌رو است. [در] طرح اول، عده‌ای تافته جدا بافته در دولت که دارای دو نقش هستند و همین شکل در شورا است، حساب شده پنج نفر روحانی باشند، در کار اجرایی دخالت نکنند، ده نفر بقیه آیا صلاحیت وزارت دارند یا نه [؟]

بهشتی: آقا خواستند اگر راه‌حل اساسی این است که شرکت کنند، اشکالی ندارد.

سحابی: بیش اگر مجموعه هماهنگی فکری نداشته باشد، کار نمی‌شود. ولی عوض کردن افراد. طرح دولت [این است که] پاسدار و همه بیایند زیر نظر دولت، آنها پیروی نمی‌کنند. اگر اطاعت نکنند، یا منحل [شوند] یا دولت سوا. [در] طرح ما با یکی شدن دولت و شورا، [آنها] تبعیت خواهند کرد. نکته‌ای که بنی‌صدر گفت، تشکیلات اداری نکات مهم است و مشکلات اساسی طرح‌ها برای باز کردن دریچه است (مهندس موسوی آمد). در کارگزینی بعضی اداره‌ها باید تبلیغات شود، وزارتخانه‌ها کوچک شوند. با طرح دولت، مشکلات سر جایش هست. دستگاه اداری کار

نمی‌کند، بودجه خوب تهیه شده، ولی برخورد با مقاومت کارمندان است. محتوی باید عوض شود و این شکل سازمانی است که می‌خورد.

مهندس بازرگان: برداشت موسوی، اختلاف طرح‌های آقایان و ما اولاً همان است که گفتند. ما چند عملی نظر داریم، ما الان و روز را نگاه می‌کنیم، شما آینده [را]. ما مدت‌هاست اعلام خطر می‌کنیم. خونریزی است، باید جلوگیری شود. شروع از استعفای دوازده وزیر است. با [وجود] دادگاه انقلاب، کمیته‌ها، یا حزب و رادیو تلویزیون، ما عاجز هستیم.

بهشتی: حزب هم وارد شد.

مهندس بازرگان: در عملی این که ما طرفدار انقلاب هستیم و کرده‌ایم، آقایان دلشان برای انقلاب می‌سوزد. ما می‌گوییم انقلاب در مرحله سازندگی باید تدریجی باشد. طرح داریم برای کارمندان قانون استخدام کشوری، باید عوض شود. باید کارمند نوکر انقلاب باشد، اگر بد بوده [حتی] ده پی اچ دی [هم] داشته باشد، [باید] برود. طرح آقایان به این زودی عملی نیست. هم غیرمنطقی و هم غیرعملی است. وزارتخانه‌ها از هم تفکیک‌پذیر نیست. الان یک شورا، یک دولت، این قدر دردسر [دارد]. آن وقت هفت شورا باشد [؟] دو ایراد به طرح ما گرفتند. موسوی و مهدوی نیابند درست نیست، باید بیابند. کمیته‌ها احتمال بیشتر تبعیت هست. باید یک عده تافته جدابافته باشد. دوران انقلاب، اختلاف این واحد با آن واحد نمی‌شود. یک عده در شورای انقلاب باشند و پست‌های حساس. ضمن این کار شورا هست، دولت هم در کار اجرای خودش است.

بهشتی: چون تأکید کردید مملکت و انقلاب با مسائل ساعت به ساعت روبه‌رو است، نظر تعاون است (مهندس بازرگان، طباطبایی رفتند 10/5).

دکتر سامی: انقلاب توسط افراد است که فعلاً فکری دارند و جامعه را تبدیل می‌کند. مشکل دوم، مردمی که صاحب یک مملکت هستند، انقلاب و تغییر را می‌خواهند. به پیروزی برسند، پس از پیروزی دور هم جمع می‌شوند. نهادهای کمیته را به هم زده‌اند، ولی مکتب واحد ندارند. گروهی که قدرت را می‌گیرد، احتمالاً نماینده جامعه نیست. اینجاست که در کار اساسی رفراندوم می‌کنند، یا قانون اساسی خود یعنی نشان می‌دهد، آقایان در کل نماینده این انقلاب همه مردم نیستند، گروه‌های صالح هستند که جلو آمده‌اند. طرحی می‌دهند که اگر مردم پذیرفتند روی رول درست می‌افتد. ما فرم دوم هستیم. در وسط این خط دوم مسئله یک چیز درازمدت مطرح می‌شود. برای ساختن جامعه آینده و قالب سنتی دولت درهم بریزد. پیشنهاد دو خط دارد، یکی داشتن برنامه (که بدون آن فایده‌ای ندارد)، برنامه

از طرف گروه رهبری‌کننده انقلاب باشد و قانون اساسی و غیره از بین می‌رود. اگر مسئله انتخابات و غیره هست، درست نیست، قاطی نشود. این دولت به شرطی کار می‌کند که قدرت اجرایی داشته باشد. پس از تشکیل مجلس و قانون اساسی کار درست می‌شود. من طرح هیئت دولت را به‌عنوان آن که تصویب شده، دفاع می‌کنم، و گرنه مخالف هستم. اگر قدرت اجرایی در دست دولت باشد، کار می‌شود کرد. رؤسای آنها در دولت باشند، هاشمی در دولت باشد و غیره (صدر رفت 11/15).

دکتر پیمان: بحث‌ها جالب ولی راه حل مبهم [است]. ضرورت این طرح [در] نابسامانی کشور است. خود انقلاب از طرف ضدانقلاب در کوتاه مدت یا درازمدت شکست بخورد، با تغییرات روبنایی وضع گذشته تثبیت شود و یا بعد از آن خرابی کار، دیکتاتوری روی کار بیاید. تقسیم‌بندی مورد قبول شیوه دوم. مشروطه‌خواهان آمدند، استبداد کنار گذاشته شد، وضع مشروطه تغییر بنیادی نداد. بعد از شهریور 20 هم همان‌طور بود. کجدار و مریز نکنید، یا یکسره دموکراسی و جلوگیری از فعالیت دموکراتیک ممنوع، اگر حکومت اسلامی مطرح است باید طرح نظامی پیاده شود. [در] مجلس شورایی که بعد می‌آید، هر گروه بینش جدید خواهد داشت و [مانند] مجالس بعد از مشروطه می‌شود و زمینه [فراهم می‌شود] برای دیکتاتوری و یا این که یک گروه خود را مسلط کند، باز یک نوع دیکتاتور. اگر تعهد به مکتب هست، شکل راه دوم است. تجربه جهان فراموش نشود. تسلط بر همه جا میسر نیست. اکنون سروصدای فارس بلند شده. روز اول انقلاب همه مرغوب بودند، اگر قاطعیت اعمال می‌شد همه سرکوب می‌شدند. سامی: چه کسی این کار را می‌کرد [؟]

دکتر پیمان: طرح دولت با طرح ما از نظر فرم فرق دارد، و گرنه [در] ماهیت یکی است. الان مدینه پیغمبر [را] پیاده می‌شود کرد، آیا باید به طرف آن رفت [؟] خلاصه، مسکن کاری نمی‌کند. با انتخابات مسئله حل نمی‌شود. قانون اساسی (باید مرکزیت پدید آید، با انسجام روی برنامه مرحله‌ای) باید اصول آن [قانون اساسی] تصویب شود. این مرکزیت پدید آید، تثبیت قدرت دولت می‌کند. انتخابات رئیس جمهوری و مجلس شورا عقب بیافتد. بعضی فکر می‌کنند انتخابات با تسلط یک گروه تمام می‌شود. حزب جمهوری مرکزیت بیاورد، انسجام ندارد، مگر این که قدرت انقلاب تثبیت شود. تجربه‌گراها از بین بردند. تشکیل مجلس و تحویل کار به مردم غیر از انقلاب است.

بهشتی: فکر می‌کنم که دکتر پیمان و دوستانی که دم از راه‌حل بنیادی می‌زنند، در تشخیص اشتباه می‌کنند و این راه حل در یک یا دو جلسه، چه از نظر طرح و عوامل انجام‌شدنی نیست. انتخاب طرح فوری برای علاج فوری مشکل را تأیید می‌کنم و منافی مطالعه طرح درازمدت نیست. طرح ضربتی که علاج وقایع حاضر را بکند، ولی مانع طرح

اساسی نباشد، همان طرح دولت از نظر شکل و فواید می تواند خصوصیات طرح آقایان را داشته باشد. شاید مصلحت باشد دولت در داخل خودش کمیسیون‌هایی به وجود بیاورد، تا تمام مسائل در دولت مطرح نشود، تأکید من، طرح مهندس سبحانی و دکتر پیمان در عرض یک هفته عملی نیست.

باهنر: بسیاری حرف‌ها گفته شد. به طرح اجرایی برسیم. دو سه حاشیه: تقسیم‌بندی دکتر سامی و دکتر پیمان را فراموش نکنیم. پنج ماه از انقلاب گذشته، الان نمی توانیم تصمیم پنج ماه پیش را بگیریم. وضع انقلاب به ما چه بود [؟] نیروی عمده مردم بودند و این مردم را نمی شد به حساب نیاورد. با قاطعیت جلوی سروصدا را بگیریم، با بسیج عمومی عملی بود. بسیج وقتی میسر است که نظر مردم تأمین شود. شرکت ندادن مردم [و] عدم رعایت منافع آنها سبب بلبشو شده، آنچه اکنون هست، باید تصمیم گرفت تا دو ماه قانون اساسی و رئیس جمهور و مجلس شورا. اعتراض دولت این است چرا کمیته، پاسداران، دادگاه انقلاب در اختیار ما نیست. اینها پدیده مردمی بوده و به صورت ابلاغ تعیین فرمانده و غیره قابل کنترل نیست. یک عده اسلحه داشتند و روحانی دارای نفوذ، دور هم جمع شدند و موقتاً کار را اداره می کنند. دولت توقع دارد با فرمان امام یا شورا، پاسداران اطاعت کنند. اینها نه حقوق درست دارند، نه استخدام هستند. باید نبض کار آنها دست کسانی باشد که نفوذ مردمی داشته باشند، نه ابلاغ دولتی. اگر این نهادها را به دولت منتقل می کنیم، باید زمینه‌ها را منتقل کنیم.

هاشمی: دکتر پیمان و سبحانی گفتند طرح لااقل یکی دو سال وقت لازم دارد. بر اساس حرف دکتر سامی، [با لحاظ کردن] واقعیت جامعه معلوم نیست دو سال باشیم. پشتوانه آقای خمینی و خمینی الان اجازه نمی دهند انتخابات طول بکشد. یا حرف مکتبی و یا دموکراسی و وضع سابق، این طور خشک نیست. در اجرا منحصر به این نیست. طرح دولت مقداری عملی تر [است]. یکی اجرائیات و یکی اقتصاد است که پول درست نمی رسد و دولت خرد می شود. مثلاً بیمارستان شهدا تعدادی وسایل دارد. 100 هزار تومان باید بدهند، ولی هنوز نداده اند که ماشین‌ها معطل است. طرح دولت این جهت را تا حدی ممکن است حل کند. با میان‌بر زدن. کامبوج با شدت عمل کرد، نشد، چین همین طور. ما داریم گام‌های غول‌آسا بر می داریم. توقعات کاذب از انقلاب داشتند. کارگر، سرمایه‌دار و تاجر را یکی نمی تواند راضی کند. ما الان قوی هستیم. گروه‌های کوچک مشی خود را جدا کرده، 98 درصد نه ملی، 50 تا 80 درصد در یک جا حرکت می کند. در جمع، طرح دولت فعلاً عملی [است]. گفته دکتر پیمان، روز اول هم برای ما مطرح بود.

تاج: انسان وقتی مواجه با کمبود و نیاز می‌شود، راه‌حل کوتاه‌مدت توأم با درازمدت [را پی می‌گیرد] و از هیچ کدام نمی‌شود غافل شد. دکتر پیمان گفتند تعهد به مکتب داریم. انقلابی‌ها همه یک مکتب نداشتند. یک عده مظلوم فعالیت کردند. در خود مکتب اسلام، هر کدام یک راه فکر می‌کنند. ما تعهد به اجتماع مردم داریم، اجتماعی که سال‌ها منافع آن [مورد] لطمه دیگران بوده. بعد برای مردم ب مکتب، مکتب درست کرد که اکنون عملی نیست. الان حکم یک خانه است که غاصبی زیر و رو کرده، باید اول دور آن دیوار کشید و حفظ کرد. راه‌حل دولت، دولتی است، بدون قدرت و مراثت آن چند قدرت دیگر. اگر افرادی در دولت هستند و متناسب نیستند، تغییر داده شوند. پیغمبر در مکه، مسیح است و در مدینه رل فرمانده دارد. کار ما یک فریضه دینی است. [درباره] استغفار این ده نفر، 3/5 ماه پیش دکتر سنجابی استعفا داد. اشکال ما از این دید است که استعفا ضربه است به انقلاب. ما به آقا بگوئیم آقا شما ما را عوض کن، نه ما استعفا بدهیم تا به انقلاب ضربه نخورد.

بنی صدر: این دو طرح فرق ماهوی با هم ندارند، هر دو [مبتنی بر] تمرکز قدرت است، یکی می‌خواهد ساختمان موجود را اصلاح کند، یکی می‌خواهد ساختمان جدید بسازد، هر دو به بن بست می‌رسد. [کاری که در] انقلاب الجزایر شد، ضدانقلاب ویتنام و چین [هم] بدین طریق. وقتی قدرت تمرکز در دولت شد، مردم باید تبعیت کنند. علت مواجه شدن با بحران، اختلاف [در] طرز فکر است. ویژگی انقلاب، شرکت مردم است. کمیته‌ها افتاد در خط قدرت و عملاً حاکمیت مردم نفی شد. مردم به ترتیبی که ما می‌خواهیم رهبری کنیم، از ابتدا بنا بر مشارکت دادن مردم نبوده. مملکت انقلاب کرده، مردم را دخالت نمی‌دهید. حل مشکل با این طریق، دنباله وضع سابق است. از حرف‌های مهندس بازرگان خطر را حس می‌کند، گنگ، منشأ خطر همان است که رژیم سابق را محکوم کرد که رفت. بن بست‌ها را باید با مردم حل کرد. دولتی با [...] انقلاب را مردم کردند، شما شورا و گروه و حزب را مسلط بر مردم می‌کنید. امروز وزارت کشاورزی تعطیل، راهپیمایی مردم و بیرون کردن مزاحمان. امتیازی که طرح پیمان دارد، منقلب کردن [است]. دولت، ساختمان موجود را نگه دارد و این [یعنی] پیروز کردن ضدانقلاب. دولت باید انقلابی باشد، وقت تلف نشود.

دکتر سامی: کاندیدای نخست‌وزیری، بنی صدر را نخست‌وزیر کند.

بنی صدر: دولت کار انقلاب را به سامان نمی‌رساند.

مهدوی: [درباره] مسئله کمیته‌ها، طرح دولت این است که در دولت باشیم. [این طرح] حل‌کننده نیست. خواسته‌هایی دارند قانونی، که دستاورد انقلاب است و این دولت عمل نمی‌کند. بعضی حرف‌ها نادرست، ولی خیلی موارد درست

[است]. سرپرست کمیته در نهاوند است، در عمل مأمورین دولت نابسامانی‌هایی هست. الان دوستان روحانی ما، پاسداران روحانی ما، وقتی می‌بینند فلان خانم پهلوی صباغیان است، نمی‌توانند بپذیرند انقلاب اسلامی است. این وزیر را انقلابی اسلامی نمی‌دانند. از اهواز آمده‌اند می‌گویند تیمسار مدنی، منشی‌اش همان منشی جعفری است. صباغیان: مثال مهدوی غیرواقعی است.

مهدوی: در فلان بیمارستان، چرا مردم گوش نمی‌دهند به حرف دولت [؟] چرا پرستار با همان قیافه اولیه است [؟] در این ملت، روحانی موجود، پاسدار مردم موجود، بازاری موجود، مردم عادی موجود، یک وقت اینها را خلع سلاح می‌کنیم، کاری که پهلوی کرد، یک قدرت دیکتاتوری. وقتی گفتید کمیته لازم است، پیشنهاد محله که تا سه بعد از نیمه‌شب بیدار است، خواست دارد. شدنی نیست، وقتی وزیر کمیته شدم، همان وقت گوش نمی‌کنند، من که وزیر نیستم. نود درصد کمیته را قول می‌دهم کنترل می‌کنم. کمیته‌ها الان هم انقلابی است، هر جا کمیته قوی است، دزدی و فحشاء کم است. در شهرهای مختلف [که] ژاندارمری و شهربانی کار می‌کند، کمیته‌ها [را] منحل کردیم. در بعضی شهرها کار نکردند. در خمین منحل کردیم، شهربانی نمی‌تواند امنیت محل را حفظ کند، پاسبان شب بیرون نمی‌آید.

دکتر سبحانی: تهران هم همین‌طور است.

مهدوی: [در] کلاتری 9/7 عده‌ای مسلسل به دست، جلو کلاتری سنگر گرفته، از کمیته مرکز پاسدار می‌خواهد. پنج پاسدار رفته آنها را خلع سلاح کرده، آورده. پاسدار و روحانی خواسته دارد. برای عزالدین [حسینی] اهمیت قائل می‌شوید، چه‌طور برای روحانی دیگر توجه نمی‌کنید [؟]

دکتر سبحانی: (دکتر سامی رفت 12/15) فکرم این بود مجلس چقدر طول می‌کشد. صحبت مهندس تاج و با فاصله‌ای صحبت خامنه‌ای، محیط را تغییر داد. برادری و همگامی در بنده چه اثر کرد، تکمیل کرد پیشنهاد آقای دکتر پیمان (صباغیان رفت 12/15) بنده برایم تشخیص حاصل شد، نه آن نگرانی. در مجلس تنفس گفته شد بقیه صحبت را خودمان بکنیم. با این تفاهم که پیش آمده، با تصریحات بعضی دیگر در دولت مطرح شد برادری و همگامی شود. وضع وخیم است. بنده اشاره کردم دسته متوسط که خود را متعهد نمی‌دید، خیلی اصرار نداشته وارد مسائل سیاسی بشوند. اظهار نگرانی می‌کنند تا تفاهم بین شورا و دولت نشود، امکان همکاری نیست. باید با شما نشست تا در مرکز کار باشید. شخص من و بازرگان از شما نمی‌رنجیم. آنچه باهنر و مهدوی می‌گویند، نمی‌شود از آنها صرف‌نظر کرد، این قطب‌ها نزدیک شود. فرق است با عمل آقای مهدوی با حسن‌نیت و دولت تا آن وقت که

با هم کار کنند. در مسائلی که شما می‌گویید باید بیایند نظر بگویند و نظرهای مقابل را بشنویند. در مذاکرات مسائل دیگر وقتی تشریح شد روشن می‌شود. مخصوصاً برای دوره موقت، برای رسیدن به هدف‌های غایی اقدام شود. مصلحت مملکت نیست [که] طرز اداره مملکت تغییر کند، [چرا که] در تصمیم‌گیری‌ها تأخیر می‌شود.

-وقت تنگ است (دکتر سحابی رفت 12/5). یا جلسه ادامه یابد یا طرح دولت را به رأی بگذاریم.

بنی صدر: قوا متمرکز در دولت شود.

[موضوع: مصوبه‌ها:]

- 1 (لایحه انحلال صندوق امداد روستایی (58 /4 /5 /3676) برگردانده شد، 58/4/12 عدم تصویب.
- 2) ماده واحده 7658 عدم شمول ماده 116 قانون تجارت در مورد بانک‌ها، 58/4/7 تصویب.
- 3) لایحه اصلاح پاره‌ای از مقررات حقوق اعضای آموزشی 58 /1 / 7/218 که در 58/3/28 به شورا آمد و در 58/4/7 تصویب شد.

جلسه پنجشنبه 1358/4/14

[حاضران: خامنه‌ای، مهندس سبحانی، شیبانی، بهشتی، جلالی، قطب‌زاده، موسوی اردبیلی.]

[موضوع: ترمیم دولت:]

قطب‌زاده: تنها راه تلفیق نظرمان با دولت.

موسوی: تلاش شود انتقاد نشود.

قطب‌زاده: فرم را نگه داریم، محتوا را منقلب کنیم (بنی‌صدر، باهنر آمدند).

بهشتی: این عده که از شورا به دولت می‌روند، وزارتخانه‌های سرنوشت‌ساز را در دست می‌گیرند.

موسوی: معلوم شود چه کسانی [به دولت می‌روند].

بنی‌صدر: سخنرانی دیشب مهندس خیال شما را راحت کرده. دستگاه اداری قوا را از دست داده، می‌خواهد آن را درست کند. داعی داریم بنای انقلاب را خراب کنیم.

موسوی: مقداری قدرت را در دست می‌گیریم.

بنی‌صدر: با صراحت گفت.

خامنه‌ای: وقتی واقعیت را می‌گوییم، می‌گوید از موضع ضعف.

بنی‌صدر: یک بار در این چهار ماه لازم ندیدند از این نسل انقلاب کرده صحبت شود و تأمین بدهند، یا به ارتشی یا دزدها و یا بنخوره‌های اداری. بعداً می‌گویند یک عده وزیر به‌عنوان کارشکن گذاشته‌اند در وزارتخانه‌های ما.

بهشتی: با سازمان اداری چه می‌کنید [؟]

بنی‌صدر: ما از یک سعادت‌ی در مانده شده‌ایم. دستگاه اداری را یک سازمان نوشت و عمل کرد، مردم را به کار گرفت.

یک نفر آمده بود، بنده متعهد یک میلیون هکتار زمین دیم و آبی.

موسوی: پیشنهاد ایشان این است [که] نخست‌وزیر عوض شود.

خامنه‌ای: بحث در رفتن در کابینه نباشد. می‌شد تعدادی وارد کابینه کرد. عناصر خوب را نمی‌خواستیم وارد کابینه نیم‌بند کنیم. آنچه بحث بود [این بود که] بافت حکومت عوض شود. آنچه آقا توصیه کردند بر این مبنا بود. با دکتر پیمان و مهندس سبحانی به این شکل رسیدیم. اگر چه در معنی چند تا رفتن و آمدن است. اگر طرحی مشابه آن باشد کاری از پیش می‌رود. پنج نفر وزیر از شورا وارد کابینه شود، کاری نمی‌شود.

قطب‌زاده: دولت با شدت با آن طرح مخالف بود. اگر تعداد کسانی را که قرار است ما انتخاب کنیم، چند نفر وزیر خوب در دولت هست.

بهشتی: در دولت فعلی چند وزیر است که با آشنایی با وزارتخانه و هماهنگی نسبی نمی‌شود آنها را کنار گذاشت. مهندس کتیرائی وزیر مسکن از نظر هم‌فکری، عقب از کابینه بعدی نیست. دکتر سامی.

قطب‌زاده: وزارت بهداشتی به هم ریخته.

بهشتی: دکتر صدر وزارت بازرگانی، دکتر احمدزاده خیلی خوب است.

مهندس سبحانی: مدیریت ما معلوم نیست بهتر از او باشد.

بهشتی: به هر حال مهندس معین‌فر بد نیست. چند تا از دوستان اگر باشند، در دولت اکثریت پیدا می‌کنند و مناسب با انقلاب می‌شود.

بنی‌صدر: 15 نفر ما حریف بازرگان نمی‌شویم.

بهشتی: جوانی می‌گفت اگر بازرگان نباشد، چه می‌شود.

قطب‌زاده: شورا هم نباشد چیزی نمی‌شود.

بهشتی: این شورا مشاوران آقای خمینی هستند. اگر این افراد در خارج هم در رهبری انقلاب نقشی دارند، شخصی است، مربوط به شورا نیست. دولت اگر ترکیب هفت یا هشت نفر فعال باشد که در شورا عضویت دارند، هم در دولت و هم در شورا اثر دارند.

موسوی: ما این افراد را نداریم.

باهنر: نخست‌وزیری بازرگان مسئله است، رهبر دولت است.

بنی صدر: چهار ماه از انقلاب گذشته، حاضر نیست تحویل بگیرد انقلاب را.

موسوی: اگر دولتی پیدا کردیم مورد قبول، او را عوض می‌کنیم. ما همه رنج می‌بریم، خوابمان نمی‌برد. مگر از مهندس حقوق می‌گیریم یا نوکر پدر او هستیم [؟]

بنی صدر: اسیر ذهنیت هستید.

بهشتی: چندین بار گفته شده هیئت دولت را بگویید، حداقل در ماشین گفتم تا دو روز بعد بدهید پنج نفری که می‌توانید از شورا معرفی کنید.

مهندس سجابی: کدام وزارتخانه [؟]

بهشتی: اقتصاد [و] دارایی، دفاع، کشور، کشاورزی، صنایع [و] معادن، بازرگانی، خارجه، وزارت کار، بهداری، راه.

بنی صدر: خارجه، داخله، دفاع، دارایی.

خامنه‌ای، موسوی: وزارت داخله مهم است، بعد ارتش.

موسوی: در وزارت کشور، آقای صباغیان از نظر اداری بد نیست. کسی را می‌خواهیم [که] نیروهای اجرایی کمیته‌ها، پاسداران، تحت قدرت دولت بیاید. اولاً فردی برود که اینها (دکتر یزدی آمد 8/5) کسی را فکر کنیم این اثر را دارد. به نظرم معمماً اثر دارد (مهندس آمد 8/5).

بهشتی: وزیر کشور کسی باشد که زمینه قبول طبیعی داشته باشد.

موسوی: آقای هاشمی خوب است، ولی مریض است (دکتر صدر آمد). باهنر از نظر اداری خوب است. آقای مهدوی چون بوده، علما ایشان را شناخته‌اند.

مهدوی: خودم جزماً و قاطعانه می‌خواهم استعفا بدهم.

موسوی: با آقای صباغیان صحبت شود، به‌درد کارهای دیگر می‌خورد. باید از ایشان خواسته شود بماند.

بهشتی: هدف ایشان، رفتن نیست.

دکتر یزدی: محمد منتظری عضو حزب است.

بهشتی: هیچ کس داخل تشکیلات حزب نمایندگی ندارد. آقای باهنر وزیر کشور، شما معاون (مهدوی)، [مسئول] کمیته‌ها صباغیان باشد.

مهدوی: رؤسای کمیته‌ها طرحی داشتند، سرپرست‌های کمیته‌ها در قسمت‌هایی از وزارتخانه‌های ربطدار به کمیته چند نفر معاون باشند، هماهنگی کارهای آنها با دولت باشد.

بهشتی: بعضی کمیته‌های مشکل آفرین، خارج از تهران است.

مهندس سحابی: چه ارتباط باهنر با وزارت کشور دارند [؟] هاشمی که بهتر است.

موسوی: آقای خامنه‌ای وزارت دفاع (هاشمی، مهدوی، صباغیان وزارت کشور)، اقتصاد مهندس سحابی [یا] بنی صدر. حرف بنی صدر حق است.

بهشتی: وزارت دارایی و اقتصادی، بازرگانی و صنایع معادن. دارایی و اقتصاد بنی صدر [باشد]، صنایع و معادن مهندس سحابی [باشد].

موسوی: دیروز جمعی از بازار آمده بودند، راجع به فروهر صحبت می کردند. راجع به صنایع [و] معادن گفتند تفاهم نمی شود کرد.

قطب‌زاده: عزت [سحابی] را وزارت کار باشد که اصلاح کند. نکته‌ای که باید توجه کرد، بعضی وزارتخانه‌ها را باید درست کرد. دفاع خراب است، کار خراب است، صنایع و معادن خراب نیست.

بهشتی: سحابی وزارت کار.

مهندس سحابی: با احمدزاده حل می کنم.

بهشتی: بدون وزارت کار عملی نیست.

قطب‌زاده: احمدزاده خیلی سریع مدیر تعیین می کند. به علت عدم همکاری فروهر و بیشتر معاون‌هایش، حکم مدیریت می ماند و رد نمی شود.

موسوی: وزارت کار دو رقم است، یکی خوب است و مرتب که کم است، بیش تر بد بودن وضع آنهاست. باید دید وضع آن را.

قطب‌زاده: مقداری کار در کارخانه‌ها داریم. گروه ما وارد است. شوراها [را] معمولاً مسلمان‌ها تشکیل داده‌اند و زمینه فعالیت آن بیش‌تر از سندیکا است، به امور خانواده رسیدگی می‌کند. سندیکا دست چپی است. نماینده وزارت کار سندیکا را تقویت می‌کند.

بهشتی: شورا از دست چپی‌ها گرفته شده و اسلامی است. قبل از کشور شوروی ما [و] سوریه شورا داریم. شوراها اسلامی، و سندیکا چپی شده.

قطب‌زاده: سندیکا چون در دولت قبلی بوده، بدنام است.

بهشتی: فروهر می‌گفت شوراها را حزب و غیره درست می‌کند.

جلالی: نوار از کارگران داریم.

مهندس سحابی: رسیدگی شود [به] وضع وزارت کار.

موسوی: رسیدگی شود.

مهندس سحابی: دارایی و اقتصاد [و] بانک مرکزی مهم‌تر است.

بهشتی: بانک‌ها و شرکت نفت تابع وزارت دارایی است.

قطب‌زاده: شرکت نفت، انقلاب درونی.

بهشتی: هاشمی باشد، مهدوی نباشد، وزارت نیرو اگر کسی باشد مهندس سحابی (مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر ایزدی آمدند 9).

موسوی: باید دید قطب‌زاده می‌تواند وزارت ارشاد را درست کند. قطب‌زاده با تمام فضایل، من باهنر را بر خودم مقدم می‌داشتم، چون از نظر اداری بر من واردتر است (مهندس صباغیان) باید رودر بایستی را برداشت.

بهشتی: با توجه به وضعی که هست، راه‌حل واقعی.

خامنه‌ای: اصل طرح کلی موسوی، دنباله طرح قبلی وزیر از شورا، پیشنهاد دیگری دارم.

مهندس بازرگان: ده دقیقه به ده می‌روم [ملاقات با] کاردار سفارت شوروی.

بهشتی: اگر آن طرح کلی نباشد، عیب خارجی پیدا کند، مختصری بحث شده چه کسانی سمت وزارت [را] قبول کنند. دولت هم نظر خود را در این زمینه بگوید، به اضافه آن پنج نفر که از دولت به شورا بیایند تا اقلماً مصداق مشخص تر از این طرح داشته باشیم.

دکتر سبحانی: موکول به نظر شورا است. هیئت دولت منتظر است شورا معین کند چند نفر در چه پست، بین خود تنظیم کند چه کسی کنار باشد و افراد تازه وارد برای چه کار و برای چه پست [قرار بگیرند].

شهبانی: پیشنهاد دولت چیست [؟]

بهشتی: کلیات بدون مصداق درست عملی نیست.

مهندس سبحانی: مصادیق برای برداشت داشتن. هاشمی می پرسید چند تا باشند از اینجا و چند تا از آنجا. قاعداً باید خدمت آقا رفت [تا] ایشان صحنه بگذارند [بر] کسی که مأمور شد، تصویب مطرح نیست. مثلاً صدر برود، جایش بنی صدر بیاید. بعضی همکاران به من گفته اند دست تو باز است. مأمور تشکیل کابینه باید خودش معین کند.

بهشتی: باید دید روی کلی چه راه حلی دارد [؟] نظر مشورتی و پخته می دهیم که آیا راه حل هست یا نه [؟] اگر وزارت کشور، کمیته ها و پاسداران طوری باشد با وزارت کشور، وزیر کشور (بیان موسوی است) کسی باشد [که] عناصر روحانی و کمیته و سپاه او را بپذیرند. آقای هاشمی وزیر کشور، خامنه ای وزیر دفاع، بنی صدر اقتصاد و دارایی، مهندس سبحانی وزارت صنایع با بودن احمدزاده، قطب زاده ارشاد ملی.

مهندس بازرگان: تعدادی باشد که ...

صباغیان: علوم را جنابعالی [بهشتی] قبول کنید.

بهشتی: دکتر باهنر بهتر است. کارهای دیگر نخواهد.

صباغیان: قدرت اجرایی شما [بهشتی]، کار شما را جای دیگر ممکن است بکند. شما حتماً به دولت بیایید.

یزدی: دادگستری نه، آموزش و پرورش بسیار خوب است.

موسوی: آقای بهشتی کاندید مجلس مؤسسان است.

بهشتی: علمای تهران رأی داده، اولین نفر من هستم. اداره آن مجلس مطرح است (معین فر آمد، نه و ربع).

صباغیان: 12 مرداد، انتخابات مؤسسان [است].

بهشتی: شورای روحانیت باید اداره شود.

مهندس بازرگان: [در خصوص این که] چه کسانی به شورا بیایند، بین هم توافق نشده، طرف در محذور می افتد.

بهشتی: در مورد دوستان ما محذور نیست.

خامنه‌ای: دنبال چه می گردیم [؟] دوگانگی از مراکز تصمیم‌گیری و قدرت از بین برود. واحدی به وجود بیاید [که] همه مراکز قدرت را در خود بگنجانند. با این کار عملی نمی‌شود. باز شورا و دولت و دوگانگی است. تلفیق واقعی که شورا و دولت نباشد، طرح پیمان بهتر است، ولی شکل دیگری به نظر رسیده. وزارتخانه‌ها در سطح وزیر از یک شورا باشد، به معاونین اختیارات بیش‌تر بدهند. وزیر، رئیس شورا باشد. چند نفر از کابینه در شورا بیاید و برعکس. بقیه یا اکثر برون در شوراهای وزارتخانه. بنده با مسائل نظامی آشنا بوده‌ام، ولی به وزارت دفاع وارد نیستم. ولی اگر رأی من دخالت داشته باشد، می‌توانم شرکت کنم. سه نقطه. چند نفر شورا برون، وزارتخانه‌ها ریاست شورا. چند نفر [از] کابینه کنونی بیاید [به] شورا، بقیه افراد شورا در پست‌های معاونت و یا شوراهای وزارتخانه. سوم، این دو معاون در تصمیم‌گیری دخالت کنند و از شورا برون معاون (مهندس تاج آمد، 9/20).

دکتر ایزدی: مشکل دولت این بود [که] مرکز تصمیم‌گیری جای دیگر هم بود. دولت قادر به اعمال قدرت نبود. دادگاه‌ها، پاسداران، کمیته‌ها و دستگاه تبلیغات یا قدرت‌ها به دولت داده شود یا خودشان جزو دولت باشند، ولی با پیشنهادات تازه مسئله دیگر مطرح می‌شود. افرادی که صاحب آن قدرت‌ها هستند در دولت برون و از دولت در شورا بیایند، حل نمی‌شود.

بهشتی: مراکز قدرت در دولت می‌آید، فقط دادگاه‌ها می‌ماند.

قطب‌زاده: بر اساس طرح دولت، نه دادگاه انقلاب است و نه.

بهشتی: آقایان دیگر هم عضو شورا بشوند (مهندس موسوی آمد) درست نیست، رأی مال هیئت وزراست. پنج نفر سمت وزارت تا حضور با رأی باشد، ده وزیر که عضو شورا هم هستند، بقیه به صورت شورای اداره‌کننده باشند. آئین‌نامه شورا اصلاح می‌شود.

دکتر باهنر: [درباره] پاسخ دولت نظری دارم. پنج سمت است که اگر حضور داشته باشد، خوب است. کار به افراد ندارم. نخست‌وزیر، معاون‌نخست‌وزیر که سخنگو هست، وزیر امور خارجه، [رئیس] سازمان برنامه، [وزیر] کار. پنج ماقبل اقتصاد، کشور، دفاع، ارشاد ملی، صنایع [و] معادن.

بهشتی: تلویحاً آقای مهندس اشاره‌ای کردند مشابه.

مهندس بازرگان: تبصره زمین است، خیلی ساده است، باشد تصویب شود. داستان حضرت موسی و حضرت بقره، پرس‌وجو آن قدر نباشد که محذور باشد. اصل را بپذیرد. پنج نفر در هیئت دولت باشند، پنج تا بیایند اینجا، تا این که دو سوم شورا از آنها باشند تا پشتیبان تصمیم دولت باشد. لزومی ندارد کسی که می‌رود وزیر کشور یا دفاع باشد. آن به اختیار مسئول تعیین آنها باشد. چه بسا در این ترکیب یزدی وزیر خارجه نباشد. کسی باشد که به‌لحاظ حضور در شورا صلاحیت نداشته باشد. ده نفر بافته و تافته باشند.

بهشتی: اینها پیشنهاد است. بنده عقیده‌ام این است که دکتر سحابی در شورا باشد، ولی پست وزیر مشاور نداشته باشد.

موسوی: اصل طرح ده نفر وزیر موافقت و این طرح روشن باشد.

قطب‌زاده: دو نکته جالب توجه است. در صحبت آقای مهندس [بود که] پنج نفر از شورا داخل دولت شود [و] پنج نفر از دولت وارد شورا شود، شورا می‌شود بیست عدد.

بهشتی: شورا ممکن است درون خود افرادی را کم کند.

قطب‌زاده: باز شورا مقام تصمیم‌گیرنده هست یا نه [؟] لزوماً این ده نفر متفق‌الرأی نیستند تا تصمیم دولت را در شورا مورد قبول قرار دهند و یا در دولت نظر شورا را برسانند. آنچه ایشان می‌گویند پنج یا شش یا هشت نفر معرفی کند، مسئول تشکیل کابینه بین آنها عده‌ای را انتخاب کند، بشوند هیئت دولت. تصور من از طرح داده شده [این است]. تقریباً نظر آقا این است همه دسته‌ها بیایند، مسئله قانون اساسی آن را تصویب کرد. این مفهوم، تصمیم مشترک را طلب می‌کند. نه برگردیم به تشکیل مجموع کابینه که در آن شکل، حرف مهندس صددرصد است. آیا نظر ما آن است و یا یک‌کاسه کردن تصمیم‌گیری درست است [؟] دو عمل یا سلسله مشاوره، می‌شود قدری بالا پایین کرد، نفس این که قبول داشته باشیم مسئول تشکیل کابینه تعدادی به او معرفی شود، تعیین کند در مورد هرکس باشد که انتخاب کند، با روح مطلب طرح شده موافق نیست. مجموعه وزرا از ... تا ... مورد موافقت باشند.

بنی صدر: کار از وسط که باشد درست نیست. باید حرف زده شود. چرا قوای خارج دولت وارد شود [؟] اول [باید] دید چرا [این قوا] خارج دولت است، نقص‌هایی در دولت بوده که قوا نمی‌آمده. آمدن قوا حل‌کننده نیست، چون آنها مجری هدف‌هایی بوده‌اند. اگر دولت آمادگی اجرایی همان طرح‌ها را دارد که می‌شود آنها را منحل کرد. اگر قرار است کارهایشان را در دولت بکنند، ضررش گردن شماست. دید شورا و دولت هماهنگ نیست. برنامه را سبک نکنید. در ترکیب پیشنهادی من معتقدم کسی در جایی باشد که کاری انجام دهد. دکتر یزدی ممکن است در جایی که از وزارت خارجه بهتر باشد و قطب‌زاده برای [...] (احمدزاده آمد، ده ربح کم). اگر اینجا شکست بخوریم، انقلاب ضربه دیده. هم در انتخاب، دست نخست‌وزیر باز باشد، هم دست شورا.

بهشتی: راجع به مسئله هم فکری، اگر گروهی مقداری هم فکر باشند در عمل تقارب بیش‌تر می‌شود. درباره واحدها، علل محدثه دارد، دولت می‌شود و دولت ناچار به پاسخگویی است و با وضع فعلی فرق دارد، چون قبلاً دولت مماس با آن سوال‌ها نیست. در مورد انتخاب افراد، قطعی نیست، پیشنهاد است.

دکتر یزدی: در شورا وحدت نظر هست.

بهشتی: بالنسبه.

دکتر یزدی: مهندس بازرگان وقتی به نتیجه رسیدند، همه تبعیت از آن می‌کنند.

بهشتی: در خارج گفته شد اگر مهندس حرفی را پذیرفت، اکثریت و خودشان نه، ولی در عمل اجراکننده آن است (مهندس یا آقا). اگر با آقا صحبت کنیم، کابینه معلوم شود و صحبت شود.

قطب‌زاده: اصل پیشنهاد با تکمله خامنه‌ای می‌تواند حداقل مورد قبول من باشد. شرکت اکثریت در شوراها، در تصور ذهن من این است که روحانیت خود را تحمیل کرد و نقش مهمی گرفت، تفسیرهای مختلف و نسبتاً خطرناک در مطبوعات ایران، دقیقاً نوشته شود.

بهشتی: شورا به آقای مهندس به‌عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند کابینه خود را بر مبنای پنج وزیر از اعضای شورا و پنج وزیر برای آمدن به شورا انتخاب کند تا تصویب کند (دکتر پیمان ساعت 10 آمد) و با شرکت دادن اعضای شورا و کابینه در امور قانونی کابینه. شورا اگر کابینه را تصویب و تأیید کرد به امام معرفی شود.

دکتر سبحانی: مقدمه‌ای احتیاج دارد.

مهندس [بازرگان]: دکتر سحابی، کتیرائی، صدر حاج سیدجوادی، دکتر یزدی، بنده (مهندس بازرگان)، دکتر ایزدی، پنج نفر به طور مسلم نباشد، تا پنج نفر (مهندس بازرگان رفت، 10) دکتر یزدی، دکتر سحابی.

دکتر پیمان: به هر صورت این پیشنهاد درآمده مقداری مشکل ما را حل می کند، چیزی به آن اضافه شود. علل اشکال تعدد مراکز تصمیم گیری، تناقض در تصمیم گیری، اختلاف نظر در زمینه داخلی، اقتصادی، سیاسی، کارگران، دهقانان، ارتش، مردم اعتراض و بدبینی دارند. در جاهایی روحانیت که در رأس کمیته هستند، دفاع از قبول مدیر کارخانه فراری این قسمت می نمایند. انقلاب اسلامی است، برنامه مرحله ای حتماً لازم است. دولت موظف باشد برنامه های خود را با صراحت معین کند. کمیسیون مشترک دولت و شورا. در حسن نیت و صداقت مهندس شکی نیست، ولی مسائلی که مطرح می کنند، بنیادی را نمی بیند.

بهشتی: تذکر. یک وقت دولت آمده برنامه اش [را] تهیه کند، در مقطع فعلی که کار باید سریع باشد و دولت فعلی ضعیف تر نباشد، حداکثر در ظرف دو هفته برنامه خود را به شورا اعلام کند.

پیمان: اهمیت مطلب. قوا متمرکز در خودش باشد.

جلالی: مثال مهندس تاج، دو نفر اختلاف داشتند، وحی نازل شده این دو نفر با هم کنار بیایند، درست نیست. این آخرین تیر ترکش است.

بهشتی: ماقبل آخر است.

جلالی: این یک ترمیم کابینه است و ربطی به آنچه آقا گفتند ندارد. فکر بنیادی نمی شود. اگر این اساسی ترین مطلب مملکت است، یک هفته بنشینیم تا حل شود.

بنی صدر: در آخر جلسه پیش عرض کردم، حالا گفتم برنامه دولت معین شود. [با] این ترکیب پیشنهادی، ایشان می خواهد هم در شورا و هم دولت اکثریت باشد، پنج نفر از نهضت آزادی. این ترکیب بر در جا را فلج می کند. آقای یزدی خطرناک است، برای وزارت خارجه روحیه دسته ای دارد و اعمالی می کند. وزارت خارجه نماینده ماست. قطب زاده برای وزارت خارجه خوب است. در موضوع فرودگاه یزدی می خواستند طرف مخالف را بکوبد. مسئله اصلی دولتی که به جامعه معرفی می کند، آخرین تیر ترکش اگر شکست خورد انقلاب رفته. مهندس برنامه فعلاً بدهد [تا] سیاست اصلی معلوم باشد.

بهشتی: پیشنهاد ایشان کابینه را معرفی کند، بلافاصله کابینه استعفا ندهد. جدید حداقل ده نفر.

بنی صدر: شورای انقلاب خطوط سیاسی را بدهد.

جلالی: سیاست‌ها معلوم شود، بعد وزرا معین شود.

مهدوی: با بیان پیمان و بنی صدر موافق هستم.

قطب‌زاده: ضمن تأیید حرف‌ها که گفته شد شورا خطوط کلی را معین کند، با توجه به این که در هر حال به آن رأی نمی‌دهیم، صادقانه شاید بیش از همه شما به مهندس احترام دارم. با رفتن ما به آنجا چیزی حل نمی‌شود، حتی اگر برنامه معین شود. با نخست‌وزیری مهندس از روز اول مخالف بودم.

صباغیان: پیشنهاد نخست‌وزیری بدهید.

قطب‌زاده: معین‌فر، سبحانی، بنی صدر، جلالی، خود شما، دکتر پیمان، در این سخنرانی درست نقاط نظر خود را گفت. پس فردا کابینه را تغییر می‌دهید. باید بگوید نقاط نظر من تغییر کرده که خراب کردن او است و یا این که عده‌ای.

مهندس ایزدی: بنده اعتقاد بر این است گرفتاری اساسی ما در نحوه روحیه ما ایرانی‌هاست. روحیه را از نحوه رانندگی می‌شود تشخیص داد. اگر نباید، سبقت می‌گیریم. سر چهارراه معبر پیاده رو از خط اول که خط حق و قانون است، تجاوز می‌کنیم و از خط بعد که خط قلدری است رد نمی‌شویم. در کارهای اجتماعی به خاطر وجود دیکتاتور، آزادی نبوده که اعتراض کنیم. حالا که آزادی هست، تحمل عقیده مخالف را نداریم. انقلابی شده، تمام مردم صرف‌نظر [از] اعتقادات شرکت کرده‌اند، همه بر علیه ظلم و زورگویی و فساد قیام می‌خواسته‌اند بکنند. گروه مشخصی، صاحب اکثریت یا بینش سیاسی مسلم نداریم. در مسلمان‌ها هم برداشت یکی وجود ندارد. بعد رسیدیم، دولت حکومت موقت است برای قانون اساسی و بعد مجلس شورا که بعد ببیند چه باید بکند.

مهندس تاج: بسم الله الرحمن الرحيم. برای مدت موقت تا تصویب قانون اساسی و مجلس جدید که باید بنیاد مملکت را طرح‌ریزی کند، به جزئیات آنقدر نچسبیم. روز یکشنبه خدمت امام بودیم، خودمان فکرها را یک‌کاسه می‌کردیم. شورا این را می‌گوید. طرح متقابل از طرف آقایان اعلام نشد. خودتان شاهد بودید عده‌ای اطلاع نداشته از طرح آمده [اند] اینجا. آقایانی که بنیادهای فکری دارند، چرا مدون نکردند شرایط را [؟]

معین‌فر: وارد متن نمی‌شوم. جناب بنی صدر گفتند پنج نفر از نهضت بیاید، لااقل به مهندس کتیرائی اطلاع داریم [که] صحبت شما صحیح نیست، او جزو نهضت نیست.

بنی صدر: در کاخ که نهضت رفت، آنجا بود.

مهندس سبحانی: راجع به نهضت آزادی اگر ایراد است، همه بروند کنار.

معین‌فر: [در مورد] نکته جناب قطب‌زاده، مهندس آدمی است دموکرات. گاه می‌شود بنده اختلاف نظر دارم، ولی نظر اکثریت را قبول می‌کنند. فرض کنید در جلسه‌ای وزن شخصیت کسی بیش‌تر است، ولی اثر می‌گذارد، دیگران تحت تأثیر قرار می‌گیرند. ایشان حالت دموکرات بودن را دارد. ضمن این که ایشان دموکرات است، آدم مستقلی هم هست.

مهندس موسوی: دولت طرز ارتباطش با مردم از چهارچوب اداری است، با کمی اصلاح. شورا استفاده از این چهارچوب را قبول ندارد. انقلاب ما از طریق این چهارچوب مردم را حرکت نداد. ارتباط روحانیت، روشنفکر و توده باید غیر از طریق اداری باشد. در مساجد، محلات و کارخانه‌ها می‌تواند مردم را بسیج کند. این امید اگر گرفته شود، روی چهارچوبی که [بر] اصالت آن تأکید شد، برنامه اهمیت دارد.

بهشتی: درست مسئله است اصلی از چند دوست دولت سوال کنم. فکر می‌کنم کمیته‌های انقلاب شوراها، کمیته انقلاب وزارتخانه‌ها نواقص زیاد دارد، ولی می‌تواند نقطه شروع اداره انقلابی موقت این مملکت باشد. وزارتخانه‌ها را با این طرز که دارد، مؤثر و متناسب کنیم. شما دوستان در وزارتخانه آیا چنین فکری دارید یا فکر مقابل آن [؟] معین‌فر: هدف، هضم شدن در هم نیست، هماهنگ کردن است.

بهشتی: اداره جدید با عمل کمیته‌ها و غیره است، ولی نظمی پیدا کند.

صباغیان: مشکل کار این است [که] دلایلی که مهدوی گفتند افراد کمیته انتظاراتی دارند، در ادارات عملی نیست. وزرا ضمن قبول این که حل مشکلات باید بشود، مقداری نتوانسته‌اند، مقداری نخواسته‌اند. در ترمیم دولت شاید نخواستن‌ها کم شود، ولی در زمان کوتاه چون کمیته‌ها انسجام صحیح ندارد، نظامی که دستگاه را به‌عنوان دولت می‌گرداند، خراب است. خطر چهار پنج ماه است، تغییر اساسی است که ادارات خود را درست کند.

بهشتی: [یک اندیشه این است که] دولت تقویت [شود]، پلیس، ژاندارمری، ارتش تقویت شود، کمیته‌ها حذف شود. اندیشه دیگر [این است که] دستگاه راه بیاندازیم، به تدریج کمیته‌ها حذف شود. خط دیگر [این است که] دستگاه قابل راه انداختن نیست، کمیته‌ها را با همکاری دولت و شورا و رهبر و مسئولین اصلاح شود، قدرت اداره کردن واقعی به او بدهیم و دستگاه دولت مجبور به مامشات شود.

صباغیان: کار اگر از اول می‌شد، منحل کردن آنها، حرفی که به مجللی زد، [با] آدم‌های خوب و افراد کمیته مجدداً یک شهربانی بسازید، مثلاً کمیته باشد، سپاه باشد، دادگاه انقلاب ناحیه‌ای باشد، اساس کار کمیته‌ها نظمی بگیرد استوار، ولی نوع دخالت در کار نباشد، ادارات روال خود [را] برود.

بهشتی: پایه روی نهادهای انقلابی باشد، دولت جدید ترکیب هر دو کمیته‌ها را منظم و تصفیه کند که میسر است.

صباغیان: چون در اجرایی مملکت قبلاً بودم، الان هم به‌طور ملموس بوده‌ام، عملی نیست. مطلب دیگر، یا آقای مهندس بازرگان مجدد نخست‌وزیر می‌شود با خصوصیات که دارند که نقطه مقابل برداشت قطب‌زاده است. مدنی نظرات خاص دارد، مشکل [او] در نیروی دریایی و خوزستان نشان داد در دولت نمی‌تواند کار کند. قطب‌زاده در دولت نمی‌تواند کار کند.

بهشتی: شما چگونه هستید [؟]

صباغیان: با مهندس بازرگان خوب کار می‌کنم و فردی که می‌گویید آن شرایط را داشته باشد نداریم.

موسوی: از جلسه امروز متأثرم. یک طرف مملکت سقوط می‌کند، ما خودمان فکر واحد نیستیم، با آنها کار کنیم. این آقا و آن آقا می‌گوید مهندس بازرگان نباشد. رأی گرفتیم، نمی‌شود. خودمان فکر کنیم مملکت سقوط می‌کند یا نه [؟] نوشته بنی صدر اصل مطلب، بعد جلالی چیز دیگر و آن وقت دیگری گلایه می‌کند.

بهشتی: قرار شد تهیه برنامه از طرف شورا. بنی صدر قبول کرد با نخست‌وزیری بازرگان کار می‌شود، ولی اگر اکثریت پذیرفت من هم قبول.

دکتر صدر: چرا رفتیم قم [؟] مهندس بازرگان با این خصوصیات است. در وضع فعلی باید تصمیم گرفته شود.

بهشتی: پاسخ به مهندس تاج، شخصاً از فکر کردن روی چیزی که دیگران بررسی نکرده‌اند.

پیمان: اگر پیشنهاد دولت است، روی آن رأی بگیرند.

قطب‌زاده: حرف صباغیان درست، قبول نکرده. وزارت خارجه که مهندس پیشنهاد کرد قبول نکردم برای این بود.

[موضوع: لایحه زمین:]

بهشتی: تبصره به قانون اراضی موات اضافه شده، برای اراضی موات شمول این قانون.

معین فر: قانون اراضی موات مهلت داده شده تا آماده کنند، دو اشکال دارد. کسانی را که اراضی موات را ثبت داده

اند به آنها فرصت داده شود. کسی پول داده حرفی [است]، ولی [به] کسی که ثبت داده مهلت نباید داد.

قطب‌زاده: اراضی موات را به ثبت داد، بچه‌ها به اراضی مسلط هستند.

بهشتی: مهلت دولت مربوط به کسانی است که اراضی موات را به غلط از دیگران خریده باشند.

این لایحه برای اصلاحی پس فرستاده شد.

[موضوع: لایحه حفاظت و توسعه صنایع ایران:]^۱

احمدزاده: بند ب اساسی مشمول: 1) جعفر اخوان، 2) حبیب ثابت، 3) گروه فرمانفرمائی، 4) علی رضایی، محمود، مراد اریه، رسول وهاب‌زاده، احمد خیامی، محمود خیامی، آذر ابتهاج، خسرو ابتهاج، رضا رستگاراصفهانی،

1. ابتدای تیرماه 58 سرپرست سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد دولت قصد دارد صنایع بدون صاحب را تصرف کند. پس از بحث و بررسی لایحه ملی کردن صنایع در شورای انقلاب، قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در جلسه 14 تیر 58 شورا به تصویب نهایی رسید و اسامی بیش از پنجاه تن از صاحبان صنایع که مشمول این طرح بزرگ می‌شدند اعلام گردید (جمهوری اسلامی، 1358/4/14، ص2). روزنامه کیهان، ملی کردن صنایع را گامی در جهت حاکمیت مستضعفین خواند. مهندس بازرگان در تشریح این قانون، اعلام کرد سیاست دولت حمایت از کارخانجات و مؤسسات تولیدی است. احمدزاده، وزیر صنایع و معادن هم گفت: دولت ظرف یک هفته برای کارخانجات ملی شده، مدیر تعیین می‌کند (کیهان، 1358/4/16، ص1 و2 و3). وی همچنین در توجیه این قانون گفت: صنایع بزرگ به وام‌های دریافتی اتکا داشتند، و نه سرمایه خودشان (جمهوری اسلامی، 1358/4/18، ص5). ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی، ملی کردن صنایع را نشانه "صدای باز شدن زنجیرها از دست و پای ملت" خواند (جمهوری اسلامی، 1358/4/16، ص1). متعاقب قانون فوق، اعلام شد نقل و انتقال صنایع ملی شده ممنوع است (اطلاعات، 1358/4/17، ص2). علاوه بر این، وزیر صنایع وعده داد که سهام صنایع ملی شده به مردم عرضه خواهد شد (کیهان، 1358/5/1، ص5). اوایل شهریور، آئین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران منتشر گردید (اطلاعات، 1358/6/3، ص6). البته در این مسیر، به اذعان وزیر صنایع کارشکنی‌هایی نیز رخ می‌داد که عمدتاً از جانب صاحبان کارخانه‌های ملی شده بود که درصدد بودند تا نشان دهند که دولت از اداره صنایع ناتوان است (کیهان، 1358/6/8، ص1).

2. آذر ابتهاج، همسر ابوالحسن ابتهاج، از سرمایه‌گذاران بانک خصوصی ایرانیان.

عبدالحمید اخوان کاشانی، علی شکرچیان، رضا شکرچیان، ابراهیم قرین راد، عبدالمجید اعلم، مهدی میراشرفی، مهدی فریدنی، سعید، محمد ابوالنصر عضد^۱، برادران عمیدحضور^۲، حسن هراتی، مرتضی رحیمزاده خوئی^۳، عبدالحمید قدیمی نوائی^۴، عبدالمجید قدیمی نوائی، مهندس بوشهری^۵، مراد شاهپور، علینقی اسدی^۶، طاهر خباز، علی حاج طرخانی، کاظم خسروشاهی^۷، محمد خسروشاهی، برادران فولادی، مهدی نمازی^۸، آقای محمود رضائی با شما موافقت می‌شود در اداره شرکت‌ها و کارهای مربوط، به تشخیص خود تحت نظر 58/4/10 صنایع و معادن برای تمام.

بنی صدر: این پنجاه نفر، 80 تا 85 درصد کل صنایع ملی می‌شود.

پیمان: بعد از این دیگر دو صورت نباشد.

مهدوی: -

احمدزاده: کسی که اقدام کرده، رحیم ایروانی کفش ملی 26 شرکت چرم آذری 11، شرکت زمینس ایران رهان، بانک تجارت خارجی.

پیمان: اگر به وابستگان منتقل شده.

احمدزاده: نزدیکان درجه اول باید باشد.

پیمان: کاظم حاج طرخانی نباید باشد.

احمدزاده: کارهای تجارتي است، صنایع ندارد.

-
1. محمد ابونصر عضد، مؤسس کارخانه تصفیه شکر اهواز و قندسازی دزفول و از سهامداران بانک اعتبارات.
 2. امیر و منصور عمیدحضور، مؤسسان گروه صنعتی بلا و فعال در زمینه‌های کفش، کارتین، چرم، نساجی و حتی بانک‌داری.
 3. مرتضی رحیمزاده خوئی، از زمین‌داران بزرگ خوی و صاحب "کبریت‌های ممتاز".
 4. عبدالحمید قدیمی نوائی، مؤسس شرکت مهندسی ساختمان ملی و سازنده عمارت‌های معروف سلطنتی.
 5. مهدی بوشهری، همسر اشرف پهلوی و سهامدار بسیاری از شرکت‌ها نظیر آبهای معدنی دماوند، ایرساکو، لبنیات پاستوریزه پاک و...
 6. علی نقی اسدی، مدیرعامل شرکت لیلاند موتور ایران.
 7. کاظم خسروشاهی، مؤسس شرکت سهامی تولید دارو، تولی پرس، تکنو صنایع و...
 8. مهدی نمازی، نماینده مجلس شورای ملی و مجلس سنا، فعال در تجارت تریاک، نماینده شرکت بیوک و ...

معین فر: حکایت بانک اسلامی نشود (بهشتی رفت).

پنجاه نفر اسامی آنها تصویب شد.

احمدزاده: آقای آذری و بیان رفتند خدمت آقا با صاحبان صنایع برای این که کارخانجات دولتی در اختیار آنها باشد.

قطب زاده: اگر ماجرای شکر را معین فر به آقا بگوید.

جلالی: این لیست قطعی نباشد.

پیمان: نقل و انتقال را جلوگیری کند.

احمدزاده: در آئین نامه خواهد آمد، از شهریور سال قبل باشد.

قطب زاده: این بند آئین نامه اهمیت دارد که با جدیت تصویب شود. تمام نقل و انتقالات از شهریور گذشته از درجه اعتبار ساقط است. حتی سهام را به پیشخدمت اتاق نقل کرده اند (دکتر ایزدی، مهندس تاج رفتند، آقای بهشتی آمد).

[موضوع: ادامه بررسی ترمیم دولت:]

خامنه ای: طرح پیمان و سحابی خیلی بهتر است. دولت ممکن است موافق نباشد.

بهشتی: انفجاری بودن وضع را تا چه حد احساس می کنیم [؟]

خامنه ای: کار انقلابی باشد.

تصویب شد اسدالله رشیدیان^۱ به صورت [مربوط به صاحبان صنایع ملی شده] اضافه شود (احمدزاده رفت).

[وزارت] اقتصاد و دارایی.

بنی صدر: مهندس سحابی، معین فر.

رفاه اجتماعی، پیمان.

1. اسدالله رشیدیان (1298-1360) نماینده مجلس شورای ملی و فعال حوزه بانک و بیمه.

خامنه‌ای: در این چند جلسه سامی به شدت عصبانی و غیرقابل تفاهم [بود]. کتیرائی بهتر است از پیمان.
امور قضائی.

موسوی: در دادگستری مسائل خلاف شرع آیا داشت [؟] آموزش و پرورش، تبلیغات، آموزش عالی، فرهنگ و هنر.
رادیو تلویزیون دو نفر، دکتر باهنر، جلالی.

دکتر پیمان: دکتر محمد عباس زاده را پیشنهاد می‌کنم. شورای ... دو نفر، کشور، شهربانی، اطلاعات هاشمی [باشد]،
خارج قطب‌زاده [باشد]، دفاع خامنه‌ای [باشد].

بنی صدر: ترکیبی از فروهر، خامنه‌ای و یک نظامی. قطب‌زاده نمی‌تواند.

مهندس سحابی: چمران خوب است.

بنی صدر: اگر ارتش جدید باشد بد نیست. عزت سحابی برای جانشینی مهندس بازرگان.

خامنه‌ای: چرا شما (بهشتی) قبول نمی‌کنید [؟]

بهشتی: بنیادهای جامعه هم روزنامه است و هم حزب که لازم است کار کند.

مهدوی: اصل مملکت دارد از بین می‌رود.

بهشتی: حزب الان هم کمک می‌کند. کادرشناسی کار کوچکی نیست.

خامنه‌ای: شورا سر جای خود باشد.

بهشتی: شورا و دولت همان یازده نفر.

مهندس موسوی: آنهایی که در کارهای اداری نیستند، در شورا باشند. در نقش وزارت، اهل عمامه نباشد. جذب
شدن به شکل رسمی درست نیست. یازده نفر در شورا باشند، اعضای انقلاب غیر از آن باشند. برنامه دولت عملاً
در شورا بیاید تصویب شود. نهاد انقلابی مردمی را به چهارچوبی نکشانیم که نیرو خرد شود.

بهشتی: یازده نفر نقش خاصی ندارد. شورا ترکیبش یازده وزیر [که] با نخست‌وزیر دوازده نفر [می‌شود] و هشت
یا نه غیروزیر. هیئت دولت دیگر نیست، عده‌ای وزیر از تصمیم‌گیری در شورا معاف هستند.

موسوی: این کار برای یک ماه است، مگر این که تعیین رئیس جمهور و غیره نشود.

بهشتی: 15 نفر شورای انقلاب است که کشور را اداره می کند.

باهنر: [بنیاد] مستضعفین، کمیته، سپاه، نماینده در شورا داشته باشند، شما هم باشید.

بهشتی: ما در کار حزب موفق بودیم. در کار آزاد افراد را می آزماییم. صمیمانه همکاری با هر دولت [که] موافق از انقلاب انجام می دهد.

موسوی: اگر شما شرکت نکنید، گروه شورا به سمت مذهب زدایی سیاست می آید. شورا طوری باشد [که] روحانیت در آن باشد. گرچه ممکن است من خوشم نیاید، ولی به مصلحت انقلاب بیشتر است.

بهشتی: تأییدکننده طرح مهندس بازرگان هستید منهای مهندس بازرگان.

خامنه‌ای: بازرگان، صباغیان، یزدی، دکتر صدر، فروهر، طاهری، کتیرائی، معین فر، میناچی، احمدزاده، جلالی، مهندس سبحانی، بهشتی، پیمان، باهنر، شیبانی، قطب‌زاده، مهدوی، خامنه‌ای، بنی صدر، موسوی، موسوی اردبیلی، هاشمی، طالقانی، طباطبایی، چمران.

پیمان: خیلی عاطفی است و وضع مملکت را فدای علاقه به صدر می کند.

قطب‌زاده: این طور نیست. من 21 سال با او بودم.

خامنه‌ای: یک سخنرانی کرده بود، چنان شیفته با ابوعمار سخن گفت.

بهشتی: سمت این افراد را معین کنید.

خامنه‌ای: برای نخست‌وزیری مهندس بازرگان [و برای] رئیس شورا شما (بهشتی) را معین می کنم.

قطب‌زاده: رأس شورا آقای طالقانی بیاید.

بهشتی: الان هست. رسماً آقای طالقانی رئیس شورا [است]، من عملاً نایب‌رئیس [هستم].

خامنه‌ای: من موافق هستم. چرا ایشان با منفی بازی مخالفت خود را اعلام می کند [؟]

مهندس بازرگان، وزیر نیرو و صباغیان، کتیرائی مسکن، معین فر بودجه [و] سازمان برنامه، بنی صدر اقتصاد و دارائی، هاشمی پاسداران، موسوی دادرای انقلاب، قطب‌زاده خارجه، خامنه‌ای ارشاد و تبلیغات، مهدوی کمیته، شیبانی جهاد سازندگی مسکن، باهنر آموزش، پیمان علوم، مهندس سحابی صنایع، جلالی رادیو تلویزیون، احمدزاده، میناچی حذف بشود.

خامنه‌ای: او مرد کار است.

مهندس طاهری راه، فروهر کار، دکتر صدر بازرگانی، یزدی [یا] صباغیان کشور، طالقانی رئیس شورا، بهشتی نایب رئیس (دکتر زرگر، یزدی بهداری، سامی) احمدزاده در شورا نباشد.

خامنه‌ای: یزدی وزیر ارشاد ملی شود من با او کار می‌کنم.

موافقت نشد، برای بهداری بهتر است.

بهشتی: مهندس موسوی هم در این طرح نباشد. مسئله طالقانی.

اساس طرح شورا، 21 نفر با 11 رأی تصویب شد.

[موضوع]: لوایح تصویب شده:

1 (ادغام سازمان تنقیح و تدوین قوانین ... در نخست‌وزیری 58/4/5 /7976، تصویب 9 و 58/4/12.

2) لایحه دادگاه‌های بخش 58/2/18 /4490.

3) تسریع در رسیدگی به اتهامات ضدانقلابی پرسنل شاغل ارتش و... 58/4/12.

4) دادگاه‌های انقلاب اسلامی 58/3/27.

5) شوراهای محلی 58/4/3.

جلسه یکشنبه 1358/4/17

[حاضران: شیبانی، بهشتی، مسعودی، هاشمی [رفسنجانی]، موسوی [اردبیلی] (قطب‌زاده، باهنر ساعت 8/05 آمدند).

[موضوع: تحول در نظام اداری کشور:]

هاشمی: آقا از لایحه دفاع کرده، ولی راجع به اشخاص گفتند صحبت نمی‌کنم.

بهشتی: من راجع به اشخاص بحث نمی‌کنم، کمیسیون رفت.

هاشمی: شما به عنوان مسئول از همه بیش تر هستید (خامنه‌ای 8/5 آمد، جلالی آمد).

بهشتی: طرح دولت و شورا مطرح است.

خامنه‌ای: دیروز طبق مأموریت به اتفاق باهنر، سبحانی، پیمان، بنی‌صدر صحبت شد. مبنای بحث تغییر بنیادی دولت تصویب شده بود (دکتر پیمان، 9 ربيع کم آمد). در مجموع جلسه بر روی رأی اکثریت قاطع جلسه صبحه می‌گذاشت. اگر شورا شکل جدیدی پیدا کند یا با آن ترکیب یا مشابه آن، پیام و رسالت تازه‌ای ارائه دهد و برنامه بی‌سابقه‌ای ارائه بدهد، مهم‌ترین چیز که در درجه اول است و شکل انقلابی را تجدید خاطره کند دو چیز است، تحول عمیق در شکل کار اداری و کوشش برای این که در نهایت ساختمان اداری ایران عوض شود (مهدوی 9 ربيع کم آمد). در وزارتخانه‌ها تصفیه نیمه کامل. دوم تبلیغات و رادیو تلویزیون برای انقلاب کم دارد، باید بینش انقلابی پیدا کند. مسئله بعدی کشاورزی است [که] طرحی بنی‌صدر دارد. طرحی در زمینه صنایع مطرح بود. هشتاد درصد صنایع با طرح دولت دولتی شده. مسئله آسان‌تر است. در مجموع ذهن دوستان نزدیک به هم بود، انتصاب، سیستم اداری، رادیو تلویزیون، کشاورزی، صنعت.

بهشتی: امکانات اجرایی آن مطرح شد [و] ارائه شد [؟]

خامنه‌ای: نه ریز و دقیق. [برای] آموزش و پرورش آقای باهنر طرحی داشتند. مذاکره روی این محور دور می‌زد، از جوان‌ها دیپلمه‌های بیکار.

مهدوی: جا برای مدارس نیست.

قطب‌زاده: طرحی که عده ای از دوستان دارند، عرضه کردند برای به‌کار گرفتن جوان‌ها. خصوصاً که در مهرماه. حدود ده روز دیگر کنکور است، 540 هزار [نفر] شرکت کنند که 40 هزار قبول نمی‌شود. طرحی است که تا 200 هزار [نفر] دیگر از این عده بتوانند با طرح های آموزشی در خارج اثر کادر اداری دانشگاه‌ها بین 6 تا 24 ماه [در] رشته‌های مختلف توسط این کادر دانشگاه و غیر از آن با مبلغ مناسب تعلیم دهند و اینها را به دهات بفرستند. طرح بسیار جالب است با بودجه منظم. به شورای انقلاب اول داده‌اند، بعد به دولت. در مدت کم کمک به بازسازی کشور می‌شود.

هاشمی: اگر پخته باشد خیلی جالب است، درد بزرگی را درمان می‌کند.

باهنر: جزئیات طرح‌ها.

بهشتی: طرح مطرح شود، بعد روی شکل.

خامنه‌ای: اصل قضیه معلوم شود.

باهنر: اولویت داده شد به مسئله اداری.

بهشتی: برنامه اداری را بخوانید.

باهنر: بنی‌صدر اعلام کرد همه وزارتخانه‌ها بسته بشود، به دیگران حقوق بدهند، مهندس سبحانی از طریق انجمن‌های اسلامی کار را بگیرند. بالاخره آخرین حرف هر وزیر یا مدیرکل با تیم محدود از افراد شناخته شده در رأس ادارات تابعه [قرار بگیرند].

خامنه‌ای: تصفیه در سطوح توده‌ای وزارتخانه نباشد. مدیرکل‌ها و رؤسای مهم و هر یک که می‌روند، با تیم بروند مراکز حساس را متصرف کنند. چند عنصر معلوم‌الحال را با شدت بیرون کنند و اعلام کنند. شورا با برنامه منظم اعلام کند. به افراد گفتند می‌شود کار اداری نکنید، شناسایی بکنید.

پیمان: کارمندان اضافی در اختیار کارگزینی.

باهنر: زمینه‌ای کار با همکاری مردم باشد. ریشه طرح‌ها این است که با مردم عمل شود. در رادیو تلویزیون مطرح شود، با مردم بحث شود.

بهشتی: دو مطلب است، اگر حل کند عملی است: 1) وقتی هر مدیرکل با یک تیم برود، چند نفر لازم است. حدس می‌زنم بیش از پنج هزار نفر نبرد.

خامنه‌ای: برای کل وزارتخانه‌ها.

بهشتی: این تعداد کجا هستند [؟]

باهنر: از خود ادارات هست.

بهشتی: حدود هزار اداره کل با سازمان‌های مشابه هست. اینها باید وارد باشند. باید شناسایی کرد [که] داریم یا نه. 2) با مردم، تجربه‌ای روی مردم باشد. کسانی هستند که وضع آنها روشن است. در مردم افراد مختلف‌فیه زیاد است. دخالت ندادن احساسات و بستگی‌ها چقدر است [؟] علمای شمال آمده بودند، آقای ... از گرگان، آشیخ هادی روحانی¹ از بابل و ... گفتند به نمایندگی از جلسه روحانیت استان مازندران آمده‌ایم، اظهار نظر می‌کردند بین این روحانیون همگامی هست، استاندار مازندران و فرماندارها روی جوان‌ها تند با مسائل برخورد می‌کنند، خود فرماندار می‌رود دعوت به اعتصاب می‌کند، با آنها صحبت می‌کنیم می‌گویند باید زمین و کارخانه تقسیم شود (دکتر یزدی، مهندس سجابی، بنی‌صدر آمدند). با مردم باشد. با توجه به واقعیت‌های عینی باشد.

پیمان: کارشان با دولت مرکزی نمی‌خواند.

موسوی: دو طرف یکدیگر را متهم می‌کنند. تا کسی می‌گوید کارخانه را ملی کنید، می‌گویند چپ‌زده. اگر بگوید باشد، می‌گویند طرفدار سرمایه‌دار. روحانی بابل مرد بدی نیست.

پیمان: تمایل امروزه این بود، اصل درست شود.

بهشتی: این طرح ابتکاری نیست. خیلی ساده به ذهن همه می‌رسید.

بنی‌صدر: چهار ماه است درست عکس آن عمل می‌شود. نخست‌وزیر گفتند اصل بر حفظ اداره است.

خامنه‌ای: کمیسیون چیزی نمی‌خواست بگوید که به ذهن شما نرسیده باشد.

1. هادی روحانی (78-1302) نماینده امام خمینی برای رسیدگی به امور منطقه بابل، نماینده ولی فقیه در مازندران و امام جمعه بابل.

مهدوی: ایشان می‌گویند آنچه به ذهن ایشان رسیده بی‌خود بوده.

بهشتی: قبلاً گفتم اگر طرح دارید روی فرد آن هم رسیدگی کنید.

خامنه‌ای: هرکس یک وزارتخانه را به‌عهده بگیرد، تیم‌ها را معین کند.

بهشتی: اصلاحات با حمایت مردم باشد. مشکل خارجی دارد. چهره‌ای که عموماً مردم موضع منفی بگیرند، درصد کمی است، عده‌ای موضع دوگانه است.

باهنر: مسئله پشتوانه مردم برای اصلاح اداری نیست، برای کل طرح است. مثلاً [در] مبارزه با بی‌سوادی، خود مردم را بسیج می‌کنیم. جلب حمایت مردم، نوسازی، طرح اردوها، اگر به مردم سهام می‌دادیم خیلی بهتر بود.

مهدوی: تجربه در بعضی موارد. قبلاً رفتن و جار و جنجال کردن دو تیپ را آماده می‌کند. بیمارستان شهدا عده‌ای را شورانده است.

سحابی: زمینه فکری تبلیغ در مردم است.

هاشمی: مسائل فرعی است.

[موضوع: ترمیم دولت:]

بهشتی: دو طرح مطرح است. یکی دولت آورده بود [که] شورای انقلاب مرکب از بیست نفر، ده نفر دو دولت هستند، ده نفر نه دولت مرکب از 18 یا 15 نفر در شورا شرکت دارند. طرح دوم [را] گروه شورای انقلاب داده، برای این که یک مرکز تصمیم‌گیری یک شورای انقلاب هم دولت و هم شورا، دولت مرکب [از] 24 یا 25 نفر، یازده نفر شورای انقلاب روی مسائل کلی خط‌مشی‌ها تصمیم بگیرند. بقیه روی مسائل درجه دوم و اجرائیات. این طرح نهایی بود. دوستان طرح دوم را کار کردند، عرضه بکنند.

پیمان: طرح دوم مطرح شد و تصویب شد.

خامنه‌ای: یک واحد تصمیم‌گیرنده و اجراکننده است. 19 یا 20 واحد است، 21 واحد شورای انقلاب که 19 یا 20 مجری دارد.

قطب‌زاده: خود بهشتی روی 21 نفر اصرار داشتند.

باهنر: جزو 21 نفر مسئول سپاه و بنیاد هست.

بهشتی: 21 مؤسسه و وزارتخانه از قبل. کمیته هم عضو شورای انقلاب [است]. هر کدام در رأس یک واحد.

باهنر: دو نفر، یکی رئیس شورای انقلاب، یکی هم دبیر.

بهشتی: مؤسسات را بگویید.

خامنه‌ای: غیر از وزارتخانه نفت، [بنیاد] مستضعفین، سپاه پاسداران، کمیته‌ها، بنیاد مسکن.

بهشتی: 19 وزارتخانه و با این پنج نفر می‌شود 24 عدد [که] با رئیس و معاون 26 نفر [خواهد شد].

خامنه‌ای: لیست آن روز 21 نفر [بود].

بهشتی: مسئول هر وزارتخانه با مسئول این پنج واحد می‌شود شورای انقلاب. هر وزارتخانه.

موسوی: 25 یا 26 نفر، تعداد مطرح نیست.

هاشمی: اگر تصویب شده، بحث ندارید. من نبودم، اگر بحث است بشود.

بهشتی: به صورت نهایی تصمیم گرفته شود.

موسوی: دوستانی که معتقدند این طرح تصویب شود، ضرورت‌هایی است، ضرورت روز. اگر این طرح جا بیافتد، چه اشکالاتی هست [؟] هر روز با ده گرفتاری مواجه هستیم. ما می‌خواهیم، ما جمعاً 14 نفر هستیم، 12 نفر باید اضافه شود.

بهشتی: لازم نیست همه از دولت بیایند.

موسوی: ما برای اضافه کردن یک نفر به شورا دو ماه معطل می‌شویم. در این مدت چه کار کنیم [؟] کار ضروری و فوری. دولت اگر آمد گفت نیستم، یا کجدار و مریز کرد، یا شروع به اخلال کرد یا نه، مملکت چه باشد [؟] اگر با دولت این طور کنار بیایم که کارش را بکند و ما تدارک پختن این کار را ببینیم، اصل طرح را می‌پذیریم [تا] در طول زمان، اشکالات آن را برداریم.

هاشمی: پنج شش چیز است. قبلاً استراتژی برای خود تنظیم کردیم به عنوان اصل [تا] هر چه زودتر برسیم به دوره‌ای که وضع کشور از نظر ارگان‌های لازم تثبیت شود. اگر برنگشتیم، لازم است برسیم. این کار آشفته‌گی است. برای دو سه ماه کار موفق انجام نمی‌شود، مگر این که برای یکی دو سال. نظر خودم این است که باید به وضع تثبیت شده رسید و وضع قبلی صحیح بوده. مسئله بعدی [این است که] دولت یک طرف قضیه است. با مطالعات زیاد، افرادی که به نسبت شایستگی داشته (ما صد درصد شایسته نیستیم)، عده‌ای نواقصی دارند (از قم تلفن شد، آقای برخوردار و غیره آمده‌اند، گفت شاید من تو می‌گفتم نیابند). آشفته‌گی مجدد به وجود نیاید. اگر این دولت نپذیرد، به صورت اعتراض کنار بکشد، افراد شایسته آدم‌هایی نیستند که با جو جدید صادقانه کار کنند. تازه این که آقایان آرام بنشینند و اگر انتقاد کنند اختلاف زیادی ایجاد می‌شود، جو غیرقابل اعتماد برای مردم ایجاد می‌شود. خود ما جای آنها کادر شایسته نداریم، مخصوصاً طرح پاکسازی که جزو طرح‌های شماسست، مشکل را ده برابر می‌کند. کشورهای کمونیستی محدود است، کسی نمی‌فهمد. الان [با] دو قسمت بودن می‌شود طرفی انتقاد کند. یکی شدن، دیکتاتوری ایجاد می‌کند. کشور ما شرایط انقلابی آنچنان ندارد، مرزها باز است. [در] یک حالت بازرترین کشور دنیاست. [این که] یک بنیاد در کشور باشد، اصولی نیست، مخصوصاً اگر از این طرح، از روحانیون مثل ما یا دیگران استفاده شود، مثلاً دیکتاتوری آخوندی مطرح بوده [در] برداشت جامعه، داد مردم در نیاید، اداری‌ها، زنها بترسند، روشنفکر، دانشجو و غیره بترسد. نیامدن ما هم اشکال دارد. ما از اول و برای همیشه نمی‌خواهیم باشیم. مهدوی: از طرف خودمان بگویید.

هاشمی: با نبودن دولت قبلی، باید دید چقدر دولت [بعدی] قوی خواهد بود. طرح قبلی دولت، سوءنیت در آن نیست. چیزی نمی‌خواهد. از این طرف باز گذاشته تا مشکلات وزیر را لمس کنید. وزارت کشور را یکی از رفقا که مدعی است بگیرد و پاکسازی با همکاری همه و آقای خمینی عمل شود. مسئله کمیته‌ها، پاسداران و غیره وارد طرح دولت می‌شوند، تغییر کابینه با شرایط پر سوءظن ما را در نوسان می‌اندازد.

جلالی: بدون این که وارد اصل طرح شوم، در فرمایش موسوی و هاشمی یک نکته بود. این نحوه طرح اشکالی [دارد و آن] انفعالی فکر کردن است. فکر نمی‌کنیم تهاجم بکنیم [و] از طریق مثبت نشان بدهیم. شایعات تبلیغات اگر پشت آن تهاجم نباشد، این طوری می‌ماند.

خامنه‌ای: مطلب هاشمی بر اثر عدم توجه به چند نکته کوچک است. [مسئله] کنار گذاشتن دولت نیست.

هاشمی: دولت نمی‌آید.

خامنه‌ای: برادران خوب ما در دولت مشغول کار هستند. [در مورد] چند نفر احتمالاً حرف باشد. [این که] برادران دولت قهر کنند بنده تقریباً بعید می‌دانم، مهندس بازرگان وقتی می‌گوید هر کار بخواهید انجام می‌دهم. چندین نفر در حضور آقا گفتند دلیل ندارد دوست ما در دولت جدید وزیر نباشد، رئیس مفت کار نکند. اگر عده‌ای لازم بود و نیامدند با آنها صحبت می‌شود. [هاشمی] روی آشفتگی تکیه می‌کند، مکرر صحبت شده هر مهره تکان بخورد، کلنگی به ساختمان نوبنیاد است. این را همه جا گفتیم. آشفتگی هست. نمونه‌اش همین اعتصاب مدارس، بچه‌ها با صدای الله اکبر آمده‌اند، از این قبیل باید منتظر بود. این کار ما سکون و آرامش ایجاد می‌کند. چند نفر رفتن در کابینه تغییری در مردم ایجاد نمی‌کند. اگر ترکیب حکومت عوض شود، بمبی است منفجر شده.

بهشتی: بمب هوایی است.

مهدوی: آن آقا گریه می‌کرد، این آقا شعار می‌داد.

خامنه‌ای: این آشفتگی در آن هستیم. شورا با نقش جدید، امام در بیانیه اعلام کند. لازم است اقدام شود. مسئله سوم [این که گفته شود که] تا الان کنترل و نظارت بوده بر دولت، شوخی است. ما کنترل نداشتیم. یکی نمونه دکتر یزدی بود. لوایح می‌آورند، تصویب می‌کنیم. نظارت بر خط‌مشی وزارتخانه‌ها، بانک‌ها ملی شده، ولی در اجرا خبر نداریم. نظارت بعد از دوران انقلاب عملی نیست. نخست‌وزیر را در رفاه گفتیم نباشند، ولی معاونین بعضی‌ها را گفتیم باشند. نمونه این کار، مهندس موسوی گفت روز اول با قاطعیت می‌شد عمل کرد، الان مثل روز اول نیست. دو ساله است، ما حتی قبول داریم، ولی قابل حل است. [در مورد] مسئله بهشتی که چه قدر کادر داریم، ما کم افراد را می‌شناسیم، ولی می‌گردیم [و] افراد پیدا می‌شود. دکتر میناچی، حدادعادل و دکتر ممکن¹ افراد خوب هستند. [این که] کادر پیدا کنیم، ممکن است ولی مشکل. [در ارتباط با] مسئله دوم که هاشمی گفتند کودتای آخوندی حرفی است [و] وجود چند معمم کودتاگونه است، باید این را حل کرد. کمیته‌ها هر جا بروید کمیته [در] رأسش علماست. اگر برگردانید اینها را به مسجد، چیز خیلی زیادی نمی‌شود. چند نفر در کابینه باشند، از ما هم استفاده شود. من با هر کدام از برادران حاضریم کار کنم. یقین دارم دوستان دیگر هم حاضرند. جو صفا باشد، عنوان مطرح نیست.

بهشتی: اگر طرح دوستان عملی شود یک شرط لااقل شرط بی‌آما بودن بی‌گره بودن [است]. این طرح قبول دوستان دولت است. اگر آنها رد کنند، باید سنگ خود را با آنها وابچینیم. طرح تعلیق نسبی دارد تا حدی پخته شود. با دوستان دولت رسیدگی شود. اگر این طور شد خوب، اما اگر نپذیرند به دنباله آن چند نکته است. جانشین کودتای

1. مهدی ممکن، فعال ملی- مذهبی و از نزدیکان علی شریعتی.

احتمالی ضد هرج و مرج است که به دست عوامل امریکا و ضد رژیم در مقابل ما است. دوم، شدیداً با قاطعیت با شرکت دوستان معمم در سطح عضویت کابینه مخالفم. اگر روزی ضرورت ایجاب کند [که] در سطح کابینه بیایند، زمینه فکری آن با عمل نشان دادن باید آماده شود. قشرهای زیادی از آمدن [روحانیت به کابینه] دفاع می کنند، قشرهایی مخالفت و قشرهایی منتظر در وسط، که صلاح نیست؛ برای این که ما بتوانیم حمایت کنیم، دو نفر معمم یا در حد آنها که بتوانیم در محافل خصوصی تأمین کننده نقطه نظر انقلابی هستند، با اختیارات شبیه وزیر ولی به اسم مشاور شرکت کنند. در دولت فداکار اسماً وزیر باشند، نمی دانم تا چه حد عملی است، حمایت وسیع خواهیم داشت. [نکته] دیگر، دولت فعلی صرف نظر از این دو نفر در چند نقطه تغییر کند، مهم ترین [آن در] دارایی، بانکها، مؤسسات دیگر بشود کار اساسی بکند.

قطب زاده: تغییر دولت با توجه به زمینه هایی که اکثر آقای هاشمی اشاره کردند، بحث بسیار واقع بینانه است. نه رفتن دولت و نه شورا، اگر بتواند چیز بهتر جانشین آن باشد، فاجعه نیست. این فحش ها و این حرف ها به هر حال هست. اشکال طرح دوم، اگر پیاده شود تنها راه حل برای رفع تمام تالی فاسد، با نکته ای که گفتند آقای طالقانی در رأس شورا باشد، هم عده کثیری از دوستان دولت و قشر نقوی اجتماع. بهشتی: کسانی که ایشان را برای ریاست جمهوری کاندید کردند.

قطب زاده: ساکت می شوند. این بمب واقعی ترکیده می شود و مدتی طول می کشد. این آدم [با] این وضع می خواهند کار جدی بکنند. مطابق مأموریت شما دوتایی رفتیم خدمت ایشان. به یک معنی مسائلی با آقا دارند که طرح کنند، اصلی که آقا گذاشتند روز اول، کسانی که در کابینه هستند دیگر کار حزبی نکنید، دو سه شغل عملی نیست. بهشتی: می پذیرند یا نه [؟]

قطب زاده: اگر در اصول کلی با آقا توافق کند، قابل پذیرش است.

جلالی: اول می گفت نه عمل نیست، من هم بیایم فایده ندارد. یک جسد ایشان نظرش این است نظر آقا را دقیق بدند، اگر قول گرفتم شورای کوچک از این شورای بزرگ با آقا در تماس باشد، اقدامات آقا همگام باشد، کار فرعی نکند. اگر موفقیت آقا حفظ شود کارها درست می شود، کار فرعی نکند. در صورتی که این طرح بشود، شرط با مهندس [که] یا حزب یا دولت. نظر امروز را نگویید ایشان چقدر موافق هستند، بعد نظر بدهند.

قطب‌زاده: در مورد وضع دولت، شورا و دولت یکی شود. فرمول دولت، ده نفر در شورا و دولت باشند، با بالا و پایین بودن قضیه حل می‌شود. موضوع این است، ماهیت دولت فعلی تا حدی تغییر کند تا نظم قاطع بگیرد و ابلاغ کند. آن‌طور که تا به حال است، دولت فاقد قاطعیت است. ما هم از صمیم قلب نمی‌آید، اعتماد ندارد. اگر با قاطعیت بیاید حمایت کند، دولت کار اساسی و انقلابی کند، ملت بسیج شود، اداره‌ای نگهداری شود، اگر ماهیت دولت [به شکل] جدی عوض شود و خط عمومی معلوم شود، دولت با قاطعیت پیش برود، طرح بازده آن همان طرح دوم است، خصوصاً که حضور مستقیم روحانیون در وزارتخانه‌ها مشکل ایجاد می‌کند. به جز موسوی که قبول نکردند، شما معاون شورا [و] هاشمی وزیر دفاع، حضور روحانیون در کابینه اصلی مسلّم پذیرفته شود از طرف دولت و شورا بود دو ماده، در رأس دولت اگر مهندس بازرگان باشد باید [به] روال خود عمل کند یا ایشان قانع شود که عملی نمی‌بینیم.

بهشتی: فرض این است تا این لحظه افراد مورد قبول [هستند].

قطب‌زاده: اگر دولت حاضر است محتوای خود را عوض کند، عمل کند. با دولت [بصورت] جدی مذاکره شود.

دکتر یزدی: طرح‌های انقلابی چیست [؟]

قطب‌زاده: طرح‌های تنظیم شده در زمینه کشاورزی، اقتصاد و آموزش و پرورش. این طرح‌ها با مذاکره با دولت، آنچه پیاده‌کردنی است عمل شود [و] بینش عمومی حاکم بر دولت باشد.

بهشتی: در طرح دولت، ده نفر نقش تعیین‌کننده دارند، نه نخست‌وزیر. دیگر دو محور نیست، ده نفر، دولت و شورا هم اکثریت، ضامن اجرایی نقطه نظر گفته شده است. در این طرح نقش امروز را در دولت نخواهند داشت. در طرح قبلی ضامن اجرا قوی‌تر است، چند وزیر این طرف و چند شورای آن طرف نیست و یک کاسه عمل می‌کند.

قطب‌زاده: طرح دولت و ظاهرش ده نفر خواهند بود، در هر دو هستند. مشکل بینش عمومی است که حاکم بشود یا نه. پنج نفر معرفی شده مطالعه شود [؟] بازرگان، دکتر سحابی، کتیرائی، یزدی و صدر، با پنج نفر از شورا تلفیق شود. در همین یکی بیش‌تر شش نفری، یکی چهار نفری است، بنی صدر، پیمان، سحابی، شیبانی، قطب‌زاده. این افراد اکثر با دکتر یزدی توافق کنند، با دیگران نیست. آن ده نفر شورا و دولت را کسر کنند، نمی‌شود. راه‌حل سوم [این است که] انتخاب اعضای شورا از دولت، تعداد بر اساس نیاز دولت فعلی تدوین شود، چه از شورا، چه از خارج.

جلالی: برای شستشوی وضع مملکت منابعی هست کُر: آقای خمینی. آبهای قلیل، دولت و شورا [هستند]. آبهای قلیل تا حال متنجس شده، برای حفظ خود، خود را وصل به کُر کرده‌اند، دارند رنگ و بوی کُر را عوض می‌کنند و ما جز آن چیزی نداریم. این حرف‌ها ربط به راه حل اساسی ندارد. اگر حرف آقای یک کاسه شدن [است]، دیشب در نطقش عصبانیت بود راه حل مسئله ایشان حفظ شود. طرح بنده، اول حرف خامنه‌ای. در مقابل مهندس بازرگان مردم چون انقلاب کردند، یک سری نهادهاست، اینها هستند وگرنه چیز دیگری در خارج نخواهد شد. فرمول پیدا شود که کودتای آخوندی تلقی نشود. باشد [به] حرف آقای طالقانی هم توجه شود که فرد یک جا کار کند، یا اینکه از احزاب مهم همه بیایند.

بنی صدر: اکثریت شورا، [از] حزب جمهوری، صحیح نیست.

جلالی: مخلصانه این حرف را می‌زند، نظر به فرد خاص ندارد. ایشان اگر بیاید کودتای آخوندی نیست. در درجه اول، حفظ موقعیت خمینی، شورای متمرکز آقایان روحانیون از طریق فرمولی باشند. شورای کوچکی باشد که با آقا تماس بگیرد در قم [و] ایشان آلوده نشود.

هاشمی: [در مورد] راه حل قطب‌زاده و جلالی در مورد طالقانی، آقایان مسئله خاص را مطرح می‌کنند. اگر ایشان [را] در قشر روشنفکر و هیاهویی به صورت ظاهر تقدیس می‌کنند، چون جنبی حرکت می‌کند. اگر جدی در عمل بیایند یا چریک را می‌گویند بگیر یا نه. اگر بگیرند تقدیس نمی‌کنند. حتی در سوال شما جواب روشن نداده‌اند، آقای طالقانی مقابل خمینی چه قدر است [؟] خمینی آن قدر قاطع ایستاده، ولی گروه‌ها چه می‌کنند [؟]

جلالی: در عمل مقید می‌شود.

هاشمی: طرح اصولی با فرد حل نمی‌شود.

قطب‌زاده: پیشنهاد ما در صورتی است که دولت عوض شود.

هاشمی: مسئله بعد که تکیه می‌شود افرادی در احزاب هستند، خمینی گفته بود در دولت باشند. ما معتقدیم حزب جمهوری ساخته شود، عملاً اگر ما از شورا می‌رویم، می‌شود شورایی که خمینی به آن اعتماد می‌کند.

قطب‌زاده: شورا مطرح نیست. اگر بخواهد به صورت دولت عمل کند در مقام وزارت افراد باید عملاً تمامی وقت خود را بگذارند برای وزارت.

هاشمی: طالقانی تا روزی در روشنفکرها اثر دارد که قاطعانه حرف نزند.

بنی صدر: در [مقایسه با] مجلس قبلی شورای ما محاسنی دارد، ولی ضعف دنبال کار را می‌کند. روی مطلب رأی داریم، آن رأی نشانه ضعف بود. بینی و بین‌الله رئیس اجرایی به خلاف جلالی و قطب‌زاده، یک خمینی باید در رأس باشد که ضربه‌ها را تحمل کند. کسی که در عمرش هیچ زمان در هیچ مورد با قاطعیت عمل نکرده سعادت و آقای خمینی به‌جای آن بود، تمام ایران را زیر و رو می‌کرد. کار اجرایی شوخی ندارد. مجاهد خلق دروغی گفت، تکذیب نشد، بعد فدایی خلق گفت. مسئله عمل است. رئیس قوه اجرایی در این حدود باشد، باز مهندس بازرگان را ترجیح می‌دهم، بعد می‌آید لزوماً آن مواضع را پیدا می‌کند. خیلی خوب می‌شود، سوکارنو^۱ سیاست بالانس داشت. در انقلاب سیاست بالانس خطرناک است. ایشان در رأس قوه اجرایی باشد، خطر دارد. با ایشان باشند، آقای بهشتی اداره کند، ایشان رئیس هیچ کاره نمی‌شود.

هاشمی: مثل حالا قهر می‌کند.

بنی صدر: ثانیاً آقای بهشتی [!] شورا تصمیم قانونی می‌گیرد، ولی یکجا شما هم اجرایی، هم قضائیه، هم مقننه، آن وقت خطر زیاد است و این احتمال است که شما بکنید یا بگوییم تعهد اسلامی کم که نمی‌شود. عیب سوم [این است که] تجانس ندارد. رئیس قوه مجریه باید تجانس داشته باشد بینش و عملش. امتیاز مهندس بازرگان، مملکت حالا تکلیفش روشن است، ولی عملش کافی نیست.

بهشتی: طالقانی نه. بازرگان خوب است، می‌شود او را با ترکیب متجانس گذاشت.

بنی صدر: اگر دولت استعفا داد این شورا عهده دار امور می‌شود. کسی در رأس که با جمع کار کند یا طرح دولت، موفق‌ترین شکل اختیارات را بدهیم و بگوییم هرکاری می‌خواهی بکن.

خامنه‌ای: چرا در حضور خمینی نگفتید [؟]

سحابی: جزو طرحی که داریم.

1. احمد سوکارنو (1901-70) رهبر استقلال و رئیس‌جمهور اندونزی در فاصله سال‌های 1945-67. وی از پایه‌گذاران جنبش عدم تعهد بود.

شیبانی: طرح دولت باشد و شورا طرح ما باشد. اگر لازم شد مهندس بازرگان رئیس دولت نباشد، ولی [در شورا] باشد.

سحابی: هدف از آن طرح [این است که] مشکلاتی هست. کارهای انقلابی پیش نمی‌رود. سیاست‌های دولت با شورا تطبیق نمی‌کند. [با] رشد نارضایتی در جامعه، روحیه وحدت به شدت گسسته می‌شود. در مذهب‌ها هم مخالف می‌شوند. فقط اشکال دولت نبود. چرا شورا کمک نمی‌کند [؟] بخش دیگر مسائل جامعه بود. در آن طرح دو نکته بود. کاری بشود روحیه انقلابی مردم بازگشت کند. جوابی که اکثر دادند، یکی از عوامل تفرقه و سرد شدن [این است که] عملیات و کارهای انقلابی صورت نمی‌گیرد. یک بخش کار طرح‌ها و عملیات انقلابی. [اما] مسئله سرد شدن مردم فقط این نیست (عدم کار انقلابی)، [بلکه] مقداری برای این است، بسیاری، [در] شرایط جامعه انقلابی باید کار انقلابی شود. بخش دیگر [این که] نیروهای امروز به صف مخالف می‌پیوندند، ضد انقلاب نیست، یا اقناع باید باشد یا سرکوب، راه کوبیدن. یک شورای قاطع عملیات انقلابی بشود، ولی راه قاطع، سرنوشت آن استالینسم است. جامعه و مردم طرف شماست. اگر اقناع نشود جلو [ی شما] می‌ایستند.

بنی صدر: جعل قول، بعد تفسیر.

سحابی: طرح اداری کارش این است. به نظر من انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها فرق دارد، روبسپیر^۱ و استالین^۲ را ندارد. راه حل [این است که] مقداری مخالفین اقناع شوند، همه ضدانقلاب نیستند.

بهشتی: تهمت بزیند.

سحابی: دست شما نیست. ندهید، خونریزی دیگران می‌کنند. سنگ پراکنی و غیره را شماها دستور ندادید. الان در شرایط خطرناک هستیم. اقناعی عمل شود. مخالفین در صدر تصمیم‌گیری نیابند، ولی در اجرا باشند. طرح‌های قطب‌زاده و آمدن طالقانی حل‌کننده نیست. قانون اساسی، یک دوره انتخابات مجلس شورا. مگر آنها در مجلس نمی‌آیند [؟] در عرض دو سه ماه صلاحیت پیدا می‌کنند. اشخاص را دیده‌ام که داغ و دو آتش طرفدارند، ولی الان این رویه‌ها را نمی‌پسندند.

1. ماکسیمیلیان روبسپیر (1758-94) از رهبران انقلاب کبیر فرانسه و از عاملان دوره وحشت پسا انقلاب و عصر گیوتین.

2. ژوزف استالین (1878-1953) دبیرکل حزب کمونیست و رهبر اتحاد جماهیر شوروی در فاصله 1922-53 که شیوه اداره پلیسی و مخوفی را در سراسر این کشور حاکم کرده بود.

بنی صدر: تاریخ شاهد بیاید استالین را، شیوه‌های التقاطی ساخت، رهبری یک دست درست نکردند، دیوان‌سالاری می‌گویید کشتار زیاد است، قاطعیت زور، نه قاطعیت عدم زور. التقاط که شما می‌گویید بنابر باج دادن باشد. عقیده من عکس شماست. آن قدر که وضع بد شده، اطلاع من بیشتر است، روزی 200 یا 300 سوال دارم. می‌گویید بنابر افراد صادق باشد، گفتم در شورا دانشجو باشد، کسانی که شما می‌گویید نقش در مبارزه نداشتند، حاج‌سیدجوادی در لزوم همکاری با امریکا صحبت کرده، یک روز این طرف، روز دیگر عکس آن استدلال می‌کند.

[بنی صدر: اگر قرار بود] ملت از صحنه برود بیرون، روز اول رفته بود. فدائی خلق و مجاهدین خلق را آرام کند یا اقلیت یا اکثریت، آنچه شما می‌گویید استالینسم است، می‌گویند خمینی را قبول دارند. درست است، ولی گفتم بیایند بحث کنند. کجا آمدند؟ آفت بزرگ انقلاب همین روحیه است، اکثریت را رها کن، به افراد فحش دهنده بپیوند. بدین وضع باج ندادن نیست، به درد نرسیدن است. پیغمبر مخالف درجات خودش نداشت. [با] رهبری قاطع به درد مردم برسید. باج دادن به کلی نفی و مبارزه با موازنه منفی باشد، اقلیت‌ها در کار بیایند، آنچه گرفته پس نمی‌دهد و اعتماد مردم را در رهبری سلب می‌کند.

دکتر یزدی: -

بهشتی: دو کلمه بگویند آقای سحابی اگر پایین بیاید کردستان و مسئله یونسی. آقای صدر دکتر یونسی را آورد، وضع فعلی کردستان [ایجاد شد]. دکتر حاج‌سیدجوادی [گفته] ایران تایمز سوالی از من کرد که آقای بشارتی که می‌گویند در دستگاهها نفوذ کرده، آقای دکتر حاج سید جوادی گفته سالها شکنجه گر ساواک بوده و حالا شکنجه کننده سعادت است و مدارک آن پیش من است. گفتم مدارک را از کجا آورده، گفتند پیش مجاهدین است. بشارتی مستقیم معلوم نیست در کار سعادت باشد. سالها زندان بوده و بعد که آمده، مدارکی دارند از او که من دیدم. اجمالاً این که ساواک شیراز نوشته با او صحبت کردیم، خواستیم همکاری کند، با او مذاکره کنید، خوب حرف نمی‌زند. آقای دکتر حاج‌سیدجوادی در مصاحبه‌اش گفته انقلاب کار راست‌مردان است.

سحابی: اگر این طور باشد از خودمان هم کسانی هستند.

هاشمی: کیهان را گفته هشتصد میلیون تومان خریده.

سحابی: دکتر آیت^۱ و دکتر کاشانی^۲ علیه ما خیلی دروغ گفته‌اند.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. برداشت خودم دادم و نظری دولت. این انقلاب ما ویژگی دارد، یکی این که در هیچ انقلابی نیست [که] یک رهبری جمعی واحد، خواه یک جمع یا گروه که رهبری مبارزه کرده باشد و زبان مشترک (نداشته باشد) ندارد، کمک‌هایی که نقش خود را انجام نداده‌اند. الان ما زبان مشترک نداریم. در دولت عدم تجانس هست، در شورا هم هست، هماهنگی نیست. [این] ویژگی خاص انقلاب است، باید حل کرد. ما خودمان دور هم جمع نشدیم. به زور امام است که جمع شده‌ایم. اجازه بدهید سر هم را نتراشیم. دولت اگر می‌خواهد موثرتر باشد، باید با هم بشود. عده‌ای نمی‌کشند.

بهشتی: بگویند چه کسانی هستند تا آینده معلوم شود.

دکتر یزدی: در شرایط خاص انقلاب، دکتر اسلامی را اول بار می‌بینیم. تیمسار ریاحی و شریعتمداری و میناچی با آنها کار مشترک نکرده‌ام. مدتی طول می‌کشد تا اینها دید مشترک پیدا کنند. شما هم که طرحی نیاردید به دولت بدهید. دوست من صادق می‌گوید طرح دارم. آنچه در سطح مملکت اشکال ایجاد کرد، قطبی شدن جریان است. ما قبل از شورا و دولت همه با هم بودیم. تا حزب نبود، همه با هم بودیم. در شورا، دولت اسلامی است. خارج از آن، در حزب و روزنامه، دولت غیراسلامی می‌شود. بحث در دولت هم مشابه [بحث] شما بود. خوشبختانه [اگر] طرح دولت عملی شود، تفاهم از بالاترین سطح ایجاد می‌شود. تصفیه در وزارتخانه‌ها میسر نیست به‌سادگی. بنی‌صدر کاملاً ذهنی‌گرایی می‌کند. مقداری مسائل است که اگر در رابطه با دولت باشند بهتر می‌فهمند.

بهشتی: چند چهره مهم از کابینه می‌آید در شورای ما و چند تا برود در وزارت کشور و جنگ عملی است، چون مهم است، نه به اسم وزیر، ولی با قدرت آن.

یزدی: عده‌ای از شورا بروند شورای 15 نفره، دو سوم مشترک می‌شود.

پیمان: این هم طرح ماست.

سحابی: دولت هم کمیسیون دارد.

1. سید حسن آیت (60-1317) عضو سابق حزب زحمتکشان ملت ایران و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی.

2. منظور، دکتر محمود کاشانی است.

یزدی: ده نفر که بینش نوع دیگری دارند، اکثریت دولت و شورا باشند. عملاً بینش یکی باشد، تشکیل شوراها مانع نیست. در وزارت خارجه کوشش شده، عمل می‌کنیم. سیاست عمومی است، مفید است. مانع در برابر طرح نیست. دکتر پیمان بیاید بپذیرد همکاری کنیم. مهندس سحابی با پیمان می‌شوند شورای عالی سیاسی. با افراد مشورت بشود. آخرین نظر دولت این است که بحث شد (دکتر یزدی رفت 11/15).

دکتر پیمان: از هدف اولیه دور می‌شویم. مطلبی را گوشزد کنم. آنچه موقت شد باز به این هرج و مرج برسیم و به شدت خود باقی است. فکری کنیم که دو ماه دیگر مملکت نظام قانونی پیدا می‌کند، مشکلات حل نمی‌شود. ریشه آنها در دو چیز است، یکی قاطعیت در عمل نیست که مشکل مهم است، دیگر این که برنامه مطمئن انقلابی نیست. هم باید تمرکز باشد، هم برنامه. مسئله فرمی که دکتر یزدی گفت عدم انسجام در آن هست. حمایت توده نشان دهنده واقعیت نیست، گریز از مرکز و تشنج و بی‌تفاوتی و بی‌اعتباری خود رهبر. انسجام مردم را هم مردم ایجاد کرده‌اند. آدم‌های قاطع نبوده‌ایم. یکی هم پیچیدگی شرایط است. فرم اهمیت ندارد. [به] وحدت کامل نمی‌رسیم. روی برنامه تأکید شود. [در] نیروها حالت تفرقه خودش مسئله است که معلوم رهبری‌ها است. درگیری‌ها و جنجال‌ها مشکل ایجاد کرده، به اضافه نبودن برنامه‌های مشخص. ملی شدن صنایع انعکاس زیاد ندارد. [در موضوع ملی کردن] بانک، بیمه و غیره سیستم تبلیغات منفی عمل می‌کنند. افراد را با برنامه بیاوریم. فرم ده نفر مشترک مثل فرم ماست که یازده نفر مشترک و دو نفر مشاور. مهندس بازرگان نخست‌وزیر بماند. برنامه ادارات نمی‌تواند همان‌طور باشد.

موسوی: [برای] ماندن او شرط قبول نمی‌کند.

پیمان: اگر اختیار به دولت بدهیم، معلوم نیست تمام کارها حل بشود.

بهشتی: شکل یکی دارد، تفاوت‌ها حل می‌شود.

بنی‌صدر: تا مهندس گفت می‌گوید شورایی باشد و دولت که در دست من باشد. یک شورایی که بینش مهندس بازرگان را پیدا کند، دو نقطه دیگر بی‌انصافی می‌کند. مهندس همه‌اش نقص تبلیغاتی نیست. دو طرح انقلابی را دولت تهیه نکرد، ما تهیه کردیم. دولت چون اینها را از خودش نمی‌داند، درست عمل نمی‌کند.

بهشتی: بحث کلی شد. از میان دو طرح با اسامی و سمت‌ها روی کاغذ بیاید.

قطب‌زاده: اسامی بدون حضور دولت عملی نیست.

بهشتی: طرح از نظر خود ما به دولت به دیگران، حرف ما صد در صد است.

قطب‌زاده: طرح کلی را به دولت بگوییم، با او مذاکره کنیم.

بهشتی: طرح آقایان، رئیس شورا چه کسی است [؟]

خامنه‌ای: بهشتی.

بهشتی: من نمی‌پذیرم.

جلالی: طالقانی بیاید.

قطب‌زاده: هاشمی.

هاشمی: من نمی‌پذیرم.

قطب‌زاده: مهندس سحابی.

خامنه‌ای: اگر همه برادرها روی شما تکیه بکنند (بهشتی) نمی‌شود قبول نکنید.

موسوی: شما که می‌گویید (شیبانی) افراد دارم.

شیبانی: خودم.

بهشتی: رأی گرفته شد. با سه رأی رد شد.

خامنه‌ای: شما (بهشتی).

بنی‌صدر: چون متجانس نیست نمی‌پذیرند. بهترین کار این است که به دولت اتفاق کنیم کارش را در قانون اساسی

انجام دهد، همه کار را به او بدهیم.

بهشتی: با توجه به طرح دوستان که به بن‌بست رسیده مسئله دولت، نخست‌وزیر چه کسی است [؟]

موسوی: بازرگان.

قطب‌زاده: مقداری دلمان به حال مملکت هم بسوزد، اختیار کامل ندهیم.

بهشتی: نخست‌وزیر چه کسی؟

اکثریت: بازرگان.

بهشتی: وزیر کشور چه کسی [؟]

هاشمی: پنج نفر می‌روند که کار چشمگیر بکنند.

بهشتی: کشور، دفاع، تبلیغات و رادیو، دارایی و امور اقتصادی و وزارت کشاورزی.

بنی‌صدر برای اقتصاد.

سحابی: یک مقدار نگرانی بنی‌صدر رفع می‌شود. با رفتن آن عده در دولت جناح او تقویت می‌شود.

بهشتی: غیر از مسئله ادامه کار می‌خواهیم پایه بگذاریم.

قطب‌زاده: اعتقاد دارم از روز اول، محتوای دولت را تغییر بدهیم. پایه‌هایی در این پنج ماه بریزیم که غیرقابل برگشت باشد. مجلس بر اساس آن انتخاب می‌شود.

بنی‌صدر: در حضور آقایان گفتم بنده و دکتر یزدی یک جا نمی‌شود باشیم. مسئولیت مشترک است. کار خلاف کرد سر و صدایم در می‌آید.

پیمان: سیاست کلی در شورا مطرح می‌شود.

بهشتی: اقتصاد و دارایی بنی‌صدر. کشاورزی سحابی.

سحابی: من کشاورزی را نمی‌پذیرم.

هاشمی: صباغیان در وزارت باشد.

خامنه‌ای: یادم نبود. به این شکل مهندس قبول نداشت. گفت افراد را بفرستید.

هاشمی: من مریض هستم. دیروز با ایشان حرفم را تمام کردم. در این مرحله فداکاری می‌خواهد.

بهشتی: به شرط این که اگر باهنر پس از دو هفته احساس کرد نمی‌تواند کار کند، جایش بروی.

هاشمی: وزارت کشور مشکل آن شهرستان‌هاست. اگر فردی باشد مورد قبول آقا، خوب است.

باهنر: شما بروید (هاشمی).

هاشمی: به خاطر ضعف نمی پذیرم. ولی اگر نشود، من می روم. تا دو هفته دیگر اگر حال خوب شد، می آیم.

مهدوی: وعده های دوستان را قبول نکنی.

بهشتی: ارشاد ملی، پیمان.

پیمان: من کمک می کنم.

قطب زاده: جلالی خوب است، من وزارت دفاع.

بهشتی: وزارت دفاع نوسانات قاطعیت شما را تحمل نمی کند.

قطب زاده: آنجا عده ای هستند [که] روحیه ندارند. باید به آنها روحیه داد.

هاشمی: ایشان با عده ای بروند آنجا.

قطب زاده: اگر تصفیه در ارتش بشود، می شود سر پایش بند کرد، کار عمرانی کرد. اگر ارتش فقط نظامی گری کند، کودتا می کند. اگر کار عمرانی هم بکند، قوی ترین گروه مملکت است.

بهشتی و پیمان: مثل ارتش اسرائیل.

قطب زاده: بیش تر شبیه ارتش الجزایر.

موسوی: [در] وزارت دفاع، خامنه ای وزیر نباشد؛ مشاور در جایی باشد که موثر باشد و یک وزیر خوب پیدا کنید.

خامنه ای: یک وزیر باشد، کسی به عنوان مشاور باشد، ابلاغ رسمی و اختیارات در زمینه های اجرایی تصمیم گیری ها.

بهشتی: قطب زاده وقتی می تواند کار کند که اختیاراتش تام باشد.

قطب زاده: در مدیریت دوکاسه و سه کاسه جز به هم ریختن کاری نمی شود. تصمیم گیری بحث روی خط مشی باید

در کنار هر وزیر باشد، تصمیم بگیرند و به مدیر ابلاغ کنند. هر کدام خودتان مستقیم دستور بدهید.

خامنه ای: تصمیم گیری دستگاهی دارد در حلقه التقای تصمیم گیری، تفاهم قانونی و سازمان باشد (مسعودی و پیمان

رفتند 12/15).

بهشتی: [برای وزارت] دفاع، قطب‌زاده و خامنه‌ای و یک افسر انتخاب کنند. کلیه اختیارات عزل و نصب با شورای سه‌نفری است. امضاء مال وزیر است.

قطب‌زاده: لایق‌ترین فرد برای ارشاد ملی، جلالی است.

جلالی: اگر تا یک ماه دخالت نکنند، در حالی که درست خلاف آن روی دسته‌بندی‌ها عمل می‌شود.

قطب‌زاده: رئیس بخش تلفن می‌کند به قم.

خامنه‌ای: اول معادینخواه را تصفیه می‌کنند.

بهشتی: به بنی‌صدر، قطب‌زاده، جلالی فکر نکنید، در خلاء هستید. در تمام این کارها واکنش‌هایش قبلاً بررسی شود.

جلالی: من به آقای خمینی گفتم یک نفر بگویند از علما [تا] با ایشان تماس بگیرم، دیگران دخالت نکنند. ایشان چهار نفر را گفتند: موسوی، بهشتی، هاشمی و خامنه‌ای.

بهشتی: تصویب شد پنج وزیر برود از شورا [به دولت] و پنج نفر از دولت بیاید در شورا. جلسه چهارشنبه فوق‌العاده، باهنر در کابینه می‌رود. تصویب شد.

مهندس سبحانی تصویب شد به اتفاق آراء.

مهندس جلالی.

خامنه‌ای: برنامه‌اش را جلالی بگوید.

قطب‌زاده: در عمل در عرض چهار ماه جزو نوادر سازمان است که هم بفهمد، هم عمل کند و هم نتیجه بدهد. این جلالی بود.

خامنه‌ای: فرمایش شما پذیرفته شد، آمد به شورا، خیلی خوب.

بهشتی: قطب‌زاده، خامنه‌ای تصویب شد.

1. عبدالمجید معادینخواه (متولد 1326) روحانی انقلابی، قاضی شرع دادگاه انقلاب و مأمور امام خمینی برای بررسی وضعیت کردستان، نماینده مجلس اول شورای اسلامی و وزیر ارشاد دولت موسوی.

جلالی: اساس انقلابی که در وزارتخانه‌ها باشد، در رادیو کردیم. تک تک برنامه‌ها را با سیستم خودمان، با کادر به هم ریخته شده و کادر بیرون ساختیم. تک تک برنامه‌ها وقتی است که ما کردیم. حالا این برنامه‌ها خوب نیست، باید بشود. روزی 16 ساعت برنامه تولیدی دارد که جدید است در جهت مشی تازه. [این که] در چه جهت باشد اول روشن کنیم هدف اصلی رادیو تلویزیون چیست [؟] [هدف] فرعی چیست [؟] هدف اصلی در جهت تکان دادن مردم از نظر قدرت اجرایی دولت یا شورا، مسائل موسیقی و غیره در جهت کار و غیره باید درست شود. یک هفته کار را خراب نمی‌کند. اجبار و مسائل تبلیغاتی همگام مسائل اصلی انقلاب باشد. موسیقی باباکرم مثلاً یک هفته باشد.

خامنه‌ای: مایوس می‌کند.

جلالی: یک ماه اجازه بدهند، البته تذکر بدهند، مانع نشوند.

خامنه‌ای: وزارت ارشاد معاون و مشاور داشته باشد.

بهشتی: شما (موسوی) حاضرید با جلالی کمک بکنید [؟]

موسوی: من به وزارت دفاع باید بروم.

بنی صدر: به شرط آن که با سانسور مبارزه کند موافقم.

بهشتی: جلالی یک معاون شبیه موسوی یا خامنه‌ای با فرد سوم شورا باشد.

قطب‌زاده: میناچی مانند دلال معامله می‌کند. [در] قانون مطبوعات [آورده] فحش به خمینی، یک ماه تا شش ماه حبس دارد، تازه قابل خرید.

مهدوی: پول کمیته‌ها را نداده‌اند هنوز.

بهشتی: خرجی ندارند پاسدارها.

مهدوی: مشروبات را چکار کنیم [؟] پاسداری در اثر بی‌احتیاطی تیر خارج شده و کسی کشته شده، برده‌اند پیش هروئینی و غیره. شهشهایی باید برود؛ توهین می‌کند.

جلسه چهارشنبه 1358/4/20

[حاضران: شیبانی، موسوی [اردبیلی]، بهشتی.]

خامنه‌ای 8/15، جلالی، مهندس سحابی 8/20 [آمدند].

مهندس سحابی: در منزل ثابت، جواهرات و اشیاء عتیقه فراوانی پیدا شده. دقت شود.

بهشتی: در مورد بنیاد، مدیر عامل.

خامنه‌ای: مهندس ملک‌زاده خواهر [زاده] حاج‌طرخانی فرد ارزنده‌ای است (هاشمی 9 و 10 دقیقه کم، مهندس بازرگان 9/15 آمدند).

تصویب نامه قانونی معافیت کلیه محصولات دارویی مجاز 4434، 58/4/12 در جلسه 58/4/20 تصویب شد.

مهندس بازرگان: لایحه بودجه تصویب آن طول می‌کشد. فعلاً یک سوم آن را تصویب کنید که پرداخت تیرماه انجام شود.

بهشتی: پول کمیته را ندادی؟

مهندس بازرگان: چک آن نوشته شده. به آقای مهدوی گفتم.

هاشمی: عده‌ای نگهبان هستند مربوط به شرکت نفت که مربوط به سپاه نیست.

مهندس بازرگان: در ارومیه عده‌ای هستند که خوب هم کار می‌کنند، با آقای فوزی هستند.

بهشتی: در گوشه و کنار نیروهایی هستند مثل چریک‌های محلی (بنیصدر آمد 9/20)، اضافه کردن شش ماه به نظام وظیفه به درد شما نمی‌خورد.

شیبانی: در لایحه قید شود که شش ماه به خدمات عمرانی پردازند.

بهشتی: این لایحه برای یک سال دیگر اثر دارد. بیاید تیمسار ریاحی توضیح بدهد.

مهندس بازرگان: ایشان توضیح کامل داد.

بهشتی: فردا ایشان بیایند.

موسوی: پاسداران قرار شد از تکه تکه بودن خلاصه شود در یک جا.

[موضوع: ترمیم دولت:]

بهشتی: سه جلسه رسیدگی کردیم. در جلسه یکشنبه در جمع بندی شورا تصویب کرد شما بتوانید راهی [را] که پیشنهاد می کردید دنبال کنید. پنج نفر از اعضای فعلی شورا که آماده قبول پست وزارت باشند در کابینه بیایند. پنج نفر از وزرا به شورا بیایند. به این ترتیب در شورا و هیأت وزیران ده نفر مشترک باشد. حدود ده نفر در وزیران و شورا باشد. دوستانی که می شد قبول کنند [و] عضویت در کابینه را بپذیرند، عضویت را پذیرفتند.

مهندس بازرگان: از این که طرح دولت را تصویب کردید متشکرم. دو نکته که ممکن است تکرار باشد: مبدأ و مسیر این کار را بدانیم. مبدأ پیشامد اشکالاتی بود که همه وزرا روی کاغذ آورده اند که در شرایط حاضر کار عملی نیست. نبودن آنها و یک کاسه شدن بهتر است. وجود مراکز و مقامات خارج دولت که دوگانگی سبب مزاحمت هایی است. دادگاه انقلاب، کمیته ها، سپاه و تبلیغات و رادیو و تلویزیون. اول این مرحله رفع شود. آقایانی بیایند در وزرا که این قسمت ها زیر نظرشان باشد. مسئله دوم که مهم تر از این است، دولت مسائلی را تصمیم بگیرد، بعد از ناحیه آقایان ایراد گرفته شود، اعم از دوستانه یا رسمی، بعد کار لطمه بخورد، توأم با آن امام، شورا و هیأت وزرا در یک مجلس با هم باشند تا حد دل و حتی زبان و قلم، سخنرانی. حزب و روزنامه پشتیبان باشند و این ضرورت زمان است. مقامات غیرمسئول و موثر حمایت کنند. اساس لازمه اش این است. بروم سراغ تقاضا و مراجعه به آقایانی که از این بابت منظور را فراهم کنید و اگر قبول که در مرحله ماقبل شورا تصمیم گیرنده می باشم برای مسئولیتی که درد ما را دوا کند. انتخاب اشخاص و سمت آنها در مرحله اول با بنده، دوم با خود آقا و بعد طبیعی است با دوستان آنجا مشورت کنم و در مرحله نهایی بیاید شورا.

بهشتی: پیش بینی ما برای جلوگیری وقت.

مهندس [بازرگان]: جنابعالی، هاشمی، خامنه ای، موسوی، مهدوی، باهنر و مهندس سبحانی همیشه مورد نظر بوده، خود ایشان شخصاً.

مهندس سبحانی: من نباشم.

مهندس بازرگان: آقایان را خودم در حضورشان می‌روم سایرین.

بهشتی: طرح این است، پنج نفر از اعضای شورا حتماً پنج پست وزارت داشته باشند که ده رأی باشد هم در دولت و هم شورا، طبعاً پنج نفر باید پست وزارت [را] قبول کنند. اگر نظرتان عوض شده، اشکال ندارد.

مهندس بازرگان: بسته به واقعیات است که چه پیش بیاید. در عمل ممکن است طور دیگر شود. رأی به صورت رسمی و کاغذ نیست. مثال، هاشمی وزیر نباشد، ولی وضعی داشته باشد که کارها با نظر ایشان باشد. معاون بیاید نظر بدهد با آن ترتیب، منظور اصلی تأمین است.

هاشمی: دیروز در مجلس آقا حمایتی از دولت کردم، خیلی‌ها اغراق تلقی کردند. آقا گفت مرا تحت تأثیر قرار داده. سی قلم فعالیت دولت را شمردم.

بهشتی: مسئله‌ای که همیشه دلم می‌خواست با شما هم گفتم، شما و همکارانتان صمیمانه بپذیرید [که] هیچ کدام از ماها، لااقل آنها که اسم بردید، با شما و دولت مقابله نداریم؛ ولی نقطه نظرها چون یکی نیست دو سوال نقطه نظر خودمان را می‌گوییم. در عین حال برای حفظ مسائل انقلاب، محذورات شما را هم بگوییم. صمیمانه آرزو این بود شما و دولت این مرحله را تا انتخاب رئیس‌جمهور با قدرت طی کنید.

مهندس بازرگان: بودجه تیرماه برابر یک سوم سه ماه اول سال را تصویب کنید.

بهشتی: در رابطه با روزنامه و حزب با صراحت عرض می‌کنم واحدهای مستقل هستند. [این که] آمدن همه ما در سیستم سبب شود که آنجا موضعش موضع ما باشد، نیست. حزب شورا دارد سی نفره، ممکن است ما در اقلیت باشیم. [به] روزنامه مقداری اختیارات داده شده که متحرک باشد. اگر همه ما در دولت بیاییم، روزنامه و حزب موضع انتقادی خود را دنبال می‌کند.

شیبانی: هر دو هم متهم به دولتی بودن هستند.

بهشتی: انتقاد می‌شود که روزنامه و حزب موضع مقابله با مسائل مملکتی را ندارد. روزنامه انقلاب اسلامی مستقل است و بعید است فعالیت کند.

بنی صدر: شرط کمک به دولت، انتقاد است.

بهشتی: آنچه داخل این مطلب می‌شود، کمیته هاست. ارگان رسمی سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب، ارگان رسمی و رادیو تلویزیون خیلی مفید است و خیلی مؤثر است.

مهندس بازرگان: مقابل نه، بلکه مجری باشد.

بهشتی: کمیته‌ها نه درست مجری شده، نه درست جذب شده. بی‌شک اگر همگامی باشد، بهتر این مشکلات حل می‌شود. دایره کمیته‌ها، دادگاه، رادیو تلویزیون، افرادی که اسم بردید، جلوتر از نظر امکان پذیرش سمت دو ترکیب ناچار وظایف کلی که در انقلاب داریم بررسی شود. سرکار پیشنهاد می‌کنید، خدمتتان هرکس جواب می‌دهد.

خامنه‌ای: دعوت از تک‌تک افراد چه اشکال دارد؟

مهندس بازرگان: بگذارید تک‌تک صحبت کنم.

خامنه‌ای: [در] ترکیب کابینه چند معمم و غیر معمم باشد، به این نتیجه رسیدیم که مصلحت نیست. ایشان می‌فرمایند سمت معاون. بنده اگر رفتم و آن انعکاس که وزارت معمم داشته باشد، معاون هم دارد، مسئله حکومت آخوندیسم مطرح می‌شود. آنچه صحبت شد یک معمم ناگزیر باشد. یکی هاشمی و باهنر مطرح بود، سرکار قبول نکردید، بنده قبول نکردم، موسوی قبول نکردند، مهدوی قبول نکردند و فکر و شکلی که صحبت شد، من در کنار یک وزیر باشم، شورای وزارتخانه باشد، آن شکل صحبت شود.

بهشتی: موافقت من شخصی بود. آنچه به شیوه جزئی است بعد مطرح می‌شود.

بنی صدر: باریکلا، به من بگوئید شما به تحلیل بنده توجه نکردید. دولت دیدش است که با انقلاب موافقت ندارد. راجع به دیگران اصرار نکنیم. شما قبول نمی‌کنید گردن ما می‌...

شیبانی: راه حلی پیشنهاد کنید، چه کنیم [؟]

بنی صدر: جزوه را خواندم. نکات اساسی دارد. موضع اساسی دولت این است، استقلال را چون جدای از آزادی می‌داند، سلطه خارجی را تسامح می‌کند. بر این اعتقاد است [که اگر] امریکا برود روس می‌آید. قدم به قدم، تصمیم برای حفظ نظام است، ایران در منطقه تنه‌است، در داخله تنه‌است، دسته‌ها هستند، می‌خواهند حاکم شوند [و] خود را تحمیل کنند. باید تکیه به مردم باشد، ولی دولت نمی‌خواهد و امیدش به مجرای اداری است. قدرت‌طلبی روحانیت نیست. نتیجه تحمیل دولت به ملت است که خواسته اسبابی درست کند. رادیو تبلیغات خارج دولت رفته،

چون از دولت چیزی به آن نمی‌رسد، پخش کند در منطقه تنها هستیم، با رژیم‌ها نمی‌توانیم بسازیم، باید مردم را تحرک بدهیم که با سیاست دولت تضاد دارد، در مقیاس جهانی تنها هستید. با روس و آمریکا نمی‌توانیم. آقای دولت می‌گوید با آمریکا کار کنیم. دعوای اصلی اینجاست. بحث‌های روشن‌عیناً همین محور را دارد. دقیق حرف چمران در این خط است. چمران علیه جنبش‌های عرب حرف زده. شاه سابق، آمریکا و رژیم‌های گذشته را داشت. روحانیت چون نیرویش مردم هستند، در موضع مخالف دولت است. اگر بروید شما مخالف مردم می‌شوید. در داخل به مردم، در منطقه به جنبش‌ها و یا سلطه آمریکا.

موسوی: تنها با سلطه آمریکا.

بنی‌صدر: با سلطه هر سلطه‌گر. اگر کابینه با توجه به این مسئله ایجاد شود موفق است.

موسوی: با توجه به بند اول با مردم، چگونه آنها را به بازی بگیریم، ساده‌ترین کارهاست.

بنی‌صدر: [قرار بود] طرح‌هایی اجرا شود در کردستان، ولی زمین ماند. چون دولت از طریق اداری می‌خواست بکند.

موسوی: این شوراها در سطح ایران می‌شود اجرا کند، اختیارات دارد.

جلالی: شوراها را [اجرا] نمی‌کند. نمونه سندج که مفید بوده.

هاشمی: سندج بد شده.

بنی‌صدر: دولت اجرا نمی‌کند.

جلالی: اگر شورا نبود، انفجار بیش‌تر بود.

موسوی: خود شورا کمی مؤثر بوده.

بنی‌صدر: با استاندار است که بر طبق تصمیم شورا عمل کند یا آن را بازیچه قرار داده. اکثریت در شورا مفتی‌زاده است. استاندار قرص طرف اقلیت را گرفته، ولو استاندار خوب.

مهندس سبحانی: حرف مهندس بازرگان درست [است]. تا وحدت اجرایی نباشد، کار درست نمی‌شود. اشکالات دولت، وزارت کشور تصمیم می‌گیرد اجرا کنند، دادگاه، پاسداران، و نهادهای دیگر از جهت دیگر اقدام می‌کنند و

سبب ضعف می‌شوند. مردم وضع مسکن را می‌بینند و مخالفین از بلبشویی استفاده می‌کنند. اختلاف دید از روز اول بود. عدم قبول من هم روی همین است. علی‌رغم اختلاف، آیا بلبشویی به نفع کل انقلاب هست یا نه [؟]

بنی صدر: بیایم روی اجرائیات. چرا به وجود آمد [؟]

مهندس سبحانی: ستاد انقلابی است.

بنی صدر: ملت می‌خواهد به حق یا ناحق ایادی رژیم نابود شود، صد هزار نفر کشته شود.

مهندس سبحانی: اختلاف سر نکشتن نیست. هادوی [برای] مثال در اموری که صریح نوشته شده مربوط به او نیست دخالت می‌کند.

بنی صدر: چرا دخالت می‌کند، چون دولت انجام نمی‌دهد. وقتی متصدی نباشد، کسی آنجا می‌رود و سرخودی می‌شود. اگر دولت از اول می‌گفت مخالفین انقلاب را مجازات می‌کنیم، دادگاه انقلاب کار دیگر می‌کرد. قرآن حرفهایش قابل تجربه است. هر کار صحیحی نشود، بد عملی می‌شود.

خامنه‌ای: این حرف را روز اول به بازرگان گفتم. نمونه کوچک، سر چهارراه و راهنمایی، وقتی نیامده بود افسر جوان می‌آمد. وقتی پاسبان آمد رفت دنبال کارش.

بنی صدر: همافر انقلابی تصفیه می‌شود، [آن وقت] مرتب لایحه عفو می‌آید. مردم می‌بینند.

موسوی: این طور نیست.

لایحه آئین دادرسی مدنی، تقلیل هفت نفر به سه نفر مستشار تصویب شد، 58/4/12، 8490.

لایحه هزینه مجلس مؤسسان، 9040، 58/4/20 تصویب شد.

مهندس بازرگان: خلاصه سه محل است که مهم است و اشکال و احتیاج و ضرورت همکاری وزارت کشور، دفاع، وزارت دادگستری. وزارت کشور انتخابات، وزارت دادگستری دادگاه‌های انقلاب. از باهنر برای وزارت آموزش و پرورش یا وزیر یا معاون [باشد]، وزارت دفاع، وزارت کشاورزی، یا دادگستری اشکالی ندارد وزیر یا معاون باشند. وزارت دفاع روی اصل دوره شاه خیلی بعید است زیر بار وزیر غیرنظامی خصوصاً معمم بروند. کسی که قبول مسئولیت می‌کند، یا معاون یا مشاور سیاسی مسئول در دادگستری، آقای موسوی اردبیلی قبول کنند. جناب دکتر بهشتی فرمودند فرد روحانی مورد اعتماد پیدا کنید، ایشان بیایند. آقای هاشمی به دلایلی که گفتند مصلحت نیست

روحانی در دادگستری باشد، ولی مشکل دادگاه انقلاب را حل می‌کنم. یکی از بین رفتن دادگاه انقلاب است که دادگاه ضدانقلاب ماده‌ای دارد که اگر راه افتاد و صلاحیت نشان داد دادگاه انقلاب رفع می‌شود. حداقل آقای هادوی برداشته شود، فرد دیگری به جای ایشان یا ما معرفی کنیم، یا آقایان بپسندند یا آقایان بدهند. حداقل پنج نفر آقایان به صورت وزیر یا معاون بیایند، یا وزارت مشاور در امور انقلاب سه نفر از آقایان باشند.

خامنه‌ای: ضمن این که این مقدار مطلب همان است که دوستان موافقت داشتند، یک قسمت در جمع ما مطرح شد، با طرح اصلی دولت موافق است، پنج وزیر بود، سه وزارتخانه کشاورزی و اقتصاد و دارایی، ارشاد ملی.

مهندس بازرگان: رادیو تلویزیون جزو وزارت ارشاد است.

خامنه‌ای: چه مانع دارد در مورد سه وزارت دیگر با آن ترتیب ذکر شده پیش برویم [؟ برای] وزارت دفاع از شورا یک وزیر و یک مشاور از ما.

بهشتی: با جو فعلی این پیشنهاد آقای مهندس عملی تر است.

بنی صدر: این طرح بهتر است. تبلیغات وقتی وارد شویم، معلوم می‌شود.

بهشتی: برای تبلیغات باید فکری کرد.

مهندس سبحانی: نظر این است [که] قطب‌زاده عوض شود، ولی از پایین باید درست شود.

مهندس بازرگان: آقایان که آمدند با فکرشان و به‌خواست خدا حل می‌شود.

بهشتی: پاسداران [را] شما (موسوی) حل می‌کنید.

هاشمی: قرار شد با حال که گفته شد، یکی از ما چهار نفر را بپذیرند.

مهندس بازرگان: سه بزرگوار هم اسماً و هم عملاً در دستگاه باشند.

بهشتی: آقای خامنه‌ای در وزارت دفاع، وزارت کشور آقای هاشمی، آقای مهدوی هستند، آقای موسوی در سپاه پاسداران.

مهندس بازرگان: سمت چیست [؟]

بهشتی: [وزارت] کشور به صورت وزیر، [وزارت] دفاع مشاور.

هاشمی: من به علت کسالت نمی توانم هشت ساعت بمانم.

بنی صدر: [به] شیوه مصدق یک تخت بگذار.

موسوی: خدانکرده اگر چیزی شد.

مهندس بازرگان: چه کسانی بیایند در شورا [؟]

بهشتی: به تعدادی که وزیر از شورا در کابینه هست و رأی دارد، وزیر از دولت بیاید رابطه سازنده تر است.

مهندس بازرگان: اگر مطلبی در هیأت دولت مطرح شد، حرفها را آقایان که هستند بزنند و پس از تصویب از شورا می گذرد.

بهشتی: آن وقت شورا به اسمیست.

مهندس بازرگان: عکس آن هم درست است.

بهشتی: به هر مقدار صاحب رأی در کابینه آمد.

مهندس بازرگان: ما که پنج نفر می خواهیم. آقای مهدوی وزیر بشود.

بهشتی: این تعداد حل می کند. به نظر من جوّ فعلی شورا جوّی است بهتر می تواند هماهنگ باشد، با طرح فعلی آقایان بعضی اصطکاک ایجاد می کنند، کاربرد شورا کم می شود. آقای یزدی با دو سه نفر از اعضای شورا برخورد فکری دیرینه دارند. نبود ایشان کمک می کند. صدر خوب [است]، کتیرائی خوب [است]، خود مهندس [خوب است]، جوّ هماهنگ [ایجاد می شود].

مهندس بازرگان: به صباغیان خیلی احتیاج دارم.

هاشمی: از وزارت کشور نرود.

مهندس بازرگان: طباطبائی و هنوز جا نیفتاده.

بهشتی: صدر، کتیرائی و جنابعالی بیایید.

مهندس بازرگان: آقایان به عنوان وزیر مشاور در هیئت وزرا شرکت کنند (موسوی و بهشتی). علاوه بر آن حضور جنابعالی (بهشتی) و موسوی به عنوان وزیر مشاور مفید است، دو روز در هفته، سه ساعت.

خامنه‌ای: [در مورد] آقایان مطرح شده بهتر است رأی گرفته شود.

مهندس بازرگان: رأی نهایی که با شورا هست.

بهشتی: به صورت رأی تمایل.

خامنه‌ای: نسبت به افراد آن نظری که داده شده.

بهشتی: سنت ما با آقا این بوده، نظرات جدید بعد از پنج نفر اول پیشنهاد ما بوده، آقا تصویب می‌کرد. آقای دکتر سبحانی و دکتر یزدی به راحتی در جلسه به توافق نمی‌رسند.

بنی صدر: شورا حق دارد اعضای خودش را انتخاب کند.

بهشتی: ما جلوتر گفتیم این مسئله طرح می‌شود [که] چه کسانی از هیئت دولت می‌توانند در شورا بیایند. مشاوره آن روز برای سریع‌تر به راه‌حلی رسیدن بود. پیشنهاد من [این است که] از آنها کسی بیاید.

هاشمی: آقای بازرگان می‌نشانند ما را.

جلالی: مشکلات [را] چطوری در نظر گرفته‌اید [؟] کشاورزی، اقتصاد و دارایی، و رادیو و تلویزیون.

خامنه‌ای: طرح که گفته شد، گفتید خوب است.

بنی صدر: گفتم باید نظر دولت تأیید شود.

هاشمی: پریروز تصویب شد، گفتند به مهندس می‌گوییم.

بنی صدر: ما مجسمه نیستیم.

موسوی: ایشان می‌گویند فلان می‌کند در تصمیم ما.

جلالی: سه جلسه بحث شد، وزیر کشاورزی را چه کنیم، اگر اشکالات اصولی در کار است.

بنی صدر: ایشان می گوید ائتلاف کنیم دسته راست نهضت آزادی با حزب جمهوری. آنچه شد از نظر من خوب است، ولی ما تصویب نکردیم.

هاشمی: ما چیزی را تصویب کردیم، گفتیم به دولت بدهیم، او هم می گوید به من بگو چه کسانی؟ ایشان می گوید من با زید و عمرو و بکر نمی توانم کار کنم. ما همه حرف های او را قبول نکردیم. یک نصفه وزارت کشور قبول شد، یکی برای وزیر دفاع می پذیریم، نه مجرد شورا چه تصویب کند می توانید بگویید همان پنج نفر.

بهشتی: توضیح برای جلالی و بنی صدر. آقای بنی صدر، ما به مسئله همان طور برخورد کردیم. کار بنیادی که حلال مشکلات فعلی باشد نمی توانیم بکنیم. بهانه دولت را بگیریم. همه پرهیز داشتیم، یک نوع قبول اضطراری است، برخلاف میل، حتی از نظر حزب. دولت می گوید نمی توانم کار کنم، خواستم این بهانه با حداقل بها تمام شود. اگر می شد بدون رفتن هیچ یک از ما حل شود، می کردیم. روی شرکت یک معمم در کابینه توافق شد. (2) در وزارت دفاع خامنه ای به صورت وزیر مشاور باشد. (3) پنج نفر از دوستان ما باشند در پنج جای معین. معلوم بود سه را قبول نمی کند، ولی یک و دو در مجموعه بحث های ما وجود داشت. زود تفسیر به خلاف واقع نشود که ائتلاف بوده.

بنی صدر: قبل از تصویب، اعلام نظر می کنید.

بهشتی: من گفتم نظر خود من.

بنی صدر: درست است این نظر، من خودم را می خواستم آزاد کنم، جمع آن پنج نفر را پذیرفت. آقای مهندس آمد و گفت پنج تای من آن افراد هستند، ولی تقریباً نزدیک شد به نظر من و شما. ولی درست نیست تصمیم شورا.

شیبانی: عدول از نظر را قبلاً مطرح کردیم و بعد به مهندس گفتیم بیاید.

بنی صدر: مصلحت مملکت در ادامه حکومت مهندس بازرگان نیست.

بهشتی: علی البدل چه کسی [است؟]

بنی صدر: علی البدل هست. شورا قادر به تصمیم گیری نیست. سه نفر مثل ایشان می آید در شورا و مثل دولت می شود. شورا با دولت هماهنگی کند و هم دولت. با هیچ کدام از سه نفر موافق نیستم عضو شورا بشوند، نه با مهندس کتیرائی. اینجا یک شورا [ی] مستقل باید باشد.

مهندس سبحابی: در مجموع شرایط فعلی آیا مصلحت است کابینه عوض شود [؟] کابینه تازه یک ماه وقت می خواهد [تا] وارد امور اجرایی شود.

بنی صدر: این چه خطی دارد، آیا صحیح است [؟]

مهندس سبحابی: اگر عملی می دانی و مضر نیست، من موافقم کابینه عوض شود.

خامنه‌ای: در آن شکل پیشنهادی ما خوب بود وزرا می ماندند.

موسوی: ایشان با مهندس کتیرائی هم موافق نیستند.

خامنه‌ای: آب از آب تکان نمی خورد و آن خوب بود.

بهشتی: [به] چیزی که [از آن] عبور شده، برنگردیم.

خامنه‌ای: گفتید مهندس بازرگان بیاید اینجا درست نیست.

موسوی: کردستان از بین می رود، الان این صحبت ها می شود عزالدین و مفتی زاده ساخته اند.

بنی صدر: مفتی زاده را چه کسی انداخت به دامن عزالدین [؟]

خامنه‌ای: چگونه؟

بنی صدر: تحویل نگرفت و استاندار را به زور نگه داشت. آنها بیایند شورا بی استقلال می شود.

بهشتی: یکی یکی تصویب کنیم. شرکت بعضی دوستان به عنوان وزیر مشاور یا معاون. با اصل طرح موافقید؟ (2) به

دولت بگویند از هیئت دولت کسی می تواند بیاید، ولو یک نفر نه، اگر افرادی با جو شورا موافق هستند بیایند.

خامنه‌ای: ما قصد نداشتیم.

بنی صدر: ایشان می گوید شورا تسلیم دولت شود. صریح می گویم اگر این ترتیب بشود من از عضویت شورا استعفا

می دهم.

خامنه‌ای: افراد مخالف از شورا بروند درست نیست. خودم بارها و بارها با مهندس عصبانی شدم که دوستان مرا

ملامت کردند. ایشان خوب فهمیده [که] افراد شورا با ایشان موافقت ندارند.

بنی صدر: ائتلاف با شورا خنثی می شود.

مهندس سبحانی: این پنج نفر بروند، شخصیت خود را از دست نمی دهند.

بهشتی: با این تصریحات که ما همه چیز در ذهن ما هست که ائتلاف نهضت و حزب جمهوری نیست باز تکرار می کنم.

بنی صدر: من تجربه کرده ام تاریخ را از عصر بوق. تمایل گروهی شکل می گیرد. دو شورا، پنج معمم حزب جمهوری دارد ظاهر می شود حزب و دولت پنج نفر که دولت نیست، از خاصان خودمان وارد آنجا می شود. این ترفیعاً بحث نشده باشد.

بهشتی: از طرف ما حرف زدی.

بنی صدر: شما در یک شورا دو نفر رفتند، آمدند طرح.

هاشمی: تصمیم را عوض نکردیم.

بنی صدر: من غلط کردم. شما توافق نکردید. این ترفیعاً کردن شورا است در یک دولت.

بهشتی: ما در زندگی به داشتن رابطه صادقانه با دوستان اهمیت می دهیم. شما فکر می کنید خودآگاه یا ناخودآگاه به صورت ائتلاف رفتیم.

بنی صدر: بله. تا چیزی در ایشان زمینه نداشته باشد، نمی شود. اگر به این با من صحبت می کرد نمی شد.

بهشتی: زمینه ناخودآگاه ما این نیست.

مهندس سبحانی: دیدیم آن راهها عملی نیست. [این که] اختیارات بدهیم به دولت مطرح نبود. دیدیم فرصت نیست. شخصیت افراد عوض نمی شود.

خامنه ای: دو مطلب است. چرا این ترکیب، پنج نفر پنج نفر نشد [؟]

بنی صدر: من با این طرح بیش تر موافق هستم.

خامنه ای: [با ترکیب] پنج نفر پنج نفر من موافقم. شما موافق نیستید، اینجا با این طرح موافق ترید. حرف دیگر [که ائتلاف] نهضت آزادی [با حزب] جمهوری اسلامی خیلی لایتچسبک است.

بنی صدر: باشد، عیب ندارد.

خامنه‌ای: من الان آقای مهندس سحابی را عضو شورا می‌شناسم و در سطح بالا با ایشان هم‌فکر و هم‌عقیده می‌شناسم و اختلاف در حزب بودن در نظر من نیست.

بنی صدر: موافقم این سه نفر بروند، یک نفر از دولت بیاید. نه مغز تئورسین دارند. من فوراً می‌روم، چون واقعاً خطرناک می‌دانم برای ایران.

خامنه‌ای: به پست کلید.

بنی صدر: ایشان مگر پافشاری کرد [؟] به بن بست کشید، راه حل است. شورا استقلال خود را حفظ کند. [به] آن پنج تا پنج تا من رأی ندادم، ولی شورا رأی داد.

خامنه‌ای: اشکال ایشان (مهندس بازرگان).

بنی صدر: اصل این نبود، نفرات شورا را خودش معین کند.

مهندس سحابی: اصل بر این بود [که] نفرات شورای قبلی برگردند.

خامنه‌ای: در ذهن من این حرف‌ها نبود.

بهشتی: وقتی بنای پنج بر پنج قبول شود، چهار تا چهار، یا سه تا سه، یا یکی یکی همان است.

بنی صدر: اگر پنج تا بروند، ترکیب دولت عوض می‌شود. [دولت و مهندس بازرگان] می‌گوید کسانی از شورا [در کابینه] باشند [و آنها را] من معین کنم و کسانی که [از کابینه] به شورا بیایند من معین کنم.

بهشتی: از دولت چه کسانی بیایند [؟]

بنی صدر: دکتر سحابی، دکتر سامی، صادق طباطبایی، احمدزاده. مجبور باشیم صباغیان.

بهشتی: کتیرائی، صدر حاج سیدجوادی را هم اضافه می‌کنم.

موسوی: مگر قرار نبود پنج تا پنج تا [؟]

جلالی: حرف آقا این بود [که] یک کاسه شود.

بهشتی: قبول طرف شرط است یا نه [؟] از اول حدس زده می‌شد. هر دو آقایان گفته بودند با مهندس نمی‌توانیم کار کنیم. او هم گفته بود. مهندس پیشنهاد متقابل کرد. من به‌عنوان یک رأی با پیشنهاد او موافق بودم، ولو با نرفتن هیچ‌کدام از ما. مشکل اصلی ما این است. دولت فعلی اگر می‌شد عوض شود [با] دولت فعال هماهنگ با خط انقلاب و مردم، درست است. رسیدیم که [این امر] عملی نیست. باشد برای بعد. مرحله دوم آقایان پنج تا پنج تا گفتند، من معتقد نبودم. کم‌تر آلوده شویم.

بنی‌صدر: اگر به این حداقل رسیدیم، استقلال شورا را از دست ندهیم، کسی را که پیشنهاد کردیم برای حفظ استقلال شورا.

بهشتی: مهندس کتیرائی عضو نهضت آزادی نیست. استقلال کتیرائی کم‌تر از مهندس سحابی نیست. قدرت تفاهم بیش‌تر است. مهندس صباغیان بیش‌تر تسلیم رأی مهندس بازرگان است.

خامنه‌ای: در مدت کوتاهی که با کتیرائی بودم، رأی مستقل داشت.

بهشتی: مهندس کتیرائی تصویب شد. نظر من به دکتر سحابی است.

بنی‌صدر: دکتر سامی بهتر است.

هاشمی: سامی جوان‌تر است، ولی تبلیغات گروهی او بیش‌تر است. او جاما است [و] با مجاهدین ائتلاف کرده.

خامنه‌ای: آقای سامی از مواضع تسلیم در مقابل مهندس مستقل است، ولی آدم خروس‌جنگی است، اهل تفاهم نیست و حاضر به عدول نیست.

بنی‌صدر: شما شورای مستقل می‌خواهید.

موسوی: سامی مقاله‌ای نوشته که [مجلس] مؤسسان از شورای روستاها در این حال شروع شود.

خامنه‌ای: شما (بنی‌صدر) در جلسات مخالف‌خوانی می‌کنی، ولی در موارد منطقی به توافق می‌رسی. مخالف‌خوانی خوب است. سامی به تفاهم نمی‌رسد. پیمان این‌طور نیست. به سامی رأی نمی‌دهم. به دکتر سحابی رأی نمی‌دهم، ایشان زودرنج است.

بهشتی: من هم این‌طور. سیمای ایشان نورانی است. طباطبایی مطرح است.

بنی صدر: روحیه التقاطی دارد. حساب برایش روشن باشد، نیست.

خامنه‌ای: صادق [طباطبایی] را سال‌ها می‌شناسم. رضانت عقل و روح است. از بچگی محصل پرمغز و متین [بود].
اگر سیاسی برخورد می‌کند، نمی‌دانم.

لایحه اصلاح تبصره ماده 6 و 7 قانون تقسیمات کشوری 8790، 58/4/20 تصویب شد.

تعیین استاندار و بخشدار و ...

لایحه یک سوم بودجه سه ماه 8784، 58/4/20 تصویب شد.



جلسه پنجشنبه 58/4/21

[حاضران: شیبانی، مسعودی، اردلان، طاهری، مهندس سحابی، قطب‌زاده، بهشتی، تیمسار ریاحی. (موسوی اردبیلی 8/5، بنی‌صدر، خامنه‌ای آمدند).

[موضوع: عفو نمایندگان مجلسین:]

هاشمی: در رابطه با [گروه] فرقان چیزی کشف شده که مهر بادرمانیهوف الفرقان کشف شده (مهدوی آمد 8/5 دقیقه) (بهشتی به اتاق دیگر رفتند).

شیبانی: نامه غلامرضا مبین^۱ در مورد مخالفت زمان نمایندگی اش مطرح شد. قرار شد اگر پول نداشته باشد، ندهد، اگر امکان داشته باشد.

خامنه‌ای: ایشان با کاپیتولاسیون مخالفت کرده. وکیل دادگستری بوده. آیا روی این گونه افراد مطالعه بشود یا نه؟ مهدوی: عده‌ای مدعی هستند که صورت جلسه نشان می‌دهد مخالفت ما را.

موسوی: در جواب این نامه شورا چیزی بنویسد، برای بررسی نامه شما مدارک را از مجلس بفرستید.

مهدوی: سجادی^۲ و ... نامه نوشتند، در دوره آخر را پرداختیم، ولی وزیر و غیره بودیم، اگر محاسبه است مال ما را آنچه گرفته‌ایم با آنچه طلب داریم حساب کنند.

خامنه‌ای: وکلای بلوچستان مدعی هستند وکیل منتخب هستیم، ولی زندگی همه ما بد است و پولی نداریم، مورد عفو واقع شویم.

موسوی: افراد زیادی هستند، یکی کی بررسی کنیم. [این که] به اتکای اطلاع یک نفر تصمیم بگیریم درست نیست. اگر صلاح است خارج از خودمان [رسیدگی شود]. فقط برای رسیدگی این کار، دفتر و دستک باشد، مراجعات باشد.

1. غلامرضا مبین، نماینده مجلس شورای ملی.

2. سید محمد سجادی (1278-1366) وزیر دارایی، دادگستری، راه، فرهنگ و بازرگانی دوره پهلوی، آخرین رئیس مجلس سنا.

مهدوی: چند نفر در مجلس بروند با محبوب همکاری [کنند].

شیبانی: دیوان کشور رسیدگی کند.

خامنه‌ای: اگر به آنجا مراجعه شود، درست نیست.

موسوی: دیوان کشور معیارهای ما را نمی‌داند. دو سه نفر، افرادی که معیارهای ما را می‌دانند [نیاز است].

هاشمی: این قضیه آن روزی که واقع شد، وکلا را پشت هم می‌گرفتند، آن روز ارفاق بود، بازداشت تبدیل به پول شد. الان که مسئله عفو مطرح است توضیح بدهید.

تصویب شد منوچهر مسعودی اطلاعات را جمع آوری و مدارک را تهیه کند و خلاصه‌نویسی و رد کند به شورا، به اتفاق آقای محبوب.

شیبانی: خانواده محکومین مراجعه کرده‌اند برای تأمین زندگی.

موسوی: آقای خمینی گفته‌اند محکومین خانواده‌شان به مقدار تأمین زندگی تأمین شوند. اگر عضو اداره بوده، از حقوق مربوطه برای غیرکارمند از بنیاد مستضعفین تأمین شود.

مهندس سبحانی: دولتی‌ها را حقوقشان را دولت بدهد. بقیه را دولت لایحه‌ای بیاورد و از محل بنیاد بدهد.

هاشمی: دادگاه‌های شهرستان‌ها که منظم تر است، تأمین مخارج را از محل مربوطه تعیین می‌کند.

مهدوی: بعضی پولدار هستند و احتیاج به تأمین ندارند.

موسوی: دادگاه‌ها با سلیقه شخصی است. در آنجا متفاوت قضاوت می‌شود. دادگاه کل انقلاب ضوابطی تعیین کند و به دادگاه‌ها ابلاغ کند.

سحابی: دولت معین کند، پس از تصویب شورا به دادگاه‌ها ابلاغ شود.

[موضوع: معترضان به قانون ملی کردن صنایع:]

مهدوی: آقای برخوردار نامه‌ای نوشته به شورا [که] چه کردید.

مهندس سحابی: عملاً صنعت تلویزیون را صنعت مونتاژ کرده، چون سرمایه زیاد دارد، مانع رشد سرمایه سازندگی شد. در مدت ده یا پانزده سال این صنعت رشد نکرد. بازار انحصاری داشت. از دولت استفاده زیاد کرد.

مهدوی: هشتاد درصد اجرا را (آقای بهشتی برگشتند).

مهندس سحابی: این قانون [را] اگر استثناء کنیم لق می شود.

مهدوی: سلب حیثیت از آنها شد.

مهندس سحابی: در مورد سلب حیثیت، خود آنها اموال خود را به دولت بدهند. بگویند چون خودشان داده اند و سوابق آنها مثل دیگران نیستند.

موسوی: این ایجاد.

هاشمی: اگر حرفهایش صحیح باشد با معیارهای موجود به او ظلم شده. [گفته] معافیت کلی بوده، من استفاده کردم، 9 ماه مواد خام را تأمین کردم، در کارخانه من بلبشو نشده، با من مخالفت نکردند، پنجاه ماشین رفته اند قم و به نفع من هم شعار داده اند. تکیه بعدی شریک بودن با شاهپور، قبلاً دیگران شریک بوده اند، بعداً سهام شاهپور را تحویل بنیاد دادم. گفتم به او کاری برای تو نمی شود کرد، ولی کمیسیون تشکیل شود افرادی اگر [...]

شیانی: ماده اولیه ندارد. با شاهپور شریک بوده، در جیرفت با برادرش.

مهندس سحابی: [در] ایران ناسیونال وضع کارگران خوب است، پول سرشار می دادند. این هم خوب است. سود زیاد بوده، کارگران را راضی می کرد. بعد از انقلاب حقوق کارگران را بی تناسب بالا برده.

موسوی: ابتدایی ترین حق درباره هر کس، حق اعتراض داده. بنابراین اگر کمیسینی تشکیل شود و رسیدگی کند، کسانی که می خواهند دفاع کنند [شیوه درست است]. بدون این که مأخذ درست باشد، قضاوت درست نیست. دولت کمیسینی تشکیل دهد، اشکال ایجاد نمی کند.

هاشمی: 44 نفر فراری هستند.

موسوی: [به عهده] دولت باشد [تا] شورا آلوده نشود.

قطب زاده: مشترک باشد، دولت تنها نبود.

مهندس سحابی: اگر یک نقطه مثبت در کار آنها بود، جلوگیری کردیم. ارج، خانوادگی صنعتگر هستند. حاج برخوردار و ایروانی صنعت را رشد ندادند. ارج از زمان رضاشاه کمک به صنعت کرده‌اند، لاستیک ساختند، الکتروموتور و سیم ساختند.

بهشتی: مدعی مراجعه به کمیسیون کند.

سحابی: اگر راه آن باز شود، مراجعه می‌کنند. بیش‌تر از همه حاج‌طرخانی مطرح است.

بهشتی: از اول حاج تقی در لیست بوده.

سحابی: دو نفر از لیست افتاده، سادات تهرانی و برادران، دلال شاه در امریکا و ضمناً در مورد علی حاج‌طرخانی، چون این فرد سرپرست اموال هژبر بوده اسمش در لیست آمده.

موسوی: پنجاه نفر، پنجاه وکیل می‌فرستند. کار اساسی مطابق موازین بشود.

بهشتی: اشاره کنم به جو داخلی شورا. اگر به تذکرات دوستان توجه می‌شد، این اقدام روی دو نفر که بعد وقت هست. حاج علی مشمول بند ج است، می‌شود در مراحل بعدی روی آن کار کنند. تاکتیک این است. مسلّم‌ها را فدای آنها نکنید. جو سالم باشد. عصبانیت، پرخاش، برداشت غیرواقع نباشد. سانسور در اینجا حاکم نباشد. خودبه‌خود در رأی‌گیری امکان تذکر بود. بررسی شد، اکثریت رأی داده بودند پنجشنبه.

بنی‌صدر: بهترین تاکتیک، عدم تبعیض است.

بهشتی: پانزده نفر دیگر هستند [که باید] رسیدگی شود. حق دفاع بدهیم.

بنی‌صدر: به محکومین دادگاه‌ها چرا نمی‌دهید [؟]

موسوی: یکشنبه سعادت را محاکمه می‌کنند.

مهندس سحابی: کسی که چهل روز [در] اعتصاب غذاست.

موسوی: یکشنبه محاکمه می‌شود.

بنی‌صدر: ضعف‌هایی است که مملکت را قربانی روابط کردید. حالا ایشان شده قمر بنی‌هاشم.

موسوی: کمیسیون را قبول دارید. در کمیسیون بنی صدر، احمدزاده، خامنه‌ای برای رسیدگی به وضع معترضین به اسامی تجار رسیدگی شود.

[موضوع: مدیریت بنیاد مستضعفان:]

بهشتی: مهندس ملک‌زاده به عنوان [رئیس] بنیاد مستضعفان.

مهدوی: مدیریت او بیش از هویداست.

موسوی: این کارخانه که راه انداخت، گفت یک میلیون تومان بدهید، یک ماهه راه می‌اندازم.

بهشتی: تصویب می‌کنید به اتکای موسوی و خامنه‌ای.

تصویب شد [ملک‌زاده به عنوان] رئیس بنیاد [مستضعفان].

بهشتی: هویدا به عنوان عضو شورا بماند تا از اطلاعات او استفاده شود.

تصویب شد.

مهدوی: گروه امداد در مبارزه بارها مردم را می‌آورند و ضوابطی ندارند. چه چیز ریاست، یک فرد یک ماه است در بازداشتگاه است، نه حمام، نه ملاقات. آقا گفته‌اند شورا ضوابطی برای آنها معین کند. یک نفر به عنوان نماینده.

[موضوع: ترمیم دولت:]

بهشتی: دیروز بحث‌هایی مطرح شد. پس از قبول طرح پیشنهادی دولت برای حل مشکل، قرار شد بنی صدر، قطب‌زاده، باهنر، جلالی، سحابی که برای وزارتخانه خاص در نظر گرفته شده، معرفی شوند، بدون ذکر وزارتخانه. ایشان (مهندس بازرگان) آمدند، گفتند پنج نفر از معممین شورا باشند. از نظر 9 وزارتخانه خود ایشان معین کنند. ایشان قرار شد با تک‌تک دوستان صحبت کنند. از یک نظر نامطلوب بود، چه ما کار پنهان نداریم. ولی به هر حال صحبت کردیم. پیشنهاد می‌کردند به من [که وزارت] آموزش عالی و فرهنگ اسلامی را قبول کنم. بالاخره آقای هاشمی به عنوان وزیر کشور، آقای مهدوی معاون وزیر کشور [و] رئیس کمیته.

هاشمی: من آن معاون را نمی‌خواهم.

مهدوی: من آن وزیر را نمی‌خواهم.

بهشتی: خامنه‌ای معاون یا مشاور وزیر دفاع، تخلفات وزارت اقتصاد و دارایی، ارشاد ملی. این طرح پنجاه درصد طرح مورد قبول شورا بود. یک یا دو تا اگر باهنر بپذیرد، متقابل گفتم دو یا حداکثر سه نفر از وزرا بیایند. ایشان گفتند پنج نفر قبلی، بازرگان، دکتر سبحانی، کتیرائی، صدر و یزدی. طرح سوم آقای بازرگان داشتند [که] اصلاً وزارت جدید در هیئت دولت باشد، یکی به‌عنوان وزیر، دو تا معاون و آن وزارت مشاور در نهادهای انقلابی. چون شورا باید آمادگی داشته باشد پنج نفر را معین کند، انتخاب آنها که به شورا بیایند با پیشنهاد شورا است. روی افراد مختلف صحبت شد. کتیرائی با هشت رأی تصویب شد. روی چهار نفر دیگر نظر بدهیم. نظر نهایی شورا درباره دو طرح علی‌البدل دولت.

هاشمی: آنچه احساس کردم، نگرانی [دولت در مورد] دو سه موضوع پاسداران و کمیته‌ها و دادگاه است و ... ایشان [مهندس بازرگان] فکر کرده با پنج نفر ممکن است اگر مشکلات دولت را درک کنیم، در مرکز و شورا رافع آن باشیم.

بنی‌صدر: ده رأی ثابت.

هاشمی: ممکن است من عضو دولت شوم، پاسدار حرف مرا نخواند. بطور اصولی پذیرفتم، اگر از طریق وزارت کشور حل شود، این کار را بکنم.

قطب‌زاده: مسئله برگشت روی اصلی که ما طرح ادغام شورا و دولت را به کلی متفی [کردیم]. طرح آن بود که دولت قوی شود که قدم به جلو بگذارد. مثل همیشه دولت می‌خواهد اینها در اختیارش باشد. چون رأساً نمی‌تواند، از ما می‌خواهد. نه قاطعیت است و نه [...] اگر کسی برود، شورا را از بین نبرد. خود این پنج نفر که تافته جدا بافته است، نماینده نظر ایشان است و اینها را به ضرورت قبول کرده. تسلیم تمام نظرات ایشان شدن، از بین بردن شورا است. یک قدم به سقوط نزدیک می‌شویم. این سنگر هم از بین می‌رود. در [بین] جوانان، آبروی ما می‌رود. من مخالفم یک نفر از دولت وارد شورا شود.

بنی‌صدر: نظرم این است [که] یک هوش است در آدمی، هوش قبل از وقوع است. مشکلات را می‌خواهد از طریق شیوه مرسوم زدوبند حل کند، نه با نوع بد آن. کمیته هست، سپاه هست، دادگاه هست، از طریق سران آنها حل شود.

فرض کرده آخوندیسم محل تبلیغات آن نخست‌وزیری است. مستقیم از آنجا به آخوند حمله می‌شود. به گمان من اگر چنین فاجعه [ای] رخ داد، مشکل گسترده‌تر می‌شود. نیرویی که حاضر نبود تحت کنترل دولت درآید با این طریق از کنترل ما هم بیرون می‌رود. مشکلات کم می‌شود [؟] زیادتر می‌شود. بهترین راه این است، همان‌ها که می‌خواهی بگیر و ببز، خودبه‌خود چیز دیگری می‌شود. فی‌الجمله اعتباری برای خود درست می‌کند. حالت ائتلاف هم دولت و هم شورا را خراب می‌کند. اگر همه اینها را بدهید، عجز آن از داخل بیش‌تر می‌شود. این سنت‌های اسلامی را زنده کند. کمیته بر مساجد حاکم است، مساجد زنده شده. کمیته را کنترل کند، دولت نمی‌خواهد اینها عمل کنند.

جلالی: اگر حرف آقا ملاک باشد، قدرت یک‌کاسه شود، این حرف‌ها [را] ندارد. اگر منتفی شده، مهندس تشخیص می‌دهد آقای موسوی در کابینه برود درست می‌شود. ترمیم کابینه است، ربطی به آن طرح ندارد.

بهشتی: یک یا دو نفر از شورا به کابینه رفته‌اند، طبق اساسنامه فعلی [آنها] جزو شورا نیستند، باید تجدیدنظر کنند و متقابلاً از اینجا بروند. به تعداد آنها از دولت به شورا بیایند. هسته مشترک هم فکری ایجاد می‌کند. تصویب نهایی و تصمیم نهایی این بود یا دولت جدید بیاید که عملاً رد شد. اگر دولت تا تصویب قانون اساسی سر کار باشد، کار می‌کنیم، نابسامانی کم شود، مسائل حساس مشکل‌آفرین غیر از اقتصاد که حتماً باید حل شود، مسئله امنیت که با وزارت کشور، دفاع، کمیته‌ها و دادگاه‌ها، این طرح حداقل حل را فراهم می‌کند. چرا چیزی را که نمی‌شود عمل کرد به دولت بدهیم [؟] مسئله رحیمی پیش آمد، آقای خمینی که حاضر نیست رحیمی برود، به‌خاطر این است که فرید سر کار است. موافقت نسبی اگر بشود، بدتر از این نمی‌شود.

هاشمی: طرح وزیر مشاور که ایشان داده.

بهشتی: وزارت کشور حل نمی‌شود. وزارت دفاع هم مطرح است. شهربانی و ژاندارمری حل نمی‌شود.

مهدوی: به این حل نسبی، مخصوصاً کمیته، پاسدار، دادگاه [...] پاسدار، اگر دولت نظرش این است [که] ما تابع آنها باشیم در اقلیت و باید نظر را عملی کنیم، نمی‌شود، نه کمیته‌ها تطبیق می‌کند. دولت باید یک امتیازاتی برای کمیته‌ها قائل شود به‌عنوان نهاد انقلابی. کمیته کفگیرش به ته دیگ خورده، از نظر وسایل و سلاح. روی ده کمیته تقاضاهای مختلف دارد، لباس می‌خواهد، پتو می‌خواهد، سلاح، بیسیم و غیره [می‌خواهد]. دولت باید بپذیرد و نیازها را تأمین کند. اگر مثل حالا باشد [و] به‌تعویق بیافتد، روزبه‌روز ناراحتی کمیته‌ها و جدایی از دولت و جبهه گیری بیش‌تر می‌شود. عالمی 120 کیلو تریاک و هروئین گرفته، چه‌قدر دزد یک خودرو قوی می‌خواهند، تفنگ و

فشنک. پاسدارها گریه می کردند. هر وزیر اختیارات دارد. وزیر کشور کسی باشد [که] با این مسائل تفاهم داشته باشد، مقداری حل می شود. [در مورد] سلاحها [با] وزارت جنگ اگر با این ترتیب برویم، خودش حل می شود. وزیر از خودتان است.

بنی صدر: خیال می کند دولت در اختیار کمیته است، بلکه عکس می شود.

موسوی: مقداری از مشکلات [در] ضعف روابط است. پاسداران رابطه صحیح با دولت ندارند و برعکس. [اگر] هیچ کاری نکنند رفتن ما (گرچه رفتن حداقل باشد)، جز این که روابط را تصحیح کند، خیلی کار می کند. مهندس بازرگان چهار میلیون تومان به گروه تفنگداران رضائیه قول داده که مقابل پاسداران است. دیروز مطلع شدم. همان جا گفتم چون این ماه کار ما تنظیم نشده، اعتراض ندارم، فعلاً از این رقم پولها ندهید تا مستقیم از نخست وزیر پول بگیرند. ما نفوذ نداریم، باید از راه ستاد باشد. همچنین پاسداران می گفتند آماده ایم. پاسداران به من می گویند برو سفارت آمریکا. گفتم به مهندس، شما پاسبان را که نمی توانید به نقده یا پل ذهاب بفرستید. مقداری هم آنها نیرو ندارند. کار مربوط به دولت نیست، مربوط به انقلاب خودمان است. دولت در ذهنش رفته [که ما] کنار گود هستیم [و] احساس مشکلات را نمی کنیم.

بهشتی: بحث کافی شد. اصل طرح سوم، حداقل یک وزیر کشور، پاسدار، کمیته، ژاندارمری، شهربانی، استانداریها. یکی مشاور بودن خامنه ای [در وزارت] دفاع. وزارت آموزش و پرورش با معاونت باهنر.

هاشمی: آن لازم نیست.

بهشتی: [در] وزارت دفاع [به یکی] از افسران مورد اعتماد پستی داده می شود، یکی را ایشان انتخاب می کند، منهای باهنر.

هاشمی: من باید استراحت کنم.

بهشتی: کفیل معین کن.

هاشمی: درست نیست مسئولیت بپذیرم.

بهشتی: بین شما و باهنر.

خامنه‌ای: تقریباً حرفم تکرار است. اگر کمیته وارد وزارت کشور شود، اشکالات باید حل شود، می‌شود. متقابلاً مقداری از خودسری کمیته‌ها برداشته می‌شود. قبل از آن در جلسه دو سه ساعته، وزیر کشور آینده، شما و مهندس بازرگان با هم صحبت کنید [و] کارها بین ضابط‌های دادگستری با دادگاه انقلاب تقسیم شود. سوم، کمیته‌ها در کارهای غیرانتظامی با وزیر مربوطه مشورت کنند.

مهدوی: من حرف خود را تکرار می‌کنم. دولت صریحاً بپذیرد کمیته یک نهاد انقلاب است.

بهشتی: پذیرفته کمیته وجود دارد.

مهدوی: [اینکه] کمیته به صورت یک پاسبان باشد، نمی‌شود. یک موجود خودش نظر دارد.

هاشمی: وقتی مردم ببینند بنی صدر به دولت رفته، ما هم رفته‌ایم، صادق هم رفته، دید مردم بهتر می‌شود.

بهشتی: طرح هاشمی لغو بود. [در خصوص] طرح سوم موضع ما مشخص شود.

مهندس سبحانی: یک وقت مطلق است. این طرح شل است. آن طرح اساسی ما درست بود، ولی نشد. الان وضع مملکت خراب است و ما شریک پول دوم سوله سوم، سه شهر کردستان سقوط کرده.

موسوی: آقای بنی صدر و سبحانی، قسمت‌های اقتصادی ما در شورا [هستند]. صلاح می‌دانم اینها بیایند [تا] اقتصاد مملکت پیش برود. قطب‌زاده در جایی از دولت وارد شود خوب، اگر قبول شد خوب، وگرنه نه.

مهندس سبحانی: من در وزارت صنایع و معادن هستم، همکاری دارم.

بنی صدر: اگر رأی کم آوردم موافقم، ولی رأی من این نیست. بعد می‌آید می‌گویید به موقع به عمق مشکل نرسیدید. بهترین کار [این است که] آقایان بروند کابینه، کسی نباید در شورا.

بهشتی: طرح سوم، باهنر، هاشمی وزیر کشور، خامنه‌ای مشاور. 1) با هشت رأی تصویب شد. یک نفر در کابینه می‌رود با یک رأی. روی مهندس کتیرائی رأی داده شد.

مهدوی: روی صدر بازرگانی. اما وزیری که این قدر کار دارد، عملی است که بیاید؟

قطب‌زاده: سه روز شورا، سه روز وزیران.

بهشتی: 2) نفر دوم دکتر سحابی تصویب شد. دکتر سامی رد شد. دکتر یزدی رد شد به اتفاق آراء. صدر حاج سیدجوادی رد شد. 3) مهندس بازرگان تصویب شد. دکتر صدر رد شد. 4) معین فر

مهندس سحابی: استعفا داده، صدایش در نیاید.

بهشتی: [معین فر] تصویب شد. دکتر احمدزاده رد شد. فروهر رد شد. قرار شد یکی برود، چهار نفر بیاید. دکتر صدر مجدداً تصویب شد.

سربازی یک سال و نیم بشود. تصویب شد.

[موضوع: دادگاه‌ها:]

بهشتی: با خمینی صحبت شد، دادرسی انقلاب موکداً از دولت جدا باشد، ولو قضات نیستند، افراد خارج بیایند. هاشمی: هادوی را بردارید.

قطب‌زاده: سیدمحمد خامنه‌ای برای دادگاه‌های ضدانقلاب [مفید است]، رأس آن آدم قاطع [باید باشد]. در عین حال زمینه حقوقی داشته باشد. باید قدرت و امکان داد.

هاشمی: خامنه‌ای بیاید، زواره‌ای را می‌آورد.

بهشتی: نظر شورا برای دادرسی اعلام شود. قضات تا این هفته نرفته‌اند. دادرسی انقلاب به صورت مستقل وابسته به امام و شورای انقلاب تصویب شده است. شورا تصویب کند، پول به حسابی برود.

مهدوی: به حساب دولت رفته است.

قطب‌زاده: اگر قرار تفاهم با دولت است، دولت نباید بودجه را ندهد.

هاشمی: تأمین هزینه از دولت نشد، از جای دیگر [تأمین شود]. تعیین مستشار دیوان محاسبات با شورا هست (هاشمی رفت، ساعت 12).

شورا معین کند. رد شد.

تصویب شد با پیشنهاد دولت و تصویب شورا.



جلسه یگشنبه 58/4/24

[حاضران: مسعودی، موسوی [اردبیلی]، مهندس سحابی، شیبانی، مهدوی [کنی].

(شاه حسینی^۱ آمد 8. بنی صدر 8/10 دقیقه، جلالی آمد. شاه حسینی رفت 8/25. باهنر آمد 8/30. قطب‌زاده آمد 8/35).

توضیح مهندس [شاه‌حسینی] در مورد تربیت بدنی که ورزش باید عمومی بشود، نه [این که] کارش قهرمان‌پروری [باشد] (خامنه‌ای 9 و 5 دقیقه کم آمد، بهشتی آمد).

[موضوع: ترمیم دولت:]

بهشتی: به دنبال بحث چهارشنبه در تعقیب وضع فعلی، گزارش به آقای خمینی دادم. چهار نفر تصویب شد. بازرگان، سحابی، کتیرائی، دکتر صدر، معین فر.

بنی صدر: نظامی‌ها شش عامل ذکر کرده‌اند که رژیم انقلابی پابرجا نخواهد بود. اریک رولو^۲ از فرانسه آمده و می‌گوید دست اسرائیل و آمریکا در کار است. شش عامل، یکی انحصارطلبی روحانیت متعصب و نارضایتی مردم [در حد] هفتاد درصد شدید [است]، (2) نارضایتی عمومی، (3) نارضایتی اداری، (4) ارتش، (5) اقتصاد، (6) آمریکا و اسرائیل. اسرائیل شش ساعته می‌تواند ایران را کن فیکون کند و وابستگی‌های ایران به آمریکا را نشان داده. مع التأسف نه دولت در این زمینه‌ها اقدام می‌کند، نه روحانیت. خیلی جای تأسف است که آنچه که دشمن می‌سازد، در ما رخنه می‌کند. این علت نیست و معلول است. [مشکلات] با این ترکیب کابینه حل نمی‌شود. قضیه تلویزیون بدتر شد. هرکس گردن دیگری می‌اندازد. امریکایی‌ها چهار روش دارند: (1) ادامه هرج و مرج، هر روز یک جا را شلوغ می‌کنند، (2) کودتای نظامی است [که] لازمه‌اش گسترش نارضایتی [است]، (3) کارامانلیس^۳ یونان که در ایران عملی

1. حسین شاه‌حسینی (196-1306) رئیس سازمان تربیت بدنی و رئیس کمیته ملی المپیک در دوره دولت موقت.

2. اریک رولو (1926-2015) روزنامه‌نگار مشهور فرانسوی و سردبیر لوموند دیپلماتیک

3. کنستانتین کارامانلیس (1907-98) رئیس‌جمهور یونان و نخست‌وزیر این کشور در چند دوره. شهرت وی به‌خاطر موفقیتش در تثبیت دموکراسی یونانی پس از دوران حکومت نظامی بود.

نیست، 4) تعصباتی که مشغول هستند، می‌خواهیم مسئله را از طریق کابینه حل کنیم. رولو می‌گفت قانون اساسی را جدی نمی‌گیرند. رژیم را بعد از انقلاب می‌شود رئیسی عمل کرد. این بدترین کار است.

خامنه‌ای: این حرف را قبلاً گفتم. طرح پیمان [و] مهندس سبحانی برای همین بود. در شرایط کنونی چه می‌توان کرد [؟]

بنی‌صدر: با مهندس صحبت کنیم. یا مقابله با آمریکا یا کنار آمدن با آن.

خامنه‌ای: در شرایط کنونی با برنامه‌هایی که می‌شود در این شرایط ایجاد کرد، پیدا کرد، در هر گوشه مقداری کار انقلابی بشود، ترمیم است.

بهشتی: خود این کارها جلوه‌ای است از ادامه تذبذب‌ها. شکل حادثی است از بی‌تصمیمی‌ها.

بنی‌صدر: بنده را به کابینه می‌فرستید، من از موضع خودم عمل می‌کنم، نه دیگران. خودش برخورد داخلی است.

بهشتی: در حقیقت، طرح اخیر این است. شور مفصل شد، آن طرح غیرعملی است. شاید طرح این مطالب در دولت مقداری از آن اشکالات [را] بکاهد. روح انقلابی را به آنجا بکشانیم، با تفاهم، نه با تحمیل. آقایان بروید با تفکر انقلابی، در داخل وزارتخانه‌ها هم عمل خودتان را بکنید. در دولت هم سیاست مهندس بازرگان نیست، جمع نظر می‌دهد.

مهندس سبحانی: بنی‌صدر برود سازمان برنامه یا [وزارت] اقتصاد و دارایی.

بهشتی: آن مطلب را در دولت آینده می‌کند. این کار در آموزش عالی باشد. بخش جوانی را می‌توان [می‌تواند] تغذیه کند. ایشان در مسائل اقتصادی نیتی دارد که زمینه آن آماده نیست. وزارت آموزش عالی پیشرفت ندارد.

جلالی: آموزش عالی عملاً هیچ کاره است. جو دانشگاه‌هاست که کار می‌کند.

مهندس سبحانی: دکتر شریعتمداری را سازمان دانشگاهیان می‌شورد.

جلالی: دانشگاه، تحولش تابع پتانسیل دولت است. بحث دیگر جمله‌ای که وضع بکشد، تا دو سه ماه دیگر این تصور باطل است. با تصویب مطالبی که روی کاغذ نوشته شده و شور مردم از بین رفته، کاری نمی‌شود کرد.

بهشتی: صحبت در این است [که] آیا آقایان در دایره خود اختیاراتی دارند [؟] ایشان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر بشود، کارهای اداری است، تجربه می‌خواهد. فردا در قبول مسئولیت بعدی اقدام کنید. قبول ندارم که ایشان در سیستمی که موافق آرمان‌هایش نیست، می‌تواند کار کند.

جلالی: با این کار یک فرد تجربه پیدا می‌کند.

بهشتی: ایشان مقداری کار می‌کنند.

جلالی: جریانی که مملکت را اداره می‌کند، حرکت مردم است. شاید صدها هزار نفر آدم داشته باشیم، در حالی که ما از خودمان پنج نفر پیدا نکردیم.

خامنه‌ای: پیشنهاد چیست [؟]

جلالی: تا صحبتی مطرح می‌شود [که] چه کار کنیم، می‌گوییم کار اساسی نمی‌شود کرد. برویم بگوییم ما کار نمی‌توانیم انجام بدهیم، شاید دیگران کاری بکنند.

بنی‌صدر: مطلب این است، پست‌هایی است که نمی‌شود دست دیگران باشد، [مانند] اقتصاد، ارتش، امور اداری. بهشتی: نقطه نظر ما این است، افراد که بروند، همین‌تر را اجرا می‌کنند.

جلالی: اگر ما تصمیم‌گیرنده نیستیم، چرا تصمیم می‌گیریم [؟]

خامنه‌ای: ما نظر متفق علیه خودمان را معین کردیم.

جلالی: مهندس بازرگان در قم می‌آید، می‌گوید هر جا بخواهید کار می‌کنیم.

خامنه‌ای: همه ما عقیده‌مان همان است. راه عملی چیست [؟]

قطب‌زاده: از یک طرف دولت جلوی همه فریاد مظلومیت به پا کرده. هر جا بگوییم حاضریم از طرف دیگر به مخالفت دولت که می‌رسیم کنار نمی‌آییم تا با دولت توافق کنیم. اگر قرار بود گزارش به آقا داده شود، تمام اشکالات باید یک به یک گفته می‌شد. با این طرح به نتیجه نمی‌رسد. با وجود دفاعی که از حضور روحانیت در صحنه کرده‌ایم، روحانیت خوب کار گرفته، بدها آمده‌اند و عملاً عکس‌العمل ایجاد شده. ما دو یا سه وزیر و دو معاون می‌فرستیم، این اکثریت در دولت نیست.

بنی صدر: چوب انحصارطلبی را خورده‌ایم.

قطب‌زاده: بیست درصد هم در ایده‌آل موفق نمی‌شویم. اگر قرار است چوب روحانیت [بر] مصدر کار شدن را بخوریم چرا خامنه‌ای مشاور وزیر دفاع شود [؟] نخست‌وزیر بشود. هرکدام از افراد جلسه می‌توانند مسئولیت به عهده بگیرند. پست نخست‌وزیری، پست نخست‌وزیری مهندس بازرگان نخواهد بود. بنی صدر رئیس جلسه است، با هم انتخاب می‌کنند. ما جا زدیم در مقابل دولت، رسیدیم به این که جز مهندس بازرگان هیچکس نه. با حضور سه وزیر که دو تا روحانی است، همه تالی فاسدها را داریم، بدون قدرت. اگر همه وزرا را ما تصویب کنیم، هرکدام از ما می‌توانیم نخست‌وزیر بشویم.

خامنه‌ای: تعلیق به‌کاری می‌کنید، عملی نیست، شرط دارد که همه جمع مورد نظر شما یک جور بیان‌دیشند. در این جمع به یک بینش عمومی رسیدیم، دولت هم رسیده است به جمعی. اعتقاد من در این است که شما به‌عنوان نخست‌وزیر می‌توانی کابینه را درست کنی. به دلیل این که جمع همگن را پیدا نمی‌کنم.

بهشتی: باید عمل کرد. از بنی صدر سوال کردم، گفت مشغول شناسایی هستم. یک وقت راه‌حل نهایی است. الان باهنر و بنی صدر با هم نزدیکی فکری دارند، ولی چون در میدان عمل واقع نشده‌اند معلوم نیست تا چه اندازه توافق عملی دارند. اولاً وجود آنها مثبت است، ثانیاً در عمل افراد همکار پیدا می‌کنند. من فکر می‌کنم برای این برهه از زمان این کار عملی است. برای ما چیز دیگر عملی نیست.

موسوی: این چهارمین برگشت است به اصل مسئله. حساب کردیم، کسی را برای نخست‌وزیری پیدا نکردیم. تا قیامت که این بحث نشود.

قطب‌زاده: حرف تازه، اگر این فرمول انتخاب می‌شود، آقایان روحانیون وارد کابینه نشوند.

موسوی: قرار شد بشوند.

قطب‌زاده: دریا، دو میلیون رفتند کنار دریا، همه لخت و پتی رفتند کنار دریا.

بهشتی: از اول حضور ایشان در دولت مطرح بود.

موسوی: به این دلیل اگر ایشان باشند، کادر فکری دوستان بیش‌تر است.

بنی صدر: شورا به مطالب توجه نداشته، دولت هم بیش تر. اگر امریکایی خواست رودست بزند [...] آنچه عملاً در زمان شاه سابق راجع به لزوم تبلیغ انحصارطلبی آخوندیسم، یکی سرگرد محبی اگر چنین نقشه‌ای باشد، از روشنفکران مذهبی و علمای مذهبی اگر ناتوان شد عواقب چه فکر [؟]

بهشتی: عواقب بد.

بنی صدر: سوال دوم، رفتم در کابینه مهندس، عمل کردیم، این مسئله حل شود. چون در صدر اسلام جنبه تاکتیک داشت واجب نیست یا زود باشد. روز اول انقلاب، حجاب شعار بود، چه موضع‌گیری ضدحجاب ارزش شد. شاه از یک طریق، شما هم از یک طریق، به زور می‌خواهید عمل کنید با معنویت. اگر زور است، شما زورگوی خوبی نیستید. شب‌ها در باغ ملت دختر و پسر رقص می‌کنند. معنویت محتاج است، مادیت هم صحیح باشد. می‌رسید به تصویب قانون اساسی مرده‌ای - کابینه بی‌آخوند و با‌آخوند را دیده‌اید. کادرهای مملکت یا بی‌مذهب است یا ضد‌مذهب - وزارت علوم که کار ندارد، روز اول محتوا قرار بود عوض شود. ترکیب دولت عوض شود در خط شورا. تمام اقدامات انقلابی دولت در شورا تقویت شده. آخوند ضدرشد نیست. این شورا تندتر از دولت است. دولت می‌خواهد کندی را بیاورد در شورا.

موسوی: چه کنیم [؟]

بنی صدر: دولت را قبول کردید، دیگران را خراب نکنید، هر کار را به او بدهید. جلالی: این ترس را داشته باشید که بعداً کمیته از مهدوی هم پیروی نکند. تمام تیرهای ملی کردن را خالی کردید، ولی اثری از آن بروز نکرده.

موسوی: شما بیست نفر وزیر نشان بدهید.

جلالی: اگر نمی‌شود تغییر داد چرا اعتبار روحانیت را از بین می‌برید [؟]

موسوی: مانده اند، باید تکان داد. وقت را نگذرانیم. بگویید آقا از مهندس بازرگان بهتر و این وزرا. دیشب به ایشان تلفن کردم. با تمام وجود احساس می‌کنم چرخ‌های مملکت خوابیده.

بهشتی: یک از روحانیت را با توضیح و اقناع حاضر کردیم.

قطب‌زاده: شماها که مسئول و متعهد هستید کمیته را تحمیل کردید به مهدوی. پاسداران به هاشمی تحمیل [شده] است. اگر اینها لحظه‌ای احساس کنند [که] کس دیگری جایشان هست، می‌روند. سی نفر دیگر که دنبال قدرت هستند رفتند. رأس کمیته [را] به زور نمی‌شود برداشت. دو سه نفر از شما را در کابینه ببینند، احساس می‌کنند باید رفت، در کابینه آنها می‌آیند، تالی فاسد شدید است.

بهشتی: راه‌حل.

موسوی: راه‌حل.

بنی‌صدر: اختیارات را بدهید به دولت.

قطب‌زاده: دو سه تا بیش‌تر می‌خواهی. شرکت در کابینه، شورا و دولت همیشه یک جلسه مشترک [داشته باشند]، رأی با هم، دولت مأمور اجرا.

موسوی: اشکال [این است که] دولت می‌گوید اگر قطب‌زاده مسائل اجرایی را در نظر بگیرد، می‌گوید امروز افراد خارج شوند. وقتی که رفت، بیرون بریزد هرج و مرج است.

بنی‌صدر: تجربه اداری ما از مهندس بازرگان و تمام وزرای او بیش‌تر است. من مؤسسه تحقیقات و امور اجتماعی را اداره می‌کردم.

موسوی: یک نفر را گرفته بودند [که] چرا عمامه داری، مال امام جماعت است. گفت من به توده‌ای نماز خواندم.

قطب‌زاده: آقای هاشمی و مهدوی که از اداره نقش کمیته عملاً عاجز شدید، چه‌طور در مقام معاونت وزارت کشور هم آنجا را اداره کند هم اینجا را [؟] نتیجه کار از قبل روشن است و می‌گویند دیدید نتوانستید.

خامنه‌ای: بنده تصدیق دارم با این دولت و کابینه و مهندس آنچه می‌خواهیم نمی‌شود. چهار پنج ماه از بهترین ایام ما هدر رفت. جز یک عمل انقلابی، کار دیگر اثری ندارد.

بهشتی: عقیده‌ای اضافه کنید که معتقدیم گناه بازرگان و دولت نیست، گناه ما هم هست.

خامنه‌ای: من این را معتقد نیستم، آنچه انجام شده گناه دولت نیست. مهندس بازرگان را متهم نمی‌کنم، ولی سه ماه قبل این را می‌گفتم اگر امروز یک حرکتی عملی بتواند مقداری شور انقلابی بدهد، ضربه قاطع [لازم است]. این وصله‌پینه کار اساسی نیست. این واقعیت تأسف‌انگیز تبدیل شو به یأس است، الان مجبور به تحمل هستیم. پیشنهاد

سازنده ندارید. حالا که قرار است این وضع تأسف‌انگیز ادامه یابد، چند نقطه اشکال است، شهربانی، ژاندارمری، ارتش که خطر بالقوه است، کشاورزی [در] خطر است و امثال آن. ما هرچه نیرو داریم، سرمایه‌گذاری کنیم، سوراخ‌ها را ببندیم.

مسعودی: سوراخ‌ها گشادتر می‌شوند.

خامنه‌ای: الان دارد سقوط می‌کند آنجاها که گمان خطر است، جلوگیری شود. اگر می‌گویند نمی‌توانیم، پیشنهاد فکر بعدی را بکنید. وزارت کشور، دفاع، کشاورزی، اقتصاد باید احیا شود، رادیو تلویزیون است، وضع آن خیلی خراب است، شماها خیلی حرف دارید، ژاندارمری مهم است. در موارد و افراد [اگر] حرف است، بفرمایید.

بهشتی: گفتم ما هم مسئولیم. باید در برخورد منصف باشیم. وقتی بازرگان یا هرکس به دست شورا قابل تغییر و تبدیل نبود، آنها مقصرند. تا امروز رابطه هم با دولت این نبود که نمی‌شود عوض کرد. یک استیضاح و یک گزارش به خمینی. محذور همان است که بوده.

موسوی: شاید اشتباه کردیم.

بنی‌صدر: کسی نگفت غیر از شما کردید.

بهشتی: ما خودمان را از مسئولیت کنار نکشیم. توضیح دوم، حرف آقای خامنه‌ای تمام عیار است. محور بحث همین اشخاص مطرح نیست. دوستان معمم پرهیز از کار اجرایی دارند به دلایل مختلف. یکی همین است که فکر می‌شود اگر دولت سیویل کار کند و جا بیافتد مطلوب‌تر است. زمینه اول دیکتاتوری آخوندی را مقداری ضعیف می‌کند. چه باشد چه نباشد، دیگران در بلاد کار خود را می‌کنند. بازرگان فکر می‌کند راه‌حلی باشد.

مسعودی: اشتباه است.

خامنه‌ای: بتوانند همکاری کنند، حذف بشوند می‌روند فداکاری کنند.

باهنر: دو نکته شخص خودم برای آخر از سابق گفته شد. در جواب یکی، وزارت کشور که از من ساخته نیست. وزارت آموزش و پرورش اگر مناسب من باشد، خطری نیست الان. اما مسئله [مورد نظر] خامنه‌ای تعقیب شود. راه حل بنیادی ظاهراً یا نرسیده‌ایم یا نیست. دو نقطه خطر جلوگیری شود، وزارت کشور و دفاع که خیلی بحرانی است [و] رادیو تلویزیون.

جلالی: [وزارتخانه‌های] کشاورزی و اقتصاد.

مهندس سحابی: مسئله [را] از آنجایی که طرح شد بگیرد. دولت شکایت داشت.

تصویب شد آقایان به صورت مشاور باشند و وزرای دولت تا زمان وزارت در شورا باشند.

آقایان خامنه‌ای مشاور وزیر دفاع، مهندس سحابی مشاور وزیر صنایع، هاشمی مشاور وزیر کشور، بنی‌صدر مشاور [وزیر] اقتصاد، باهنر [مشاور وزیر] آموزش و پرورش (مسعودی رفت، 11).

[موضوع: رادیو تلویزیون:]

قطب‌زاده: یک ماه و نیم قبل، آقا و دوستان خود ما که نمی‌خواستند حملات به شخص من بشود و پخش شود، آقای موسوی را گفتند بیاید آنجا. مقداری دلایل دیگر داشت. موسیقی در رادیو زیاد است و اعتراض کردند و موجب شد کسی را بفرستند آنجا. آقای معادیخواه به جای شبستری^۱ که به علت وابستگی به جناحی که مورد موافقت جناح موجود در بیت آقا نبود. آمدن آقای موسوی مورد قبول من هم بود. ایشان اول مسئله خبر را بررسی کردند که با معادیخواه برخورد نباشد. ایشان عناصر مسلمان را خبردار کردند و عده‌ای آوردند که عناصر ضدبهایی است. خامنه‌ای: عناصر رد کرده.

قطب‌زاده: تابشیان، نژادحسینی، سمیعی.

خامنه‌ای: مهندس که از آمریکا آمد.

قطب‌زاده: تابشیان رفت پیش مهندس عزیزی. با حسن نیتی که بود، قرار بود سمیعی رد شود.

خامنه‌ای: حسینی که برگشت.

قطب‌زاده: خبرهایی دادیم، پخش نشد. گفتند موسوی گفته قرار شد شورا باشد، تلویزیون پایان و پهلوان در خط اسمی ضدبهایی بودند. اشکال عمده آقای صفا بود و چند مشکل داخلی. در همان جلسه اشکالات را حل کردیم،

1. محمد مجتهد شبستری (متولد 1315) فقیه و فیلسوف، مدیر مرکز اسلامی هامبورگ (از سال 48 تا 57)، همکار قطب‌زاده در رادیو تلویزیون و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی.

قرار شد علی صفا چند برنامه را اجرا بکند، برگردد در شورای سیاسی، قسمت تولید زیر نظر خرازی^۱، مطبوعات زیر نظر شورای خبر باشد. یکی از افراد متخصص خبر زیر نظر شورا عمل می کرد، به بازی نگرفتند. مسئله پخش را آمدند حل کنند، پایا را کنار بگذاریم تا توسط مسلمانان هنرمند جایش گرفته باشد. آقای پایا گفت آقای موسوی گفته اند در خدمت شما باشیم. بالاخره قرار شد اگر بناست بین من و موسوی اختلاف باشد، در دو سه جلسه با آقای موسوی قرار و مداری گذاشتم، ولی اخباری که درآمد طبق قرار نبود. هم احمدآقا هم آقای هاشمی آمدند گفتند آقای موسوی گفته من کار نمی کنم. نکته دیگر، با آقای مهندس بازرگان و دکتر سبحانی صحبت شد، نظرات را گفتند بنویسید عیناً. مرا آقا احضار کرده بودند، توضیح دادم شورا باشد، ولی مدیریت واحد باشد. آقای موسوی گفتند قطب زاده با طرح شورایی موافق نیست، ایشان گفتند من بروم، آقا گفتند نه، باشید. شنبه که رفتم، آقای موسوی با آقای احمدآقا گفته اند عملی نیست. با توجه به این که ایشان شخصاً گفته اند خودت برو پخش خبر را اصلاح کن.

جلالی: در مورد پخش فیلم به آقای محتشم در قم تلفن کرده اند.

قطب زاده: [برنامه] با قرآن در صحنه در سطح جامعه گرفته. آقای طالقانی در رابطه با مردم هست. اصرار کردیم ایشان انجام بدهند. همه گفته اند دو سه بار باشد. دو جمعه شب قبل را گفتند چون پاسداران را دیشب نگذاشتند، امشب باشد. گفتم جای آن را می شود عوض کرد. رفتند به جلالی گفتند مهم نیست نباشد. شنبه قرار شد بگذارم ده دقیقه از تفسیر گذشته بود، تلویزیون قطع شد. دیدم جنجال تازه است، گفتم سه شنبه گذاشته می شود. پیام مهندس بود، پیام مهندس را شنیدم، اگر حیاتی است باشد. گفتم با توجه به جنجالها، مال طالقانی باشد. مهندس فرداشب گفتند خیر، آقای موسوی گفته بودند با قم تماس بگیریم.

جلالی: پهلوان به من گفت با آقای موسوی صحبت کردم، با قم در تماس هستیم.

قطب زاده: صفا قرار بود صحبت نکند، رفت صحبت کرد.

جلالی: خود رادیویی ها می گفتند می خواهیم استعفا بدهیم، چون معلوم نیست از چه کسی [باید] حرف بشنویم.

1. کمال خرازی (متولد 1323) مدیر برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران، معاون سیاسی وزیر خارجه، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی، وزیر امور خارجه.

[موضوع: بررسی لوایح:]

(دکتر احمدزاده رفت، قرار شد برای سه‌شنبه تبصره صنایع را بیاورد، مهندس بازرگان آمد [ساعت] 12)

1) لایحه اجازه هزینه طرح‌های عمرانی 5014. 58/4/24.

2) لایحه قرارداد خدمت دوازده هزار نفر برای ژاندارمری 5018. 58/4/24.

3) لایحه اجازه پرداخت دویست و پنجاه میلیون ریال 50106. 58/4/24.

4) لایحه الغاء قانون انحلال سازمان تربیت بدنی 15218. 58/4/17.

5) لایحه لغو مقررات و تشریفات در ارتباط با برنامه انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی 8818. مورخ 58/4/17.

6) لایحه انتقال کلیه مجتمع‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای 627. 58/4/24.

7) لایحه استخدام چهار هزار نفر برای شهربانی 5156. 58/4/24.

تصویب شد.

[موضوع: ادامه بحث درباره ترمیم دولت:]

بهشتی: طرح نهایی را با مهندس مطرح کردیم. سمت‌ها اسماً معاون سیاسی باشد که مسئولیت خاص مشخص باشد. خامنه‌ای سیاسی دفاع، سحابی صنایع، هاشمی کشور، باهنر آموزش و پرورش، بنی‌صدر مشاور اقتصاد و دارایی.

خامنه‌ای: در ماهیت مسئله فرقی نمی‌کند. مشاور ممکن است نقش معاون [داشته] باشد. معاونت هم همان مشاوره است. مشاورت با وضع معمم متناسب‌تر است. بیش‌تر دولتی کم‌تر دارد برای معممین بهتر است.

مهندس بازرگان: پوست‌کنده، به‌درد نمی‌خورد و درد ما را دوا نمی‌کند. آقایان سمت بخصوص مشخص داشته باشند، مشاور قبلاً بودند، اعم از آن که ما خدمت می‌رسیدیم یا خودشان می‌آمدند و خودش اشکال کار بود و مورد قبول نخواهد بود. دیشب پس از مذاکرات که قبلاً شده بود توافق و تفاهم، می‌خواستم جناب موسوی و بهشتی

حتماً باشند. آمدند در جلسات مشترک و آنها را منصرف کردند. دیروز خدمت امام رفتم ظهر، گفتند موافقت شده منهای یک مسئله. صبح به تفصیل فرمودند، حالا یک بداع است.

خامنه‌ای: توضیح بدهید.

مهندس: من توضیحی ندارم (بنی صدر رفت).

بهشتی: (صدر حاج سیدجوادی آمد، 12/15) مشاور سمت رسمی نیست، وزارت یا معاونت است که معاون می تواند عزل و نصب کند.

قطب‌زاده: رفتن در کارهای اداری، نظر این است اگر کسانی که بحث راجع به دولت می کنند، مواجه با این مشکلات اداری شب و روز بشوند، مشکلات دولت را می توانند درک کنند.

بهشتی: به نظر می رسد واقع مسئله هیچ یک از نیروهای موجود نمی تواند جا بدهد نقطه نظر موجود معاون در امور انقلاب باشد، آقای مهندس می گوید تالی فاسد این است که وزرا انقلابی نیستند.

مهندس بازرگان: چمران هیچ کار به کار اداری ندارد و فقط به کارهای انقلاب می رسد. ولی آقایان باید در جریان باشند.

خامنه‌ای: دوستانه اظهار نظر بکنید.

مهندس بازرگان: دوستانه خیلی خوردم.

بهشتی: معاون سیاسی باشد.

خامنه‌ای: معاون با مشاور چه فرقی دارد [؟]

مهندس [بازرگان]: مشاور.

لایحه تجویز اعاده دادرسی از محکومان نظامی 58/4/24 تصویب شد.

مهندس سبحانی: من قبول نمی کنم. چون در جریان هستم.

جلسه سه‌شنبه 1358/4/26

[حاضران: شیبانی، مسعودی، سامی، موسوی [اردبیلی]، بهشتی (باهنر آمد 8/20، قطب‌زاده آمد 8/30).

[موضوع: لایحه تأمین اجتماعی:]

دکتر سامی در مورد لایحه قانون تأمین اجتماعی صحبت کرد (مهندس سبحانی و بنی‌صدر آمدند 8/35).

بهشتی: یک سوال بنیادی دارم. هنوز تجربه مثبت از کارهای دولتی ندارم. از آن طرف هم تجربه مثبت از کارهای ملی به علت سودجویی [وجود ندارد]. یک راه‌حل میانه که از نظر مدیریت ملی باشد و از نظر حمایت از کم‌درآمدها دولتی باشد (مهدوی آمد، 8/40).

دکتر سامی: دولت در راهنمایی شرکت می‌کند.

[موضوع: ماجرای سعادت:]¹

شیبانی: نسبت به آزادی بدون ترتیب زندانیان قصر اعتراض دارم و اعلام جرم می‌کنم.

1. سازمان مجاهدین خلق با معرفی وکلای سعادت، هشدار داد: "هر آسیب و زبانی که متوجه برادر اسیر ما شود، دادستانی کل انقلاب را مسئول می‌دانیم" (کیهان، 1358/4/23، ص 8). سعادت، خود نیز از داخل زندان نامه اعتراضی صادر کرده و نوشت: کیفرخواست علیه او، "وقیحانه‌ترین کیفرخواست" است و از این رو در دادگاه شرکت نمی‌کند. وی از همگان خواست تا علیه این گونه حق‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها به مراجع مسئول مراجعه کنند (انقلاب اسلامی، 1358/4/23، ص 12). عبدالکریم لاهیجی، وکیل سعادت نیز اعلام کرد در دادگاه او شرکت نمی‌کند. وی هشت انتقاد اساسی به وضعیت رسیدگی به اتهامات سعادت را ذکر نموده و گفت باید بتوانم قبل از محاکمه با سعادت، به صورت آزادانه گفتگو داشته باشم (کیهان، 1358/4/24، ص 12). پس از غیبت سعادت در جلسه دادگاه، دادستانی اعلام کرد چنانچه وی بار دیگر در دادگاه حاضر نشود، به صورت غیابی محاکمه خواهد شد. سازمان مجاهدین خلق نیز در بیانیه‌ای مدعی شد کسانی قصد داشتند سعادت را کشته و در جاده کرج بیاندازند و با این وضعیت، آیا نتیجه دادگاه، از پیش معلوم نیست؟ (کیهان، 1358/4/26، ص آخر). آذری‌قمی اتهام سعادت را جاسوسی دانسته که باید در دادگاه انقلاب محاکمه وی صورت پذیرد. اما خود سعادت رسیدگی به پرونده را تنها در دادگاه دادگستری قبول می‌کرد. لاهیجی نیز از ممانعت در ملاقات با موکل خود ابراز نارضایتی می‌کرد (اطلاعات، 1358/4/26، ص 2). اما ابوالحسن بنی‌صدر، عضو شورای انقلاب، در مصاحبه‌ای علی‌رغم تأکید بر جاسوس نبودن سعادت، در مورد مجاهدین گفت: صحبت از تماس یک سازمان با کشور بیگانه است که عملی ضدانقلابی است (کیهان، 1358/4/31، ص آخر).

بنی صدر: قرار بود در حضور چند نفر، سحابی، موسوی، طالقانی به سعادت‌ی گفته شود خطا کرده.

سحابی: این کار داشت درست می‌شد. مجاهدین انقلاب اسلامی خراب کردند.

بهشتی: این مسائل بعداً شد.

سحابی: مسائل قضاوتی اگر در افکار عمومی بیافتد (خامنه‌ای آمد، 9/15).

بهشتی: شما بخواهید و تذکر بدهید، بعد آزاد کنید.

سحابی: فکر می‌کنم رژیم گذشته چون وابستگی به آمریکا بوده مصالح آنها را مورد نظر داشته. کار اینها اشتباه تحلیل است، نه جاسوسی.

بهشتی: بیاید بگویند این را. اگر آقای طالقانی نمی‌آیند، خود شما بکنید.

موسوی: نمی‌آیند. گردن ما نیاندازید.

بهشتی: من می‌آیم.

بنی صدر: پیشنهاد می‌کنم آقایان مسئول این کار، مسئولین سازمان را بخواهند تا در حضور آقایان بگویند ادامه تماس با روس‌ها بدون کسب مجوز از امام خطا بوده و آقای طالقانی بخواهند این کار تکرار نشود.

بهشتی: اگر قبول نکردند، در رادیو تلویزیون گفته شود.

موسوی: آنچه قبول می‌کنند، نوشته شود.

بنی صدر: الان دادگاه انقلاب را شل کنیم به کلی بی اعتبار می‌شود.

سحابی: دادگاه علنی است. بگذارید بروند صحبت کنند.

بهشتی: بچه‌ها جزو‌ه‌اش را منتشر کرده‌اند.

سحابی: به ضرر آنهاست. به نفع این طرف نیست.

قطب‌زاده: آقای طالقانی کم و بیش آمادگی دارد.

موسوی: با آنها ملاقات کنید، صحبت‌ها را بنویسید، حتی [اگر] بگویند با این حرف‌ها ما را کوبیدید.

سحابی: مصلحت نیست دادگاه دعوا شود بازار اتهام.

بهشتی: حل کنید.

سحابی: دفاع از پرونده می شود کرد. مسئله انگیزه است.

موسوی: اگر آنچه اول گفته اند می کردند، درست می شد. ما گفتیم بعد از این دست به این کارها نزنید.

سحابی: حتی شما گفتید مخالف ما هم باشید.

بنی صدر: [مجاهدین خلق] به رولو (مخبر فرانسوی) گفته اند فدایی خلق و ما چهل هزار مسلح داریم.

خامنه‌ای: اولین جرم است.

بهشتی: یک نکته، در این مصاحبه گفته شود پس از این اعلام عمومی رادیو تلویزیونی، هر کس به هر عنوان به این نوع کارها اقدام کند، جرم است.

خامنه‌ای: آزادی سعادت نارضایتی عظیمی به وجود می آورد.

مهدوی: حالت تسلیم است.

سحابی: عناصر تندرو هر حرکت حق را تسلیم می دانند. دادگاه و این دستگاه زور دارد، او را اعدام کند و سازمان مجاهدین را جاسوس بداند. مسئله عدالت مطرح است. باز پرس دوم اظهار نظرش این است که این رابطه سازمانی است، منظور آن اخلال در روابط ایران و آمریکا بوده.

مهدوی: دادگاه تشکیل شود، هر چه نظر داد. خود پاسداران می گویند فعالیت می کنیم و آزاد می کنند و ضدانقلاب علیه ما اقدام می کند (جلالی آمد 9/20).

بهشتی: به دنبال این نتیجه را فرستاد به دادگاه [تا] بر این مبنا رأی بدهد.

مهدوی: اولین بار کمیته مرکزی نمی تواند کار کند.

سحابی: سر و ته کار را دادگاه جمع کند. تلاطم در جامعه است.

بنی صدر: این با رأی فایده ندارد.

خامنه‌ای: آنها می‌خواهند دادگاه نباشد.

بهشتی: به اصغر حاج‌سیدجوادی و لاهیجی، لایحه دادگاه انقلاب را نشان بدهیم.

سحابی: گفته است دادگاه فوق‌العاده.

شیبانی: دادگاه فوق‌العاده تشکیل شده [و] افراد را معرفی کرده.

قطب‌زاده: بعد از تشکیل دادگاه فوق‌العاده، اگر شورا صلاح بداند می‌تواند دادگاه انقلاب را منحل کند. اگر دادگاه انقلاب محل منحل شود، پرونده برود آنجا، [در] مسئله اهواز ستارزاده خوب عمل کرده.

[موضوع: زندان و دادگاه‌ها:]

سحابی: چهارصد نفر در زندان هستند، مرتب م‌گیرند، چهارصد یوزی دارند، کلاشینکف زنگ نزده (یعنی تازه از کارخانه درآمده). عراق خط مرزی را در کنار جاده تمام دهات برق و تلویزیون و غیره دارند. مرز نیست.

موسوی: ایران هیچ کار نمی‌کند.

مهدوی: در کردستان پالیزبان هست.

سحابی: بقایای گردان جاویدان مشغول فعالیت است.

خامنه‌ای: نامه‌ای نوشته شده ارتش شاهنشاهی استخدام می‌کند.

قطب‌زاده: ستارزاده یک عده را گرفته، دستخط اعلامیه‌های مختلف را از خانه‌شان گرفته.

موسوی: مسئله‌ای که صحبت شد پانزده روز وقت گرفت، چه شد [؟]

قطب‌زاده: دانشکده پزشکی در حال التهاب است. مستخدمی که بیست سال کار کرده، زنش بیچه داشته، مرد بزرگ شده در دانشگاه بوده ...

مهدوی: دادگاه فوق‌العاده که تشکیل شده، این جرایم می‌رود آنجا، بهتر است برود دادگاه انقلاب و پاسدار که خلاف کرده شدیداً مجازات شود.

جلالی: تبصره دو اضافی است.

مهدوی: طرف پول ندارد بدهد. ما هم پول نداریم.

بنی صدر: شورا نامه‌ای به دادگاه انقلاب بنویسد که دیه را بردارد.

قطب‌زاده: بنیاد مستضعفان در آئین نامه بنویسد.

جلالی: سرگرد علیپور را بدون قید و بند آزاد کرده‌اند.

سحابی: رئیس کلانتری شش بوده و در کشتار دست داشته.

مهدوی: تسریع در کارها احتمال دارد علاوه بر کلفتی پرونده، متهم جرمی مرتکب نشده باشد. پنج نفر آمده‌اند،

پزشکپور^۱ هم همراه آنها بوده و می‌گویند نباید پول بدهیم.

[موضوع: انتصابات در ارتش:]

خامنه‌ای: عده‌ای برای مقامات ارتشی به من معرفی کرده‌اند. چهار سرتیپ یک لشکر. سرلشکر نورایی^۲ در شیلات

کارمند بوده و هست، از ارتش چند سال بازنشسته است.

مهدوی: مخالف آقا بوده.

مسعودی: قم پیش آیت‌الله زنجانی نیست [؟]

خامنه‌ای: مرد قاطع و متینی است. بینش ضدانقلابی در او نبود. گزارش پرونده ضداطلاعات او چیز منفی ندارد. نفر

دیگر سرتیپ شادمهر^۳ است. پنج شش سال است [که] بازنشسته است. از نظر گرایش مذهبی آگاهی دارد، آدم

جاافتاده‌ای است. نسبتاً قاطع است، یک حدی پر حرف است.

موسوی: سرلشکر عظیمی.

1. محسن پزشکپور (89-1306) موسس حزب پان‌ایرانیست و نماینده مجلس شورای ملی.

2. تیمسار عبدالله نورایی، خلبان نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی و فرمانده پایگاه شیراز.

3. سرتیپ محمدهادی شادمهر (1387-1299) چهارمین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی.

خامنه‌ای: سرتیپ شاکر¹ استاد دانشکده افسری بوده، مشاغل علمی داشته [به صورت] جدی. آن‌طور که امینداری هم دوره او می‌گفت نمازش در آمریکا ترک نمی‌شد. برخلاف شادمهر تظاهرات مذهبی دارد. سرگرد خلیج تیموریان بازنشسته، سرتیپ امینداری در برخورد و جلسه و عقاید جدی است. الزامات مذهبی او خیلی بالا نیست. از او سوال شد ضوابط گزینش بین مسلمان بودن و معتقد به تمامیت و قاطعیت نظامی، کدام را ترجیح می‌دهد، گفت در ارتش مسلمان بودن و معتقد به تمامیت ارتش. در پرونده هیچ کدام از اینها نقطه ضعف نیست. فلاحی ...

بهشتی: این حرفی است [که] بارها از زبان افرادی که آشنایی به سوابق آنها دارم که دلسوزند راجع به شخص فلاحی گفته‌اند (کتیرائی آمد، 10/10).

خامنه‌ای: دکتر چمران هم این مطلب را گفت. شورای وزارت دفاع، شادمهر ریاست ستاد کل، فلاحی یک معاون، شاکر یک معاون، ریاست ستاد نیروی زمینی [با] امینداری. امینداری قبل از پیروزی انقلاب در خدمت انقلاب بوده، گفت تیپ پیرانشهر را جمع کردم. گفتم ما در مقابل مردم قرار نبود قرار بگیریم. فلاحی که در لشکر شیراز تا روز آخر ارتش را تشویق می‌کرده به ایستادگی. تیموری معاون ستاد زمینی.

جلالی: اگر فلاحی این کار را می‌کرده، صلاح نیست باشد.

خامنه‌ای: مدتی است معاون گذاشته‌ایم.

جلالی: نورایی سال 48 فرمانده بود، آدم آرام و مؤدبی بود.

مسعودی: شما صورت افسرانی را که زمان شاه سابق اخراج شده‌اند دیده‌اید.

جلالی: آن که در صورت تظاهر مذهبی می‌کند، نقطه ضعف اوست.

[موضوع: زمین:]

کتیرائی: لایحه لغو مالکیت موات شهری تصویب شد. ابلاغ شد آئین‌نامه اجرایی بنویسند. تبصره‌ای تهیه کردم، برای اراضی موات است. متقاضی ثبت اولیه هست. به این افراد مهلت نباید داد، ثبت داده، پول نداده، خارج شود. معمولاً شامل اراضی بزرگ می‌شود. آقای معین فر آمد صحبت کند، گفتید چرا شامل ارث نشود [؟] جلسات متعدد شد، با

1. سرلشکر محمدحسین شاکر (متولد 1307) سومین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی.

شهرداری مشکلات اجرایی به این مسئله برخورد شد. اراضی کوچک اصولاً مستثنی شوند. مهلت برای آن باشد، اراضی وسیع یا کسانی که اراضی متعدد دارند، شهرداری آن قدر مسائل دارد که هیچ تسلط ندارد. تمام ضوابط گذشته که با زور انجام می شد، از دستش خارج است. منطقی را پول نداریم، غیرمنطقی را زور نداریم. ماده یک: مقدمه آن مثل طرح قبلی است.

تبصره: برای اراضی مازاد بر حد نصاب فوق نیاز به تخلف نیست. اراضی موات واقع در محدوده شهرکها مشمول ماده یک این قانون است. دارندگان پروانه احداث.

بهشتی: نمی شود مجدداً لایحه جدید نوشت که، بطن لایحه قبلی اصلاحیه باید درست کرد.

باهنز: اصل کار خوب بود. تشویق به احیا معادل فروختن بود.

بهشتی: مدت را معین کنند.

کتیرائی: مدت را با تعیین نقاط مختلف.

موسوی: چه گونه این مشکل را حل می کند [؟]

کتیرائی: در منطقه ای باید به زمین دارهای بزرگ اجازه تفکیک بدهیم و او بفروشد، پول در جیب او رفته. در شهرداری خیلی مسائل هست، طرح عمرانی و غیره. بنی صدر: یک سیاست شهرسازی می خواهید.

کتیرائی: در محدوده خدماتی شهر تهران فعلاً مجاز بود بسازد. خارج تهران غیرمجاز [است] و می شود خراب کرد. در شورای نظارت بر گسترش شهر تهران گفتند محدوده بی محدوده. از چهار طرف به طرف محدوده بیست و پنج ساله در تهران چه چیز اجازه بدهند [؟]

جلالی: یک قطعه زمین کوچک مقدارش معین شود.

باهنز: جایی که محدوده شهری نشده، زمین دارها نفوذ کرده اند که محدوده معلوم شود.

کتیرائی: کرمان محدوده دارد.

گزارش دادپار در مورد ماشین ها مطرح شد. قرار شد دولت بخرد (قطب زاده رفت).

کتیرائی: اصلاحیه اراضی موات تصویب شد.

[موضوع: اطلاعات:]

بهشتی: طرح ساواکی‌های آموزش و پرورش مطرح شد، ولی زمان اجرا خیلی نیست.

مهدوی: هیئت مدیره ذوب آهن، در آنجا صد نفر ساواکی است، ولی مشخص شده نیست. آن وقت اداره هشتم بود که کارهای اداره سوم را هم انجام می‌دادند. مدیر حفاظت هم بودند. به آنها گفته شود شما شناخته شده هستید، اگر صادقانه کار کنید کسی به شما کاری ندارد، وگرنه [...]

بهشتی: این پیشنهاد برای همه باشد.

خامنه‌ای: طرح ایده‌آلی است، در صورتی که دستگاه اطلاعاتی قوی باشد.

بهشتی: می‌دانند که داریم. بزرگ‌ترین اشتباه ما [این است که] یک دستگاه اطلاعاتی نیرومند در سرتاسر کشور داریم [اما] به کار نمی‌گیریم. در حزب هست، یک مجموعه یا نوار است، یک مرکز جمع‌بندی تشکیل شود (بنی‌صدر رفت، 11/30).

خامنه‌ای: گزارش از جریان بلوچستان و تهاجم به پاسداران، تلگراف علمای ایرانشهر.

جلسه پنجشنبه 1358/4/28

[حاضران: شیبانی، موسوی [اردبیلی] (7/50)، بهشتی (8)، مهندس سحابی (8/10)].

مهندس سحابی: عده‌ای از علمای طرفدار شریعتمداری، استانداران و مازندران را خواسته‌اند، محاکمه کرده‌اند که چپی است (جلالی 8/20، باهنر 8/25، مهندس بازرگان 8/45، مهندس موسوی 9 [آمدند]).

[موضوع: مدیریت رادیو تلویزیون:]^۱

مهندس بازرگان: نامه‌هایی غیر از لوایح می‌فرستیم، یا رئیس شورا یا دبیر شورا جواب بدهد (قطب‌زاده 9/05 آمد). گزارش مذاکرات که سه هفته طول کشید. عده‌ای از ما رفتیم خدمت امام که توافق‌ها در حضور امام بازگو شود. آقای طالقانی را در منزل سیداحمدآقا دیدیم. مطالب را به‌نحو توافق گفتم خدمت ایشان، و ایشان هم تأیید کردند. صحبت راجع به دادگاه‌های انقلاب شد. راجع به سرهنگ رحیمی، آقای بهشتی گفتند مسئله تمام شده. احمدآقا هم گفت تمام شده. راجع به دادگاه، رادیو تلویزیون مفصل صحبت شد. [در مورد] دادگاه فعلاً توضیح داده شد که وقتی می‌گویم جزو دولت باشد، تابع دولت مثل استاد دانشکده تابع دانشکده است که در کلاس آن دانشکده درس بدهد و کارش با دانشگاه باشد، ولی در درس و غیره و غیره مستقل است. ایشان این معنی را قبول داشتند. حتی قرار شد آقای قدوسی که از طرف آقا معلوم می‌شوند، جزو دولت هستند. دادستان تهران هم که آقای صدر گفتند، آقایان اعتراض داشتند، آقای مهرپور را آقای صدر گفتند از نظر دادگستری اشکالی ندارد. در مورد رادیو تلویزیون ایشان مجدداً روی دو مطلب تکیه کرده‌اند. هر جا اشتباه شد آقای موسوی بفرمایند. [1] رادیو تلویزیون مثل گذشته آلت تبلیغاتی دولت نباشد، مثل آمریکا و انگلستان، 2) مدیریت آنجا با شورایی باشد که مدیر مثلاً آقای قطب‌زاده، موسوی‌خوئینی^۲، کسی که دولت معین کرده [و] نظر دولت را بگوید و آن دو نفر آقایان پیراینده و آقای خاتمی.

1. صادق قطب‌زاده، مدیرعامل رادیو تلویزیون، چند روز قبل، خبر از دستور جدید امام خمینی برای تشکیل شورایی جهت نظارت و تعیین خط مشی رادیو تلویزیون داده بود (کیهان، 1358/4/24، ص 2). از این طریق، اداره رادیو تلویزیون از تمرکز خارج گردیده و شکل شورایی پیدا کرد.

2. سید محمد موسوی‌خوئینی‌ها (متولد 1320) روحانی انقلابی، نماینده امام خمینی در شورای سرپرستی رادیو تلویزیون، سرپرست امور سفارت آمریکا در زمان اشغال توسط دانشجویان پیرو خط امام، عضو جامعه روحانیت مبارز (بعدها مجمع روحانیون مبارز) و نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری.

روی این مطلب خیلی بحث شد، رادیو تلویزیون جزو دولت است با بودجه دولت و غیر از امریکا و انگلستان است. به علاوه به فرض که انتقاد از دولت بکند، روزنامه منفک و احزاب هست. ضمن این که نظر ما نیست یکسره تعریف و مدیحه سرایی کند، برعکس. آقای قطب‌زاده هم همیشه این نظر را داشت، تا حدودی مردم انعکاس نظرات خود را ببینند. وقتی دولت تصمیم دارد با عراق مدارا کند، خلاف آن را نگوید یا چیز دیگر. اگر دولت می‌خواهد اضافه‌مزد بخواهد، آن هم این را بخواهد، آنها را تحریک نکند. ایشان کاملاً آن را با این ترتیب قبول کردند. راجع به اداره آنجا بالاخره مسئله قاطع این شد [که] شورا مثل هیئت مدیره شرکت، مدیر عامل رئیس تلویزیون مسئول است در برابر دولت و آرا و نظریات آنها را رعایت کند. آنها وارد جزئیات نمی‌شوند، خط‌مشی کلی را بگویند، هم سیاسی، هم مدیریتی. شخص مدیر مجری و مسئول است. در خارج از هیأت، دیگران مدیر را می‌شناسند، اجرا دست او نیست. مدیرعامل در داخل هیأت مدیره حق ندارد خلاف نظر اکثریت انجام دهد. رادیو تلویزیون که جزئی است از دولت، احکام جدیدی چه نماینده خود ایشان را دولت یا وزیر ارشاد ملی صادر می‌کند، منافات ندارد. حال که آراء باشد، مدیر و مسئول یکی باشد، شورای اقتصاد، رئیس نخست‌وزیر دبیر سازمان برنامه، افراد آن هم وزیر صنایع و معادن، کشاورزی، راه و ... اتحاد نظر که شد، اگر وزیر بازرگانی خلاف نظر کرد، نخست‌وزیر به او ایراد می‌کند. وزیر بازرگانی حق ندارد هرکار خواست بکند. بنا شد در مورد شخص قطب‌زاده، بنده به ایشان عرض کنم اگر این شورا را به این ترتیب قبول دارند و اگر خودشان را عضوی از دولت می‌دانند، ابعاد و خط‌مشی سیاسی همان‌طور است، جای‌شان [روی] سر بنده. اگر آقای قطب‌زاده گفتند نه [و] تبعیت از رأی اکثریت شورای هیأت مدیره نمی‌نمایم [و] خودم را تمام مستقل می‌دانم، برویم سراغ دیگری.

بهشتی: آنچه آنجا نوشتیم، با بودن قطب‌زاده و هاشمی، انتصابات آنجا هم با تصویب شورا باشد، با امضای مدیر عامل.

مهندس [بازرگان]: با توضیح دکتر یزدی، دو نفر دیگر، یکی مدیر و یکی نماینده خاص آقا که نظریات ایشان را بیان کند، یکی از طرف دولت، دو نفر دیگر با پیشنهاد و تصویب شورا و ابلاغ از طرف دولت.

بهشتی: انتصابات حساس داخل رادیو تلویزیون با تصویب آن شورا است، در امور جزئی دخالت ندارد. هرکس سرپرست اوست مطرح می‌کند و این شورا تصویب کند، ابلاغ با امضای سرپرست کارمند از نظر ابلاغ با سرپرست روبه‌روست. ولی انتخاب به تصویب رسیده، چیزی شبیه آنچه وزرا و حتی سابق مدیرکل رئیس ستاد فرماندهان یا

یک شورا، مجلس یا شاه وجود داشت. چون اشتباه زیاد پدید آمده، ولو به تعبیر قطب‌زاده اشتباه با تحمیل افراد بیرون، برای آن که مکرر نشود.

قطب‌زاده: در عمل مواجه با اشکال شدیم. به‌عنوان مثال، فیلم راجع به بنده بود. دولت تصمیم گرفته تا جریان کردستان را از طریق رسانه گروهی بگوید. بعد دو نفر را دکتر چمران معرفی کرد، به پخش خبر دادیم، گفتم با این دو نفر مشورت شود، ولو آن که قبول نداشته باشید. اخبار کردستان خیلی جنجال ایجاد کرد. یکی فیلم نرده بود. آقای پهلوان، آقای پایا که هیچ سمت رسمی ندارند با زور و فحش و دعوا می‌گویند¹.

جلالی: به‌عنوان این که نماینده امام هستیم.

قطب‌زاده: فردا در جلسه شورا به موسوی گفتم، ایشان گفتند کاری می‌کنم. می‌گویند آن عده رفته‌اند فیلم را قطعه‌قطعه می‌کنند. دکتر چمران و گل‌احمر گفته گفتم دولت با من کار دارد. گفتم اگر دولت گفته عمل کنید. گفتند از یک ساعت و ده دقیقه فیلم، نیم ساعت درآوردند، تولید آقای [...] و غیره سخت اعتراض [...] نماینده دولت می‌گوید اینها آبروی ما را می‌برند. قول آقایان، نمایندگان مستقیم دولت با هم اختلاف دارند. [به] مهندس گواهی گفتم، قرار شد به من بگویند، گفت چرا دیشب ساعت ده و ربع می‌گویند این فیلم را می‌خواهد نمایش ندهند. گفتم با من ربطی ندارد، با مدیر سازمان در میان بگذارید. کسانی که هیچ‌گونه سمت تشکیلاتی ندارند، فقط به‌علت اینکه مورد تأیید موسوی که نظر امام است، اگر بچه‌ها کار را بگذارند بیایند بیرون، کسی نمی‌تواند اعتراض کند. بنابراین در گذاشتن افراد معطل می‌کند که تحقیق کنم، بحث دوباره برود. همین‌طور که تصویب شده، آقای مهندس گفته‌اند من موافقم هیأت مدیره باشد. آقا زمان دادند، خودمان تصویب کردیم.

جلالی: هیأت مدیره [را] چه کسی معین کند [؟]

قطب‌زاده: اگر این مسئله درست باشد، این مدیر اشکالاتی دارد، برود. اگر قرار باشد هر مدیر حتی در رده پایین او تثبیت شده چه من باشم یا نه، اگر جلالی، موسوی، عزت‌الله سبحانی قبول کند، باید مدیریت واحد کامل باشد. این که امضا کند، کوچک‌ترین ارزش ندارد. اگر قرار بود وزرا را شورا تأیید کند، اگر وزیری می‌رفت یا بیرون می‌کرد، شورا او را تأیید نمی‌کرد. حتی امام سرهنگ را تأیید می‌کند آن وضع جدید می‌آید، شورای آنها می‌گوید، تشکیل

1. در این روزها و متعاقب اخبار رادیو تلویزیون درباره کردستان، حزب دموکرات برای اعتراض به سمت‌گیری رادیو تلویزیون اعلام راهپیمایی کرد (کیهان، 1358/4/20، ص 2).

می شود، هرچهار تا یک قسمت از سازمان را می گیرد، مستقل عمل کند، شما احکام را آقایان شورا پیشنهاد کنند، تعیین قطعی با مدیر عامل.

مهندس بازرگان: کسی که مدیرعامل شد، مقامات مافوق حق دارند بگویند خلاف اصول عمل کردید، وگرنه دوسه دستگی و لوٹ مسئولیت می شود.

قطب زاده: چهار روز است جلوی اعتصاب را در رادیو تلویزیون گرفته ایم.

جلالی: پخش کنندگان گفتند ما خر نیستیم [که] هر روز یک پالان روی ما بگذارند. گفتند ما نماینده امام هستیم، شما از آینده خود بترسید.

موسوی: راجع به رادیو تلویزیون، مطالب همان بود که مهندس گفتند. یکی پیشنهاد طالقانی، برای رادیو تلویزیون آئین نامه باید نوشته شود، شورای انقلاب تصویب کند، به وسیله دولت اعلام شود. در مورد انتصابات داخلی خصوص هم این مسئله مطرح نشد. کلی صحبت شد شورا باشد و مسائل با تصویب شورا، تصویب شد و قابل اجرا و شورا دارای یک نحوه استقلال باشد، نه استقلال که با خط مشی دولت مخالفت کند. ایراد هم نباشد که انتقاد سازنده از فلان مأمور دولت نکند. مدیرعامل آنجا مصوبات شورا را به دیگران می گوید. اعضای شورا هیچ گونه حق دخالت از نظر اجرایی نداشته باشند. مدیرعامل با قدرت اجرا کند. شورا اگر در مدیرعامل اشکال دید، حق دخالت مستقیم ندارد، [باید] اشکالات را به دولت منتقل کند. چون ابلاغ و بودن و نبودن مدیر با دولت است، دولت رسیدگی می کند.

بهشتی: عدول از آنچه است که دوشنبه شد همکاری افراد.

موسوی: این صحبت ها دیروز این طور شد.

بهشتی: انتصابات بیش تر یا قسمت قابل ملاحظه ای از انتصابات است.

قطب زاده: انتصابات اولیه ممکن است بد بوده، به علت آن است که یک عده آمده بودند کار را اداره کنند.

مهندس بازرگان: گزارش تقریباً تمام شد. مسائل راجع به کردستان و ارتش صحبت شد. آقای خامنه ای بودند. فعلاً به عنوان انجام کار عرض کنم، آقایان که قبول کرده اند معاونت اداره را، بیایند مشغول شوند، جز جناب دکتر باهنر کسی نیست.

هاشمی: مهدوی کنی وزارت کشور، باهنر در [وزارت] آموزش و پرورش، خامنه‌ای وزارت دفاع، بنی صدر وزارت دارایی، معاون مجمع عمومی بانک‌های ملی شده. در مورد آخری درباره نقده و کردها این‌طور نیست از جانب گواهی و چمران ... چیزی گفته نشده بگذارند یا نه، ولی جلوی او را گرفته‌اند یکی از شرایط این که ظهیرنژاد^۱ برود آنجا این بود که تبلیغاتی بشود و ایشان حمله بکند و این کار نشد و بهانه کرد. بعد بالاخره چمران گفت راضی شدم. در مورد آن که بهشتی گفتند نه تنها مطرح نشد، آقا گفت مدیرعامل آقای قطب‌زاده یا دیگری. اصول کلی عملی تابع شورا یا هیئت مدیره [است]. تلویزیون دستگاهی می‌باشد مدیحه‌سرای دولت، انتقاد به دولت بشود. نه خود رادیو تلویزیون انتصابات محتاج تصویب مقام دیگر باشد. نقض غرض است، تعدد منشأ می‌باشد. یکی از شورای انقلاب، یکی از امام، یکی از دولت، یکی [از طرف] شریعتمداری. یک محور باشد، وحدت کلمه، رهبر واحد، محور واحد. شورای انقلاب که که ادغام شده هم در دولت است، هم از آنها اینجا هستند. تصویب ایشان پیشنهاد کند و دولت قبول بکند، می‌شود.

موسوی: شورای آنجا.

مهندس بازرگان: نه دخالت بکند.

بهشتی: مسئولیت مدیرعامل را شورا معین می‌کند، حداقل لازم برای کار را به مدیرعامل می‌دهد. انتصابات حساس را که مربوط به خط‌مشی است و در رابطه با اشخاص مجرد نیست، افراد حساس، مسئله مبنا اگر شورا باید خط‌مشی را روشن کند، انسان‌هایی را که دارای این دید هستند خود شورا تشخیص دهد و گردن قطب‌زاده نیاندازد.

موسوی: اشکال در دستگاه‌های اجرایی [این است که] اگر مدیرعامل قدرتش سی باشد، این فرد نقشی ندارد، می‌تواند افراد شورا را ببیند و دسته‌بندی پیش می‌آید. عملاً در کارهایی بوده، دیده ایم. اگر صلاح است به حد کافی مدیرعامل تضعیف شده، اول مقرراتی مدیرعامل را تضعیف کنیم.

بهشتی: شما برای وزارتخانه‌های دیگر، شورای انتصابات معرفی می‌کنید.

موسوی: الان وضع آنجا آشفته است. اگر این حالت رسمی شود، ادامه دادن این هرج و مرج [...] نمی‌گویم قطب‌زاده، کس دیگر به او قدرت بدهیم. بودن قدرت اشکالاتی دارد، نبودن قدرت [موجب] رکود می‌شود.

1. سرلشکر قاسمعلی ظهیرنژاد (78-1303) فرمانده ژاندارمری، و فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی.

بهشتی: اگر دیدگاه شورا عملی بشود، انتصاب زیر نظر یکی باشد درست نیست.

قطب‌زاده: اتفاقاً عکس است. دیدگاه‌ها باید یکی شود. اگر دیدگاه عملی شود، توسط کسی باشد که دیگران خود را مسئول بدانند در مقابل یک نفر. وگرنه هر مسئله را با هم مطرح می‌کنند.

بهشتی: باید به آنها گفت، در عین حال که نظر می‌دهید.

قطب‌زاده اشکالات عدم مدیریت را بیان کرد.

مهندس موسوی: غیر از مدیریت، یکی از مشکلات در پست‌های کلیدی [این است که] خط‌مشی واحد و هماهنگی نیست. مدیریت قوی شود یا نه، در سازمان امکان کارشکنی هست. پست‌های حساس گرایش‌های مختلف دارند، جهت مختلف. حالت متمرکز باشد. تا انسجام و هماهنگی نباشد، زیاد این اقدامات مؤثر نیست.

قطب‌زاده: آدم‌های یکنواخت انتخاب کردن ممکن نیست. ما مواجه با دستجاتی هستیم که هستند (بنی صدر 10/05). آقای طالقانی بی‌میل نیست بیاید شورا، گفت شورا مایل نیست قدرت پیدا کند (مهدوی 10/05، خامنه‌ای 10/10، مهندس سبحانی رفت 10/10).

دکتر باهنر: در مورد اقدام برای مدرسه‌سازی، نماینده وزارت اقتصاد و دارایی، نماینده مسکن و شهرسازی، مدیرکل آموزش و پرورش، مدیرکل دفتر حقوقی، رئیس سازمان گسترش و نوسازی شهر، نماینده شهردار زیر نظر آموزش و پرورش (مهندس کتیرائی آمد) با لغو ماده ... ترک مناقصه. قرار شد وزیر مربوطه لایحه‌ای تنظیم و با فوریت به دولت بدهد.

[موضوع: زمین:]

بهشتی: لایحه تبصره زمین مجدداً مطرح شد. دو مسئله مطرح شد. کسانی هستند [که] این زمین‌ها را خریده‌اند، چرا سرمایه آنها از بین برود [؟]

کتیرائی: از طرف آقایان مطرح شد اراضی موات تملک بردار نیست. چه دلیل دارد اولویت می‌دهیم و حق می‌شناسیم. چیزی که مطرح شد زمین‌های کوچک بود.

موسوی: بعضی زمین‌دار هستند و گرفتن آنها چیزی برای او نمی‌شود. بعضی‌ها هستند [که] مقداری قرض کرده‌اند و سرمایه کلانی ندارند.

بهشتی: هرکس زمینی را تقاضای ثبت کرده، لغو می‌کنیم. حتی قطعه کوچک نسبت به بقیه، شهرداری به زمینخوارها ندهد، به بقیه بدهد.

کتیرائی: زمین‌خواری را از روی مقدار زمین باید معین کرد.

بهشتی: عدد مالکین.

کتیرائی: اگر کسی قطعات مختلف داشته باشد، اگر این کار [را] نکنیم دو مرز دارد، یکی سیصد و پنجاه متری، یکی ده هزار متری به پایین. آن وقت باید اجازه تفکیک داد که می‌فروشند.

مهدوی: زمین‌خوارها را گفتم زمین موات مالکیت ندارد، صورت‌سازی کردند.

کتیرائی: ممکن است کسانی بگویند هیچ یک از علما نگفته‌اند.

بهشتی: شورا پای این مطلب بایستند و دیگری اعتراضات طرح نشود.

موسوی: اگر گروه زیادی متضرر شدند، اگر چهار نفر باشد عیب ندارد. اگر جمعیت زیاد هستند، آن وقت فکری بکند.

بهشتی: آمار باشد.

کتیرائی: فرض کنیم زیاد باشد. اگر این معامله مجاز است ایراد وارد، اگر وارد نیست دیگر بحث نشود.

بهشتی: در تبصره عدد متضررین معین شود.

موسوی: اگر عده‌ای متضرر می‌شوند و از زندگی ساقط می‌شوند، جبران کنید.

بهشتی: تبصره اراضی در شهرک‌ها مشمول ماده یک است. اراضی نساخته، مقداری خرج کرده برای احداث شهرک، بدون این که دولت چیزی بدهد.

کتیرائی: کسانی که زمین دارند، اتاق برای سرایدار یا استخر اعیانی، مستحذات را پول می‌دهیم. در صورت تملک این زمین‌های [...] بهای مستحذات و غیره برحسب کارشناسی داده خواهد شد.

مهندس موسوی: زمین‌هایی است برای این که بفروشند، خیابان بندی و چراغ و غیره گذاشته‌اند، پول آن تأسیسات که ارزش شهرسازی ندارد می‌دهد.

کتیرائی: شهرک و مجتمع مسکونی را با زوایدی پروانه می‌دهم، اگر پروانه داشته باشند روی حساب است. اگر بدون اجازه بوده، مقداری خیابان زده و چهار چراغ زده.

بهشتی: مهندس موسوی می‌گوید این تأسیسات به‌درد نمی‌خورد.

موسوی: این کارها شرعاً دلیل نیست. شما هم می‌گویید صلاح نیست. بیت‌المال را بیهوده داده‌اید.

کتیرائی: در صورت تملک این گونه اراضی، بهای تأسیسات و زیربنایی شهرها مشروط به این که به شخص دولت قابل سکونت باشد با نظر کارشناسی.

خامنه‌ای: پیشنهاد من [این است که] اصلش مورد تأیید است، ولی صحبت زیاد نکنید. راهنمایی دیروز خیلی خوب بوده، بالعیان در مردم شوری ایجاد کرد. دنباله آن در روزنامه رها نشود و هم رادیو تلویزیون.

مهدوی: آخر شب که خوابند، می‌خوابند.

خامنه‌ای: در این چند روز چند کار بزرگ انجام دهند.

[موضوع: بحران کردستان:]

بهشتی: پاکسازی کردستان، خوزستان، نقده با اقدامات سیاسی، عمرانی و نظامی، اگر دولت نکند، بی‌عرضگی کرده.

قطب‌زاده: رپرتاژ ارتش بسیار اثر داشت.

بهشتی: در قلمرو مسئولیت شما با هاشمی از روز شنبه.

خامنه‌ای: شرح وظایف این کار پیشنهادی بنده از نظر شورا و سازمان چیست [؟]

بنی‌صدر: کمیسر سیاسی خلق.

خامنه‌ای: چگونگی حضور خودتان در ستاد.

بهشتی: با افسران حل کنید.

خامنه‌ای: آنچه من حس کردم و نگفتم، شورایی بر محور خودش باشد در آنجا تشکیل دهم. شورا از بودن من در وزارت دفاع چه انتظار دارد [؟] رئیس ستاد را وزیر دفاع [...]

بهشتی: طرحی تهیه می‌کنم، شما مشخص کنید، وزارت کشور هم همین‌طور. برای کردستان یک استاندار معین کرده، از شکیبا قاضی بوده، گرد است. برای کهکیلویه دکتر نیک‌روش قدرت نظامی می‌خواهد. از سندج تلفن می‌کردند به داد ما برسید، اینجا دموکرات‌ها [تحت رهبری] جلال طالبانی با چهل خودرو رژه رفته‌اند، با اسلحه سنگین می‌خواهند حادثه مریوان^۱ را تکرار کنند. در مورد کردها حمله کرده‌اند در رضائیه، پاسگاه مرزی بوده آنجا را احیا کرده‌اند. به فاصله کوتاهی کردها با سلاح سنگین حمله کرده‌اند. تا دیشب محاصره بود و ارومیه در آماده‌باش. موسوی: در ارومیه هشتاد نفر از دو گروه مسلح به‌عنوان کمک به آنها رفته [داخل] رودخانه تا زانو. کردها این گروه دوم را با شهر قطع کرده‌اند. گروه سوم حسنی با افراد مسلح حرکت کرده، بعد بالاخره نتوانستند، گروه وسط برگشتند جلوی دانشگاه به طرف سر و یک نفر چهار تیر خورده. سروان آمده پیش فوزی می‌گوید به ما می‌گویند بروید تیراندازی نکنید.

خامنه‌ای: تلفن فروزان، مرد جالبی بود (کتیرائی رفت 11/40). وزارت جنگ در تلفن با فاصله یک ساعت امروز صبح فوزی، همان سروان هلی کوپتر مسئله ظهیرنژاد. مصاحبه ظهیرنژاد را بگذارید.

قطب‌زاده: امشب می‌گذارم.

1. تیرماه ۱۳۵۸، برای رفع نگرانی مردم کردستان از تهدیدهای گروههای مسلح، وعده بازگشت نیروهای دفاعی به منطقه داده شد. حزب دموکرات نیز تعهد کرد تا سلاح‌های سنگین خود را که از پادگان مهاباد به یغما برده بود، تحویل دهد (جمهوری اسلامی، 1358/4/21، ص 1 و 2). با این وجود، تنش‌ها در مریوان، بار دیگر منطقه کردنشین را دستخوش تحولات نامساعدی کرد. افراد مسلح با حمله به مرکز سپاه پاسداران مریوان، نبرد خونینی را آغاز کردند که بیش از ده ساعت به طول انجامیده و طبق گزارش‌های اولیه، 24 کشته و ده‌ها زخمی بر جای نهاد. حزب دموکرات کردستان مدعی شد تلاش می‌کند تا درگیری پایان یابد (کیهان، 1358/4/24، ص 3). اما سپاه، انگشت اتهام را به سمت حزب دموکرات نشانه رفته بود و آن را آغازکننده درگیری‌ها می‌دانست. با این وجود، حزب دموکرات، وابستگان رژیم سابق را مقصران رقم خوردن درگیری‌های نو در منطقه قلمداد می‌نمود (اطلاعات، 1358/4/24، ص 2). در این میان، آیت‌الله طالقانی نماینده خود را به مریوان اعزام کرد و متعاقب آن گفته شد که طرفین متخاصم به توافق رسیده‌اند (کیهان، 1358/4/25، ص 11). این درگیری‌ها موقتا به پایان می‌رسد تا در آینده‌ای نزدیک بار دیگر کردستان ناآرام شود.

بنی صدر: سیاست موازنه التقاطی نه مسلمان نه مارکسیست عملی بود. شهر مریوان که عملاً ضدکمونیست بود، دست کمونیست‌ها افتاد. تکلیف روشن شود.

موسوی: روزی بگوییم که فردا حمله نظامی کنیم و آنها را بکوبیم.

بنی صدر: بنا بر حمایت از مسلمان‌ها باشد. این کار مطلقاً انجام نشد. صد میلیون قرار بود بدهند، به استاندار داد.

بهشتی: پول کارگران را فدایی‌ها دادند. گفتند ما می‌دهیم، دولت نمی‌دهد.

خامنه‌ای: شما با حضور ارتش در آنجا مخالفید [؟]

بنی صدر: فایده ندارد، در صورتی که مردم اسلحه بگیرند، الان جلو را بگیرند.

بهشتی: روز اول با بنی صدر هم‌نظر بودم. اگر بنخواهید صرفاً ارتش و ژاندارمری غیرگرد باشد نمی‌شود. در صف مقدم، کرد مسلمان باشد، دو نیروی مسلمان هست، حمایت نکردید، مفتی زاده را ساقط کردید.

خامنه‌ای: مفتی زاده دو نفر گفت نه اسلحه داد دولت، نه پول. گروه را مشخص کند.

بهشتی: مریوان مشخص است. سنندج مشخص است.

بنی صدر: دولت سیاست آیت‌الله سازی را بگذارد کنار. پرونده او را اعلام کنید.

موسوی: کسی را بفرستید، یک ساعت هم مهلت ندهید، برود قدرت‌نمایی کند، ولی سه چهار نفر را بگیرد، می‌گویم بکشند.

خامنه‌ای: سه چهار روز در روزنامه علیه عزالدین.

بنی صدر: سوم راجع به خوزستان می‌گوید مأمورین عراقی این خرابکاری را می‌کنند. صدام حسین^۱ به وزیر خارجه گفته بکشید بیرون تا ما هم بکشیم بیرون. در محل حل کنید. یک برنامه عمرانی سریع و یک قاطعیت.

موسوی: در کردستان هم باشند.

1. صدام حسین تک‌ریتی (1937-2006) رئیس‌جمهور عراق در فاصله سال‌های 1979-2003 و آغازگر جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران.

قطب‌زاده: ...

بهشتی: تبلیغات عربی و کردی ضعیف است.

قطب‌زاده: حمله به عراق را دولت گفت اقدام شود.

خامنه‌ای: مطبوعات ما به عراق حمله نکنند. مسئله وحدت در سطح امت اسلامی [را] مطرح کنیم.

قطب‌زاده: کار دیگری که باید بلافاصله انجام شود، عراق در کشورهای عربی بحث را در آنجا برده که ما تنها از عرب‌های خوزستان دفاع می‌کنیم و جلب مساعدت آنها را تا حدی کرده. باید مسافرت سریع به این کشورها بشود و مسائل را مطرح کرد و سوریه را وادار به فشار به عراق گذاشت. من می‌توانم مسافرتی بکنم با آشنایی که با آنها دارم.

بنی‌صدر: رژیم سابق با سران حل می‌کرد. چیزی به آنها داده می‌شود و مردم عادی که کاری برایشان نشده.

قطب‌زاده: مردم عادی طرفدارند، اگر تقویت شوند.

بهشتی: پریروز در قروه کردستان چون سعی شده روز دوشنبه تلفن کردند از تهران، مسئول طرح عمران که در خود قروه دموکرات‌ها جولان می‌دهند. در شهر زمینه راه‌هایی هست احتمال درگیری ابتکار کرده‌اند. چهار غیرگرد رفتند از همین روستاها که برایشان کار کرده‌اند، با ماشین مردم آماده شده‌اند در قروه راهپیمایی کنند، راهپیمایی شده و در ظرف یک ماه حمام‌ها ساخته شد تا زیر سقف مدرسه، آب آشامیدنی. دفتر ما مورد هجوم ده‌های دیگر است. همه پول آنجا پنج میلیون تومان، همه طرح چهارده میلیون. با این پول شهر زنده شده.

موسوی: همین را تقویت کنند. دیروز آقا دستور داد پول‌ها را نگه ندارید، پول بفرستید. مهندس بازرگان قبول کرد.

قطب‌زاده: طرح عمومی همه جا بعد از جنگ و غیره شروع کردند، باید بشود.

موسوی: تقویت کند، بشود پنجاه به جای پانزده.

بهشتی: با این طرح می‌شود مردم را تقویت کرد.

[موضوع: ترمیم دولت:]

بنی صدر: حرف من این است. صحبت شد، با دکتر سحابی صحبت شد. من مقام رسمی در دولت ندارم. قرار شد بگویند سرپرست بانک‌های ملی، صبح آمدند گفتند معاون.

بهشتی: حاضرید وزیر باشید [؟]

بنی صدر: نه. می‌خواهم در مجلس خبرگان باشم.

قطب‌زاده: مجلس خبرگان مهم نیست. دارید می‌کشید کنار. می‌گویند پول نرسید.

بهشتی: دیشب گزارش دادند مقداری مشکلات اقتصادی را بانک‌ها به وجود می‌آورند. برای خوراک دام، یک عده که روی هم پنج میلیون تومان جمع کرده‌اند، آن قدر این طرف و آن طرف انداخته‌اند تا بیست و پنج درصد گران شده، به‌علت آن که رشوه نداده‌اند.

بنی صدر: سرپرستی را می‌پذیرم. وزارت برای آن بود که ترکیب کابینه عوض شود.

قطب‌زاده: سه نفر هستند. در کابینه حق رأی دارید، اگر وزارت را قبول کند و پول لازم را بدهید حل می‌کند.

بنی صدر: سرپرست بانک‌ها اعتبارات می‌دهد.

بهشتی: اگر آماده هستید صحبت کنم.

بنی صدر: قانون اساسی مهم است، باید جلوی حرف‌های آنها را گرفت.

خامنه‌ای: بنی صدر کوشش برای مجلس خبرگان می‌کند. حضور ایشان مهم بود. قبول پست اجرایی را مهم‌تر می‌داند. ایشان زحمات قانون اساسی را کشیده. تصدی پست خیلی اهمیت دارد. فقط برای مجلس خبرگان رد نکنید.

بهشتی: در مقایسه اقتصاد بهتر است، به شرطی که تزه‌های انقلابی زیاد مطرح نشود، بلکه طرح مطرح شود، راه حل‌هایی با قاطعیت برای اصلاح روند اقتصادی. بنی صدر مشاور نخست‌وزیر و سرپرست امور بانک‌ها.

جلالی: اگر وزارت را قبول کنی.

بهشتی: وزارت و کل کار چه‌طور است [؟]

بنی صدر: تغییر وضع کلاً سه ماه است.

خامنه‌ای: دو سه ماه پیش‌تر است.

بهشتی: -

قطب‌زاده: مشکلی داریم [که] وزارت کار هنوز کاملاً در دست عناصر چپ است. شوراهای کارخانه رنگ اسلامی داشته و زیر بار نمی‌رود، می‌گویند سندیکا عناصر چپ دارند، در شورا رخنه می‌کنند. ما باید شورا را به رسمیت بشناسیم و سندیکا غیررسمی باشد.

مهدوی: اسقف ارامنه آمده بود. فروهر برای سه شنبه دعوت شود.

[موضوع: مشروبات الکلی:]

موسوی: مشروبات [را] ببرد خارج، ولی محرمانه ببرد.

بنی‌صدر: در مسجد شما آقای (مهدوی) بلند شد و گفت آقا نامه‌ای نوشته‌اند و آقای محمد خامنه‌ای و زواره‌ای را برای مناظره و در [...]

مهدوی: نامه کتبی بنویسید و اجازه بدهید اجازه بدهیم ببرند. چند مطلب، یکی مشروبات سفارتخانه‌ها. وزارت خارجه نوشته، اگر اجازه می‌دهید بنویسید.

موسوی: مسیحی می‌تواند در مخفیگاه [مصرف کند].

شیبانی: با طیاره بیاورند.

مهدوی: کره‌ای‌ها در هتل مخصوص خودشان مشروب آورده‌اند، داده‌اند به منطقه 9. قسمتی مربوط به کارخانه‌ها که برای مسیحی‌ها می‌سازند، موجود را به خارج ببرند.

قطب‌زاده: در هتل توریستی ممنوع [باشد].

مهدوی: حتی [در] هتل خارجی.

قطب‌زاده: بلی. ورود برای سفارت اشکالی ندارد.

لایحه ارجاع محاکمه پاسداران به دادگاه انقلاب. لایحه تبصره اضافی اصلاحی زمین.



جلسه یکشنبه 1358/4/31

[حاضران: هاشمی [رفسنجانی]، سحابی، شیبانی، دکتر صدر، مسعودی، باهنر 8/15، جلالی 8/20، مهدوی [کنی]

. 8/25

[موضوع: تورم و قیمت‌ها:]

هاشمی: در اصفهان کاری کرده‌اند، گروهی تمام محصولات کارخانجات را می‌خرند و در سراسر شهر در اختیار مردم می‌گذارند. این کار را در تمام ایران انجام دهیم.

دکتر صدر: گرانفروشی، مردم پول دارند و می‌خرند و در خانه نق می‌زنند، برنامه رادیو تلویزیون توجیه کند. قیمت را نمی‌شود ثابت کرد، بلکه [باید] حدودی معین کرد. به مردم اصرار شود [که] شما هستید [که] باید کنترل کنید. مهدوی: میدانی‌ها گفته‌اند فاکتور می‌دهیم.

دکتر صدر: از سال چهل، صحبت تشکیل میدان جدید است. اگر قرار از فروشنده به مغازه باشد، قابل کنترل است. طوآف‌ها وضع میدان را به هم می‌زنند.

مهدوی: دهاتی کنی زحمت می‌کشد، سیب را کیلویی 15 ریال می‌فروشد و مغازه کیلویی 70 ریال است (موسوی 8/45 [آمد]).

مهندس سحابی: مردم نسبت به دموکرات‌ها خوش بین نیستند. باید مراکزی [را] که آنها اشغال کرده‌اند، از آنها گرفت.

موسوی: شکایتی علیه [روزنامه] آیندگان شود که نوشته رودررویی ارتش با مردم فاجعه است. الان یک آیندگان بیاورند، بعد بگوییم به هادوی.

مهدوی: نامه‌ای است [که] آقای هادوی به مهندس بازرگان نوشته‌اند (خامنه‌ای 9 آمد، قطب‌زاده آمد 9/05).

باهنر: لایحه در مورد محرومیت وکلا و تفسیر قانون باشد. فعلاً طرح این ماده صلاح نیست (مهندس بازرگان 9/20 [آمد]).

سحابی: حق بازنشستگی آنها سلب نشود.

[موضوع: ترمیم دولت:]^۱

هاشمی: من حال ندارم. فعلاً کار بر من تحمیل نکنید. فعلاً یکی جای من کار را انجام دهد.^۲

1. همانگونه که از مشروح مذاکرات چند جلسه قبل تا اینجا پیداست، شورای انقلاب به دنبال طرحی برای همگرایی بیشتر میان خود با دولت موقت و همسو شدن دو نهاد بود. این امر بویژه پس از جلسه شورا و دولت با امام خمینی در روزهای آغازین تیر 58 اهمیت بیش تری پیدا کرد. به هر حال، درون بدنه شورای انقلاب، همانگونه که از مشروح مذاکرات مستفاد می‌شود، نارضایتی بسیاری از ترکیب و عملکرد دولت موقت وجود داشت. برای نمونه، سیدعلی خامنه‌ای در مصاحبه‌ای، اکثر انتصابات دولت را شایسته ندانسته بود (جمهوری اسلامی، 1358/4/6، ص 7). از سوی دیگر، دولتی‌ها هم همواره از ضعف اختیارات و اعمال دخالت‌ها و مزاحمت‌ها در کار خود شکایت داشتند و مجموع این شرایط، فضا را برای ترمیم دولت مهیا نمود. سی‌ام تیرماه 58، مهندس بازرگان، ماحصل چند جلسه شورای انقلاب و دولت برای ترمیم کابینه را به صورت رسمی اعلام کرد. بازرگان گفت: برای حفظ وحدت، تصمیم به ادغام دولت و شورای انقلاب گرفته شده است [هرچند هیچ‌گاه چنین اتفاقی رخ نداد و دو نهاد به صورت موازی کار خود را انجام دادند]. بر این اساس، خامنه‌ای برای معاونت وزارت دفاع، دکتر باهنر برای معاونت وزارت آموزش و پرورش، هاشمی‌رفسنجانی برای معاونت وزارت کشور، مهدوی کنی برای معاونت وزارت کشور [و سرپرست کمیته‌های انقلاب]، و بنی‌صدر برای معاونت وزارت دارایی معرفی و منصوب شدند (کیهان، 1358/4/30، ص 1). وزیر کشور در تشریح این ترمیم، آن را برای تمرکز بیشتر مراکز تصمیم‌گیری در یک محور خواند و گفت: آقایان ضمن عضویت در شورای انقلاب، در هیأت دولت هم شرکت می‌کنند و مسئولیت مشترک در دولت خواهند داشت (جمهوری اسلامی، 1358/4/30، ص 2).

دکتر باهنر درباره ماهیت این تصمیم گفت: آنچه به‌عنوان یک مسئولیت احساس می‌کنیم، فقط نهادهای انقلاب است و سِمَت ما در وزارتخانه‌ها برای این است که ببینیم چگونه طرح‌هایی را می‌توان برای وزارتخانه‌ها پیشنهاد کرد (جمهوری اسلامی، 1358/5/1، ص 1). اما جبهه ملی، به شدت به این ترمیم کابینه تاخت و اعلام کرد باید شورای انقلاب منحل شده و قدرتش به دولت منتخب رهبری انقلاب واگذار شود. همچنین لازم است دولت به صورت اساسی ترمیم شود و با برنامه حرکت کند و اساساً دولتی که قدرت ندارد، باید کنار برود (اطلاعات، 1358/5/3، ص 2). علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی هم گفت ادغام دولت و شورای انقلاب، چیزی را حل نمی‌کند؛ چرا که اینها دو خط موازی‌اند (کیهان، 1358/5/8، ص 3).

علی‌رغم تمامی این مباحث، تصمیم به ترمیم دولت و راهیابی اعضای از شورای انقلاب به آن، عملاً نتیجه‌ای نداشت. چنان‌که خامنه‌ای بعدها، مسئولیت معاونت وزارت را معادل "هیچ‌کاره" بودن در کار وزارتخانه‌ها عنوان نموده و از آن ابراز نارضایتی کرد (جمهوری اسلامی، 1360/11/21، ویژه‌نامه پیروزی انقلاب اسلامی). روند تحولات آتی نشان می‌دهد که اختلافات ریشه عمیقی داشت و با این تصمیمات روبنایی، همگرایی بیش‌تر دولت و شورا امکان‌پذیر نبود.

² به علت دوران تقاهیت پس از ترور نافرجام توسط گروه فرقان ۴ خردادماه ۱۳۵۸.

مهندس بازرگان: با تک تک آقایان مطرح کردم، با آقا هم گفتم. در مورد مخصوص جنابعالی آقای هاشمی گفتند من وزارت را قبول دارم نه معاونت. در [باره] تلویزیون هم گفتم پیشنهاد وزارت شد.

هاشمی: سپاه پاسداران کار نظامی است. من قدرت اداره ندارم. قبول وزارت برای رهایی از شر پاسداران بود. باهنر: صحبت این نبود که ایشان معاون در امور پاسداران باشند، محصور به این نباشد.

مهندس بازرگان: حال و توانایی عارضی است. موسوی اردبیلی قبل و بعد جانشین شما هستند.

مهدوی: اسم من نه در وزارت بود، نه در معاونت. من همیشه در مقام تفاهم بوده‌ام. هرکس وزیر شد در رابطه با او وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. این کار دو اشکال دارد. وقت من مقداری در شورا، مقداری در هیئت وزراء، قسمتی در کمیته‌ها، قسمتی در کمیته مرکزی [صرف می‌شود]. وقت عمل نمی‌ماند.

مهندس بازرگان: هدف مشترک همه داریم، شدیدتر شده، مواجهه با انتظارات و مسئولیت‌ها می‌شد. من از دو و نیم بعد از نصف شب خوابم نبرده، ساعت یازده می‌خوابم، روی خستگی. مسئله این است آقایان روی مسائل کوچک نیندازند. خود شما گفتید اگر تو بگویی کار درست می‌شود، من حاضر کمک کنم. هاشمی عوض نشده، بازرگان عوض نشده، مسئله مشکل‌تر شده.

هاشمی: گفتم به‌عنوان وزیر نمی‌آیم.

مهندس بازرگان: آقایان همه بودند، گفتند وزارت نه، معاونت آری. روی میل آقایان ما [عمل] کردیم. گفتم هاشمی وزارت خواست.

هاشمی: چرا مسئله گریه را نگفتم.

مهندس [بازرگان]: آقای خامنه‌ای مطلب من را قبول ندارند [؟]

خامنه‌ای: بیان شما درست است، ولی عمل را [...]

هاشمی: این شرایط که به‌وجود آمد این است با اینها برخورد سیاسی نداریم. مخلصانه با هم کار می‌کردیم. حالا هم حرفی نداریم. برخورد در مسلمان است که به شما اعتماد داریم. نطق شما تضعیف کرد، نه تحکیم، لااقل در مورد من.

مهندس بازرگان: انتقاد دلیل صداقت و صمیمیت است.

هاشمی: در مورد خودم، باز دولت باید تقویت شود، جامعه بفهمند. جای دیگر این حرف گفته نشود. شخص من این مقدار می‌توانم. لاقبل ماه رمضان من نصفه هستم. هر جا بگویند می‌آیم. پاسداران را می‌توانم اداره بکنم. در وزارت کشور می‌توانم بیایم. در دولت می‌آیم. با آقای صباغیان یا آقای مهدوی تفاهم می‌کنیم در کلیات که هم کمیته [و] هم پاسداران است. اگر ما اعلام خلاف نکنیم، می‌خواهد جامعه [که] نقشی از ما باشد. الان به‌خاطر این مسائل باید طوری عمل کرد که مشکل به‌وجود نیاید.

مهندس بازرگان: شما در هیأت دولت یا جای دیگر با صباغیان تفاهم کنید. جناب اردبیلی هم قول دادند. جناب مهدوی می‌فرمایند من نمی‌توانم، ولی می‌خواستم ایشان نظر داشته باشند.

هاشمی: در دولت نمی‌آیم. با صباغیان جلسه مشورتی همیشه داریم، هر روز یا یک روز در میان.

مهندس بازرگان: این برای جنابعالی. ولی سایرین باید در کار بیایند. فرمانده نیروی هوایی موکول به مدت نباشد (بنی‌صدر آمد، 10/10).

خامنه‌ای: برای من که در کار دولت هستم یک سری مطالب است که با توجه به این که یک اشکال بزرگ برداشته می‌شود، ولی این تلقی است که شورای انقلاب را که آقایان گرفته‌اند، کارشکنی کرده‌اند تا مهندس بازرگان مجبور شده ما را وادار کند. علت عدم قبول وزارت این بود. شما خودتان این مطلب را گفته‌اید، امروز روحانیت نمی‌تواند پرستیژ معنوی خود را از دست بدهد، واقع مطلب این نبود.

مهندس بازرگان: برداشت مردم این نبود.

مهندس سجابی: - (مسعودی رفت، 10/15).

بنی‌صدر: من معاونت را نمی‌پذیرم.

مهندس بازرگان: موسوی اردبیلی و بهشتی باید باشند. من سر سوزنی از پست معاونت پایین نمی‌آمدم (بهشتی آمد، 10/15).

خامنه‌ای: مصاحبه با استاندار آذربایجان غربی که خوب است در آیندگان تحریک آمیز نوشته، ولی بیش‌ترین آگهی‌های دولت به [روزنامه] آیندگان است. صد و پنجاه هزار تومان پول آگهی دولتی به آن می‌دهند؛ آیندگانی که امام گفته نمی‌خوانم.

مهندس بازرگان: من از آگهی سر سوزنی اطلاع ندارم.

بهشتی: آقایان طالقانی و پیمان را چون غیبت می‌کنند، حساب نمی‌کنیم. با ده نفر اکثریت حاصل می‌شود (مهندس بازرگان، دکتر صدر رفتند، 10/30). شورا کار اصلیش را پیش از کار فرعی انجام می‌دهد که تبادل نظر و اتخاذ تصمیم در مسائل است، اگر جایی خواستیم چیزی تصویب کنیم.

قطب‌زاده: حلبی^۱ سخت به قانون اساسی معترض است.

جلالی: جلسات شورا سه روز باشد، بحث روی مطالب بشود.

بهشتی: سر وقت بیایند.

جلالی: سرنوشت مملکت است. تصمیم آنی و آتی روی روش شورا است.

بهشتی: سه‌شنبه هشت تا ده، ولی سر وقت.

قطب‌زاده: برای بیست روز دیگر باز یک تهدید استعفا و یک بازی دیگر. می‌خواهید صادقانه عمل کنید، جلوی تهدید به استعفا بایستید.

هاشمی: این دو سه ماه تاب و تحمل تغییر کابینه را نداریم.

بهشتی: ایشان این طور نمی‌گویند.

قطب‌زاده: این کار را نکردید، استعفا آن طور که من اطلاع دارم (از بعضی مذاکرات جلسات) پوست خربزه زیر پای همه شما گذاشته‌اند. آن قدرها هم بی‌حساب نیست. [به] ماجرا با دقت بیش‌تر توجه شود. دو برنامه با هم است. آنها تنظیم می‌کنند، شما پیاده می‌کنید برنامه را. تک تک افراد غیرمعمم را خراب می‌کنند تا در آینده قدرت را در دست بگیرید. چهره‌های دیگر را خودشان خراب می‌کنند.

1. محمود ذاکرزاده تولایی مشهور به شیخ محمود حلبی (1376-1279) فقیه و مؤسس انجمن حجّتیة مهدویة.

بنی صدر: تئوریسین‌های نهضت آزادی به این راه نرسیده‌اند.

قطب‌زاده: اگر اعتماد به یک نفر نیست، یک شورای نخست‌وزیری درست کنید.

شیبانی: جلالی و ... تمام تصمیمات اساسی را شورا می‌گیرد، ولی به اسم نخست‌وزیر است.

هاشمی: اگر مصلحت را شما تغییر کابینه در دو سه ماه می‌بینید [...]

بنی صدر: آقای بهشتی گفتند تا عید.

بهشتی: پنج شش ماه.

هاشمی: بعد از [انتخابات] مجلس خبرگان، رئیس جمهور و مجلس. اگر پیشنهاد قطب‌زاده مصلحت هست، در آن

قوت و نقاط ضعف همه‌اش روی کابینه جدید بررسی شود، افراد قوی بیایند.

قطب‌زاده: تمام تالی‌فاسدها بر سر کابینه که با حساب شورا و دولت ادغام شدند، اگر نکبت باشد، دامنگیر همه

است. بدتر از آن تالی فاسد وزارت کشور گریبانگیر شما خواهد شد نه وزیر.

جلالی: همه می‌دانند شما قوی‌تر از وزیر هستید.

بنی صدر: از وزارت اقتصاد به من گفتند وزیر تابع شماست. کردستان با هم رفتیم. بازی‌های خرید هم از آن عوامل

است. به گیلان رفتیم. همه شهرها آماده‌اند برای جهاد سازندگی. هرچه [امکانات] می‌خواهند از استاندار، نمی‌دهد.

به توده‌ای‌ها که هم فحش می‌دهند و هم کار را گرفته‌اند، می‌دهد. هر دفعه مراجعه می‌شود، نمی‌کند. در شهری به

فرماندار گفتم چرا کمک به جهاد سازندگی نمی‌رسد [؟] گفت استاندار مانع است، مشغول کارهای دیگری است.

بهشتی: نتیجه‌گیری [را] گزارش بدهید، استاندار گیلان عوض شود.

بنی صدر: باید دید عمومی دولت عوض شود.

خامنه‌ای: خویشاوند خانم صدر است.

بهشتی: عزل و نصب استاندار با آقایان است. تا حالا یک استاندار عوض کردید، روسای بانک‌ها را عوض کنید.

منتظر اصلاح کلی نمی‌مانیم و از اصلاحات بهتر صرف‌نظر می‌کنیم.

هاشمی: تز این بود، وزارت کشور را بگیریم، یک منطقه را اصلاح کنیم، با این ترتیب نشد.

بنی صدر: ضدیت انقلاب و دولت معلوم است. عضویت آن را نمی‌پذیرم.

باهنر: دیروز یک ساعت مصاحبه پر کردم که شورای انقلاب از موضع انقلاب صحبت می‌کند و علت رفتن در دولت را بیان کردیم.

قطب‌زاده: بدبختی این است [که] اگر جلو برویم دوباره جلوی ما را می‌گیرند و پشت ما خالی می‌شود. اگر مطمئن باشیم، اینها را درب و داغون می‌کنم.

سحابی: جمله این است، یک اعلامیه غلاظ و شداد درست نیست. یکی مثل صحبت پریشب ظهیرنژاد [که] رسوا کرد، ولی یک کلمه بد نگفت، اسناد و مدارک آورد، مردم قضاوت می‌کنند.

قطب‌زاده: متد تبلیغات را روشن کرد. دم دانشگاه یک نفر با ته‌ریش احياناً با یک نفر سیل هر دو مارکسیست هستند، بحث می‌کنند و مذهبی کوبیده می‌شود.

خامنه‌ای: ما همه وسایل در اختیارمان هست، استفاده نمی‌شود.

بنی صدر: یک سرمقاله برای خودمختاری نوشته ایم. در روسیه و آلمان مواردی و اتریش این امور، مقداری در صلاحیت دولت مرکزی است.

قطب‌زاده: قسمتی از فیلم را مربوط به عزالدین قطع کردند. مصاحبه عزالدین که گرفته‌اند، تلویحاً تجزیه‌طلبی است. بهشتی: دیروز دو تا از دوستان مفتی زاده آمدند. یا اینها راست می‌گویند، باید جلوی شایعه را گرفت. با آنها صحبت کرده مفتی‌زاده، آخر کار گفته‌اند با هم نمی‌توانیم آب خود را در یک جو ببریم و مفتی‌زاده مصمم‌تر برگشته. استاندار کردستان آدم بدی نیست، تلفن بردارید (در جلسه صحبت کند). از رضائیه از بالا و از سنندج از پایین.

بنی صدر: -

جلالی: موسوی و هاشمی گفتند مجلس خبرگان، انتخابات رئیس جمهور و غیره. هر وقت راه‌حل اساسی مطرح می‌شود، می‌خواهید به آن برسید. انقلاب رهبری شده می‌خواهد این بار را بگذارد الان در دولتی که شورا و مشورت داریم، باید به وضعی برسیم که یک رئیس جمهور باشد. اگر مملکت درست شود شما هیچ‌کاره [...] شورا نیست یا علیه رئیس جمهور مبارزه می‌کند. با وضع ناجور اگر روزبه‌روز خراب می‌شود، رئیس جمهور بدتر می‌شود. چند ماه مهم‌تر از حتی از دوره ریاست جمهور است. اساس استحکام و کارش است که ربط به این مرحله دارد.

بهشتی: درست روی این منطق دوستان در وضع جدید قرار گرفته‌اند.

جلالی: ... هرچه می‌آییم، دولت ذخیره ارزی دارد، پول دارد، مصرف عمرانی نمی‌شود. اگر عده‌ای بروند در دولت، شورا تکیه رأی داشته باشد، با این اعلام که اعتبار شورا را از بین برد، نظر مردم این است. طرح ندارم، چون هر وقت طرح اساسی مطرح می‌شود، می‌گویند این دوره را بگذرانیم.

قطب‌زاده: نقطه دیگر وزارت خارجه، مرکز توطئه علیه ایران، سفارتخانه‌های ایران، تمام اسناد رفته، تمام جنجال‌ها، [اما] حداکثر سفیر عوض کردیم. امیرعلایی^۱ در پاریس، تمام کارها دست کاردار است که اسناد را دزدیده. عده‌ای بچه مسلمان در کشورها هستند. نواب نمی‌تواند سفارت را اداره کند.

جلالی: اگر فکر اساسی را می‌پذیرید، برویم طرح تهیه کنیم.

قطب‌زاده: بیست روز دیگر.

هاشمی: یک ماه قبل تصمیم گرفتیم کابینه سایه تهیه کنیم.

قطب‌زاده: اجازه می‌دهید کابینه سایه از هفته آینده آماده و جانشین بیاید [؟]

هاشمی: قبلاً تصمیم گرفتیم، ولی باید دید [در] این مدت کوتاه لازم است عوض شود یا نه.

قطب‌زاده: الان بحث روی این دولت است. دولت موهوم است.

خامنه‌ای: برای احتیاط، داشتن آن لازم است.

جلالی: مدت سه ماه درست نیست. حالا هست تا انقلاب علیه الان دسته‌بندی را نمی‌توانید جلوگیری کنید.

قطب‌زاده: پیشنهاد دارم افرادی برای دولت سایه تصمیم بگیرند، به‌عنوان مشاور در وزارتخانه‌ها باشند.

هاشمی: اگر انتخاب [دولت] سایه است، آیا یک عده به‌عنوان معاون برود [تا] آشنا بشود، خوب است [؟]

خامنه‌ای: چرا در جلسه نیستی [؟]

1. شمس‌الدین امیرعلایی (1373-1279) از اعضای مؤسس حزب ایران، وزیر اقتصاد، کشور و دادگستری در دولت مصدق و سفیر ایران در فرانسه در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی.

مهندس سحابی: سه هفته بحث شد، به جایی رسیده [اما] دوباره بحث می شود.

بنی صدر: نطق مهندس بازرگان نتیجه مذاکرات بود.

خامنه‌ای: پیشنهاد جلالی، کمیسیون برای تهیه افراد صالح [است].

قطب‌زاده: خامنه‌ای، جلالی، بنی صدر، باهنر.

جلالی: مهندس سحابی باشد.

مهدوی: ریاست دولت یا غیره، با این شرط من موافقم (شوخی کردم).

هاشمی: شنیده‌ام بنی صدر لیست کابینه را دارد.

بهشتی: کار مهندس بسیار بی ربط بود.

1) لایحه لغو اجاره ساختمان‌هایی که مورد احتیاج نیست، تصویب شد.

بهشتی: نماینده شورا برای تفحص در مورد صدر به لیبی برود.

هاشمی: من اگر مایل باشید می روم. قطب‌زاده و رفقاییش مدارکی دارند. علی حجتی¹ را بفرستیم از طرف شورا.

تصویب شد.

1. علی حجتی کرمانی (1316-79) روحانی انقلابی و نویسنده و مدرس الهیات و علوم قرآنی.